



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# نقشہ ی نقش بر آب

مروزی بر بیانات

حضرت آیت اللہ العظمیٰ سید علی خامنہ ای، رہبر معظم انقلاب اسلامی

پہرستون آفتہ سال ۱۳۹۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقشه ی نقش بر آب : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون فتنه سال 88

نویسنده:

## آیت الله العظمی سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

انقلاب اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

# فهرست

فهرست	۵
نقشه ی نقش بر آب : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون فتنه سال ۸۸	۱۳
مشخصات کتاب	۱۳
اشاره	۱۴
مقدمه	۱۸
فهرست مطالب	۲۰
مقدمه	۳۴
فصل اول دهمین انتخابات ریاست جمهوری	۴۲
اشاره	۴۲
۱. اهمیت انتخابات	۴۲
۱.۱. انتخابات، پایه نظام اسلامی است	۴۲
۱.۲. مسئله ی حساس مهم سرنوشت ساز کشور	۴۴
۱.۳. آزمون بزرگ ملت ایران در چشم دشمن	۴۵
۱.۴. آبرو و وسیله عزت ملی	۴۵
۱.۵. شاخص رشد ملی ما	۵۵
۲. چالش	۵۷
۲.۱. تلاش دشمن برای تعطیل یا سرد کردن انتخابات	۵۷
۲.۲. سعی دشمنان برای بدنام و مخدوش کردن چهره انتخابات	۵۸
۳. وظیفه مردم	۵۹
۳.۱. حضور در انتخابات با همه قوا و نشاط	۵۹
۳.۲. انتخاب فرد اصلح	۶۲
۳.۳. مراقبت از ایجاد مجادله و درگیری بین هواداران	۶۴
۴. وظیفه نامزدها	۶۶
۴.۱. توجه به حفظ اقتدار ملت ایران در تبلیغات، اظهارات و حضور خود	۶۶

۶۷	۴.۲. متصل نشدن به نفی دیگری برای اثبات خویش
۶۷	۴.۳. رعایت چهارچوب های شرعی در مناظرات و نطق های خود
۶۷	۴.۴. جلوگیری از تبدیل اختلاف نظرها به اغتشاش و درگیری
۶۸	۴.۵. رعایت انصاف در عملکرد و تبلیغات
۶۸	۵. آسیب شناسی
۶۸	ناسپاسی برخی دوستان و تکرار حرفهای دشمن برای خدشه در انتخابات
۷۰	۶. موضع رهبری در انتخابات ریاست جمهوری
۷۲	۷. پیش بینی؛ شرکت با شور، با علاقه و صمیمی مردم در انتخابات
۷۴	فصل دوم مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه ۲۹ خرداد
۷۴	۱. تبیین و تحلیل ها
۷۴	۱.۱. اثبات مصونیت ایران در برابر تهاجم سیاسی و روانی
۷۵	۱.۲. نمایش حکم فرمایی مردم سالاری در نظام اسلامی و به رخ عالم کشیدن آن
۷۵	اشاره
۷۶	حضور مردم در خیابانها بدون درگیری
۷۶	قاعده مردم سالاری؛ تقدم اکثریت بر اقلیت در مقام عمل
۷۷	مردم سالاری دینی، راه سوم!
۷۹	۱.۳. بی نظیر بودن انتخابات دهم
۷۹	۱.۴. حضور مردم پای صندوق رأی، در مواقعی که کشور احتیاج به فریادرس مقابل بدخواهان دارد
۸۰	۱.۵. آشکاری امید و شادابی مردم و اعتماد آنها به جمهوری اسلامی
۸۱	۱.۵. نمایش تعهد جمعی همه ی آحاد و شور، شعور و تعهد سیاسی جوانان
۸۲	۱.۷. تعلق همه ی رأی دهندگان چهار نامزد به جبهه ی انقلاب
۸۲	۱.۸. تعلق همه ی کاندیداها به نظام
۸۳	۱.۹. آزاد، جدی و شفاف بودن رقابتهای
۸۳	اشاره
۸۴	۱.۹.۱. نقاط مثبت مناظرات
۸۷	۱.۹.۲. آسیب ها و عیوب مناظرات

۸۹	۲. آسیب شناسی
۸۹	۲.۱. تصور اینکه ۲۴ میلیون یک طرفند و ۱۴ میلیون طرف دیگر
۹۰	۲.۲. تبدیل فضای مردم سالاری بعد از انتخابات به فضای خصومت و تقابل
۹۱	۲.۳. تلاش بعضی افراد برای از بین بردن آرامش و وحدت ملی
۹۳	۲.۴. رسیدن دامنه ی افراطی گری نخبگان سیاسی به جاهای بسیار حساس در بدنه مردم
۹۳	۳. توصیه ها
۹۳	۳.۱. حمایت یک پارچه ی همه از رئیس جمهور منتخب و کمک به او
۹۴	۳.۲. حفظ اتحاد ملی و جلوگیری از انشقاق و دشمنی
۹۵	۳.۳. کمک نکردن به تشنج آفرینی
۹۵	۳.۴. حلم و بردباری و ترویج آن میان نخبگان و آحاد مردم
۹۶	۳.۵. موضع صریح گرفتن (نخبگان)
۹۶	۴. جهت گیری دشمن
۹۶	۴.۱. تلاش برای نمایش انتخابات به عنوان دعوی بین طرفداران و مخالفان نظام
۹۷	۴.۲. تردید در انتخابات و در هم شکستن اعتماد مردم به نظام و هدف آنها
۹۸	۴.۳. تلاش برای موج سواری با مشاهده ی اعتراض بعضی نامزدها
۹۹	۵. تذکرات
۹۹	۵.۱. دو جناح و دو گروه همدیگر را عصبانی نکنند
۱۰۰	۵.۲. مخدوش و خراب نکردن رأی چهل میلیونی
۱۰۰	۵.۳. یادآوری آخرین وصایای امام (ره)
۱۰۱	۵.۴. مشاهده دست های دشمن
۱۰۱	۶. هشدارها
۱۰۱	۶.۱. هوشیاری و مواظبت برای جلوگیری از اشتباه
۱۰۲	۶.۲. خاتمه دادن به اردوکشی خیابانی
۱۰۳	۷. راهکار، رسیدگی از راه قانونی
۱۰۸	فصل سوم حوادث پس از انتخابات
۱۰۸	۱. فتنه، ماهیت حوادث بعد از انتخابات

- ۱۰۸ ..... اشاره
- ۱۰۹ ..... ۱.۱. معنای فتنه
- ۱۱۱ ..... ۱.۲. توطئه های پشت فتنه سال ۸۸
- ۱۱۳ ..... ۱.۳. نقش جوانان در به سامان رساندن فتنه ۸۸
- ۱۱۳ ..... ۱.۴. عبور از فتنه سال ۸۸ یک امتحان الهی برای دستیابی به تعالی و ترقی
- ۱۱۵ ..... ۲. ماجرا
- ۱۱۵ ..... اشاره
- ۱۱۶ ..... ۲.۱. شروع طراحی ها و برنامه ریزی دشمن از قبل از انتخابات
- ۱۱۸ ..... ۲.۲. تجاوب (پاسخ دادن) نسبی جمعی از مردم تهران
- ۱۱۸ ..... ۲.۳. زیر سوال رفتن اصل حضور مردم در انتخابات بدون استدلال و به دروغ
- ۱۲۰ ..... ۲.۴. دخالت دشمن
- ۱۲۳ ..... ۲.۵. وقوع برخی تخلفات و جنایات در خلال حوادث پس از انتخابات
- ۱۲۳ ..... ۳. کلید فهم، اصلی و فرعی کردن حوادث پس از انتخابات
- ۱۲۵ ..... ۴. بازیگران
- ۱۲۵ ..... ۴.۱. کارنامه مردم و خواص
- ۱۲۸ ..... ۴.۲. کارنامه نامزدهای معترض و هواداران
- ۱۳۳ ..... ۴.۳ و ۴.۴. اغتشاشگران
- ۱۳۳ ..... ۴.۵. نقش دشمن
- ۱۳۷ ..... ۴.۶. نیروهای امنیتی، انتظامی و بسیج
- ۱۳۷ ..... ۴.۷. رسانه های داخلی
- ۱۴۱ ..... ۵. راهکارها
- ۱۴۱ ..... ۵.۱. پایبندی به قانون و پرهیز از قانون
- ۱۴۴ ..... ۵.۲. ابراز اعتماد نخبگان به نظام
- ۱۴۵ ..... ۵.۳. کسب بصیرت
- ۱۴۷ ..... ۵.۴. روشننگری و بصیرت بخشی
- ۱۴۸ ..... ۵.۵. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه



- ۵.۶. حفظ درهم تنیدگی ابعاد جمهوری اسلامی ..... ۱۵۱
- ۵.۷. ایجاد فضای حسن ظن و برادری در جامعه ..... ۱۵۳
- ۵.۸. فراموش نکردن اصول ..... ۱۵۶
- ۵.۹. برخورد صحیح با نظرات مخالف ..... ۱۵۷
- ۵.۱۰. اتحاد مردم و جریان های سیاسی در برابر مخالفان نظام و کشور ..... ۱۶۰
- ۵.۱۱. پرهیز از شایعه پراکنی علیه مسئولان و ایستادگی در برابر جنگ روانی ..... ۱۶۳
۶. مواضع نظام ..... ۱۶۴
- ۶.۱. انجام رسیدگی به اعتراضات تنها از طریق قانونی ..... ۱۶۴
- ۶.۲. برخورد با اخلاطگرا و مجرمان ..... ۱۶۵
- ۶.۳. برخورد با مجرمان پشت پرده حوادث ..... ۱۶۵
- ۶.۴. حمایت از آسیب دیدگان جانی، مالی و آبرویی ..... ۱۶۷
- ۶.۵. محاسبه اقدامات و مواضع خصمانه بیگانگان در روابط آینده ..... ۱۶۷
- ۶.۶. برخورد با تخلفات و جنایات صورت گرفته در خلال حوادث ..... ۱۶۸
- ۶.۷. پایبندی به جذب حداکثری و دفع حداقلی ..... ۱۶۹
۷. پیامها، تجربه ها و درسها ..... ۱۷۱
- ۷.۱. قدرت جمهوری اسلامی در به صحنه آوردن مردم ..... ۱۷۱
- ۷.۲. اثبات جمهوریت نظام ..... ۱۷۳
- ۷.۳. وجود اعتماد متقابل میان مردم و نظام اسلامی ..... ۱۷۴
- ۷.۴. وجود نشاط و امید در مردم ..... ۱۷۶
- ۷.۵. هوشیاری و بیداری ملت ..... ۱۷۷
- ۷.۶. امکان ضربه زدن دشمن حتی در بهترین شرایط ..... ۱۷۷
- ۷.۷. وجود خطرهای بزرگ پس از پیروزیهای بزرگ ..... ۱۷۹
- ۷.۸. تغییر اولویت دشمن به مواجهه نرم با جمهوری اسلامی ..... ۱۸۱
- ۷.۹. آشکار شدن عظمت نظام و انقلاب اسلامی برای دشمن ..... ۱۸۳
- ۷.۱۰. احتمال منتهی شدن لغزشهای کوچک به لغزشهای بزرگ و فاسد شدن انسان ..... ۱۸۴
- ۷.۱۱. امکان متوجه نبودن کسی که در داخل، محور توطئه قرار گرفته است ..... ۱۸۶

- ۷.۱۲. نمایش تبدیل نظام به یک مجموعه ضد ضربه و مصون از توطئه دشمنان ..... ۱۸۷
- ۷.۱۳. شناختن ضعفهایمان ..... ۱۹۰
۸. سرانجام ..... ۱۹۰
- ۸.۱. حل شدن حوادث در هاضمه ی نظام ..... ۱۹۰
- ۸.۲. حماسه ۹ دی ..... ۱۹۱
- ۸.۳. حماسه ۲۲ بهمن، اتمام حجت بر همه! ..... ۱۹۶
- ۸.۴. اثبات ماندگاری انقلاب اسلامی ..... ۱۹۸
- ۸.۵. اثبات ایستادگی ملت ایران ..... ۲۰۰
- ۸.۶. تقویت بیشتر جمهوری اسلامی ..... ۲۰۱
- ۸.۷. گشوده شدن فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران ..... ۲۰۲
- فصل چهارم کسب بصیرت ..... ۲۰۴
۱. معنا و ابعاد بصیرت ..... ۲۰۴
۲. سطوح بصیرت ..... ۲۰۵
۳. اهمیت بصیرت ..... ۲۱۱
۴. ضرورت بصیرت ..... ۲۱۳
- ۴.۱. هوشیاری در برابر فریبکاری دشمن ..... ۲۱۳
- ۴.۲. احتیاج هرگونه حرکت عمومی به بصیرت عمومی ..... ۲۱۴
- ۴.۳. زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز ..... ۲۱۶
- ۴.۴. تشخیص دوست از دشمن ..... ۲۱۷
- ۴.۵. مشتبه شدن حق و باطل ..... ۲۱۹
۵. مصادیق ..... ۲۲۰
- ۵.۱. شناخت استکبار ..... ۲۲۰
- ۵.۲. شناخت جمهوری اسلامی و سخن تازه ای که در عرصه سیاسی جهان مطرح کرد ..... ۲۲۶
- ۵.۳. غافل نشدن از تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف ..... ۲۲۷
- ۵.۴. خطا نکردن در شناخت دوست از دشمن ..... ۲۲۹
- ۵.۵. لحظه شناسی ..... ۲۳۰

- ۵.۶. پرهیز از افراط و تفریط ..... ۲۳۱
۶. نتیجه فقدان بصیرت ..... ۲۳۲
- ۶.۱. وارد شدن بلاهایی بر ملت ع ها و خطا بر اثر بی بصیرتی ..... ۲۳۲
- ۶.۲. احتمال قدم گذاشتن در راه بد ولو با نیت خوب ..... ۲۳۳
- ۶.۳. صحبت به نفع دشمن در عین نداشتن نیت بد ..... ۲۳۳
۷. الزامات کسب بصیرت ..... ۲۳۴
- ۷.۱. حفظ هوشیاری بیش از پیش ..... ۲۳۴
- ۷.۲. شجاعت در فهم و نترسیدن از اهل فتنه ..... ۲۳۷
- ۷.۲.۱. اختلال در فهم انسان در صورت وجود ترس ..... ۲۳۷
- ۷.۲.۲. ضرورت تقوا و نترسیدن از اهل فتنه ..... ۲۳۸
- ۷.۲.۳. شجاعت امام خمینی (ره) و ملاحظه کار نبودن او ..... ۲۳۹
- ۷.۲.۴. تلاش اهل فتنه و دشمن برای نشان دادن ترس خود در دل نخبگان ..... ۲۳۹
- ۷.۲.۵. کنار کشیدن به هنگام فتنه ..... ۲۴۱
- ۷.۳. توکل، اعتماد و حسن ظن به خدای متعال ..... ۲۴۲
- ۷.۴. تلاش برای افزایش آگاهی ..... ۲۴۲
- ۷.۵. تلاش و مجاهدت ..... ۲۴۳
- ۷.۶. شاخص قرار دادن عقل و خرد ..... ۲۴۳
- ۷.۷. لحظه شناسی ..... ۲۴۴
- ۷.۸. برنامه ریزی بلند مدت برای بصیرت یافتن ..... ۲۴۵
۸. معیار؛ توجه به خشمگینی و شغف دشمنان ..... ۲۴۶
۹. وظیفه خواص؛ فهم و تبیین حقایق و ایجاد بصیرت در خود و دیگران ..... ۲۴۷
- فصل پنجم جنگ نرم ..... ۲۵۰
۱. جنگ نرم؛ دارای خطری برابر با جنگ نظامی ..... ۲۵۰
۲. منشأ جنگ نرم؛ شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام و عمیق و پیچیده شدن ریشه های نظام اسلامی ..... ۲۵۱
۳. معنای جنگ نرم ..... ۲۵۲
۴. هدف دشمن از جنگ نرم ..... ۲۵۲

- ۲۵۳ ..... ۵. خطوط اصلی در جنگ نرم
- ۲۵۳ ..... ۵.۱. غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور
- ۲۵۵ ..... ۵.۲. اختلاف و تفرقه در جامعه
- ۲۵۶ ..... ۵.۳. خدشه در نشانه های امید و القای یأس به جامعه
- ۲۵۹ ..... ۵.۴. انصراف ذهن مردم از دشمنی دشمن
- ۲۶۰ ..... ۶. راههای مقابله با جنگ نرم دشمن
- ۲۶۰ ..... ۶.۱. ایجاد بصیرت و تدبیر
- ۲۶۱ ..... ۶.۲. اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور
- ۲۶۱ ..... ۷. دانشجویان؛ افسران جوان جبهه جنگ نرم
- ۲۶۱ ..... ۷.۱. معنای افسری
- ۲۶۲ ..... ۷.۲. الزامات افسری در جبهه جنگ نرم
- ۲۶۳ ..... ۸. نقش اساتید در فرماندهی جبهه جنگ نرم
- ۲۶۵ ..... ۹. نقطه پایان؛ پیشرفت و رسیدن ما به اقتدار همه جانبه
- ۲۶۸ ..... درباره مرکز

**نقشه ی نقش بر آب : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون فتنه سال 88**

**مشخصات کتاب**

عنوان و نام پدیدآور : نقشه ی نقش بر آب : مروری بر بیانات حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی پیرامون فتنه سال 88. / به کوشش [پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه ای].

مشخصات نشر : تهران: انقلاب اسلامی، 1394.

مشخصات ظاهری : 248ص.؛ 14/5×21س م.

شابک : 80000ریال: 978-964-2951-25-3

وضعیت فهرست نویسی : فایا(چاپ هشتم).

یادداشت : چاپ اول: 1390(فیپا).

یادداشت : چاپ هشتم.

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - - دیدگاه درباره فتنه و فتنه انگیزی.

موضوع : خامنه ای، سید علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - - دیدگاه درباره انتخابات

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، 1318 - - پیام ها و سخنرانی ها

موضوع : روسای جمهور -- ایران -- انتخابات -- 1388

موضوع : ایران -- سیاست و حکومت -- 1388

ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، 1388 -- جنبش سبز

شناسه افزوده : پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی سیدعلی خامنه ای (مد ظله العالی)

رده بندی کنگره : DSR1692 / ف2 ن7 1394

رده بندی دیویی : 955/0844

شماره کتابشناسی ملی : 9 9 8 4 0 3 2



بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 2





نقشه ی نقش برآب

مروری بر بیانات

حضرت آیت الله العظمی سید علی خامنه ای (مدظله العالی)

رهبر معظم انقلاب پیرامون فتنه سال 88

ص: 4

برقراری نظام جمهوری اسلامی به تعبیر رسای بنیانگذار آن، حضرت امام خمینی (ره)، از نعمتهای بزرگ الهی بر مردم این سرزمین و تمامی مستضعفین جهان بوده است. مروری بر تاریخ پرافتخار این نهضت و شکل‌گیری نظام مقدس جمهوری اسلامی به روشنی نقش و تأثیر اصل مترقی ولایت فقیه و رهبری حکیمانه‌ی حضرت امام (ره) و پس از آن حضرت آیت‌الله العظمی سید علی خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، را در هدایت انقلاب در کوران حوادث گوناگون روزگار نشان می‌دهد.

مؤسسه‌ی پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی که وظیفه‌ی حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری را بر عهده دارد، در اجرای همین وظیفه اقدام به انتشار کتابهای موضوعی به منظور نشر بیانات، دیدگاه‌ها و رهنمودهای معظم‌له در مقاطع، مناسبت‌های و موضوعات مختلف می‌نماید.

سال 1388 یکی از مهمترین مقاطع تاریخ انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود.

بروز فتنه‌ی بزرگ و سازمان‌یافته‌ی که دشمنان قسم‌خورده‌ی این انقلاب و سرزمین، سالها برای آن برنامه‌ریزی و آماده‌سازی کرده بودند کشور و همه‌ی آحاد جامعه را در معرض آزمونی بزرگ و سرنوشت‌ساز قرار داد.

به مدد لطف و عنایت الهی و برکات خون شهیدان و با رهبری حکیمانه و بی‌نظیر مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، انقلاب اسلامی این‌گرددنه‌ی دشوار را پشت سر نهاد.

کتاب حاضر حاوی فرازهای مهمی از رهنمودهای معظم‌له در طول یک سال و نیم گذشته و حاوی درس‌هایی ماندگار از این دوران حساس است.

ومن الله التوفیق

ص: 6

فصل اول: دهمین انتخابات ریاست جمهوری 23

1. اهمیت انتخابات 23

1.1. انتخابات، پایه نظام اسلامی است 23

1.2. مسئله‌ی حساس مهم سرنوشت ساز کشور 25

1.3. آزمون بزرگ ملت ایران در چشم دشمن 26

1.4. آبرو و وسیله عزت ملی 26

1.5. شاخص رشد ملی ما 36

2. چالش 38

2.1. تلاش دشمن برای تعطیل یا سرد کردن انتخابات 38

2.2. سعی دشمنان برای بدنام و مخدوش کردن چهره انتخابات 39

3. وظیفه مردم 40

3.1. حضور در انتخابات با همه قوا و نشاط 40

3.2. انتخاب فرد اصلح 43

3.3. مراقبت از ایجاد مجادله و درگیری بین هواداران 45

4. وظیفه نامزدها 47

4.1. توجه به حفظ اقتدار ملت ایران در تبلیغات، اظهارات و حضور خود 47

4.2. متصل نشدن به نفی دیگری برای اثبات خویش 48

4.3. رعایت چهارچوبهای شرعی در مناظرات و نطقهای خود 48

4.4. جلوگیری از تبدیل اختلاف نظرها به اغتشاش و درگیری 48

4.5. رعایت انصاف در عملکرد و تبلیغات 49

5. آسیب شناسی 49

ناسپاسی برخی دوستان و تکرار حرفهای دشمن برای خدشه در انتخابات 49

6. موضع رهبری در انتخابات ریاست جمهوری 51

7. پیش بینی؛ شرکت با شور، با علاقه و صمیمی مردم در انتخابات 53

فصل دوم: مواضع رهبری پس از انتخابات تا نماز جمعه 29 خرداد 55

1. تبیین و تحلیلها 55

1.1. اثبات مصونیت ایران در برابر تهاجم سیاسی و روانی 55

1.2. نمایش حکم فرمایی مردم سالاری در نظام اسلامی و به رخ عالم کشیدن آن 56

حضور مردم در خیابانها بدون درگیری 57

قاعده مردم سالاری؛ تقدم اکثریت بر اقلیت در مقام عمل 57

مردم سالاری دینی، راه سوم! 58

1.3. بی نظیر بودن انتخابات دهم 60

1.4. حضور مردم پای صندوق رأی، در مواقعی که کشور احتیاج به فریادرس مقابل بدخواهان دارد 60

1.5. آشکاری امید و شادابی مردم و اعتماد آنها به جمهوری اسلامی 61

1.5. نمایش تعهد جمعی همه ی آحاد و شور، شعور و تعهد سیاسی جوانان 62

1.7. تعلق همه ی رأی دهندگان چهار نامزد به جبهه ی انقلاب 63

1.8. تعلق همه ی کاندیداها به نظام 63

1.9. آزاد، جدی و شفاف بودن رقابتها 64

1.9.1. نقاط مثبت مناظرات 65

1.9.2. آسیبها و عیوب مناظرات 68

2. آسیب شناسی 70

2.1. تصور اینکه 24 میلیون يك طرفند و 14 میلیون طرف دیگر 70

ص: 8

2.2. تبدیل فضای مردم سالاری بعد از انتخابات به فضای خصومت و تقابل 71

2.3. تلاش بعضی افراد برای از بین بردن آرامش و وحدت ملی 72

2.4. رسیدن دامنه افراطی گری نخبگان سیاسی به جاهای بسیار حساس... 74

3. توصیه ها 74

3.1. حمایت يك پارچه ی همه از رئیس جمهور منتخب و كمك به او 74

3.2. حفظ اتحاد ملی و جلوگیری از انشقاق و دشمنی 75

3.3. كمك نکردن به تشنج آفرینی 76

3.4. حلم و بردباری و ترویج آن میان نخبگان و آحاد مردم 76

3.5. موضع صریح گرفتن (نخبگان) 77

4. جهت گیری دشمن 77

4.1. تلاش برای نمایش انتخابات به عنوان دعوای بین طرفداران و... 77

4.2. تردید در انتخابات و در هم شکستن اعتماد مردم به نظام و هدف آنها 78

4.3. تلاش برای موج سواری با مشاهده ی اعتراض بعضی نامزدها 79

5. تذکرات 80

5.1. دو جناح و دو گروه همدیگر را عصبانی نکنند 80

5.2. مخدوش و خراب نکردن رأی چهل میلیونی 81

5.3. یادآوری آخرین وصایای امام (ره) 81

5.4. مشاهده دست های دشمن 82

6. هشدارها 82

6.1. هوشیاری و مواظبت برای جلوگیری از اشتباه 82

6.2. خاتمه دادن به اردو کشی خیابانی 83

7. راهکار، رسیدگی از راه قانونی 84

فصل سوم: حوادث پس از انتخابات 89

1. فتنه، ماهیت حوادث بعد از انتخابات 89

1.1. معنای فتنه 90

1.2. توطئه های پشت فتنه سال 88 92

1.3. نقش جوانان در به سامان رساندن فتنه 88 94

1.4. عبور از فتنه سال 88 يك امتحان الهی برای دستیابی به تعالی و ترقی 94

2. ماجرا 96

ص: 9



2.1. شروع طراحی ها و برنامه ریزی دشمن از قبل از انتخابات 97

2.2. تجاوب (پاسخ دادن) نسبی جمعی از مردم تهران 99

2.3. زیر سوال رفتن اصل حضور مردم در انتخابات بدون استدلال و به دروغ 99

2.4. دخالت دشمن 101

2.5. وقوع برخی تخلفات و جنایات در خلال حوادث پس از انتخابات 104

3. کلید فهم، اصلی و فرعی کردن حوادث پس از انتخابات 104

4. بازیگران 106

4.1. کارنامه مردم و خواص 106

4.2. کارنامه نامزدهای معترض و هواداران 109

4.3 و 4.4. اغتشاشگران 114

4.5. نقش دشمن 114

4.6. نیروهای امنیتی، انتظامی و بسیج 118

4.7. رسانه های داخلی 118

5. راهکارها 122

5.1. پایبندی به قانون و پرهیز از قانون 122

5.2. ابراز اعتماد نخبگان به نظام 125

5.3. کسب بصیرت 126

5.4. روشنگری و بصیرت بخشی 128

5.5. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه 129

5.6. حفظ درهم تنیدگی ابعاد جمهوری اسلامی 132

5.7. ایجاد فضای حسن ظن و برادری در جامعه 134

5.8. فراموش نکردن اصول 137

5.9. برخورد صحیح با نظرات مخالف 138

5.10. اتحاد مردم و جریانهای سیاسی در برابر مخالفان نظام و کشور 141

5.11. پرهیز از شایعه پراکنی علیه مسئولان و ایستادگی در برابر جنگ روانی 144

6. مواضع نظام 145

6.1. انجام رسیدگی به اعتراضات تنها از طریق قانونی 145

6.2. برخورد با اخلاالگران و مجرمان 146

6.3. برخورد با مجرمان پشت پرده حوادث 146

ص: 10

- 6.4. حمایت از آسیب دیدگان جانی، مالی و آبرویی 148
- 6.5. محاسبه اقدامات و مواضع خصمانه بیگانگان در روابط آینده 148
- 6.6. برخورد با تخلفات و جنایات صورت گرفته در خلال حوادث 149
- 6.7. پایبندی به جذب حداکثری و دفع حداقلی 150
7. پیام‌ها، تجربه‌ها و درس‌ها 152
- 7.1. قدرت جمهوری اسلامی در به صحنه آوردن مردم 152
- 7.2. اثبات جمهوریت نظام 154
- 7.3. وجود اعتماد متقابل میان مردم و نظام اسلامی 155
- 7.4. وجود نشاط و امید در مردم 157
- 7.5. هوشیاری و بیداری ملت 158
- 7.6. امکان ضربه زدن دشمن حتی در بهترین شرایط 158
- 7.7. وجود خطرهای بزرگ پس از پیروزیهای بزرگ 160
- 7.8. تغییر اولویت دشمن به مواجهه نرم با جمهوری اسلامی 162
- 7.9. آشکار شدن عظمت نظام و انقلاب اسلامی برای دشمن 164
- 7.10. احتمال منتهی شدن لغزشهای کوچک به لغزشهای بزرگ... 165
- 7.11. امکان متوجه نبودن کسی که در داخل، محور توطئه قرار گرفته است 167
- 7.12. نمایش تبدیل نظام به یک مجموعه ضد ضربه و مصون از... 168
- 7.13. شناختن ضعف هایمان 171
8. سرانجام 171
- 8.1. حل شدن حوادث در هاضمه ی نظام 171
- 8.2. حماسه 9 دی 172

8.3. حماسه 22 بهمن، اتمام حجت بر همه! 177

8.4. اثبات ماندگاری انقلاب اسلامی 179

8.5. اثبات ایستادگی ملت ایران 181

8.6. تقویت بیشتر جمهوری اسلامی 182

8.7. گشوده شدن فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران 183

فصل چهارم: کسب بصیرت 185

1. معنا و ابعاد بصیرت 185

2. سطوح بصیرت 186

ص: 11

3. اهمیت بصیرت 192

4. ضرورت بصیرت 194

4.1. هوشیاری در برابر فریبکاری دشمن 194

4.2. احتیاج هرگونه حرکت عمومی به بصیرت عمومی 195

4.3. زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز 197

4.4. تشخیص دوست از دشمن 198

4.5. مشتبه شدن حق و باطل 200

5. مصادیق 201

5.1. شناخت استکبار 201

5.2. شناخت جمهوری اسلامی و سخن تازه ای که در عرصه سیاسی... 207

5.3. غافل نشدن از تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف 208

5.4. خطا نکردن در شناخت دوست از دشمن 210

5.5. لحظه شناسی 211

5.6. پرهیز از افراط و تفریط 212

6. نتیجه فقدان بصیرت 213

6.1. وارد شدن بلاهایی بر ملت ع ها و خطا بر اثر بی بصیرتی 213

5.2. احتمال قدم گذاشتن در راه بد ولو با نیت خوب 214

6.3. صحبت به نفع دشمن در عین نداشتن نیت بد 214

7. الزامات کسب بصیرت 215

7.1. حفظ هوشیاری بیش از پیش 215

7.2. شجاعت در فهم و نترسیدن از اهل فتنه 218

7.2.1. اختلال در فهم انسان در صورت وجود ترس 218

7.2.2. ضرورت تقوا و نترسیدن از اهل فتنه 219

7.2.3. شجاعت امام خمینی (ره) و ملاحظه کار نبودن او 220

7.2.4. تلاش اهل فتنه و دشمن برای نشاندن ترس خود در دل نخبگان 220

7.2.5. کنار کشیدن به هنگام فتنه 222

7.3. توکل، اعتماد و حسن ظن به خدای متعال 223

7.4. تلاش برای افزایش آگاهی 223

7.5. تلاش و مجاهدت 224

ص: 12

7.6. شاخص قرار دادن عقل و خرد 224

7.7. لحظه شناسی 225

7.8. برنامه ریزی بلندمدت برای بصیرت یافتن 226

8. معیار؛ توجه به خشمگینی و شغف دشمنان 227

9. وظیفه خواص؛ فهم و تبیین حقایق و ایجاد بصیرت در خود و دیگران 228

فصل پنجم: جنگ نرم 231

1. جنگ نرم؛ دارای خطری برابر با جنگ نظامی 231

2. منشأ جنگ نرم؛ شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام و عمیق و... 232

3. معنای جنگ نرم 233

4. هدف دشمن از جنگ نرم 234

5. خطوط اصلی در جنگ نرم 234

5.1. غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور 234

5.2. اختلاف و تفرقه در جامعه 236

5.3. خدشه در نشانه های امید و القای یأس به جامعه 237

5.4. انصراف ذهن مردم از دشمنی دشمن 240

6. راههای مقابله با جنگ نرم دشمن 241

6.1. ایجاد بصیرت و تدبیر 241

6.2. اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور 242

7. دانشجویان؛ افسران جوان جبهه جنگ نرم 242

7.1. معنای افسری 242

7.2. الزامات افسری در جبهه جنگ نرم 243

8. نقش اساتید در فرماندهی جبهه جنگ نرم 244

9. نقطه پایان؛ پیشرفت و رسیدن ما به اقتدار همه جانبه 246

ص: 13





(از محمدحسین صفار هرنندی)

بسم الله الرحمن الرحيم

ایستاده در جایگاه خطیب جمعه، پیشاروی هزاران تن از مؤمنان نمازگزار فرمود:

«تن دادن به مطالبات غیرقانونی زیر فشار، شروع دیکتاتوری است... این تصوّر غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست می کنند و مسئولین را مجبور می کنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند... بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوب های قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی مصونیت نخواهد داشت»

یک هفته از انتخابات 22 خرداد سپری شده بود و هفت روز سراسر هیجان، التهاب، حیرت و تردید و آشوبی که از برخی دل های بیمار و کینه جو برمی آمد و در شعله های خشم جماعتی بازی خورده و غفلت زده زبانه می کشید و به جان شهر شرر می زد. و آنک در هفتمین روز، امام مردم در میعاد آدینه، از فراز منبر جمعه، با امت خویش سخن می گفت. کلامش، زبان حال و ترجمان بغض فروخورده و دل دردمند مردمانی بود که آرزو

ص: 15

داشتند به شکرانهٔ حماسه بزرگ انتخابات که با ثبت رکورد چهل میلیونی حضور به دست آمده بود، جشن پیروزی برپا کنند اما با دریغ و افسوس لحظه های ناب این ایام را لگدکوب تمناهای شیطانی اهالی توهم می یافتند.

راهبر، اما در آینه حکمت و تجربه، آتش فتنه ای را می دید که آتشگیره های آن جهل بود و عصبیت و عقده های انباشته شده در سینه ی پرکینه ی دشمنان خارجی و ضدانقلابیون و نیز انقلابیون پشیمان و به تجدیدنظر رسیده در حقانیت راه طی شده.

«آقا» می دید که دغدغه های بیست سال پیش او، چگونه اکنون جامه تحقق بر تن کرده و تهاجم نرم دشمن، آتش به خرمن ایمان و وفاداری جماعتی از دوستان دیروز - مدعیان پرادعای انقلاب - افکنده و آنان را در مرداب هواهای نفسانی، رفاه زدگی و غوطه در چرب و شیرین دنیا زمین گیر کرده است.

در این بیست سال پس از کوچ روحانی آن راحل عظیم - که رضوان خدا نصیب او باد - بارها هشدار داده و بر خواص و عوام نهیب زده بود که از کید اهریمن غافل نباشند که این بار، آنچه بیش از هر چیز، آماج ضربات کین توزانه ی دشمن قرار می گیرد، آرمان ها و ارزش های اعتقادی و انقلابی ملت است و هیچ کس از این تیرباران فرهنگی خصم در امان نیست، مگر آنان که در روزگار فتنه، خود را به سلاح «بصیرت» و سپر «صبر» تجهیز کرده باشند و این زلال کلام امیر (ع) بود که بر زبان نایب امام عصر (عج) جاری می شد و گوش جان مخاطبان حق پذیر را می نواخت: «الا- و لا یحملُ هذا العلمُ الا اهلُ البصر و الصبر» ایها الناس! شما را به روشن بینی و تعبد فرا می خوانم که جز از این راه، شما را یارای بر دوش کشیدن بار سنگین ایمان و پایداری در ایام فتنه نیست. باور دشمن، این بود که با گذشت سی سال از

ظهور انقلاب و سپری شدن دو دهه از رحلت خمینی کبیر (ره)، دیگر رمقی در جان نظام اسلامی نمانده و اینک موسم انتقام از آیین امام فرارسیده است. تاریخ گواهی داده است که برخلاف رهبران نخست هر نهضت که موسس و بنیانگذارند، پیش روی رهبران ثانی، راه، بسی دشوار و پرسنگلاخ است و این فرصتی است تا به نام مصالح اندیشی، راهبر را ناگزیر از تن دادن به شرایط ناخواسته و ناگوار سازند.

فریب خوردگان دشمن پیش از این گفته بودند که چاره را باید در نظریه «فشار از پایین و چانه زنی در بالا» جست. و اکنون عرصه را برای عملی ساختن این ترفند شیطانی فراهم یافتند. با خود اندیشیدند که نظام از جماعت خشمگین به فریاد آمده در کف خیابان، متزلزل می شود. پس به جای پی گیری قانونی شبهه ی تقلب در محافل و مراکز رسمی حکومت، فریب خوردگان بازی تقلب را باید به کوی و برزن فراخواند و پشتوانه لشکر اعتراض و اغتشاش را مقدمه ای برای تسلیم انقلاب مردم در برابر خواسته های غیرقانونی خویش قرار داد.

یک بار در واقعه 18 تیر 78 این ترفند را آزموده بودند. وقتی آتش فتنه در آن چند روز طوفانی از هر سوی شهر زبانه کشید، نفراتی از موجهین را ظاهراً با پیام مصلحت اندیشی و در باطن، برای به تسلیم کشاندن جانشین امام، نزد ایشان گسیل داشتند. پیک ها، حرف های خود را از موضع دلسوزی! بیان داشتند و پاسخ شنیدند که: با قبول این پیشنهادها، که بوی تسلیم در برابر باج خواهی دشمن از آن به مشام می رسد، آیا خود شما، از این پس حاضرید پشت سر من نماز بگذارید؟!!

همان روز بود که رهبر در اجتماع شورانگیز دانشجویانی که برخی از آنان زخم فاجعه ی اسفبار 18 تیر را بر تن و دل داشتند، پس از تبیین

صحنه

و رویارویی دو جبهه که یکی وفاداری به انقلاب و راه امام را مقصد خویش گرفته بود و دیگری کمر به هدم ارزش های برآمده از اسلام و انقلاب بسته بود، دل گفته های تا آن روز ناگفته را در قالب گزارش به محضر مولا و سید خویش (حضرت صاحب الامر (عج) عرضه داشتند... شد آنچه باید می شد. فردای آن روز بود که مردم شهر خود، برای برچیدن بساط فتنه، آستین بالا زدند و ساعاتی نگذشت که طومار فتنه گران به دست مردم درهم پیچیده شد.

سال 88، از آن واقعه ی تیرماه 78 يك دهه گذشته بود. بار دیگر مردم در برابر آزمونی دشوار قرار گرفته بودند. پیروان نظریه ی فشار و چانه زنی، این بار صریحتر فرمان صادر کرده بودند: «تجمع و آشوب در خیابان، چانه زنی و کسب امتیاز در بیت رهبری». همه چیز در خدمت این اندیشه پلید، به میدان آورده شد؛ از لشکر بی خبر و غافل، تا انواع امکانات رسانه ای و تدارکات ضروری برای اغتشاش و بلوا و دستمایه فریبی به وسعت و بزرگی «اتهام تقلب در انتخابات». دشمن این بار بسی پیچیده تر و با بهره گیری از تجربیات رنگارنگ انقلاب های مخملی وارد عمل شد و هر روز شیوه ای تازه در پیش گرفت. مدعیان غافل نیز دست در دست شیطان گذاشتند. تکیه بر نمادی که ریشه در اعتقادات شیعی و عاطفی مردم داشت، عامل انسجام بخش جمع های پراکنده ای بود که بسیاری از آنها نیرنگ تقلب را باور کرده بودند. سحره ی فرعون با چیره دستی هر چه تمامتر، صحنه را آراسته و زمینه باورپذیری دروغ را در اذهان ساده و بی اطلاع فراهم کرده بودند. اهالی جبهه حق آمد، با دلی پر خون و در عین حال امیدوار به فضل و نصرت پروردگار، اعجاز الهی را به انتظار نشسته بودند تا همچون عصای موسی (ع) اژدهاگون، مارهای خوش خط و خال ساحران را ببلعد.

آبشار کلام بصیرت افزای پیشوای ملت در روز 29 خرداد و از آن پس تا هشت ماهی که در خیابان ها، جدال بر سر آینده جهان، جریان داشت، باطل السحر همه نیرنگ های جادویی شیطان بزرگ و اصحاب ریز و درشت داخلی و خارجی اش شد.

اگر جاری حکمت آقا در خطبه های علی گونه ی جمعه 29 خرداد نبود، چگونه متصور بود که طی يك روز ظرفیت فتنه و آشوب به يك دهم تقلیل پیدا کند؟ آری، نود درصد آنها که تا روز قبل سیاهی لشکر بلوای خیابانی شده بودند، با غیر شرعی و غیر قانونی تلقی شدن این کار در کلام خطیب آن روز جمعه، دیگر به قافله ی اهل غفلت نپیوستند.

در آن هشت ماه سرنوشت ساز و از آن پس نیز تا امروز، سخنان مقتدای مردم، در جمع ها و مناسبت های مختلف، هر يك، نسخه ای برای درمان دردی و چاره ای برای شکستن بن بستی و پاسخی برای پرسش ها و ابهامات برجامانده در دلها بوده است. گفته های ایشان که با چینش هنرمندانه کلمات و عبارات، همچون همیشه همراه است، در این دوره زمانی از پیوستگی معنایی و ترتیب و انسجام خاصی بهره می گیرد، آن گونه که می توان از خلال کلام ایشان، عمق تاریخ و حوادث و رویدادهای آن ایام را مروری عالمانه کرد.

علاوه بر این، در بازخوانی این گفتارهای پی در پی، بر چگونگی راهبری جامعه در قضایای فتنه نیز می توان آگاهی یافت. اگر چه رمز و رازهای هدایت کشتی انقلاب به دست سکandar حکیم آن را صرفاً در کلام او نمی توان جست و باید نقیبی به دیگر وجوه این راهبری که در مکتوبات، انتصابات، تصمیمات، ارتباطات و اقدامات ایشان مستتر است، گشوده شود، با این همه، حقایق بسیاری درباره مسائل دوران فتنه در سخنان مشحون از حکمت و صداقت رهبری پرهیزگار انقلاب نهفته است که مطالعه چندباره

مسائلی از قبیل: معیارها و شاخص های انتخاب آگاهانه و مسئولانه، تأکید بر قانون به مثابه اصلی ترین وسیله عبور از اختلافات دل آزار، یادآوری ضرورت پرهیز از تشنج و برخورد احساساتی، دوری از فضای سوءظن و شایعه، تکیه بر وحدت و انسجام بر پایه اصول انقلاب اسلامی، دعوت همگان به اجتناب از پیروی هوای نفس، تأکید بر حفظ حقوق همگان و پرهیز از ظلم، حتی به متهمان و مجرمان، ضرورت شناخت دشمن و درنیفتادن به دام وسوسه های شیطانی او، داشتن مرزبندی با بیگانگان معاند و عناصر ضدانقلاب، اصرار بر موضع حق و تسلیم ناپذیری در برابر زیاده خواهان و باجگیران، رونمایی از ترفندهای پنهان دشمنان برای برهم زدن انسجام ملت، تأکید بر اهمیت آگاهی به منزله ابزار خنثی سازی عملیات روانی دشمن، پاسداری از مرزهای اعتقادی، اخلاقی و معنوی جامعه، پرهیز مسئولان و مقامات کشور از تشدید و عمده کردن اختلافات فیمابین، القای امید و اجتناب از یأس، تکیه بر بصیرت و تقوا به مثابه کارآمدترین سلاح مقابله با فتنه، تقویت روحیه ی همگانی و وعده نصرت الهی، تلنگر به خواص جامعه برای عقب نماندن از حرکت عمومی ملت، تذکر درباره افراط و تفریطها و دوست را به جای دشمن فرض کردن به خاطر خطاهای خرد و اندک، نصیحت و اندرز به راه گم کردگان و دمیدن روح امید در عناصر نادم و توبه کار از گذشته ناصواب، تأکید بر حفظ آرامش و امنیت کشور، لزوم عبرت آموزی از گذشته و درس گرفتن از تاریخ، تمرکز بر تبلیغ و تبیین برای زدودن شبهات و تردیدها، اعلام آمادگی برای قبول انتقادات، غیرت ورزی بر مبنای انقلاب و جایگاه رفیع بنیانگذار راحل نظام، اشاره به سیاست جذب حداکثری و دفع حداقلی، اجتناب از نشان دادن مسائل فرعی به جای مسائل اصلی و... اینها امتهات مباحثی

است که در دوران پارتی و تلامطم فتنه، در گفتارهای گوناگون رهبری، بیش از سایر مطالب، بدان اشارت رفته و چه بسا بتوان گفت که این کلمات، رمز عبور از فتنه 88 بوده است و پیشوای خیر انقلاب به مدد این سخنان الهی، دست جامعه را در بحبوحه میدان داری شك و تردید گرفت و مردم خود را از عقبه های دشوار فتنه و شبیخون دشمن به سلامت عبور داد.

در شامگاه نهم دی ماه، روزی که ایران، پرشورترین حماسه حضور و قیام مردمی را برای تحکیم بیعت با نظام و رهبر انقلاب اسلامی تجربه کرد؛ دشمن، مبهوت مانده بود و اصحاب فتنه سرسام گرفته از هیاهوی جشن ملی و گریزان از چراغان دل های مؤمنان پایدار و ایرانیان وفادار، به کنج انزوا و خلوت سوت و کور و شام سیاه و غریبانه خود پناه برده بودند و آنگاه، گوش شهر، پیام سپاس شادمانه مردی را می نیوشید که پیش از آن در نیمروز واپسین آدینه خردادماه، صدای بغض آلود نجوایش پژواکی چنین در گوش جان اهل ولاء داشت: «ای سید ما، مولای ما... صاحب ما تویی... ما این راه را ادامه خواهیم داد... در این راه ما را با دعای خود، با حمایت خود، با توجه خود، پشتیبانی بفرما!»

و دعای مولا، مستجاب شد.

محمدحسین صفار هرنندی





### اشاره

موضوع دیگر در زمینه‌ی مسائل داخلی کشور، مسئله‌ی انتخاباتی است که ما در پیش داریم؛ که يك اشاره ای هم به آن مسئله بکنم. البته تا انتخابات وقت هست؛ اگر عمری بود، عرایضی را که لازم بدانم، با مردم عزیزمان در میان میگذارم - دیر نیست - لیکن چند نکته را عرض میکنم.

### 1. اهمیت انتخابات

#### 1.1. انتخابات، پایه نظام اسلامی است

اولاً انتخابات در کشور ما يك حرکت نمایشی نیست. پایه‌ی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت میگیرد؛ این هم جز با يك انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع

مردم ممکن نیست. این مردم سالاری، عامل پایداری ملت ایران است.

اینکه شما توانسته اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرتها نترسید، اینکه ابرقدرتها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربه ی اساسی به شما بزنند، اینکه جوانان کشور در ورود به میدانهای گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان میدهند، ناشی از مردم سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم.

انتخابات سرمایه گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل اینکه شما سرمایه ی سنگین و عظیمی را در بانک میگذارید، بانک با آن کار میکند و شما از سودش استفاده میکنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه گذاری عظیمی را میکند، سپرده گذاری بزرگی را انجام میدهد و سود آن را میبرد. آراء یکایک شما مردم سهمی است از همان سرمایه گذاری و سپرده گذاری. هر رأیی که شما در صندوق می اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین میکنید. یک رأی هم اهمیت دارد.

هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان میدهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است.

مسئله فقط یک مسئله ی سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست؛ یک مسئله ی همه جانبه است. انتخابات با سرنوشت مردم سر و کار دارد؛ بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که سپردن قوه ی اجراییه ی کشور به

دست يك نفر و يك مجموعه است که کشور را برای مدت چند سال اداره کنند؛ اینقدر انتخابات اهمیت دارد. (1)

## 1.2. مسئله‌ی حساس مهم سرنوشت ساز کشور

مسئله‌ی حساس مهم سرنوشت ساز کشور ما انتخابات است در همه‌ی دوره‌ها؛ چه انتخابات مجلس و مجلس خبرگان و چه بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که چند روز دیگر است. چند تا نکته را من در باب انتخابات میگویم:

نکته‌ی اول این است که از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره‌ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است. گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده‌ی درون حکومت است؛ گفتند: این کاندیداها خودشان دارند بازی میکنند؛ نامزدهای مختلف که می‌بینید با هم اختلاف نظر دارند، اینها همه ظاهرسازی است، بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً ثقل انجام خواهد گرفت؛ هر وقتی یک چیزی گفتند. مقصود از همه‌ی این تخریبه‌ها یک چیز است و او اینکه میخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکند؛ این را میخواهند. من به شما عرض میکنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! ملت باهوش و بیدار ایران! ملت تجربه شده و آزموده‌ی ایران که در طول این سی سال از این همه گردنه‌های سخت عبور کردید! بدانید؛ با مردم سالاری شما مخالفند. (2)

ص: 25

---

1- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) 88/1/1.

2- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

### 1.3. آزمون بزرگ ملت ایران در چشم دشمن

يك رأی هم اهمیت دارد. هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. (1)

انتخابات یکی از آزمونهای بزرگ ملت ایران در مقابل چشم دشمنان است؛ به همین جهت روی انتخابات ما حساسند. از حدود يك سال پیش، دستگاههای تبلیغاتی دشمنان ملت ایران، با يك شیب ملایمی شروع کردند علیه این انتخابات حرف زدن و اقدام کردن و مطلب ساختن؛ دستگاههای امنیتی شان هم مشغول شدند به خبرگیری و گمانه زنی و پیشنهاد دادن. روی این انتخابات حساسند. امروز هم شما وقتی به خبرهای رسانه های گوناگون خارجی - که بسیاری از اینها دل پرکینه و پردشمنی ای نسبت به ملت ایران دارند - نگاه کنید، خواهید دید نسبت به انتخابات ما بی تفاوت نیستند و سعی میکنند اغراض خودشان را عمل کنند. (2)

### 1.4. آبرو و وسیله عزت ملی

انتخابات یکی از شاخصهای رشد ملی ماست؛ انتخابات وسیله ای برای عزت ملی است. وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درك کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم گیری قائل است؛ میخواهد در آینده ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند. (3)

ص: 26

- 
- 1- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) 88/1/1
  - 2- . بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج 88/2/22
  - 3- . بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج 88/2/22

برادران و خواهران عزیز! اسلام برای ساخت يك جامعه ی سرافراز و پویا خصوصياتی را ترسیم کرده و راه رسیدن به آنها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از این نشانه ها و خصوصیات عزت ملی است؛ عزت. همچنانی که يك فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ يك ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد. عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از اینکه يك ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ يك ملت وقتی به درون خود - به سرمایه های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود - نگاه میکند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهائی است که برای يك ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: «يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ». منافقان با خودشان گفتگو میکردند که ما عزیزیم و مسلمانها را - که ذلیلند - از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که اینها اینجور میگویند، لیکن نمیفهمند و نمیدانند؛ آنکه عزیز است مؤمنانند؛ عزت از آن خداست و از آن پیامبر خدا و از آن مؤمنان بالله. این يك تابلو درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ «عزت ملی». اگر يك ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته های خود - به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود - به چشم حقارت نگاه کند، آنها را كوچك بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت براحتی در چنبره ی سلطه ی بیگانگان قرار میگیرد.

استعمارگران از قرنهاى شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق - از

جمله سرزمینهای اسلامی - شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملت‌ها ببندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته‌ی خود، نسبت به داشته‌های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. اینها عبرت آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، يك روشنفکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش را، اخلاقش را، لباسش را، خطش را، گذشته‌اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و فراموش بکند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! اینجور اعلان کردند. این فریاد مذلت بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی يك کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس براحتی میتواند بر همه چیز او - نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او - تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست وزیر معین بکند، مجبور بود با سفیر انگلیس - و بعدها با سفیر آمریکا - در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ در دبار گذشته‌ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومت‌های دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه‌ی عزت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل يك چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل يك چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

وقتی يك چنین روحیه‌ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی

آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکرمآب میشود: در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره ی رام؛ «اسد علیّ و فی الحروب نعامة». همان رضاخانی که بخصوص در نیمه ی دوم سلطنتش آنجور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود - که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمیکرد - در مقابل يك پیغام ساده ی انگلیسی ها که گفتند «باید از سلطنت کناره بگیری»، مثل موش مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمدرضای پهلوی؛ محمدرضای پهلوی در سالهای دهه ی چهل و دهه ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان - خشن؛ بدون اندک ملاحظه ای از مردم - وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع میکرد و از آنها حرف میشنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت يك ملتی است که از عزت ملی محروم است.

یکی از اساسی ترین قلمهائی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود «آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند»، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار میکند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف میکنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آنها، قدرت نظامی آنها و تبلیغات سیاسی آنها هیچ تأثیری ندارد؛ ملت ایران راهی را و هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید.

آنچه مهم است حفظ این عزت ملی است. برادران و خواهران من! مردم



عزیز کردستان و ملت بزرگ ایران! این را همه باید توجه کنیم، این عزت ملی را باید حفظ کنیم. عزت ملی فقط با زبان و با ادعا و با شعار حفظ نمیشود؛ امروز اگر ملت ایران عزیز است و در سیاستهای بزرگ جهانی دارای نفوذ است، علتش در ایمان او، و در عمل و ابتکار او، و در اقدام شجاعانه ی او، و در وحدت و یکپارچگی اوست. هر کدام از این عوامل را که از دست بدهیم عزت ما دچار تهدید میشود. اگر ما وحدت خودمان را از دست بدهیم، اگر ایمان خودمان را از دست بدهیم، اگر روحیه ی کار و تلاش خودمان را - که بحمدالله امروز در مجموعه ی عظیم ملت، بخصوص در نسل جوان محسوس است - از دست بدهیم، عزتمان را از دست خواهیم داد. این يك نقطه ی اساسی برای تحلیل حوادث سیاسی - بخصوص برای جوانها - است. (1)

در جمع بندی توصیه های امام و شعارهای امام و مطالباتی که ایشان از مردم، از مسئولان، از آحاد مسلمانان جهان داشته اند، دو پرچم برافراشته را در دست امام ملاحظه میکنیم. در حقیقت امام بزرگوار ما در این نهضت عظیمی که در کشورمان و در جهان اسلام به وجود آوردند، دو پرچم را بلند کردند و برافراشته نگاه داشتند: يك پرچم عبارت است از پرچم احیاء اسلام؛ به عرصه آوردن این قدرت عظیم و لایتناهی. پرچم دوم، پرچم عزت و سربلندی ایران و ایرانی. این دو تا پرچم برافراشته ی به دست قدرتمند امام بزرگوار ماست. پرچم اول که در حقیقت يك بُعد از دعوت امام و نهضت امام است، مربوط به امت بزرگ اسلامی است. پرچم دوم هم اگرچه که مربوط به ملت ایران است، مربوط به ایران و ایرانی است، اما چون يك تجربه ی عملی از تحرك حیات بخش اسلام است، برای امت اسلامی امیدآفرین و حرکت ساز است.

ص: 30

چون این نهضت بزرگ در ایران تجربه‌ی عملی بیداری اسلام و تحقق اسلام بود، بنابراین اگرچه که به طور مستقیم مربوط به ایران و ایرانی است، اما نتیجه‌ی آن باز برای امت اسلام دارای ارزش و اهمیت است.

وجه دوم مربوط به عزت ایران و ایرانی است. اولین کار و مهمترین کاری که امام بزرگوار ما در این بخش دوم انجام داد، این بود که احساس حقارت را از ملت ایران گرفت و از روح آنها زدود؛ این خیلی مسئله‌ی مهمی است. ملت ما از صد و پنجاه سال پیش، صد سال پیش، بر اثر عوامل گوناگون، در خود احساس حقارت میکرد؛ خودکم بینی احساس میکرد؛ از جنگهای دوران قاجار بگیریید و آن شکستهای سخت و از دست دادن شهرهای مختلف در زمان قاجار، تا بعد در دوران پهلوی، زمان رضاخان، آن دیکتاتوری و سرکوب سخت ملت، که مجال نفس کشیدن به کسی داده نمیشد؛ بعد در دوران بعد از پهلوی اول، زمان محمدرضا، با حضور آمریکائیه‌ها، با ایجاد سازمان امنیت و ساواک، با آن رفتار خشنی که با مردم میکردند، مردم احساس میکردند که هیچ توانی دیگر برایشان نمانده است. در چند مسئله‌ی مهم ملت ایران احساس شکست کرد؛ از قضیه‌ی مشروطه که ملت ایران شکست خورد بعد از اینکه پیروز شده بود، تا قضیه‌ی نهضت ملی که باز ملت ایران با آنکه یک حرکت عظیمی را کرد، متصدیان و مسئولان نتوانستند این حرکت را نگه دارند و ملت ایران شکست خورد؛ بعد از آن یک دیکتاتوری سخت از سال 33 تا سال 57 - در طول بیست و چهار سال - بر مردم حاکم بود، که مردم واقعاً روحیه‌ی دیگر نداشتند.

از طرفی روشنفکران غرب زده که خیلی از آنها در دستگاه‌های حکومت ظالم حضور داشتند، با حرف خودشان و با عمل خودشان به مردم اینجور تفهیم کرده بودند که شما عرضه ندارید؛ عرضه‌ی هیچ کاری را ندارید؛ باید

تقلید کنید. در علم تقلید کنید، در صنعت تقلید کنید، در فرهنگ تقلید کنید، در لباس تقلید کنید، در خوراک تقلید کنید، در حرف زدن تقلید کنید. حتی کار را به جانی رساندند که يك وقتی گفتند: باید خط فارسی را تغییر بدهیم! ببینید چقدر يك ملت باید از استقلال و عزت نفس دور شده باشد که جرأت کنند کسانی بگویند خط را تغییر باید بدهید. خط فارسی که هزار سال میراث علمی ما با آن نوشته شده است، این را عوض کنیم، تغییر بدهیم، خط اروپائی ها را بیاوریم و از آنها تقلید بکنیم؛ کار را به این جا رسانده بودند. امام آمد این روح حقارت را گرفت و در طول پانزده سال نهضت امام تا پیروزی انقلاب و از روز پیروزی انقلاب به نحو دیگری تا ده سال عمر بابرکت آن بزرگوار، دائم روح خودباوری را در این ملت دمید: شما میتوانید، ما میتوانیم، شما قادرید، شما بزرگید، شما قدرتمندید.

این خودباوری و اعتماد به نفس ملی یکی از دو رکن اساسی پیشرفت هر کشور است. يك رکن، امکانات مادی است، اما امکانات مادی کافی نیست. يك ملت ممکن است امکانات مادی زیادی هم داشته باشد، اما به رشد و ترقی و تعالی نرسد؛ نتواند يك ملت عزیز و قدرتمند بشود. خوب، ما در دوران قبل از انقلاب همین نفت را داشتیم، همین گاز را داشتیم، همین معادن عظیم فلزات ذی قیمت را داشتیم، همین استعدادهای درخشان و نیروی انسانی با استعداد را داشتیم؛ اما در عین حال يك ملت دست سوم، گمنام در دنیا، توسری خور قدرتهای بزرگ، زیر یوغ يك حکومتی که فاسد بود، دست نشانده بود، متصل به دشمنان ملت بود، زندگی میکردیم. پس امکانات مادی کافی نیست، مؤلفه های دیگری لازم است؛ مؤلفه های معنوی. یکی از مهمترین این مؤلفه ها، همین خودباوری است، اعتماد به نفس است و اینکه يك ملت باور کند که میتواند. امام ملت ما را به این باور رساند که

میتواند بایستاد؛ میتواند مقاومت کند؛ میتواند کشور خود را آزاد کند؛ میتواند نظامی را که خود به وجود آورده است، با کمال قدرت این نظام را حفظ کند؛ میتواند در دنیا، در سیاستهای بین الملل اثر بگذارد، که همین جور هم شد. این همان عزت ملی است که من بیست روز قبل از این در سندج در بین برادران گردمان این مسئله را مطرح کردم. عزت ملی خیلی برای يك کشور مهم است. این عزت ملی فقط حرف هم نیست. این ترجمه ی عملی در همه ی عرصه های زندگی ما دارد.

عزت ملی در مدیریت کشور به این معناست که يك دولت، يك نظام، به ملت خود متکی باشد، به مردم متکی باشد.

عزت ملی در مسائل اقتصادی به این است که کشور به قدرت خودکفائی برسد، بتواند اگر چیزی از دنیا نیاز دارد، بگیرد، چیزی هم دنیا به او نیاز داشته باشد و در مقابل از او بگیرد؛ مغلوب نباشد، مقهور نباشد.

عزت ملی در عرصه ی علم به این است که جوان دانشجوی او، پژوهشگر او، عالم محقق او سعی کند مرزهای علم را درنوردد - همین چیزی که ما گفتیم نهضت نرم افزاری و تولید علم - و علم را تولید کند. آن کسانی که دانش را به این نقطه رساندند، انسانهایی بودند که از لحاظ متوسط استعداد از ما اگر عقب تر نبودند، جلوتر نبودند. ما قرنهای سابقه ی درخشان علمی در تاریخ داریم و امروز هم باید بتوانیم علم را بسازیم، به وجود بیاوریم، کشف کنیم و در بنای علمی دنیا سهم عمده ای داشته باشیم؛ این میشود عزت.

عزت يك ملت در سیاستهای گوناگون و در تعاملش با کشورهای دیگر و دولتها و قدرتها این است که از استقلال رأی برخوردار باشد. يك دولت، يك نظام در مقابل قدرتها آنچنان ظهور کند که نتواند در هیچ مسئله ای اراده ی خودشان را بر او تحمیل کنند.

عزت ملی در عرصه ی فرهنگ به این است که يك ملت به سنتهای خود پایبند باشد، برای آنها ارج قائل باشد، مقلد فرهنگهای بیگانه و مهاجم نشود. این چیزی است که متأسفانه کشور ما در قبل از انقلاب، در طول صد سال یا بیشتر در مقابل این طوفان و این موج ویران گر فرهنگ غرب، غرق شد که آثارش را ما هنوز هم داریم تحمل میکنیم؛ رنجهایش را ما هنوز هم داریم میبریم. عزت ملی به این است که يك ملت به سنتهای خود اهمیت بدهد، احترام بگذارد، افتخار کند و به اینکه دیگران بگویند آقا شما مرتجعید، اعتناء نکند. امروز بعضی از کشورهای اروپائی کارهایی میکنند که اگر آنها را در مقابل يك آدم عاقل متعارف بگذارید، جز خنده ی تمسخرآمیز کاری نمیکند. میگوئیم: چرا میکنید؟ میگویند: این سنت ماست! به سنتهای خودشان پایبندند؛ سنتهای کهنه ی پوسیده. آن وقت اگر ملتهای دیگر به سنتهای خودشان احترام بگذارند، پایبند باشند، آنها را طعن و تمسخر میکنند که چرا. نه، این خودباختگی مخالف با عزت ملی است. عزت ملی آن وقتی است که يك ملت در مقابل فرهنگ دیگران خودباخته نباشد؛ این عزت ملی است. در همه ی عرصه های زندگی عزت ملی ترجمه میشود، معنا دارد، مصداق دارد.

در نحوه ی اداره ی کشور و ارتباط با انسانها، عزت ملی به این است که تك تك انسانها در يك جامعه مورد احترام قرار بگیرند. «اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق»؛ اگر هم دین شماست، مورد احترام است؛ اگر هم دین شما هم نیست، مورد احترام است. در جامعه هر که انسان است، مورد احترام است؛ مورد تکریم است؛ این ایجاد عزت ملی میکند. اینها ابعاد گوناگون عزت ملی است که رهنمود امام بود؛ انگشت اشاره ی امام بود.

نظام اسلامی هم در این سی سال با همین اعتماد به نفس پیش رفت.

البته فراز و نشیب داشت، افت و خیز داشت؛ اما توقف نداشت؛ ملت توقف نکردند. این عزت ملت ما امروز در دنیا هم منعکس است. من قبول نمیکنم حرف آن کسانی را که تصور میکنند ملت ما به خاطر پایبندی به مبانی و اصول خود، در دنیا خوار شده است، از چشم افتاده است؛ ابداً. ما دشمن داریم. دشمنان ما يك جبهه ی متحدی هستند متشکل از قدرتهای مداخله گر و زورگوی عالم. اینها وقتی ببینند يك كشوری از مدار آنها خارج شد - کشورهایی که اینها به عنوان اقمار خودشان در مدار خود نگه داشته بودند - مثل کشور ایران که با انقلاب اسلامی از مدار آنها خارج شد، سعی میکنند با او مقابله کنند، او را بکوبند؛ تحقیر میکنند؛ وسائل تبلیغاتی شان هم زیاد است. این معنایش این نیست که ما عزت خودمان را از دست دادیم. نه، در اعماق دل همان کسانی که دشمن اسلام و دشمن جمهوری اسلامی هستند، احترام امام و ملت ایران رسوخ یافته است.

راه این ملت بزرگ ما که پرورده ی بیانات امام و هدایتهای امام است، برای رسیدن به اوج اعتلاء و پیشرفت عبارت است از اینکه این عزت ملی را در همه ی عرصه ها حفظ کند. این ملت میتواند به اوج اعتلاء برسد، که وقتی يك ملت قوی شد، اعتلاء مادی و معنوی پیدا کرد، امنیت او هم کامل خواهد شد. یعنی آسیب پذیری او از بین خواهد رفت؛ دشمنان دیگر طمع نمیکنند. اگر ملت ما میخواهد به امنیت کامل برسد، اگر میخواهد دشمنان دیگر جرأت تهدید او را پیدا نکنند، باید همین راه را برود. اگر پیشرفت و عدالت را میخواهد، همین راه را باید برود. خطر بزرگ برای کشور ما جدا شدن از مردم است؛ جدا شدن از ارزشهای اسلامی است؛ جدا شدن از خط مبارك امام است؛ اینها برای کشور ما خطر است. اگر این استخوان بندی محکم که انقلاب به وجود آورد حفظ بشود، خیلی از مشکلات را در گوشه و کنار

در طول زمان میشود ترمیم کرد. نگذارید این استخوان بندی محکم شکسته بشود، که اگر شکسته شد، هیچ زخمی هم دیگر درمان پیدا نخواهد کرد، هیچ گوشه ی خرابی هم دیگر ترمیم نخواهد شد. استخوان بندی مستحکم نظام اسلامی ای را که امام آن را به ما یاد داده است، باید حفظ کنیم. من خدا را شکر میکنم که در طول این سی سال، ملت ایران و مسئولین کشور توانستند به قدر وسع خودشان این راه را دنبال کنند، تعقیب نکنند. البته کم و زیاد داشته است، افت و خیز بوده است؛ در يك دوره بهتر، در يك دوره کمتر، اما این حرکت به طور مستمر ادامه پیدا کرده است تا امروز، و به توفیق الهی به همت شما مردم، بخصوص به همت شما جوانها، این راه همچنان تا پیروزی نهائی ادامه پیدا خواهد کرد.(1)

### 1.5. شاخص رشد ملی ما

عزیزان من! ملت ما در طول تاریخ چند قرنِ خود يك عنصر بی تأثیر در نظام مدیریت کشور بود. چرا؟ چون خاصیت حکومت استبدادی این است؛ خاصیت حکومت پادشاهی این است. ملت، کاره ای نیست. حالِ ملت چگونه خواهد بود؟ بسته به انصاف آن کسی که آن بالا نشسته است. اگر يك وقتی اقبال ملت بلند باشد، يك نفر دیکتاتوری بر سر کار بیاید که يك مقداری رحم در دلش باشد - مثلاً حالا در تاریخ ما کریم خان زند را اسم می آورند - خوب، يك مقدار وضع مردم بهتر خواهد شد. اما اگر چنانچه کسانی مثل رضاخان قلدر و ناصرالدین شاه و سلاطین گوناگون دیگر - مستبدین - بر سر کار باشند، اینها کشور را ملك خودشان میدانند، ملت را هم که نقشی نداشتند، رعیت خودشان میدانند.

ص: 36

تاریخ را نگاه کنید - نمیگویم تاریخ قرنهای متمادی را؛ تاریخ همین دوران مشروطه به این طرف را - مشروطه اسماً در کشور به وجود آمد؛ اما از وقتی که رژیم پهلوی بر سر کار آمد، انتخابات به معنای يك حرکت نمایشی محض تلقی شد؛ جز در يك برهه ی کوتاهی در دوران نهضت ملی؛ در دوران دو ساله ای که يك مقدار اوضاع بهتر بود؛ ولی آن هم اشکالات فراوانی داشت؛ مجلس را تعطیل کردند، اختیارات مجلس را به دولت دادند که اینها در زمان مصدق انجام گرفت. در بقیه ی این دوران، انتخابات نمایش محض بود. در آن برهه ای که بنده و امثالی که در سنین من هستند یادشان هست، همه میدانستند که انتخابات مطلقاً به معنای انتخاب مردم نیست. يك کسانی را دستگاه های قدرت، دربار آن روز شاهان در نظر میگرفتند، رقابتهائی بین خود آنها انجام میگرفت، با همدیگر زد و خورد هم میکردند؛ اما آن کسی که میخواستند بیاورند توی مجلس بنشانند که مطیع باشد، سربه زیر باشد، منافع آنها را تأمین کند، حق مالی غاصبانه ی آنها را بدهد، او را می آوردند توی مجلس می نشاندند. مردم هم برای خودشان میرفتند. در تمام این دوران، کمتر وقتی اتفاق افتاد که مردم احساس کنند حالا باید بروند در این صندوق رأی يك رأیی بیندازند تا در مدیریت کشور تأثیری ببخشند. مطلقاً چنین چیزی نبود. ماها اسم انتخابات را تو روزنامه ها می شنفتیم که میگویند: حالا انتخابات است. نمی فهمیدیم روز انتخابات کی هست؛ مردم نمی فهمیدند. در وقت انتخابات، چند تا صندوق می گذاشتند يك جا، خودهاشان هم گفتگو و هیاهوی مختصری میکردند و همان کاری که میخواستند، انجام میدادند و تمام میشد میرفت. مردم نقشی نداشتند.

انقلاب اسلامی ورق را بکلی برگرداند؛ مردم نقش پیدا کردند؛ نه فقط در انتخاب نماینده ی مجلس، در انتخاب رئیس جمهور، در انتخاب خبرگانی که



رهبر را بناست انتخاب کنند، در انتخاب شوراهای شهر که شهردارها را باید انتخاب کنند. در همه ی این مراحل حساس، نظر مردم شد تعیین کننده. قانون اساسی بر این اساس تدوین شد و امروز هم سی سال میگذرد. و من به شما عرض بکنم با قوت و قدرت این کار تا امروز ادامه پیدا کرده.

دوره ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفتِ اینجا، بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هر چه بود و نبود، مورد استفاده ی سلطه گران و قدرتمندان بود؛ یک روز انگلیس، یک روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند. (1)

## 2. چالش

### 2.1. تلاش دشمن برای تعطیل یا سرد کردن انتخابات

در درجه ی اول، هدفشان تعطیل شدن انتخابات است که انتخابات نباشد. در یک دوره ای سعی کردند انتخابات مجلس شورای اسلامی را به انواع و اقسام حيله ها متوقف کنند. خدای متعال نخواست و اراده ی مردان مؤمن نگذاشت؛ نتوانستند. از این مایوسند که انتخابات را بکلی تعطیل کنند. در درجه ی بعد، هدفشان این است که انتخابات سبک و سرد برگزار بشود. میخواهند ملت ایران حضور فعالی در انتخابات نداشته باشد. ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه ی مقابل خواست دشمنان، همه ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم. (2)

ص: 38

---

1- . بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران 88/2/9

2- . بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج 88/2/22

## 2.2. سعی دشمنان برای بدنام و مخدوش کردن چهره انتخابات

دوره ی قبل از انقلاب، ایران مرتعی برای چرای بیگانگان بود. نفتِ اینجا، بازار اینجا، محصولات اینجا، نیروی انسانی اینجا، هر چه بود و نبود، مورد استفاده ی سلطه گران و قدرتمندان بود؛ یک روز انگلیس، یک روز آمریکا و صهیونیستها. بعد که انقلاب شد، مردم آمدند روی کار، منافع آنها قطع شد. طبیعی بود که با این نظام دشمنی کنند، که سی سال است دارند دشمنی میکنند. یکی از دشمنی ها همین است که این پدیده ی باارزش تأثیر حضور مردم و نقش آفرینی مردم در اداره ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه؛ انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه ی مردم در این انتخابات بیشتر است. انتخابات پرشور، انتخابات خوب، سالم. دشمن خدشه میکند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی توقعی از دوستان است. بی توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند می بینند؛ می بینند که این انتخابات چگونه سالم و متن انجام میگردد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن میزند، اینها هم میزنند!<sup>(1)</sup>

از دو سه ماه قبل از این، رادیوهای بیگانه شروع کردند به بدنام کردن و مخدوش کردن چهره ی انتخابات در کشورمان، برای بدبین کردن مردم. گاهی گفتند: این انتخابات نیست، انتصابات است. گاهی گفتند: این یک بازی کنترل شده ی درون حکومت است؛ گفتند: این کاندیداها خودشان دارند بازی میکنند؛ نامزدهای مختلف که می بینید با هم اختلاف نظر دارند، اینها

ص: 39

همه ظاهرسازی است، بازی است. گاهی گفتند: در انتخابات قطعاً تقلب انجام خواهد گرفت؛ هر وقتی يك چیزی گفتند. مقصود از همه ی این تخریبه‌ها يك چیز است و او اینکه میخواهند ملت در انتخابات، مشارکت قوی و نمایانی نکند؛ این را میخواهند. من به شما عرض میکنم: عزیزان من! ملت عزیز ایران! ملت باهوش و بیدار ایران! ملت تجربه شده و آزموده ی ایران که در طول این سی سال از این همه گردنه های سخت عبور کردید! بدانید؛ با مردم سالاری شما مخالفند. دشمن با همین حضور شما، با همین انتخاب شما مخالف است. میخواهند پشتوانه ی نظام را که مردم هستند و آراء مردم است، از نظام بگیرند؛ میفهمند چه کار دارند میکنند. (1)

### 3. وظیفه مردم

#### 3.1. حضور در انتخابات با همه قوا و نشاط

هرچه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان میدهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است. (2)

ملت عزیز ایران! من به شما عرض میکنم، درست در نقطه ی مقابل خواست دشمنان، همه ی ما باید در انتخابات حضور فعالی داشته باشیم.

ص: 40

---

1- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

2- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) 88/1/1

وقتی ببینند که ملت ایران با شور و با شعور و با درک کامل و آگاهی پای صندوقهای رأی میروند، معنایش چیست؟ معنایش این است ملت برای خود حق و توان تصمیم گیری قائل است؛ میخواهد در آینده ی کشور اثر بگذارد و مسئولان کشور و مدیران اصلی کشور را انتخاب کند. انتخاب رئیس جمهور یعنی انتخاب رئیس قوه ی مجریه و کسی که اغلب امکانات کشور در اختیار اوست. و می بینید اگر چنانچه رئیس جمهوری شور و نشاط و شوق و اراده داشته باشد، چه خدمات بزرگی را برای این کشور انجام میدهد؛ میخواهند این نباشد. من عرض میکنم: همه باید اصرار داشته باشید که در انتخابات شرکت کنید. به نظر من مسئله ی اول در انتخابات، مسئله ی انتخاب این شخص یا آن شخص نیست؛ مسئله ی اول، مسئله ی حضور شماست. حضور شماست که نظام را تحکیم میکند، پایه های نظام را مستحکم میکند، آبروی ملت ایران را زیاد میکند، استقامت کشور را در مقابل دشمنی ها زیاد میکند و دشمن را از طمع ورزیدن به کشور و از فکر ضربه زدن و توسعه و فساد و فتنه منصرف میکند. این يك مسئله ی بسیار مهم است؛ پس مسئله ی اول، شرکت در انتخابات است. (1)

حضور مردم در صحنه ها توانست دشمن را مأیوس کند. اگر مردم در این سی سال در انتخاباتها شرکت نمیکردند، در راهپیمائی های بیست و دو بهمن و روز قدس شرکت نمیکردند، در مراسم گوناگون، حضور خودشان و این حجم عظیم ملت ایران را به رخ دشمن نمیکشیدند، مسلماً هیبت ملت ایران، آنچنان که امروز هست، نمیبود. این حضور را حفظ کنید.

اینکه ما در همه ی انتخاباتها تأکید میکنیم که مردم در صحنه ها حاضر باشند و در صحنه های گوناگون حضور داشته باشند، به خاطر این است.

ص: 41

این حضور فقط در عرصه ی سیاست نیست، فقط در انتخابات نیست؛ در عرصه های سازندگی، در عرصه ی اقتصادی، مردم حضور داشته باشند. (1)

ملت ایران سرافراز است به اینکه توانسته در طول این سی سال مسئولین را خودش معین کند. مسئولین بلندمرتبه ی نظام از صدر تا ذیل به وسیله ی مردم انتخاب شده اند؛ رهبری هم به وسیله ی مردم انتخاب میشود با واسطه ی انتخابات خبرگان، ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، شوراهای گوناگون؛ این جزو افتخارات نظام است، میخواهند این را از مردم بگیرند؛ چون میدانند نظام با این مستحکم میشود. من به شما عرض میکنم: هر کسی به استحکام این نظام علاقه مند است، هر که به اسلام علاقه مند است، هر که به ملت ایران علاقه مند است، برای او عقلاً و شرعاً واجب است که در این انتخابات شرکت کند.

آنچه که من از مردم میخواهم، عبارت است از اینکه همه با همه ی قوا، با همه ی توان، با همه ی نشاط، در روز بیست و دوی خرداد پای صندوقهای رأی حاضر بشوند و رأی بدهند. خدای متعال با آن ملتی است که می اندیشد، تصمیم میگیرد، انتخاب میکند، و برای خدا و در راه خدا به آن انتخاب عمل میکند. (2)

من - طبق معمول - درخواستم از مردم این است که از همین آغاز وقت و از اول صبح، پای صندوقهای رأی بروند. همه بروند، همه رأی بدهند، طبق تشخیص خودشان عمل کنند و سهم خودشان را در اداره ی کشور و در تعیین مدیریت عالی اجرائی کشور، به عهده بگیرند. این يك حق و در عين حال يك تكليف است. حق آحاد مردم ماست که نظر بدهند؛ تکلیف آنها هم

ص: 42

---

1- . بیانات در جمع مردم بیجار 88/2/28

2- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

همین است. به اعتقاد من، این هم تکلیف شرعی و هم تکلیف عقلی - یعنی عقلانی - است که این کار را انجام بدهند. (1)

### 3.2. انتخاب فرد اصلاح

بهترین، آن کسی است که درد کشور را بفهمد، درد مردم را بداند، با مردم یگانه و صمیمی باشد، از فساد دور باشد، دنبال اشرافیگری خودش نباشد. آفت بزرگ ما اشرافیگری و تجمل پرستی است؛ فلان مسئول اگر اهل تجمل و اشرافیگری باشد، مردم را به سمت اشرافیگری و به سمت اسراف سوق خواهد داد. اینی که ما گفتیم امسال، سال حرکت به سوی اصلاح الگوی مصرف است، یعنی امسال سالی است که ملت ایران تصمیم بگیرد که با اسراف مبارزه کند. نمیگوئیم بکلی و یکباره و در طول یک سال، اسراف تمام بشود؛ نه، ما واقع بین تر از این هستیم؛ میدانیم این کار مال سالیان پی در پی است و باید کار بشود تا به این فرهنگ برسیم؛ باید این کار را شروع کنیم. (2)

ملت ما، جوانان ما، اندیشمندان ما، دانشجویان ما، آینده سازان ما، ناتوانی شیوه های مدیریت کشورهای غربی را ببینند و ناتوانی آنها را در اداره ی این مهمترین بخش مدیریتشان یعنی اقتصاد را ببینند - فرهنگ به جای خود، آداب انسانی به جای خود، بی اعتنائی به حرمت بشر به جای خود، تبعیض هائی که در قلمرو قدرت خودشان انجام میدهند به جای خود؛ در همه ی این موارد، تمدن غربی امتحان بدی پس داده است - و آنگاه ملت ما، مسئولین ما، جوانان ما بالخصوص، این را محور فکر خودشان قرار بدهند و بر اساس این تأمل کنند که برای مدیریت کشور، برای روشهای گوناگون

ص: 43

---

1- . مصاحبه با رهبر انقلاب پس از شرکت در انتخابات 88/3/22

2- . بیانات در جمع مردم استان کردستان در میدان آزادی سنندج 88/2/22

اداره ی این ملت بزرگ، به فکر نسخه های خودی، به فکر نسخه های بومی باشید. این ایجاب میکند به اسلام توجه دقیق تری کنید. اسلام نگاه روشن و روشنگری به انسان و انسانیت و شیوه های انسانی دارد. از اسلام متحجر دفاع نمیکنیم؛ از اسلامی که با کمال تنگ نظری به همه ی مسائل نگاه کند، مثل آنچه که بعضی از مدعیان اسلام میگویند، ما به او دعوت نمیکنیم؛ اسلام ناب، اسلام هشدار دهنده ی انسان و توجه دهنده ی انسان به تعقل و تفکر و تدبیر؛ اسلام قرآن، اسلام سنت، اسلام اهل بیت؛ اسلامی که يك نمونه اش در کشور بزرگ ما با این گرفتاری های فراوان چندین ده ساله ی دوران تسلط دشمن، توانست يك چنین حرکتی را ساماندهی کند و این آزادی و این استقلال را از خود نشان دهد؛ ما به این اسلام دعوت میکنیم.

جوانهای ما، اهل فکر ما، اهل فرهنگ ما تأمل کنند؛ مسئولین کشور به سمت سیاستهای اسلامی حرکت کنند. اینی که یا مسئولان ما، یا در دوره های انتخابات مثل وضع کنونی، نامزدهای انتخاباتی ما برای جلب توجه دیگران حرفهای غربی ها را تکرار کنند، این هیچ امتیازی محسوب نمیشود. امتیاز این نیست که ما آن چیزی را بگوئیم که غرب می پسندد. اینها کسانی اند که با فکر ایرانی، فکر اسلامی، هویت اسلامی و ایرانی مخالفند. خدا را سپاس میگوئیم که ملت ایران آن رشد و آگاهی لازم را به دست آورد تا توانست بر این همه موانع فائق بیاید. (1)

کسانی با رأی ملت سر کار نیابند که در مقابل دشمنان بخواهند دست تسلیم بالا ببرند و آبروی ملت ایران را ببرند. کسانی سر کار نیابند که بخواهند با تملق گوئی به غرب، به دولتهای غربی، به دولتهای زورگو و مستکبر، به خیال خودشان بخواهند برای خودشان موقعیتی در سطح بین المللی دست و

ص: 44

پا کنند. اینها برای ملت ایران ارزشی ندارد. کسانی سر کار نیایند که دشمنان ملت ایران طمع بورزند که به وسیله ی آنها بتوانند صفوف ملت را از هم جدا کنند، مردم را از دینشان، از اصولشان، از ارزشهای انقلابی شان دور کنند. ملت باید آگاه باشد.

اگر کسانی بر سر کار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به جای اینکه به فکر ادامه ی راه امام و ارزشها و اصول ترسیم شده به وسیله ی امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود. این آگاهی برای ملت لازم است. (1)

### 3.3. مراقب از ایجاد مجادله و درگیری بین هواداران

عزیزان من! نامزدهای مختلف هر کدام طرفدارانی دارند، علاقه مندانی دارند. علاقه مندان این نامزد نمیتوانند اعتراض کنند به علاقه مندان آن نامزد که شما چرا به او علاقه مندی، به نامزد مورد علاقه ی من علاقه ای نداری. نه، این جزو افتخارات کشور ماست. افراد گوناگون می آیند؛ با منشهای مختلف، با سلائیق مختلف، با شیوه های گوناگون کار، در مقابل مردم قرار میگیرند. يك عده این را می پسندند، يك عده آن را می پسندند، يك عده آن را می پسندند؛ این افتخار است؛ این خوب است. هر کدام از نامزدهای محترم هم طرفدارانی دارند. بعضی ها از این طرفداران متعصب هم هستند، خیلی علاقه مند، سرسختند به آن نامزد خودشان. خیلی خوب، باشند، حرفی نیست؛ اما مواظب باشید، مراقب باشید که این علاقه مندی ها به اصطکاک

ص: 45



نینجامد؛ به اغتشاش نینجامد. شما دارید برای عقیده ی خودتان، برای ایمان خودتان تلاش میکنید؛ نگذارید دشمن این ایمان، دشمن این آرمان از شما سوءاستفاده کند.

من شنیدم و اطلاع پیدا کردم که در خیابانها بعضی از جوانان طرفداران نامزدها میروند - حالا من درباره ی این رفتن تو خیابانها حرفی نمیزنم - اما مؤکداً میگویم: مبدا این خیابان گردی ها به مقابله، به مجادله، به درگیری بینجامد؛ مواظب باشید. اگر کسی دیدید که اصرار بر اغتشاش و درگیری دارد، بدانید او یا خائن است، یا بسیار غافل است. (1)

باید از این حضور پرشوری که در روزهای اخیر و حتی شبها - آنطور که مطلع شدم - مردم در خیابانها داشتند، تشکر کنم. هر گروهی طبق میل خودشان و به نظر خودشان شعار میدادند، اما رشد و آگاهی مردم نگذاشت که يك حادثه ی تلخی به وجود بیاید؛ در صحنه هستند، شعارهاشان را هم میدهند، شور و شوق خودشان را هم ابراز میکنند، لکن در عین حال رشد و کمال و بلوغ عقلانی خودشان را هم نشان میدهند. امنیت انتخابات خیلی مهم است. ما سی سال است انتخابات داریم و بحمدالله همیشه در انتخاباتها، امنیت برقرار بوده است. این خیلی نعمت بزرگی است؛ این ناشی از تفضل الهی و ناشی از شعور و درك مردم ماست. امروز هم من امیدوارم و از مردم خواهش میکنم که توجه کنند، همین امنیت، همین آرامش و همین متانت و سکینه ی روحی لازم، در آنها وجود داشته باشد. ممکن است بدخواهانی بخواهند در مراکز رأی تشنج ایجاد کنند؛ هرگونه تشنجی به ضرر صندوقهای رأی تمام خواهد شد؛ یعنی به ضرر آراء مردم و به ضرر مردم است؛ اگر

ص: 46

کسانی خواستند چنین تشنجی ایجاد کنند، خود مردم نگذارند و با متانت، با صبر و با حلم و وقار خودشان، مانع بشوند از اینکه خواسته‌ی بدخواهان این ملت عملی بشود. (1)

#### 4. وظیفه نامزدها

##### 4.1. توجه به حفظ اقتدار ملت ایران در تبلیغات، اظهارات و حضور خود

کسانی که برای انتخابات خود را نامزد میکنند، بدانند که انتخابات يك وسیله‌ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت؛ انتخابات فقط ابزاری برای قدرت طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابتها را منصفانه کنند، حرفها را منصفانه کنند، از جاده‌ی انصاف خارج نشوند. خوب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد میکند؛ این رد و ایراد فی نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر اینکه تویش بی انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد. میدان برای همه باز است؛ بیاینده در میدان انتخابات خود را بر مردم عرضه کنند. (2)

نامزدهای انتخابات باید هوشیار باشند. مبدا نامزدهای انتخابات ریاست جمهوری در تبلیغات خود برای دلخوشی دشمنان حرفی بر زبان جاری کنند. رضایت خدا را باید در نظر گرفت، رضایت اولیاء را باید در نظر

ص: 47

---

1- . مصاحبه با رهبر انقلاب پس از شرکت در انتخابات 88/3/22

2- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) 88/1/1

گرفت. آن چیزی را باید معیار قضاوت قرار داد که مایه ی ایستادگی ملت است، مایه ی استحکام ملت است، مایه ی استقامت مردم است و او پایبندی محکم به اسلام است. (1)

## 4.2. متصل نشدن به نفی دیگری برای اثبات خویش

نامزدهای محترم هم مراقب باشند. نمی پسندد انسان که ببیند يك نامزدی، چه در نطقهای تبلیغاتی، چه در سخنرانی، چه در تلویزیون، چه در غیر تلویزیون، برای اثبات خود متوسل بشود به نفی آن دیگری، آن هم با يك استدلال های گوناگون؛ به نظر من این درست نیست. (2)

## 4.3. رعایت چهارچوب های شرعی در مناظرات و نطق های خود

هر کسی به نظر خودش يك احساس مسئولیتی، تکلیفی دارد، می آید میدان. من با مناظره و معارضه و گفتگو و انتقاد مخالفتی ندارم؛ اما سعی کنید این در چهارچوبهای درست شرعی و دینی انجام بگیرد. (3)

## 4.4. جلوگیری از تبدیل اختلاف نظرها به اغتشاش و درگیری

مراقبت کنند که در این سخنرانی ها، در این اظهارات، جوری نباشد که منتهی بشود به ایجاد دشمنی و ایجاد نقار؛ با برادری و با مهربانی پیش بروند. البته اختلاف نظر، اختلاف رأی، اختلاف سلیقه، در مسائل گوناگون، در مسائل شخصی، در مسائل عمومی، يك امر طبیعی است؛ اشکالی هم ندارد.

ص: 48

---

1- .بیانات در جمع تعدادی از خانواده های شهداء 88/3/3

2- .بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

3- .بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

نگذارید این به اغتشاش منتهی بشود. (1)

#### 4.5. رعایت انصاف در عملکرد و تبلیغات

کسانی که برای انتخابات خود را نامزد میکنند، بدانند که انتخابات يك وسیله ای است برای بالا بردن توان کشور، برای آبرومند کردن ملت؛ انتخابات فقط ابزاری برای قدرت طلبی نیست. اگر بناست این انتخابات برای اقتدار ملت ایران باشد، پس نامزدها بایستی به این اهمیت بدهند و این را در تبلیغاتشان، در اظهاراتشان و در حضورشان رعایت کنند. مبدا نامزدها در اثنای فعالیتهای انتخاباتی خودشان جوری رفتار کنند و حرفی بزنند که دشمن را به طمع بیندازند. رقابتها را منصفانه کنند، حرفها را منصفانه کنند، از جاده ی انصاف خارج نشوند. خوب، به طور طبیعی هر نامزدی حرفی دارد و حرف مقابل خود را رد میکند؛ این رد و ایراد فی نفسه اشکالی ندارد؛ اما مشروط بر اینکه تویش بی انصافی نباشد، کتمان حقیقت نباشد. (2)

#### 5. آسیب شناسی

##### ناسپاسی برخی دوستان و تکرار حرفهای دشمن برای خدشه در انتخابات

انتخابات به فضل الهی و به حول و قوه ی الهی انتخابات سالمی است. من می بینم بعضی ها در انتخاباتی که دو سه ماه دیگر انجام خواهد گرفت، از حالا شروع کرده اند به خدشه کردن. این چه منطقی است؟ این چه فکری است؟ این چه انصافی است؟ این همه انتخابات در طول این سی سال انجام گرفته است - در حدود سی انتخابات - مسئولان وقت در هر دوره ای رسماً

ص: 49

1- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

2- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) 88/1/1

متعهد شده اند و صحت انتخابات را تضمین کرده اند، و انتخابات صحیح بوده است؛ چرا بیخود خدشه میکنند، مردم را متزلزل میکنند، تردید ایجاد میکنند؟ که البته در ذهن مردم عزیز ما با این حرفها تردید ایجاد نخواهد شد. (1)

دشمن خدشه میکند. از دشمن انتظاری هم جز دشمنی نیست؛ چه انتظاری هست؟ بی توقعی از دوستان است. بی توقعی از کسانی است که جزو این ملتند؛ واقعیات را دارند می بینند؛ می بینند که این انتخابات چگونه سالم و متقن انجام میگیرد، در عین حال، همان حرفی را که دشمن میزند، اینها هم میزنند!

یکی از دشمنی ها همین است که این پدیده ی باارزش تأثیر حضور مردم و نقش آفرینی مردم در اداره ی کشور و مدیریت کشور را در تبلیغات خودشان نفی کنند یا ندیده بگیرند یا انکار کنند. بارها و بارها در اظهارات صریحشان، در اظهارات کنایه آمیزشان، در انتخابات کشورمان خدشه کردند. نه؛ انتخابات کشور ما از انتخابات اکثر این کشورهای مدعی دموکراسی، هم آزادتر است، هم پرشورتر است، هم انگیزه ی مردم در این انتخابات بیشتر است.

کسانی که با ملت ایرانند، جزو ملت ایرانند، توقع دارند ملت ایران به آنها توجه کنند، اینها دیگر علیه ملت ایران حرف نزنند و انتخابات ملت ایران را زیر سؤال نبرند. مرتب تکرار نکنند که آقا این انتخابات سالم نیست؛ انتخابات، انتخابات نیست. چرا دروغ میگویند؟ چرا بی انصافی میکنند؟ چرا خلاف واقع میگویند؟ چرا این همه زحماتی را که این ملت و مسئولین در طول این سالهای متمادی متحمل شدند، ندیده میگیرند؟ چرا؟ چرا ناسپاسی میکنند؟

انتخابات در دوره های گذشته سالم بوده. در مواردی که شبهاتی پیش

ص: 50

می آمد، ما فرستادیم تحقیق کردند، دنبال کردند.

در یکی از مجالس گذشته شایعاتی پیدا شد، بعضی ها دلالتی آوردند، حرفهائی زدند که انتخابات ناسالم است؛ توقع داشتند که در برخی از شهرهای مهم از جمله تهران، انتخابات ابطال شود. ما افراد وارد و مطلعی را فرستادیم تحقیق کردند، مطالعه کردند؛ دیدند نه، خدشه در انتخابات نیست. در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه هائی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمیکند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است.

در بین هزارها صندوق ممکن است در دو تا، پنج تا صندوق خدشه هائی به وجود بیاید. این، انتخابات را خراب نمیکند. این هم مال بعضی از اوقات بوده است. گاهی يك گروهی، يك جناحی - از این جناحهای معمولی کشور که شماها این جناح بندی ها را میشناسید - که بر سر کار بودند، نتیجه ی انتخابات به ضرر آنها و به نفع جناح مقابل شده؛ مکرر این اتفاق افتاده. (1)

## 6. موضع رهبری در انتخابات ریاست جمهوری

این را هم در باب انتخابات به شما عزیزان و همه ی ملت عزیزمان عرض بکنم؛ درباره ی موضع رهبری در مورد انتخابات، گمانه زنی و شایعه و اینها همیشه بوده و خواهد بود. بنده يك رأی دارم، آن را در صندوق می اندازم. به يك نفری رأی خواهم داد، به هیچ کس دیگر هم نخواهم گفت که به کی رأی بدهید، به کی رأی ندهید؛ این تشخیص خود مردم است. بنده گاهی از دولت حمایت میکنم، دفاع میکنم؛ بعضی سعی میکنند برای این

ص: 51

کار معنای نادرستی جعل و ابداع کنند. نه، من از دولتها همیشه دفاع میکنم؛ منتها اگر دولتی بیشتر مورد تهاجم قرار گرفت و احساس کردم حملات غیر منصفانه ای میشود، بیشتر دفاع میکنم. من طرفدار اعمال انصافم؛ من میگویم باید منصف باشیم. رفتارها را نگاه کنیم؛ این ربطی به انتخابات ندارد، بحث انصاف و بی انصافی است. حمایت کردن از خدمتگزاران در کشور، وظیفه ای است که هم من دارم، هم همه دارند؛ این مربوط به اعلام موضع انتخاباتی نیست. بنده از هر حرکت خوبی، از هر اقدام خوبی، از هر پیشرفتی، از هر خدمتی به مردم، از هر دلجوئی ای از محرومین، از هر ایستادگی ای در مقابل ظلم و استکبار استقبال میکنم و از آن کسی که این کار را کرده است، تشکر و سپاسگزاری میکنم؛ هر دولتی باشد، هر شخصی باشد؛ این وظیفه ی من است. (1)

بنده در این انتخابات يك رأی بیشتر ندارم، آن رأی را هم به نظرم میرسد که کسی به طور مشخص نمیداند، حالا ممکن است کسانی حدس بزنند. من به کسی نمیگویم، نگفته ام و نخواهم گفت به چه کسی رأی بدهید، به چه کسی رأی ندهید؛ رأی من مربوط به خود من است. این مال ملت است. آنچه که من از مردم میخواهم، عبارت است از اینکه همه با همه ی قوا، با همه ی توان، با همه ی نشاط، در روز بیست و دوی خرداد پای صندوقهای رأی حاضر بشوند و رأی بدهند. (2)

به شایعات هم خیلی گوش نکنند. من دیدم دیروز و دیشب - در این پیامکهای فراوانی که دست مردم هست - شایعاتی را از قول من نقل میکردند که دروغ محض بود و واقعیت نداشت. آدمهای خوش نیت و سالم این کارها

ص: 52

---

1- . بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حضرت علی بن موسی الرضا (ع) 88/1/1

2- . بیانات در بیستمین سالگرد رحلت امام خمینی (ره) 88/3/14

را نمیکنند؛ آدمهای ناسالم از این کارها میکنند؛ توی همه ی بخشها و همه ی گروهها هم کم و بیش ممکن است آدم ناسالم - که سوءنیت داشته باشند و حسن نیت نداشته باشند - پیدا بشود. به این شایعات هم توجه نکنند. امروز هم ممکن است باز شایعاتی - نسبت به بخشهای مختلف انتخابات - بین مردم وجود داشته باشد؛ ما اعتمادمان در درجه ی اول - در اول و آخر - به لطف خدا و به کمک الهی است و از خدای متعال استعانت میکنیم و کمک میخواهیم، و در درجه ی بعد به آگاهی و رشد و هوشیاری مردم است. (1)

## **7. پیش بینی؛ شرکت با شور، با علاقه و صمیمی مردم در انتخابات**

همه ی ملت ایران به کوری چشم دشمنان در انتخابات آینده هم با شور، با علاقه، با صمیمیت پای صندوقهای رأی می آیند و انتخاباتی خواهند آفرید که دشمنان را خشمگین و عصبانی کند. (2)

ص: 53

---

1- . مصاحبه با رهبر انقلاب پس از شرکت در انتخابات 88/3/22

2- . بیانات در دیدار جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران 88/2/9





1. تبیین و تحلیل ها

1.1. اثبات مصونیت ایران در برابر تهاجم سیاسی و روانی

ملت عزیز ایران!

مردان و زنان آگاه و شجاع و زمان شناس!

سلام خدا بر شما که شایستگی خود را برای دریافت سلام و رحمت الهی به اثبات رساندید. جمعه ی حماسی شما، حادثه ئی خیره کننده و بی همتا بود که در آن، رشد سیاسی و چهره ی مصمم انقلابی و توان و ظرفیت مدنی ملت ایران، در نمائی زیبا و پرشکوه در برابر چشم جهانیان به نمایش درآمد.

اقتدار و عزتی که شما با آرامش و متانت و کمال خود در تاریخ کشور به ثبت رساندید، و اراده ی خلل ناپذیری که در میان آتشبار جنگ روانی دشمنان، با حضور در این عرصه ی تعیین کننده نشان دادید، از چنان اهمیتی برخوردار است که با هیچ بیان معمولی و متعارفی نمی توان آن را توصیف کرد. تنها

ص: 55

می توان گفت که ملت ایران توانسته است همچنان موجبات رحمت الهی را در خود حفظ کند و دست قدرت خداوند را در حمایت از پیشرفت و تعالی این کشور، بالای سر خود نگاه دارد.

انتخابات 22 خرداد، با هنرنمایی ملت ایران، نصاب تازه ئی در سلسله ی طولانی انتخاباتی ملی پدید آورد. مشارکت بیش از هشتاد درصدی مردم در پای صندوقها و رأی بیست و چهار میلیونی به رئیس جمهور منتخب، يك جشن واقعی است که به حول و قوه ی الهی، خواهد توانست پیشرفت و اعتلای کشور و امنیت ملی و شور و نشاط پایدار را تضمین کند. دیروز شما توانستید ثابت کنید که ایران به برکت شعارها و ارزشهای انقلاب اسلامی، در برابر تهاجم سیاسی و روانی از چنان مصونیت و صلابتی برخوردار است که با گذشت سی سال از آغاز مردم سالاری دینی در این کشور، از همیشه تازه نفس تر و سرزنده تر در صحنه حاضر گشته و دوستان و دشمنان را به ادامه ی راه روشن خود مطمئن میسازد.

اینجانب با فروتنی در برابر عزم و ایمان شما مردم عزیز، این موفقیت بزرگ را به حضرت ولی الله الاعظم روحی فداه و به روح امام بزرگوار و به یکایک آحاد ملت تبریک عرض میکنم و همگان را به قدردانی از این لطف الهی و شکرگزاری در برابر پروردگار حکیم و علیم توصیه مینمایم. (1)

## 1.2. نمایش حکم فرمایی مردم سالاری در نظام اسلامی و به رخ عالم کشیدن آن

### اشاره

ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهم است. من معتقدم همه ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. یعنی این اتحاد ملی را در گفتن و اعلام صریح حمایت از نظام اسلامی را، دست کم نگیریم؛

ص: 56

این چیز بسیار مهمی است. (1)

### حضور مردم در خیابانها بدون درگیری

امروز نظام اسلامی نشان دارد می‌دهد که مردم سالاری واقعی در او حکمفرماست. مردم می‌آیند می‌نشینند پای صحبت نامزدهای مختلف، گوش میکنند، بعد در حدود شاید ده روز، پانزده روز در خیابانها حضور فعال دارند. این به نظر من خیلی مسئله‌ی مهمی است. ما باید به این شبهای گوناگون و متعددی که در خیابانهای تهران و بعضی از شهرستانهای دیگر مردم جمع میشدند و بعضی از این نامزد، بعضی از آن نامزد حمایت میکردند، شعار میدادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند. (2)

### قاعده مردم سالاری؛ تقدم اکثریت بر اقلیت در مقام عمل

آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از يك نامزد، با آن کسانی که اجتماع میکنند برای حمایت از نامزد دیگر، هر دو ملت ایرانند، گروه‌هایی از مردمنده؛ ما باید با این دید نگاه کنیم. آرائی هم دارند؛ يك جمعی رأی به این دادند، يك جمعی رأی به آن دادند. البته قاعده‌ی مردم سالاری این است که اکثریت بر اقلیت در مقام عمل تقدم پیدا میکند؛ یعنی آن کسی که اکثریت به او رأی دادند، او مسئولیت را به عهده میگیرد؛ این قاعده‌ی مردم سالاری

ص: 57

---

1- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

2- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

است. اما این به معنای ایجاد تزاخم و ایجاد تعارض و دشمنی نیست. (1)

## مردم سالاری دینی، راه سوم!

بنده دوست ندارم در سخنرانی‌ها و خطابه‌ها نسبت به مخاطبان خودم با مبالغه حرف بزنم یا تملق آنها را بگویم؛ اما در این قضیه‌ی انتخابات، خطاب به شما مردم عزیز عرض میکنم که هر چه با مبالغه صحبت بکنم، زیاد نیست؛ حتی اگر بوی تملق هم بدهد، ایرادی ندارد. کار بزرگی کردید. انتخابات 22 خرداد یک نمایش عظیمی بود از احساس مسئولیت ملت ما برای سرنوشت کشور؛ نمایش عظیمی بود از روح مشارکت جوی مردم در اداره‌ی کشورشان؛ نمایش عظیمی بود از دلبستگی مردم به نظامشان. حقیقتاً مشابه این حرکتی که در کشور انجام گرفت، من امروز در دنیا و در این دموکراسی‌های گوناگون - چه دموکراسی‌های ظاهری و دروغین و چه دموکراسی‌هایی که واقعاً به آراء مردم مراجعه میکنند - نظیرش را سراغ ندارم. در جمهوری اسلامی هم جز در همه‌پرسی سال 58 - فروردین 58 - هیچ نظیری دیگر برای این انتخاباتی که در جمعه‌ی گذشته شما انجام دادید، وجود ندارد؛ مشارکت حدود 85 درصد؛ چهل میلیون تقریباً جمعیت. انسان دست مبارک ولی عصر را پشت سر حوادثی با این عظمت می‌بیند. این نشانه‌ی توجه خداست. لازم میدانم از اعماق دل نسبت به شما مردم عزیز در سراسر کشور ابراز ادب و ابراز تواضع کنم که واقعاً جا دارد.

نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره‌ی داغ انقلاب دلها را به هیجان

ص: 58

می آورد، بعد هم در دوره ی جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسئولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. البته بین مردم اختلاف سلیقه هست، اختلاف رأی هست؛ عده ای کسی را قبول دارند، حرفی را قبول دارند؛ عده ی دیگری کس دیگری را قبول دارند، حرف دیگری را قبول دارند؛ اینها هست، طبیعی هم هست، لیکن يك تعهد جمعی را انسان در بین همه ی این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس میکند؛ يك تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای كوچك، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

این انتخابات، عزیزان من! برای دشمنان شما يك زلزله ی سیاسی بود؛ برای دوستان شما در اکناف عالم يك جشن واقعی بود؛ يك جشن تاریخی بود. در سی سالگی انقلاب این جور مردم بیایند نسبت به این نظام و این انقلاب و آن امام بزرگوار اظهار وفاداری کنند! این يك جنبش عمومی و مردمی بود برای تجدید پیمان با امام و با شهدا؛ و برای نظام جمهوری اسلامی يك نَفَس تازه کردن، يك حرکت از نو، يك فرصت بزرگ. این انتخابات، مردم سالاری دینی را به رخ همه ی مردم عالم کشید. همه ی کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردم سالاری دینی یعنی چه. این يك راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری ها و نظامهای مستبد از يك طرف، و دموکراسی های دور از معنویت و دین از يك طرف دیگر، این مردم سالاری دینی است؛ این است که دلهای مردم را مجذوب میکند و آنها را

به وسط صحنه میکشاند. این، امتحان خودش را داد. این يك نکته درباره ی این انتخابات، (1)

### 1.3. بی نظیر بودن انتخابات دهم

انتخابات مایه ی افتخار ماست. چهل میلیون رأی شوخی نیست. این از بالاترین نصایب که ما تا حالا داشته ایم، مبالغ قابل توجهی بیشتر است؛ این خیلی اهمیت دارد. بعد از سی سال ملت ما پابندی شان به نظام جمهوری اسلامی آنچنان است که اینجور با شور و شوق وارد صحنه میشوند که خبرگزاری های خارجی از همان ساعات اول اعلام کردند - ما خبرها را تعقیب میکردیم - و همه گفتند که این دفعه حضور مردم، حضور فوق العاده ای است. این را همه گفتند. حالا غیر از مشاهداتی که کسانی میرفتند رأی میدادند و می آمدند برای ما نقل میکردند، خبرگزاری ها گفتند و در تعدادی از تلویزیونهای بیگانه هم منعکس شد که حضور مردم، حضور جدی و فعال و متراکمی است. در بعضی از تلویزیونهای خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است. (2)

### 1.4. حضور مردم پای صندوق رأی، در مواقعی که کشور احتیاج به فریادرس مقابل بدخواهان دارد

همیشه دیده اید مسئولین کشور و خود بنده اصرار داشتیم بر افزایش آحاد شرکت کننده ی در رأی دادن؛ مردم را تشویق میکردیم، ترغیب میکردیم،

ص: 60

---

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29

2- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

مردم هم هوشیارانه و در مواقع حساس وارد قضایا میشوند؛ در مواقعی که کشور احتیاج داشته به اینکه يك فریاد رسا و بلندی را در مقابل مخالفان خود و بدخواهان خود در دنیا مطرح بکنند، آمده اند پای صندوقهای رأی و رأی داده اند. بنده در چند تا از پیامهای تبریک انتخابات، این جمله را تکرار کردم: «مردم هوشمند و زمان شناس» (1).

### 1.5. آشکاری امید و شادابی مردم و اعتماد آنها به جمهوری اسلامی

با اعتماد و با امید و با شادابی ملی در این کشور زندگی میکنند. این جواب خیلی از حرفهایی است که دشمنان شما در تبلیغات مغرضانه ی خودشان بر زبان می آورند. اگر مردم در کشور به آینده امیدوار نباشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر به نظام خودشان اعتماد نداشته باشند، در انتخابات شرکت نمیکنند؛ اگر احساس آزادی نکنند، به انتخابات روی خوش نشان نمیدهند. اعتماد به نظام جمهوری اسلامی در این انتخابات آشکار شد.

دشمنان همین اعتماد مردم را هدف گرفته اند؛ دشمنان ملت ایران میخواهند همین اعتماد را در هم بشکنند. این اعتماد بزرگترین سرمایه ی جمهوری اسلامی است، میخواهند این را از جمهوری اسلامی بگیرند؛ میخواهند ایجاد شك کنند، ایجاد تردید کنند درباره ی این انتخابات و این اعتمادی را که مردم کردند، تا این اعتماد را متزلزل کنند.

دشمنان ملت ایران میدانند که وقتی اعتماد وجود نداشت، مشارکت ضعیف خواهد شد؛ وقتی مشارکت و حضور در صحنه ضعیف شد، مشروعیت نظام دچار تزلزل خواهد شد؛ آنها این را میخواهند؛ هدف دشمن این است. میخواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت

ص: 61



را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانك و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در يك چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را میخواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند. من آنوقت به دوستان خوبمان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوئید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن میخواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. (1)

### 1.5. نمایش تعهد جمعی همه ی آحاد و شور، شعور و تعهد سیاسی جوانان

يك تعهد جمعی را انسان در بین همه ی این آحاد، با اختلاف آراءشان، احساس میکند؛ يك تعهد جمعی برای حفظ کشورشان، برای حفظ نظامشان. همه وارد شدند؛ در شهرها، در روستاها، در شهرهای بزرگ، در شهرهای كوچك، اقوام گوناگون، مذاهب مختلف، مردها، زنها، پیر، جوان، همه وارد این میدان شدند؛ همه در این حرکت عظیم شرکت کردند.

نسل جوان ما بخصوص نشان داد که همان شور سیاسی، همان شعور

ص: 62

سیاسی، همان تعهد سیاسی را که ما در نسل اول انقلاب سراغ داشتیم، دارد؛ با این تفاوت که در دوران انقلاب، کوره‌ی داغ انقلاب دلها را به هیجان می‌آورد، بعد هم در دوره‌ی جنگ به نحو دیگری؛ اما امروز اینها هم نیست، در عین حال این تعهد، این احساس مسئولیت، این شور و شعور در نسل کنونی ما وجود دارد؛ اینها چیز کمی نیست. (1)

### 1.7. تعلق همه‌ی رأی دهندگان چهار نامزد به جبهه‌ی انقلاب

همه‌ی کسانی که به این چهار نامزد رأی دادند، مأجورند؛ ان شاءالله اجر الهی دارند. همه‌شان در درون جبهه‌ی انقلابند، متعلق به نظامند؛ اگر با قصد قربت رأی داده باشند، عبادت هم کرده‌اند. خط انقلاب، چهل میلیون رأی دارد؛ نه بیست و چهار و نیم میلیون که رأی به رئیس جمهور منتخب است. چهل میلیون به خط انقلاب رأی دادند. (2)

### 1.8. تعلق همه‌ی کاندیداها به نظام

این چهار نفری که وارد عرصه‌ی این انتخابات جدی شدند، همه‌شان جزو عناصر نظام و متعلق به نظام بودند و هستند. یکی از اینها رئیس جمهور کشور ماست؛ رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، مورد اعتماد. یکی از آنها نخست وزیر هشت سال در دوران ریاست جمهوری خود بنده است. یکی از آنها فرمانده‌ی سپاه در سالهای متمادی و یکی از فرماندهان اصلی دوران دفاع مقدس بوده است. یکی از آنها دو دوره رئیس قوه‌ی مقننه‌ی کشور بوده است؛ رئیس مجلس شورای اسلامی بوده است. اینها عناصر

ص: 63

---

1- . خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 88/3/29

2- . خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 88/3/29

نظامند؛ اینها همه شان متعلق به نظامند. البته اختلاف نظر دارند، اختلاف برنامه دارند، در جهتگیری های گوناگون سیاسی با هم تفاوت‌های متعددی دارند؛ اما همه شان مال نظامند؛ چهار نفر از عناصر نظامند. این رقابت درون نظام تعریف شد؛ نه رقابت بین درون نظام و بیرون نظام، که رادیوی صهیونیستی و رادیوی آمریکا و رادیوی انگلیس خبیث و دیگران می‌خواهند این را دامن بزنند. نخیر، رقابتی بود در درون نظام و بین عناصر وابسته ی به نظام؛ متعلق به نظام، و همه شان هم با این سوابق. همه شان را من از نزدیک می‌شناسم، افکارشان را میدانم، سلاتشان را میدانم، خصوصیات رفتاریشان را میدانم، با همه شان از نزدیک من کار کردم.

البته بنده همه ی دیدگاه های این آقایان را قبول ندارم؛ بعضی از نظرهايشان و عملکردهايشان از نظر من بدون شك قابل انتقاد است؛ بعضی را برای خدمت به کشور مناسبتر از بعضی دیگر میدانم؛ اما انتخاب به عهده ی مردم بوده و هست. مردم انتخاب کردند. خواست من، تشخیص من، نه به مردم گفته شد، نه مردم لازم بود آن را مراعات کنند. مردم خودشان طبق معیارهای خودشان تشخیص دادند، حرکت کردند، عمل کردند؛ میلیونها این طرف، میلیونها آن طرف. بنابراین، مسئله، مسئله ی درونی نظام است. اینی که بخواهند صورت مسئله را تغییر بدهند، این صد در صد مغرضانه و خباثت آلود است. دعوا بین نظام و بیرون از نظام نیست، دعوا بین انقلاب و ضد انقلاب نیست؛ اختلاف بین عناصری در درون چهارچوب نظام است. (1)

## 1.9. آزاد، جدی و شفاف بودن رقابتها

### اشاره

این رقابتها و مناظرات، که ابتکار مهمی بود؛ ابتکار جالبی بود؛ خیلی

ص: 64

صریح بود، خیلی شفاف بود، خیلی جدی بود. این مناظره ها تو ذهن آن کسانی زد که از بیرون تبلیغ میکردند که این رقابتها نمایشی است، واقعیت ندارد. دیدند نخیر، واقعیت دارد؛ جدی در مقابل هم ایستاده اند، با هم بحث میکنند، با هم استدلال میکنند. بنابراین مناظره ها و گفتگوها بسیار از این جهت مثبت بود. البته آثار مثبتی داشت، عیوبی هم داشت، که حالا هر دو را من عرض خواهم کرد.

### 1.9.1. نقاط مثبت مناظرات

آن جهت مثبت، این بود که در این مناظره ها و در این گفتگوها و در این گفتارهای تلویزیونی، همه شفاف و راحت حرف زدند، حرف دلشان را بر زبان آوردند، یک سیلابی از نقد و انتقاد به راه افتاد و همه مجبور شدند پاسخگوئی کنند. به آنها انتقاد شد، آنها در مقام پاسخگوئی برآمدند و از خودشان دفاع کردند. مواضع افراد و مواضع گروه ها بدون ابهام، بدون پیچیده گوئی، عریان، در مقابل چشم مردم قرار گرفت؛ سیاستهایشان چیست، برنامه هایشان چیست، پابندی هایشان کدام است، تا چه حد است؛ اینها در مقابل چشم مردم قرار گرفت و مردم توانستند قضاوت کنند. مردم احساس کردند که در نظام اسلامی بیگانه به حساب نمی آیند، نظام کشور اندرونی و بیرونی ندارد. همه چیز در مقابل مردم آشکار، همه ی نظرات در مقابل مردم بیان شد و معلوم شد رأی مردم ناشی از همین دقتها و تأملات خواهد بود. رأی مردم زینتی نیست. حق انتخاب حقیقتاً متعلق به مردم است، مردم میخواهند آگاهانه، هشیارانه انتخاب کنند. این مناظره ها این را نشان داد. یقیناً یکی از علل افزایش ده میلیونی آراء نسبت به آخرین حد نصاب دوره های قبل همین بود که ذهن مردم، فکر مردم مشارکت داده شد، به عرصه آمد و

آنها تشخیص دادند، وارد میدان شدند. این مناظره ها به سطح خیابانها هم کشیده شد، داخل خانه ها هم رفت، که اینها قدرت انتخاب مردم را بالا- میبرد. اینجور مباحثات و گفتگوها ذهنها را پرورش میدهد، قدرت انتخاب را بالا میبرد. این از نظر جمهوری اسلامی چیز مطلوبی است.

البته همین جا من عرض بکنم که این گفتگوها نباید به جایی برسد که تبدیل بشود به کدورت و کینه. اگر این شد، آنوقت اثر عکس خواهد داشت. اگر به همان شکلی که آن روز بود و در همان حد باقی بود، این خوب بود؛ اما اگر بنا باشد همین طور کش پیدا کند، ادامه پیدا کند، هی بگومگو بشود، این تدریجاً تبدیل خواهد شد به کینه. البته خیلی خوب است که این جور مناظره هائی در سطوح مدیریتی ادامه پیدا کند - البته با حذف آن عیوبی که بعد به آن اشاره خواهم کرد - و افراد، مسئولین، خودشان را در معرض نقد و انتقاد قرار بدهند و پاسخگو باشند و پاسخ بدهند و تبیین کنند. خیلی از اوقات اگر چنانچه يك انتقادی به کسی بشود، این فرصتی است برای او که بتواند ذهنها را روشن کند، تبیین کند، حقیقت را بیان کنند؛ خیلی چیز خوبی است؛ البته با حذف آن عیوبی که عرض خواهم کرد. اگر این جور مناظره ها در طول سال و در طول چهار سال ادامه داشته باشد، دیگر وقتی در هنگام انتخابات پیش آمد، حالت انفجاری پیدا نمیکند؛ همه ی حرفها در طول زمان گفته خواهد شد، نقدها، پاسخها، جوابها. اینها محسنات این مناظرات بود که خیلی خوب بود؛ اما عیوبی هم داشت که این عیوب را باید برطرف کرد. در مواردی انسان میدید که در این مناظره ها جنبه ی منطقی مناظره ضعیف میشد؛ جنبه ی احساساتی و عصبی پیدا میکرد؛ جنبه ی تخریبی غلبه پیدا میکرد؛ سیاه نمائی وضع موجود به شکل افراطی در این مناظره ها دیده شد؛ سیاه نمائی دوره های گذشته هم در این مناظره ها

مشاهده شد؛ هر دو بد بود. اتهاماتی مطرح شد که در جایی اثبات نشده است؛ به شایعات تکیه شد، بی انصافی‌هایی احياناً دیده شد؛ هم بی انصافی نسبت به این دولت با این همه حجم خدمت، و هم بی انصافی نسبت به دولتهای گذشته و دوران سی ساله. آقایان در خلال صحبت احساساتی شدند و لابلای حرفهای خوب، حرفهایی هم که خوب نبود، گفته شد.

بنده هم مثل بقیه ی آحاد ملت نشستیم پای تلویزیون و این مناظره ها را تماشا کردم و از آزادی بیان لذت بردم؛ از اینکه نظام جمهوری اسلامی توانسته است به کمک مردم بیاید تا بتوانند قدرت انتخاب خود را بالا ببرند، لذت بردم؛ اما این بخش معیوب قضیه، بنده را ناخرسند کرد؛ متأثر شدم. برای طرفداران نامزدها هم آن بخشهای معیوب، آن تعریضها، آن تصریحها، التهاب آور و نگران کننده بود، که البته از هر دو طرف هم بود.

بنده اینجا در منبر نماز جمعه، در خطبه ای که در حکم نماز است، حقایق را باید بیان بکنم. هر دو طرف در این عیب متأسفانه مشترك بودند. از يك طرف صریحترین اهانتها به رئیس جمهور قانونی کشور شد. حتی از دو سه ماه قبل از مناظرات هم این سخنانی ها را برای من می آوردند و من میدیدم یا گاهی می شنیدم؛ تهمتهایی زدند، حرفهایی گفتند؛ به کی؟ به کسی که رئیس جمهور قانونی کشور است، متکی به آراء مردم است. نسبتهای خلاف دادند، رئیس جمهور مملکت را که مورد اعتماد مردم است، به دروغ گوئی متهم کردند! اینها خوب است؟ کارنامه های جعلی برای دولت درست کردند، اینجا آنجا پخش کردند، که ما که در جریان امور هستیم، می بینیم میدانیم که اینها خلاف واقع است؛ فحاشی کردند؛ رئیس جمهور را خرافاتی، رمال، از این نسبت های خجالت آور دادند؛ اخلاق و قانون و انصاف را زیر پا گذاشتند.

این از آن طرف. از این طرف هم همین جور؛ از این طرف هم شبیه همین کارها به نحو دیگری انجام گرفت. کارنامه ی درخشان سی ساله ی انقلاب کمرنگ جلوه داده شد؛ اسم بعضی از اشخاص برده شد که اینها شخصیت‌های این نظامند؛ اینها کسانی هستند که عمرشان را در راه این نظام صرف کردند. بنده در نماز جمعه هیچوقت رسم نموده است از افراد اسم بیاورم؛ اما اینجا چون اسم آورده شده است، مجبورم اسم بیاورم. به طور خاص از آقای هاشمی رفسنجانی، از آقای ناطق نوری من لازم است اسم بیاورم و باید بگویم. البته این آقایان را کسی متهم به فساد مالی نکرده؛ حالا در مورد بستگان و کسان، هر کس هر ادعائی دارد، بایستی در مجاری قانونی خودش اثبات بشود و قبل از اثبات نمیشود اینها را رسانه ای کرد. اگر چیزی اثبات بشود، فرقی بین آحاد جامعه نیست؛ اما اثبات نشده، نمیشود اینها را مطرح کرد و قاطعاً ادعا کرد. وقتی اینجور حرفها مطرح میشود، تلقی های نادرست در جامعه به وجود می آید، جوانها چیز دیگری خیال میکنند، چیز دیگری میفهمند.

آقای هاشمی را همه میشناسند. من شناختم از ایشان مربوط به بعد از انقلاب و مسئولیتهای بعد از انقلاب نیست؛ من از سال 1336 - یعنی 52 سال قبل - ایشان را از نزدیک میشناسم. آقای هاشمی از اصلی ترین افراد نهضت در دوران مبارزات بود؛ از مبارزین جدی و پیگیر قبل از انقلاب بود؛ بعد از پیروزی انقلاب از مؤثرترین شخصیت‌های جمهوری اسلامی در کنار امام بود؛ بعد از رحلت امام هم در کنار رهبری تا امروز.

این مرد بارها تا مرز شهادت پیش رفته. قبل از انقلاب اموال خودش را صرف انقلاب میکرد و به مبارزین میداد. اینها را جوانها خوب است بدانند.

بعد از انقلاب ایشان مسئولیتهای زیادی داشت: هشت سال رئیس جمهور بود؛ قبلش رئیس مجلس بود؛ بعد مسئولیتهای دیگری داشت. در طول این مدت هیچ موردی را سراغ نداریم که ایشان برای خودش از انقلاب يك اندوخته ای درست کرده باشد. اینها يك حقایقی است؛ اینها را باید دانست. در حساسترین مقاطع ایشان در خدمت انقلاب و نظام بوده.

من البته در موارد متعددی با آقای هاشمی اختلاف نظر داریم، که طبیعی هم هست؛ ولی مردم نباید دچار توهم بشوند، چیز دیگری فکر کنند. البته بین ایشان و بین آقای رئیس جمهور از همان انتخاب سال 84 تا امروز اختلاف نظر بود، الان هم هست؛ هم در زمینه ی مسائل خارجی اختلاف نظر دارند، هم در زمینه ی نحوه ی اجرای عدالت اجتماعی اختلاف نظر دارند، هم در برخی مسائل فرهنگی اختلاف نظر دارند؛ و نظر آقای رئیس جمهور به نظر بنده نزدیکتر است.

در مورد آقای ناطق نوری هم همین جور. آقای ناطق نوری هم از شخصیتهای خدوم انقلاب است؛ ایشان هم خدمات زیادی کرده و در دل بستگی ایشان به این نظام و انقلاب هیچ شکی نیست.

مناظره های زنده ی تلویزیونی خوب است؛ اما این آسیبها باید برطرف بشود. من همان وقت - بعد از مناظره - به آقای رئیس جمهور هم تذکر دادم؛ چون میدانستم ایشان ترتیب اثر میدهند.

در مورد مبارزه ی با فساد مالی، موضع نظام يك موضع روشنی است. در زمینه ی مسائل مربوط به عدالت اجتماعی، موضع نظام يك موضع روشنی است. با فساد باید در هر نقطه ای که هست، مبارزه کرد. من میخواهم این را عرض بکنم: ما مدعی نیستیم در نظام ما فساد مالی و اقتصادی وجود ندارد؛ چرا، اگر وجود نداشت که بنده آن نامه ی هشت ماده ای را چند سال قبل



خطاب به رؤسای محترم سه قوه نمینوشتم و اینقدر روی آن تأکید نمی‌کردم. چرا، هست؛ اما می‌خواهم این را بگویم: نظام جمهوری اسلامی، همین امروز یکی از سالمترین نظامهای سیاسی و اجتماعی در دنیاست. اینکه ما بیائیم به استناد گزارش فلان مرجع صهیونیستی، نظام را و کشور را متهم کنیم به فساد، این مطلقاً درست نیست. این هم که ما اشخاص را، مسئولین را بی جهت در زمینه ی فساد زیر سؤال ببریم، این هم درست نیست. فساد مالی یکی از مسائل مهم در نظام اسلامی است و باید با او جداً مبارزه کرد؛ هم در قوه ی مجریه، هم در قوه ی قضائیه، هم در قوه ی مقننه. همه موظفند با این مسئله مبارزه کنند. اگر مبارزه نشود، مهار نشود، توسعه پیدا خواهد کرد؛ کما اینکه بسیاری از کشورهای دنیا - همین کشورهای غربی که اینقدر دم از مبارزه ی با فساد مالی و پولشویی و امثال اینها می‌زنند - تا خرخره غرق در فسادند. قضایای دولت انگلیس و مجلس پارلمان انگلیس را این روزها شنیدید و همه ی دنیا دانستند. این يك گوشه هائی از قضایاست؛ خیلی بیش از اینهاست. (1)

## 2. آسیب شناسی

### 2.1. تصور اینکه 24 میلیون يك طرفند و 14 میلیون طرف دیگر

اینکه ما تصور کنیم که يك گروه مثلاً بیست و چهار میلیونی يك طرفند، يك گروه چهارده میلیونی يك طرفند، این به نظر من يك خطای بسیار بزرگی است؛ قضیه اینجور نیست. همه در يك طرف قرار دارند. آن کسانی که به رئیس جمهور منتخب این دوره ی از انتخابات رأی دادند، همانقدر وابسته ی به انقلاب و کشور و نظامند، که آن کسانی که رأی ندادند. مجموعه های

ص: 70

مردمی، فرزندان این کشورند؛ فرزندان این ملتند. این خطاست که ما این دو مجموعه ی رأی دهنده را که يك عده ای رأی به يك نامزدی دادند، يك عده ای رأی به آن نامزد ندادند، اینها را ما متخاصم و متقابل فرض کنیم؛ نه، در يك مسئله ای، در يك گزینشی، اینها سلیقه شان يك جور نبوده، لکن در اصل قضیه، در اعتقاد به نظام، در پشتیبانی از جمهوری اسلامی، همه ی اینها با هم یکی هستند. ما نگاه کنیم به رأی قریب چهل میلیونی مردم در این دوره؛ این مهم است. من معتقدم همه ی ما وظیفه داریم این را پاسداری کنیم. (1)

## 2.2. تبدیل فضای مردم سالاری بعد از انتخابات به فضای خصومت و تقابل

با ایجاد دشمنی همه تان مقابله کنید. این مخصوص يك نامزد یا يك ستاد یا يك مجموعه نیست؛ همه وظیفه دارند که با ایجاد تقار و دشمنی و کدورت مقابله کنند. بله، ممکن است کسانی همانطور که حالا آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و اعتراض داشته باشند، که البته، راه های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست میکنم از آقایان مسئول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هست که پاره ای از صندوقها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً يك مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوقهای مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوقها را بازشماری کنند؛ خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند

ص: 71

و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

البته من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه ی انتخاباتهای گذشته - شماها همه تان مسئولین هستید، بوده اید، ممشای بنده را میدانید - به مسئولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که میدانید در موارد متعدد، مسئولین از سلائق مختلف بودند، اما من به مقام مسئولی که میشناسم و قاعده ی کار او را میدانم، اعتماد میکنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد میکنم، اما این اعتماد من موجب نمیشود که اگر چنانچه شبهه ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهمتر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هر کسی به نحوی، هر کسی وظیفه ای دارد. (1)

### 2.3. تلاش بعضی افراد برای از بین بردن آرامش و وحدت ملی

در این قضایا همه موفق شدید، همه پیروز شدید؛ در این جهت که توانستید نظام مورد علاقه تان را تحکیم ببخشید. مردم همه پیروزند؛ به خاطر اینکه توانستند يك عظمتی و عزتی را از خودشان بروز بدهند. عده ای این را نمیخواهند و طبعاً خرابکاری میکنند، ایجاد اختلال میکنند، از این به آن حرف میبرند، از آن به این حرف می آورند؛ غالباً هم خلاف. بنده چون از اطراف مختلف، حرفها به گوش من میرسد، می بینم این چیزهایی که این طرف از آن طرف میگوید، بعضاً خلاف واقع است؛ هم آن چیزهایی که آن طرف از این طرف بیان میکند، بعضاً خلاف واقع است. پیداست کسانی

ص: 72

در وسط نمیخواهند این اتحاد و اتفاق در کشور شکل بگیرد. این حالا آسان ترینش است، بدترش هم همین کارهای خرابکاری ای است که شما می بینید انجام میدهند، که البته همه باید در مقابل این خرابکاری ها بایستند، اعلام موضع کنند. همه بایستی بگویند.

این تخریبهایی که انجام میگیرد، این کارهای زشتی که انجام میگیرد، بعضاً جنایاتی که واقع میشود، مربوط به هیچکدام از این اطراف قضیه نیست؛ این مربوط به مردم نیست، مربوط به نامزدها نیست؛ مربوط به خرابکارهاست، مربوط به اخلا لگرهاست. نبادا کسی توهم کند و تصور بکند که این مربوط به این است که اینها طرفدار فلان نامزدند؛ نه، اینها مثل همان کسانی هستند که اختلافات مذهبی را بین مسلمانها راه می اندازند که ما مکرر گفته ایم اینها نه سنی اند، نه شیعه؛ شیعه را علیه سنی، سنی را علیه شیعه تحریک میکنند، و در وضع اتحاد جامعه ی عظیم ما هم همین جور است. کسانی که يك طرف را علیه يك طرف تحریک میکنند، کارهایی میکنند به عنوان طرفداری از يك جهت، در حالی که حقیقتاً طرفداری از او نیست؛ اینها نه از این طرفند، نه از آن طرف. اینها کسانی هستند که با اصل نظام مخالفند، با آرامش کشور مخالفند، طرفدار تشنجند، طرفدار اغتشاشند، میخواهند آرامش نباشد.

هر کس سر کار باشد، اگر نتایج انتخابات غیر از این هم میشود، بنده به طور اطمینان میتوانم عرض بکنم که باز اینجور حوادثی دیده میشود، باز این حوادث پیش می آمد، برای اینکه اصلاً آرامش در کشور نباشد. آنها امنیت کشور را و آرامش کشور را هدف گرفته اند و میخواهند این را از بین ببرند. هیچکس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. (1)

ص: 73

## 2.4. رسیدن دامنه‌ی افراطی‌گری نخبگان سیاسی به جاهای بسیار حساس در بدنه مردم

آن کسانی که به یک نحوی یک نوع مرجعیتی در افکار مردم دارند؛ از این سیاسیون و رؤسای احزاب و کارگردانان جریان‌های سیاسی، و یک عده‌ای از اینها حرف شنوی دارند، اینها خیلی باید مراقب رفتار خودشان باشند؛ خیلی باید مراقب گفتار خودشان باشند. اگر آنها کمی افراطی‌گری کنند، دامنه‌ی این افراطی‌گری در بدنه‌ی مردم به جاهای بسیار حساس و خطرناکی خواهد رسید که گاهی خود آنها دیگر نمیتوانند آن را جمع کنند، که ما نمونه‌هایش را دیده‌ایم. افراط وقتی در جامعه به وجود آمد، هر حرکت افراطی به افراطی‌گری دیگران دامن میزند. اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، یا برای اصلاح ابرو، چشم را کور کنند، چه بخواهند، چه نخواهند، مسئول خونها و خشونت‌ها و هرج و مرج‌ها، آنهایند.

من به همه‌ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه‌ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه‌ی کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره‌هایشان بر میدارند و چهره‌ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید. (1)

## 3. توصیه‌ها

### 3.1. حمایت یک پارچه‌ی همه از رئیس‌جمهور منتخب و کمک به او

گمان بر این است که دشمنان بخواهند با گونه‌هایی از تحریکات

ص: 74

بدخواهانه، شیرینی این رویداد را از کام ملت بزدايند. به همه آحاد مردم و بويژه جوانان عزيز كه سرزنده ترين نقش آفرينان اين حادثه ي شورانگيز بودند، توصيه ميكنم كه كاملاً هشييار باشند.

همواره بايد شنبه ي پس از انتخابات، روز مهرباني و بردباري باشد. چه طرفداران نامزد منتخب و چه هواداران ديگر نامزدهاي محترم، از هرگونه رفتار و گفتار تحريك آميز و بدگمانانه پرهيز كنند. رئيس جمهور منتخب و محترم، رئيس جمهور همه ي ملت ايران است و همه و از جمله رقيبان ديروز بايد يکپارچه از او حمايت و به او كمك كنند. بي شك اين نيز امتحاني الهی است كه موفقيت در آن خواهد توانست رحمت خداوند متعال را جلب كند. (1)

### 3.2. حفظ اتحاد ملي و جلوگیری از انشقاق و دشمنی

ما بايد سعی كنيم، دقت كنيم كه انتخابات مايه ي انشقاق نشود؛ اين حرف اصلي من است.

من معتقدم همه ي ما وظيفه داريم اين را پاسداري كنيم. يعني اين اتحاد ملي را در گفتن و اعلام صريح حمايت از نظام اسلامي را، دست كم نگريم؛ اين چيز بسيار مهمي است. امروز نظام اسلامي نشان دارد ميدهد كه مردم سالاري واقعي در او حكمرماست. مردم مي آيند مي نشينند پای صحبت نامزدهاي مختلف، گوش ميكنند، بعد در حدود شايد ده روز، پانزده روز در خيابانها حضور فعال دارند. اين به نظر من خيلي مسئله ي مهمي است. ما بايد به اين شبهاي گوناگون و متعددي كه در خيابانهاي تهران و بعضي از شهرستانهاي ديگر مردم جمع ميشدند و بعضي از اين نامزد، بعضي از آن نامزد حمايت

ص: 75

میکردند، شعار میدادند و هیچگونه درگیری بین اینها وجود نداشت، افتخار بکنیم؛ این خیلی چیز مهمی است. مردم ما اینند؛ اختلاف سلیقه هم دارند، نظرات مختلفی هم نسبت به نامزدهای مختلف دارند، اما با همدیگر هم کار میکنند. آقای مهندس موسوی برای من نقل میکردند که توی یک خیابانی که ایشان میرفته، ماشینی با ماشین ایشان همراه میشوند. آنها شروع میکنند حرفی و شعاری را که علیه آقای موسوی بوده، با خنده گفتن، آقای موسوی گفت من هم خندیدم و به آنها دست تکان دادم اینجوری و عبور کردم. خوب، این فضا خیلی فضای خوبی است. این فضا بعد از انتخابات نباید تبدیل بشود به فضای خصومت و تقابل؛ عده ای این را میخواهند در جامعه تحقق ببخشند. این خلاف واقع است. (1)

### 3.3. کمک نکردن به تشنج آفرینی

هیچکس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست. و هر کاری که تشنج آفرین باشد، واقعاً نکنند؛ یعنی همدیگر را عصبانی نکنند. (2)

### 3.4. حلم و بردباری و ترویج آن میان نخبگان و آحاد مردم

هم آن طرفی که توانسته اکثریت را به دست بیاورد، ملاحظاتی لازم است بکند، توجهاتی بکند، مراقبتهایی در کیفیت رفتار و حرکت انجام بدهد، هم آن طرفی که این رأی اکثریت را کسب نکرده، او هم مراقبتهایی لازم دارد.

ص: 76

---

1- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

2- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

همه باید حلم داشته باشند. حلم اسلامی که ما در فارسی او را بردباری معنا میکنیم، معنایش توان تحمل و ظرفیت تحمل است. همه باید ظرفیت تحمل داشته باشند، بتوانند تحمل کنند؛ تحمل پیروزی هم کار آسانی نیست، تحمل عدم پیروزی هم کار آسانی نیست. حلم داشتن و تحمل کردن و ظرفیت پیروزی و عدم پیروزی را داشتن، یکی از فضائل انسانی است؛ ما باید این را هم در نخبگان، هم در آحاد عظیم مردم ترویج بکنیم. (1)

### 3.5. موضع صریح گرفتن (نخبگان)

هیچکس نباید به این تشنج آفرینی و اغتشاش آفرینی کمک کند و همه باید در مقابل او صریح موضع بگیرند. کما اینکه مواضع حقیقی شماها هم جز این نیست. صریح موضع بگیرند، روشن کنند که این خواست آنها نیست. (2)

### 4. جهت گیری دشمن

#### 4.1. تلاش برای نمایش انتخابات به عنوان دعوی بین طرفداران و مخالفان نظام

امروز دیپلماتهای برجسته ی چند کشور غربی که تا حالا با تعارفات دیپلماتیک با ما حرف میزدند، نقاب از چهره برداشتند؛ چهره ی واقعی خودشان را دارند نشان میدهند؛ «قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ» دشمنی های خودشان با نظام اسلامی را دارند نشان میدهند؛ از همه هم خبیث تر دولت انگلیس. (3)

بنده در این دو سه هفته، رفتار و گفتار دولتمردان آمریکا و دولتمردان

ص: 77

---

1- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

2- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

3- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29



چند کشور اروپائی را دنبال کردم؛ در این هفته های نزدیک به انتخابات و آن روز انتخابات و شب بعد از انتخابات، بعد هم این دو سه روز بعد از انتخابات. يك وضع متغیر و متفاوتی داشت. اول، قبل از شروع انتخابات جهتگیری رسانه هایشان، دولتمردانشان، این بود که در اصل انتخابات ایجاد تردید کنند، شاید شرکت مردم کم بشود. (1)

اینی که دشمنان سعی میکنند در رسانه های گوناگون - که غالباً هم این رسانه ها مال این صهیونیستهای خبیث و رذل است - اینجور وانمود کنند که دعوا بین طرفداران نظام و مخالفان نظام است، نخیر، این جوری نبود؛ آنها غلط میکنند این حرف را میزنند؛ این واقعیت ندارد. (2)

## 2.4. تردید در انتخابات و در هم شکستن اعتماد مردم به نظام و هدف آنها

بعضی از دشمنان ما در اطراف دنیا خواستند این پیروزی مطلق نظام را، این پیروزی حتمی را، به يك پیروزی مشکوک و قابل تردید تبدیل کنند. حتی بعضی خواستند این را به يك شکست ملی تبدیل کنند! خواستند کام شما را تلخ کنند و نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی را دنیا به نام شما ثبت کند.

میخواهند اعتماد را بگیرند تا مشارکت را بگیرند، تا مشروعیت را از جمهوری اسلامی بگیرند. این، ضررش بمراتب از آتش زدن بانک و سوزاندن اتوبوس بیشتر است. این، آن چیزی است که با هیچ خسارت دیگری قابل مقایسه نیست. مردم بیایند در يك چنین حرکت عظیمی اینجور مشتاقانه حضور پیدا کنند، بعد به مردم گفته بشود که شما اشتباه کردید به نظام اعتماد

ص: 78

---

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29

2- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29

کردید؛ نظام قابل اعتماد نبود. دشمن این را میخواهد.

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از این. من اول فروردین در مشهد گفتم هی دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند. من آنوقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. این اعتماد آسان به دست نیامده، سی سال است که نظام جمهوری اسلامی با مسئولانش، با عملکردش، با تلاشهای فراوانش توانسته این اعتماد را در دل مردم عمیق کند. دشمن میخواهد این اعتماد را بگیرد، مردم را دچار تزلزل کند. (1)

### 3.4. تلاش برای موج سواری با مشاهده ی اعتراض بعضی نامزدها

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتنم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپائی و آمریکا حرفهائی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه ی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را

ص: 79

بزنند. کدام را ما باور کنیم؟

در داخل کشور هم عوامل این عناصر خارجی به کار افتادند و خط تخریب خیابانی شروع شد؛ خط تخریب، خط آتش سوزی، اموال عمومی را آتش بزنند، حریم کسب و کار مردم را ناامن کنند، شیشه های دکان مردم را بشکنند، اموال بعضی از مغازه ها را به غارت ببرند، امنیت مردم را از جانشان و مالشان سلب کنند؛ امنیت مردم مورد تجاوز اینها قرار گرفت. این ربطی به مردم و طرفداران نامزدها ندارد، این مال بدخواهان است، مال مزدوران است، مال دست نشانندگان سرویسهای جاسوسی غربی و صهیونیست است. این کاری که در داخل، ناشیانه از بعضی سرزد، اینها را به طمع انداخت، خیال کردند ایران هم گرجستان است (!) یک سرمایه دار صهیونیست آمریکائی چند سال قبل از این، طبق ادعای خودش که در رسانه ها و در بعضی از مطبوعات نقل شد، گفت من ده میلیون دلار خرج کردم، در گرجستان انقلاب مخملی راه انداختم؛ حکومتی را بردم، حکومتی را آوردم. احمقها خیال کردند جمهوری اسلامی، ایران و این ملت عظیم هم مثل آنجاست. ایران را با کجا مقایسه میکنید؟! مشکل دشمنان ما این است که هنوز هم ملت ایران را نشناختند. (1)

## 5. تذکرات

### 5.1. دو جناح و دو گروه همدیگر را عصبانی نکنند

دو جناح و دو گروه، همدیگر را عصبانی نکنند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه شان پیروز شده، جوری حرف بزنند، جوری رفتار کنند که آن

ص: 80

طرف مقابل را عصبانی کند، جریحه دار کند؛ نه آن کسانی که نامزد مورد علاقه شان رأی نیاورده، جوری حرف بزنند، جوری اقدام کنند که آن طرف را عصبانی کند؛ نه، همه يك جهت مشترك دارند که آن عبارت است از حضور در این صحنه ی انتخابات و دفاع از نظام اسلامی؛ این اساس قضیه است، این آن چیزی است که دل ولی عصر (ارواحنا فداه) را راضی میکند و خشنود میکند. (1)

## 5.2. مخدوش و خراب نکردن رأی چهل میلیونی

در بعضی از تلویزیونهای خارجی صفوف مردم را که صف کشیده بودند، نشان دادند. این افتخاری است برای کشور؛ ما این را مخدوش نکنیم، این را خراب نکنیم، این مال مردم است. همین رأی دهندگان از دو طرف، هم طرف آن کسانی که رأی دادند به نامزد منتخب، هم آن کسانی که رأی ندادند به نامزد منتخب و به دیگری رأی دادند - که مجموعاً مثلاً حدود چهارده میلیون میشوند - همه شان در ایجاد این حماسه ی بزرگ سهیم بودند. (2)

## 5.3. یادآوری آخرین وصایای امام (ره)

من به این برادران عرض میکنم، به مسئولیت پیش خدای متعال فکر کنید: پیش خدا مسئولید، از شما سؤال خواهد شد. آخرین وصایای امام را به یاد بیاورید؛ قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید. انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که

ص: 81

---

1- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

2- . بیانات در دیدار نمایندگان نامزدهای انتخابات 88/3/26

مردم چی میخوانند، چی نمیخوانند؛ نه در کف خیابانها. (1)

#### 5.4. مشاهده دست های دشمن

من به همه ی این آقایان، این دوستان قدیمی، این برادران توصیه میکنم بر خودتان مسلط باشید؛ سعه ی صدر داشته باشید؛ دستهای دشمن را ببینید؛ گرگهای گرسنه ی کمین کرده را که امروز دیگر نقاب دیپلماسی را یواش یواش دارند از چهره هایشان بر میدارند و چهره ی حقیقی خودشان را نشان میدهند، ببینید؛ از اینها غفلت نکنید. (2)

#### 6. هشدارها

##### 6.1. هوشیاری و مواظبت برای جلوگیری از اشتباه

خطاب من به سیاسیون و نامزدها و گردانندگان احزاب و جریانات است. من میخواهم عرض کنم به این حضرات، که امروز يك لحظه ی حساس تاریخی برای کشور است؛ نگاه کنید به وضع دنیا، نگاه کنید به وضع خاورمیانه، نگاه کنید به وضع اقتصادی عالم، نگاه کنید به مسائل کشورهای همسایه ی ما مثل عراق، مثل افغانستان، مثل پاکستان. ما در نقطه ی حساسی از تاریخ قرار گرفته ایم. همه ی ما وظیفه داریم که در این مرحله ی تاریخی هوشیار باشیم، دقیق باشیم، مواظب باشیم اشتباه نکنیم. (3)

ص: 82

- 
- 1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29
  - 2- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29
  - 3- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/3/29

انتخابات اصلاً برای چیست؟ انتخابات برای این است که همه ی اختلافها سر صندوق رأی حل و فصل بشود. باید در صندوقهای رأی معلوم بشود که مردم چی میخواهند، چی نمیخواهند؛ نه در کف خیابانها. اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما میخواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف يك جور، این طرف يك جور. برای نفوذی تروریست - آن کسی که میخواهد ضربه ی تروریستی بزند - مسئله ی او مسئله ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که میخواهند راهپیمائی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آنوقت مسؤلیت با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه ی این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجویها را - آن هم دانشجویهای مؤمن و حزب اللهی را، نه آن شلوغ کن ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث. زور آزمائی خیابانی بعد از انتخابات کار درستی نیست،

بلکه به چالش کشیدن اصل انتخابات و اصل مردم سالاری است.

من از همه می‌خواهم به این روش خاتمه بدهند. این روش، روش درستی نیست. اگر خاتمه ندهند، آنوقت مسئولیت تبعات آن، هرج و مرج آن، به عهده ی آنهاست.

این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، یک اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت. (1)

## 7. راهکار، رسیدگی از راه قانونی

به شورای نگهبان تأکید شده که با دقت به این نامه رسیدگی شود.

جنس شما با این گونه افراد متفاوت است و لازم است کارها را با متانت و آرامش پیگیری کنید.

به یاری پروردگار انتخابات با اتقان، صحت و آرامش خوبی برگزار شد و شما هم مسائل مورد نظر را از طریق قانونی پیگیری کنید. (2)

ممکن است کسانی همانطور که حالا- آقایان هم ذکر کردید، اشکالات و اعتراضاتی را بر مجاری گوناگون امور در انتخابات ثبت کرده باشند و

ص: 84

---

1- . خطبه های نماز جمعه 88/3/29

2- . بیانات در دیدار آقای میرحسین موسوی 88/3/25

اعتراض داشته باشند، که البته، راه های قانونی وجود دارد. رسیدگی به اینها حتماً باید انجام بگیرد. مواردی را آقایان ذکر کردید. من درخواست میکنم از آقایان مسئول در وزارت کشور و همچنین در شورای نگهبان که به این موارد دقیقاً رسیدگی کنند. اگر چنانچه بعضی از اشکالات مقتضی این هست که پاره ای از صندوقها بازشماری بشود، اشکالی ندارد. حالا مثلاً يك مورد را آقایان ذکر کردند که آن شخص گفته که رأی فلان نامزد این تعداد است، بعد در شمارش تعداد دیگری معرفی شده؛ خیلی خوب، کاری ندارد؛ صندوقهای مورد اشکال را، یا به طور تصادفی تعدادی از صندوقها را بازشماری کنند؛ خود نمایندگان ستادها هم حضور داشته باشند و ببینند، تا اطمینان کامل برای همه حاصل بشود.

البته من خودم شخصاً در این انتخابات هم مثل همه ی انتخاباتهای گذشته - شماها همه تان مسئولین هستید، بوده اید، ممشای بنده را میدانید - به مسئولین کشور اعتماد کردم؛ به وزارت کشور، به شورای نگهبان؛ در حالی که میدانید در موارد متعدد، مسئولین از سلائق مختلف بودند، اما من به مقام مسئولی که میشناسم و قاعده ی کار او را میدانم، اعتماد میکنم. در این نوبت هم همین جور است؛ من اعتماد میکنم، اما این اعتماد من موجب نمیشود که اگر چنانچه شبهه ای در ذهن کسانی هست، این شبهه دنبال نشود و تعقیب نشود و بررسی نشود و حقیقت قضیه آشکار نشود؛ نه، شبهات را برطرف کنید، منتها آن چیزی که از همه مهمتر است، این است: همه سعی کنید وحدت ملی و وحدت کشور را حفظ کنید؛ هر کسی به نحوی، هر کسی وظیفه ای دارد. (1)

جمهوری اسلامی اهل خیانت در آراء مردم نیست. ساز و کارهای قانونی

ص: 85



انتخابات در کشور ما اجازه ی تقلب نمیدهد. این را هر کسی که دست اندرکار مسائل انتخابات هست و از مسائل انتخابات آگاه است، تصدیق میکند؛ آن هم در حد یازده میلیون تفاوت! يك وقت اختلاف بین دو رأی، صد هزار است، پانصد هزار است، يك میلیون است، حالا ممکن است آدم بگوید يك جوری تقلب کردند، جابه جا کردند؛ اما یازده میلیون را چه جور میشود تقلب کرد! در عین حال بنده این را گفتم، شورای محترم نگهبان هم همین را قبول دارند که اگر کسانی شبیه دارند و مستنداتی ارائه میدهند، باید حتماً رسیدگی بشود؛ البته از مجاری قانونی؛ رسیدگی فقط از مجاری قانونی. بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نخواهم رفت. امروز اگر چهارچوبهای قانونی شکسته شد، در آینده هیچ انتخاباتی دیگر مصونیت نخواهد داشت. بالاخره در هر انتخاباتی بعضی برنده اند، بعضی برنده نیستند؛ هیچ انتخاباتی دیگر مورد اعتماد قرار نخواهد گرفت و مصونیت پیدا نخواهد کرد. بنابراین همه چیز دنبال بشود، انجام بگیرد، کارهای درست، بر طبق قانون. اگر واقعاً شبیه ای هست، از راه های قانونی پیگیری بشود. قانون در این زمینه کامل است و هیچ اشکالی در قانون نیست. همانطور که حق دادند که نامزدها نظارت کنند، حق دادند که شکایت کنند، حق دادند که بررسی بشود. بنده از شورای محترم نگهبان خواستم که اگر مواردی خواستند صندوقها را بازشماری بکنند، با حضور نمایندگان خود نامزدها این کار را بکنند. خودشان باشند، آنجا بشمرند، ثبت کنند، امضاء کنند.

قانون، فصل الخطاب است؛ قانون را فصل الخطاب بدانید.

این تصور هم غلط است که بعضی خیال کنند با حرکات خیابانی، يك اهرم فشاری علیه نظام درست میکنند و مسئولین نظام را مجبور میکنند، وادار میکنند تا به عنوان مصلحت، زیر بار تحمیلات آنها بروند. نه، این

هم غلط است. اولاً تن دادن به مطالبات غیرقانونی، زیر فشار، خود این، شروع دیکتاتوری است. این اشتباه محاسبه است؛ این محاسبه ی غلطی است. عواقبی هم اگر پیدا کند، عواقبش مستقیماً متوجه فرماندهان پشت صحنه خواهد شد. اگر لازم باشد، مردم آنها را هم در نوبت خود و وقت خود خواهند شناخت.

من از همه ی این دوستان، این برادران، میخوام بنا را بر برادری بگذارید، بنا را بر تفاهم بگذارید، قانون را رعایت کنید. راه قانون باز است. راه محبت و صفا باز است، از این راه بروید. و امیدوارم خدای متعال توفیق بدهد که همه از این راه بروند. خب، همه پیشرفت کشور را میخوانند. جشن پیروزی چهل میلیونی را این برادران گرامی بدارند و نگذارند دشمن این جشن را خراب کند؛ همچنانی که دشمن میخواهد خراب کند. البته اگر کسانی بخوانند راه دیگری را انتخاب بکنند، آنوقت بنده دوباره خواهم آمد و با مردم صریحتر از این صحبت خواهم کرد. (1)

ص: 87



### 1. فتنه، ماهیت حوادث بعد از انتخابات

#### اشاره

اینها ایجاد فتنه میکنند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود میکند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه ی طرفداران آنها، يك چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم میگیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد میکند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) هست: «و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان فهنالک یتولی الشیطان علی اولیائه»؛ يك کلمه ی حق را با يك کلمه ی باطل مخلوط

میکنند، حق بر اولیاء حق مشتبه میشود. اینجاست که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند. (1)

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع يك فرماندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند. مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه ی سال 88، کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبیهای سیاسی و اجتماعی ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد. (2)

### 1.1. معنای فتنه

فضای غبارآلود، همان فتنه است. فتنه معنایش این است که يك عده ای بیایند با ظاهرِ دوست و باطنِ دشمن وارد میدان شوند، فضا را غبارآلود کنند؛ در این فضای غبارآلود، دشمن صریح بتواند چهره ی خودش را پنهان کند، وارد میدان شود و ضربه بزند. اینی که امیرالمؤمنین فرمود: «أثمأ بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احكام تتدع»، تا آنجائی که میفرماید: «فلو ان الباطل خالص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين»؛ اگر باطل، عریان و خالص بیاید، کسانی که دنبال شناختن حق هستند، امر برایشان مشتبه نمیشود؛ میفهمند این باطل است. «ولو ان الحق خالص من مزج الباطل انقطع عنه السن المعاندين»؛ حق هم اگر چنانچه بدون پیرایه بیاید توی میدان، معاند دیگر نمیتواند حق

ص: 90

---

1- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 88/9/22

2- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 89/7/27

را متهم کند به حق نبودن. بعد میفرماید: «و لیکن یؤخذ من هذا ضغث و من ذاك ضغث فیمنزجان»؛ فتنه گر يك تکه حق، يك تکه باطل را میگیرد، اینها را با هم مخلوط میکند، در کنار هم میگذارد؛ «فحینئذ یشتبه الحق علی اولیائه»؛ آن وقت کسانی که دنبال حقند، آنها هم برایشان امر مشتبه میشود. فتنه این است دیگر.

خوب، حالا در مقابل يك چنین پدیده ای، علاج چیست؟ عقل سالم حکم میکند و شرع هم همین را قطعاً بیان میکند: علاج عبارت است از صراحت در تبیین حق، صراحت در بیان حق. وقتی شما می بینید يك حرکتی به بهانه ی انتخابات شروع میشود، بعد يك عامل «دشمن» ی در این فضای غبارآلوده وارد میدان شد، وقتی می بینید عامل دشمن - که حرف او، شعار او حاکی از مافی الضمیر اوست - آمد توی میدان، اینجا باید خط را مشخص کنید، اینجا باید مرز را روشن کنید. همه وظیفه دارند؛ بیشتر از همه، خواص؛ و در میان خواص، بیشتر از همه، آن کسانی که مستمعین بیشتری دارند، شنوندگان بیشتری دارند. این وظیفه است دیگر: مرزها روشن بشود و معلوم بشود که کی چی میگوید. اینجور نباشد که باطل، خودش را در لابه لای گرد و غبار برخاسته ی در میدان مخفی کند، ضربه بزند و جبهه ی حق نداند از کجا دارد ضربه میخورد. این است که حرف دو پهلو زدن، از خواص، مطلوب نیست. خواص باید حرف را روشن بزنند و مطلب را واضح بیان کنند. این، مخصوص يك گرایش سیاسی خاص هم نیست. در داخل نظام اسلامی، همه ی گرایشهایی که در مجموعه ی نظام قرار دارند، اینها باید صریح مشخص کنند که بالاخره آن حمایتی که مستکبرین عالم میکنند، مورد قبول است یا مورد قبول نیست. وقتی که سران استکبار، سران ظلم، اشغالگران کشورهای اسلامی، کُشندگان انسانهای مظلوم در فلسطین

و در عراق و افغانستان و خیلی جاهای دیگر، می آیند وارد میدان میشوند، حرف میزنند، موضع میگیرند، خوب، باید معلوم بشود این کسی که در نظام جمهوری اسلامی است، در مقابل این چه موضعی دارد؛ حاضر است تبری بجوید، بگوید من دشمن شمایم؟ من مخالف شمایم؟

وقتی در داخل محیط فتنه، کسانی با زبانشان صریحاً اسلام و شعارهای نظام جمهوری اسلامی را نفی میکنند، با عملشان هم جمهوریت و یک انتخابات را زیر سؤال میبرند، وقتی این پدیده در جامعه ظاهر شد، انتظار از خواص این است که مرزشان را مشخص کنند، موضعشان را مشخص کنند. دویپلو حرف زدن، کمک کردن به غبارآلودگی فضا است؛ این کمک به رفع فتنه نیست، این کمک به شفاف سازی نیست. شفاف سازی، دشمن دشمن است؛ مانع دشمن است. غبارآلودگی، کمک دشمن است. این، خودش شد یک شاخص. این یک شاخص است: کی به شفاف سازی کمک میکند و کی به غبارآلودگی کمک میکند. همه این را در نظر بگیرند، این را معیار قرار بدهند. (1)

## 1.2. توطئه های پشت فتنه سال 88

من به شما عرض کنم؛ چند سالی که بگذرد، آن وقت قلمهای بسته شده ی آگاهان بین المللی روان خواهد شد، باز خواهد شد، خواهند نوشت. ممکن است من آن روز نباشم، اما شماها هستید؛ خواهید شنید، خواهید خواند که چه توطئه ی بزرگی پشت فتنه ی سال 88 بود. این فتنه خیلی چیز مهمی بود، قصدشان خیلی قصد عجیب و غریبی بود؛ در واقع میخواستند ایران را تسخیر کنند. اینهایی که عامل فتنه بودند - توی خیابان، یا بعضی

ص: 92

از سخنگویانشان - اغلب ندانسته وارد این میدان شده بودند؛ اما دست‌هایی اینها را هدایت میکرد، نمیفهمیدند. حالا این که چطور بعضی‌ها وارد این میدان شدند، چطور ندانسته به دشمن کمک کردند، خودش تحلیل‌های دقیق روانشناختی دارد؛ اما واقعیت قضیه این است که عرض کردم. این مسئله خیلی کار بزرگی بود؛ این کار را شما جوانها به سامان رساندید. (1)

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان میگوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. عامل اصلی دیگری بودند که طراحی کرده بودند، به خیال خودشان محاسبه کرده بودند. به گمان آنها بساط جمهوری اسلامی بنا بود جمع شود؛ نه فقط حقیقت دین، حتی شعارهای دینی هم باقی نماند؛ برنامه این بود. طراحی این بود که اگر توانستند قاعده ی دولت را به شکل مطلوب خودشان بچینند، که بعد از آن، راه حرکتشان روشن بود که چه کار میکردند؛ اگر هم قاعده ی حکومت و دولت طبق میل آنها چیده نشد و برایشان ممکن نشد، کشور را به آشوب بکشاند؛ با خیال خودشان - من يك وقتی گفتم - کاریکاتور انقلاب اسلامی را درست کنند؛ مثل سایه هائی که حرکت يك قهرمان را تقلید میکنند، ادای قهرمانها را، ادای انقلاب را در بیاورند؛ برنامه شان این بود. ملت ایران توی دهن اینها زد و

ص: 93



### 1.3. نقش جوانان در به سامان رساندن فتنه 88

امروز به توفیق الهی، به حول و قوه ی الهی جوانها حاضرند، در صحنه اند؛ این خیلی چیز مهم و بزرگی است. شما جوانها خط مقدم این حرکت هستید؛ هم در میدانهای سیاسی، هم در میدانهای اقتصادی، هم در میدانهای علم.

در میدان سیاسی، فتنه ی سال 88 را جوانهای ما خواباندند. بیش از عوامل گوناگون دیگر، جوانهای ما، همین شما دانش آموزها، همین شما دانشجویها نقش داشتید؛ و آلا فتنه، فتنه ی بزرگی بود. (2)

### 1.4. عبور از فتنه سال 88 يك امتحان الهی برای دستیابی به تعالی و ترقی

امتحان یعنی عبور از وادی محنت. يك محنتی را، يك شدتی را جلوی پای يك انسانی یا يك ملتی میگذارند؛ عبور از این محنت، امتحان است. اگر توانست عبور کند، به آن منزل مقصود میرسد؛ اگر نتوانست - نتوانست استعداد مندرج در وجود خود را بروز دهد، نتوانست بر هوای نفس غالب بیاید و عبور کند - میماند؛ امتحان این است. امتحان الهی برای این نیست که خدا ما را بشناسد، ببیند ما در چه وزنی، در چه حدی هستیم؛ خود امتحان در حقیقت يك گام است به سوی مقصد. من و شما که امتحان میشویم، معنایش این است که اگر توانستیم از این شدت و از این محنت عبور کنیم، يك وضع جدیدی، حیات جدیدی، مرحله ی جدیدی را به دست می آوریم. در این خصوص، يك ملت و يك شخص تفاوتی نمیکند.

ص: 94

---

1- . بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی 89/10/19

2- . بیانات با دانش آموزان در آستانه ی 13 آبان 89/8/12

در سال گذشته ملت ایران از يك امتحان عبور کرد، از يك فتنه عبور کرد. این معنایش فقط این نیست که حالا همه فهمیدند ملت ایران قوی است؛ بلکه معنای مهمتر آن این است که با این حرکت، با این قدرت بر عبور از فتنه و محنت، این ملت يك وضع جدیدی پیدا کرد؛ يك توانائی تازه ای در او به وجود آمد. تمام طول عمر انسان، قدم به قدم امتحانهاست. اگر ما بتوانیم بر هوای نفس خود غالب بیائیم، بتوانیم بصیرت خود را به کار بگیریم، بتوانیم موقع را بشناسیم، بدانیم کار لازم چیست و آن را انجام دهیم، این در ما يك مرتبه ی جدیدی از حیات به وجود می آورد؛ این يك تعالی است، يك ترقی است. (1)

امروز انقلاب، جمهوری اسلامی، ملت ایران، خط صحیح دین در این کشور، از پیش از قضایای سال گذشته بمراتب قوی تر است، روشن تر است. علت همین است: خدای متعال هر امتحانی که میکند، يك نمره میدهد. وقتی در يك امتحانی، يك کسی، يك جمعیتی، يك ملتی قبول شدند، خدای متعال به اینها نمره میدهد؛ نمره این است که اینها را بالا می آورد. امتحانهای الهی اینجوری است. همین طور که اگر در امتحان بد عمل کنیم و امتحان را ببازیم، خدای متعال نمره ی مردودی میدهد و آن مردودی عبارت است از تنزل و انحطاط - انسان از آنی که بود، بدتر میشود - در قبولی هم همین جور است؛ ملتها را بالا میبرد.

در يك دوره ای مردم در يك امتحانی شکست خوردند، امیرالمؤمنین را در محراب عبادت به خون کشیدند. خوب، امتحان بدی بود. چرا باید وضع جامعه ای به آنجا برسد که کسی مثل آن مجسمه ی عدالت و معنویت و توحید، به دست اشقی التأس به خون کشیده شود؟ این نشان دهنده ی امتحان

ص: 95

بدی بود که مردم دادند. وقتی این امتحان را دادند، مردود شدند؛ لذا خدا اینها را پائین آورد؛ کارشان به آنجا رسید که حسین بن علی را جلوی چشم آنها کشتند!

وقتی امتحان خوب بدهید، خدا شما را بالا میبرد. امروز خط اسلام، خط ایمان بالله، خط انقلاب در کشور و در میان ملت، خیلی قوی تر، پررنگ تر و بالاتر است از آنچه که قبل از این فتنه بود. چرا؟ چون مردم، خوب امتحان دادند. این، نمره ی الهی است. این شد برای ما دستورالعمل. در همه ی قضایا باید اینجوری عمل کرد. باید درست دید، درست سنجید، درست محاسبه کرد. مواظب باشیم در تشخیص اشتباه نکنیم؛ قضایای اصلی را با قضایای فرعی جابه جا نکنیم؛ چیزهای بزرگ، حوادث بزرگ و مهم را کوچک نبینیم و در مقابل، حوادث کوچک را بزرگ بینگاریم؛ باید درست تشخیص بدهیم. این قدم اول. بعد هم احساس مسئولیت کنیم. يك ملت زنده، حیات طیبه اش این است. حیات طیبه ای که خدای متعال به مؤمنین وعده داده است - «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» - یعنی این؛ یعنی همین طور روزه روز در امتحانهای گوناگون، حرکت کردن و پیش رفتن. آن کسانی که در خلال این راه از دنیا میروند، به لقاء الهی میرسند، مراتب بالایی سعادت را دارند؛ آن کسانی هم که میمانند، همین طور در دنیا هم پیشرفت معنوی و مادی میکنند. پیشرفت مادی هم هست. (1)

## 2. ماجرا

### اشاره

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می شود

ص: 96

ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری اسلامی بعد از گذشت سی سال، همه ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه ی سربلندی ملت ایران است. (1)

## 2.1. شروع طراحی ها و برنامه ریزی دشمن از قبل از انتخابات

به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست اندرکار بودند، که اینها دست نشانده ی بیگانه هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم - اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، یک جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه ی نشانه ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت. (2)

این خط را از پیش از انتخابات هم شروع کردند؛ از دو سه ماه پیش از

ص: 97

---

1- . پیام نوروزی سال 89/1/89

2- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

این. من اول فروردین در مشهد گفتم می دارند دائماً به گوشها میخوانند، تکرار میکنند که بناست در انتخابات تقلب بشود. میخواستند زمینه را آماده کنند. من آنوقت به دوستان خوبان در داخل کشور تذکر دادم و گفتم این حرفی را که دشمن میخواهد به ذهن مردم رسوخ بدهد، نگوئید. نظام جمهوری اسلامی مورد اعتماد مردم است. (1)

نمیشود قبول کرد که جبهه ی دشمنان اسلام و انقلاب که بشدت از ناحیه ی بیداری اسلامی تهدید میشوند، برنامه ریزی بلندمدت نداشته باشند؛ این را هیچ کس نمیتواند باور کند، مگر خیلی ساده لوح باشیم، غافل باشیم که این را باور کنیم. حتماً برنامه های بلندمدت دارند؛ کما اینکه همین حوادثی هم که گاهی می بینید در کشور اتفاق می افتد که دست بیگانه در آن نمایان است، چیزهای دفعتاً به وجود آمده نیست، خلق الساعه نیست؛ اینها هم برنامه های میان مدت و بلندمدت بوده است. برنامه ریزی کردند، نتیجه ی این برنامه ریزی شده این. نه اینکه همان شب تصمیم گرفتند این کار را بکنند و فردا اقدام کردند؛ نه، من در همین فتنه ی 88 به بعضی دوستان قرائن و شواهد را نشان دادم؛ حداقل از ده سال، پانزده سال قبل از آن، برنامه ریزی وجود داشت. از بعد از رحلت امام برنامه ریزی وجود داشت؛ اثر آن برنامه ریزی در سال 78 ظاهر شد؛ مسائل کوی دانشگاه و آن قضایائی که اغلب یادتان هست، بعضی هم شاید درست یادشان نباشد. قضایائی که سال گذشته پیش آمد، يك تجدید حیاتی بود برای آن برنامه ریزی ها. البته سعی کردند با ملاحظه ی وقت و جوانب گوناگون، این کار را انجام دهند؛ که خوب، بحمدلله شکست خوردند، باید هم شکست میخوردند. (2)

ص: 98

---

1- . بیانات در نماز جمعه تهران 88/3/22

2- . بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم 89/8/4

## 2.2. تجاوب (پاسخ دادن) نسبی جمعی از مردم تهران

بعد از انتخابات که تحرکاتی از طرف بعضی ها شروع شد، يك تجاوب نسبی هم از سوی جمعی از مردم تهران صورت گرفت، آنها امیدوار شدند؛ فکر کردند آنچه که تصور میکردند، انجام شد و گرفت و امیدوار شدند. لذا دیدید که این دستگاه ها و وسائل رسانه ای و صوتی و الکترونیکی و ماهواره ای و غیره حضورشان در صحنه را چطور تشدید کردند؛ صریح وارد میدان شدند. (1)

## 2.3. زیر سوال رفتن اصل حضور مردم در انتخابات بدون استدلال و به دروغ

زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را میندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، يك شرکت به این عظمت، يك نصاب شکنی، يك رکوردشکنی در دنیا در مردم سالاری، در دموکراسی ای که اینقدر ادعایش را میکنند، انجام بگیرد، بعد يك عده مفت و مسلم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! يك قدری باید منصف بود توی این قضایا. قبلاً امیدوار نبودند که این کار بگیرد؛ بعد دیدند نه، گرفت؛ لذا سریع وارد میدان شدند. (2)

دشمن هم حداکثر استفاده را از این کرد. يك عده هم هستند در داخل کشور، از اول با نظام جمهوری اسلامی موافق نبودند - مال امروز و دیروز نیست، سی سال است که موافق نیستند - از این فرصت استفاده کردند، دیدند

ص: 99

---

1- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

2- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

عناصری وابسته ی به خودِ نظام، از خودِ نظام، دارند این جور میداننداری میکنند، اینها هم وقت را مغتنم شمردند، آمدند داخل میدان؛ و دیدید.

من روز اول این را پیغام دادم به همین حضراتی که صحنه گردان این قضایا هستند؛ آن ساعات اول من به آنها پیغام خصوصی دادم. من اگر يك وقتى توى نماز جمعه يك حرفى ميزنم، این ابتدا به ساکن نیست؛ حرف خصوصی، پیغام خصوصی، نصیحت لازم انجام میگیرد، وقتى انسان ناچار میشود، يك حرفى را می آورد در علن بیان میکند. من پیغام دادم، گفتم این را شما دارید شروع میکنید، اما نمیتوانید تا آخر کنترل کنید؛ می آیند دیگران سوءاستفاده میکنند.

آنی که وارد عرصه ی سیاست میشود، باید مثل يك شطرنج باز ماهر هر حرکتی را که میکند، تا سه تا چهار تا حرکت بعد از او را هم پیش بینی کند. شما این حرکت را میکنی، رقیبت در مقابل او آن حرکت دیگر را خواهد کرد؛ باید فکرش باشی که تو چه حرکتی خواهی کرد. اگر دیدی در آن حرکت دوم، تو در میمانی، امروز این حرکت را نکن؛ اگر کردی، ناشی هستی - حالا تعبیر بهترش این است - توی این کار، توی این بازی، توی این حرکت، ناشی هستی، ناواردی. اینها نمیفهمند چه کار میکنند؛ يك حرکتی را شروع میکنند، ملتفت نیستند که در حرکات بعد و بعد و بعد، چطور در خواهند ماند؛ مات خواهند شد. اینها را باید محاسبه میکردند. مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه ای از مردم - آنها هیچ نیت سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست. (1)

ص: 100

دشمن بداند با چه حقیقتی روبه رو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این جور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو در آورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با یک تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال 1357، یک کاریکاتور از آن انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه هائی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضُرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِضْطَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ». با تقلید از رهبر عزیز و عظیم الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. (1)

## 2.4. دخالت دشمن

بعضی از سران کشورهای غربی در سطح رئیس جمهور و نخست وزیر و وزیر خارجه و مسئولان گوناگون، صریحاً در مسئله ی داخلی ملت ایران دخالت کردند. به شما چه؟ چرا در ماجرائی که مربوط به ملت ایران است، دخالت میکنید؟ دخالت میکنند، بعد هم میگویند ما دخالت نمیکنیم؛ پس دخالت معنایش چیست؟ تشویق اغتشاشگری دخالت نیست؟ مردم ایران را اغتشاشگر معرفی کردن، دخالت نیست؟ اهانت نیست؟ دو دسته، یک

ص: 101



دسته به يك نامزد، يك دسته به يك نامزد ديگر رأی دادند، اكثريت و اقليتي هست، قواعدی هست، آن کسانی که نامزدشان رأی نیاورده، طبیعی است افسرده باشند، اوقاتشان تلخ باشد؛ اما این معنایش اغتشاش نیست؛ اینها اغتشاشگر نیستند. اغتشاشگر يك عده ی معدودی هستند؛ همانهایی که بودجه ی تصویب شده ی بعضی از دولتهای غربی را برای ایجاد اختلاف در داخل ایران مصرف میکنند، آنها اغتشاشگرند. در رسانه های آمریکائی و اروپائی - که غالباً تحت سلطه ی صهیونیستهايند و از بُن دندان دشمن ملت ایران و دشمن اسلام و دشمن نظام جمهوری اسلامی اند - اینجور وانمود میکنند که جمعی از ملت ایران اغتشاشگرند.

ما اخطار میکنیم؛ ملت ایران به سران بعضی از کشورها که سعی میکنند از يك مسئله ی داخلی کشورمان علیه ملت ایران استفاده کنند، اخطار میکند: حواستان جمع باشد، ملت ایران عکس العمل نشان میدهد. (1)

حالا تا گفته میشود دشمن خارجی، فوراً خارجی ها با چهره ی حق به جانب می آیند که نه، نه، ما دخالتی نداریم، ما کاری نکردیم. این بی حیائی است؛ همه می بینند. حالا آن کاری که دستگاه های اطلاعاتی و ديگران کشف می کنند و دخالت ها را می دانند، آن به کنار؛ آن چیزی که همه دارند مشاهده می کنند، نقش رسانه هاست که مهمترین نقش را در این چند ده سال اخیر، رسانه ها در تحولات ملتها داشته اند.

من يك وقتی، چند سال قبل از این به عنوان هشدار، اینجا گفتم که رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته ی به استکبار، میداندارترین عناصر دشمنان استقلال ملتها برای به آشوب کشیدن ملتها هستند؛ برای اینکه اینها را از مسیری که دارند حرکت میکنند، منصرف کنند. و چند تا کشور را

ص: 102

مثال زدم. خوب، امروز نسبت به آن چند سال قبل که ما این حرف را زدیم، وسایل ارتباطاتی خیلی گسترده تر، وسیع تر، همگانی تر و متنوع تر شده است. دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم!

دستورالعمل هایشان برای گروه های غافل و نادان اغتشاشگر توی رسانه های خودشان به طور علنی دارد پخش میشود: اینجوری با پلیس درگیر بشوید؛ اینجوری علیه بسیج حرف بزنید؛ اینجوری توی خیابان اغتشاش ایجاد کنید؛ اینجوری تخریب کنید؛ اینجوری آتش بزنید؛ اینها دخالت نیست؟ از این دخالت واضح تر؟ علنی تر؟ این را مردم ما به چشم دیدند. اینها برای ملت ما تجربه است. اشتباه است اگر کسی خیال کند که يك گروه معدود، آن هم در تهران، فرض بفرمائید به ظرف زیاله ی شهرداری تعرض میکند - زورش به او میرسد - یا فرض کنید به اموال مردم - به موتورسیکلتشان، به ماشینشان، به بانکشان، به دکانشان - تعرض میکند، این مردمند؛ نه، مردم نیستند. بله، بلندگوی استکباری وقتی میخواهد از اینها حمایت کند، میگوید مردم. اینها مردمند؟! مردم آن میلیونهایی هستند که تا این اغتشاشگران را، این مفسدین را در صحنه می بینند، کنار میکشند و آنها را با نفرت نگاه میکنند؛ برهم زندگان امنیت عمومی را، آرامش اجتماعی را با انزجار نگاه میکنند. (1)

وقتی اعتراض بعضی از نامزدها را دیدند، ناگهان احساس کردند فرصتی برایشان پیش آمد. این فرصت را مغتم شمردند تا بتوانند موج سواری کنند. لحنشان از روز شنبه و یکشنبه عوض شد و وقتی یواش یواش چشمشان افتاد به بعضی از اجتماعات مردمی که به دعوت نامزدها مثلاً در خیابانها پیدا شدند، امیدوار شدند، یواش یواش نقابهایشان کنار رفت و حقیقت خودشان

ص: 103

را بنا کردند نشان دادن. چند تا از وزرای خارجه و رؤسای دولتهای چند تا کشور اروپائی و آمریکا حرفهائی زدند که باطن آنها را به انسان نشان میداد. از قول رئیس جمهور آمریکا نقل شد که گفته ما منتظر چنین روزی بودیم که مردم به خیابانها بریزند. از آن طرف نامه بنویسند، اظهار علاقه ی به روابط کنند، ابراز احترام به جمهوری اسلامی بکنند، از این طرف این حرفها را بزنند. کدام را ما باور کنیم؟(1)

## 2.5. وقوع برخی تخلفات و جنایات در خلال حوادث پس از انتخابات

الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. محاسبه ی این واکنشها با کیست؟ انسان دلش خون میشود از بعضی از این قضایا؛ بروند توی کوی دانشگاه، جوانها را، دانشجوها را - آن هم دانشجوهای مؤمن و حزب اللهی را، نه آن شلوغ کن ها را - مورد تهاجم قرار بدهند، آنوقت شعار رهبری هم بدهند! دل انسان خون میشود از این حوادث.(2)

## 3. کلید فهم، اصلی و فرعی کردن حوادث پس از انتخابات

يك عده ای آنچه را که بعد از انتخابات اتفاق افتاد، آن ظلمی که به مردم شد، آن ظلمی که به نظام اسلامی شد، آن هتکی که از آبروی نظام در مقابل

ص: 104

---

1- . بیانات در نماز جمعه تهران 88/3/29

2- . خطبه های نماز جمعه تهران 88/3/29

ملتها به وسیله ی بعضی انجام گرفت، اینها همه را ندیده میگیرند، فرضاً مسئله ی فلان حادثه را، زندان کهریزک را، یا قضیه ی کوی را قضیه ی اصلی دوران بعد از انتخابات تا امروز قلمداد میکنند؛ این خودش يك ظلم دیگر است. مسئله ی اصلی، مسئله ی دیگری است. مسئله ی اصلی این است که مردم در يك حرکت عظیمی، در يك انتخابات پر شور خوب کم نظیری حضور پیدا کردند و این رأی بالا را توی صندوقها ریختند. هشتاد و پنج درصد شوخی است؟ این انتخابات، نظام را که در این یکی دو سال اخیر همین طور پی در پی پیشرفتهای اقتصادی و علمی و سیاسی و امنیتی و بین المللی برای خودش کسب کرده بود، در يك مرحله ی عالی از امتیاز و آبرو قرار میدهد، بعد ناگهان مشاهده میکنیم يك حرکتی صورت میگیرد برای نابود کردن این حادثه ی افتخارآمیز! مسئله ی اصلی این است. (1)

بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه میکنم؛ نه اینکه حالا همه ی صفحات لائی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیتراها، اگر سرمقاله ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه میکنم. خیلی از روزنامه های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیر منصفانه عمل میکنند. در همین مسائل اخیر، مسائل را باید اصلی فرعی کرد؛ مسئله ی اصلی چیست؛ يك سلسله مسائل فرعی هم پیرامون اوست؛ نه اینکه آن مسائل فرعی کم اهمیت است، اما مسئله ی اصلی اهمیتش بیشترش از آنهاست.

مسئله ی اصلی در این قضایای اخیر، اصل انتخابات بود؛ زیر سؤال بردن اصل انتخابات بزرگترین جرمی بود که انجام گرفت. چرا شما نسبت به این جرم چشمتان را میندید؟! این همه زحمت کشیده بشود، مردم بیایند، يك شرکت به این عظمت، يك نصاب شکنی، يك رکورد شکنی در دنیا در

ص: 105

مردم سالاری، در دموکراسی ای که اینقدر ادعایش را میکنند، انجام بگیرد، بعد يك عده مفت و مسلّم بیایند بدون استدلال، بدون دلیل، همان فردای انتخابات بگویند: انتخابات دروغ است! این کار کوچکی است؟! این جرم کمی است؟! يك قدری باید منصف بود توی این قضایا.

مطلب اصلی این بود. زیر سؤال رفتن انتخابات، مواجه کردن مجموعه ای از مردم - آنها هیچ نیت سوئی هم ندارند؛ وارد میدان انتخابات شدند، طبق عقیده شان عمل کردند؛ خیلی هم خوب - با نظام، با کشور، با حرکت عمومی کشور، اینها کارهای کوچکی نیست. اگر شما منصفید، آن حرکتیهای جانبی را، آن قضایای جانبی را ببینید، اهمیتش را هم در نظر داشته باشید؛ اما مهمتر بودن این را هم در نظر داشته باشید. (1)

#### 4. بازیگران

##### 4.1. کارنامه مردم و خواص

در همین قضایای انتخابات پرشور بیست و دوی خرداد که يك حرکت عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانند شرکت کنند، در دنیا جزو رقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانائی به صحنه آوردن مردم را دارد. (2)

ص: 106

---

1- . بیانات در دیدار نخبگان علمی 88/8/6

2- . بیانات در زادروز میلاد امیرالمومنین (ع) - 88/4/15

امتحانهای هم در این انتخابات پیش آمد. يك امتحان، امتحان آحاد مردم بود. به نظر من مردم در این امتحان برنده شدند؛ نمره ی قبولی گرفتند. حضور عظیم مردم، يك امتحان عظیمی بود که آنها را سرفراز کرد. بسیاری از آحاد مردم، از جریانهای سیاسی، طبق وظیفه شان عمل کردند. بعضی از خواص هم البته مردود شدند. این انتخابات بعضی ها را مردود کرد. برخی از جوانان ما که با صداقت، با سلامت وارد میدان وظیفه میشوند، به رغم هوشیاری هایشان، در مواردی اشتباه کردند. بسیاری از جوانان این کشور هم با همان ایمان، با همان صداقت، حرکت درستی کردند. به کسی اعتقاد پیدا کردند، به او رأی دادند؛ یا آن کس رأی آورد یا نیاورد. ملاک این نیست. ملاک این است که انسان عقیده ای پیدا کند، هوشیارانه، از روی احساس وظیفه، احساس تکلیف، وارد میدان این عمل سیاسی و حرکت سیاسی بشود. بعد هم همه تسلیم قانون باشند. اکثر قاطع ملت ما - از جوانها، از نخبگان، از توده ی عظیم مردم - در این ردیف قرار گرفته اند و در این امتحان مقبول شده اند. يك عده هم البته فریب خوردند. (1)

در آغاز سال 88 مردم با حضور بی سابقه ی خود انتخاباتی را ساماندهی کردند که در تاریخ انقلاب ما - و البته در تاریخ طولانی کشور ما - سابقه نداشت و يك نقطه ی برجسته و اوج به حساب می آمد. در طول ماه های بعد از انتخابات هم مردم در امتحانی بزرگ، در حرکتی عظیم و سرنوشت ساز، حضور خود، اراده ی خود، ایستادگی خود، عزم ملی خود و بصیرت خود را نشان دادند.

تفسیر کوتاهی که از حوادث بعد از انتخابات در طول چند ماه می شود ارائه کرد، عبارت از این است که دشمنان کشور و دشمنان نظام جمهوری اسلامی

ص: 107

بعد از گذشت سی سال، همه ی تلاش خود و توان خود و نیروهای خود را متمرکز کرده اند برای اینکه بتوانند این انقلاب را از درون شکست بدهند. ملت در مقابل این توطئه ی بزرگ، این حرکت خصمانه، با آگاهی و بصیرت و عزم و ایستادگی بی نظیری توانست دشمن را به شکست بکشاند. تجربه ای که در این هشت ماه بعد از انتخابات تا بیست و دوم بهمن بر این ملت و بر این کشور گذشت، تجربه ای پر از درس، پر از عبرت و حقیقتاً مایه ی سربلندی ملت ایران است. (1)

البته سال گذشته، سال مهمی برای کشور ما بود. به نظر من - همان طور که در پیام نوروزی هم به ملت ایران عرض کردم - سال 88، سال ملت ایران بود؛ سال پیروزی ملت ایران بود؛ سال حضور نمایان ملت ایران در عرصه های عظیم زندگی در نظام اسلام و در کشورمان بود. يك جا در بیست و دوم خرداد چهل میلیون نفر پای صندوقهای رأی آمدند؛ یعنی هشتاد و پنج درصد شرکت مردم در انتخابات؛ این چیز بسیار مهمی است. یقیناً حضور مردم در مشروعیت يك نظام نقش دارد. آن کسانی که در غرب، مشروعیت خودشان را اساساً ناشی از حضور مردم میدانند و هیچ عامل دیگری را در آن دخیل نمیدانند، آنها يك چنین حضوری را الان ندارند. در حدود زمان انتخابات ما، در کشور انگلیس انتخاباتی برگزار شد با حضور تقریباً سی درصد کسانی که میتوانستند رأی بدهند. هشتاد و پنج درصد کجا، سی درصد کجا؟! این حرکت مردمی، این حضور مردمی خیلی اهمیت دارد. تحلیلگران و مفسران سیاسی مسائل دنیا از این چیزها به آسانی نمیگذرند. ممکن است در مطبوعاتشان این را منعکس نکنند؛ ممکن است سیاستمدارها در حرفهایشان که تبلیغ میشود، این را بر زبان نیاورند و کتمان کنند؛ اما در

ص: 108

این ملت پای حرف خود ایستاده است. این يك حرکت عظیم بود از ملتمان. ملت توانستند در تاریخ کشور این را ثبت کنند که بعد از گذشت سی سال از استقرار نظام اسلامی - که نظامی بر پایه ی اسلامیت و جمهوریت است و اینها از هم تفکیک ناپذیرند؛ آنهایی که این دورا از هم تفکیک میکنند، جمهوری اسلامی را نشناختند - آنچنان پابند به مبانی این نظام هستند که در يك انتخاباتی با این شور و شوق، با این عظمت شرکت میکنند. خوب، این يك حرکت عظیم مردمی بود. در قبال این حرکت، دشمنان ملت ایران نقشه هائی داشتند؛ این نقشه ها را شروع کردند به عمل کردن. اگر حضور شما مردم در انتخابات بیست و دوی خرداد سال 88 يك حضور ضعیفی بود، اگر به جای چهل میلیون، مثلاً سی میلیون شرکت کرده بودید، به احتمال زیاد دشمنان شما موفق میشدند. (1)

## 4.2. کارنامه نامزدهای معترض و هواداران

يك عده ای قانون شکنی کردند، ایجاد اغتشاش کردند، مردم را به ایستادگی در مقابل نظام تا آنجائی که میتوانستند، تشویق کردند - حالا تیغشان نبرید؛ آن کاری که میخواستند نشد، او بحث دیگری است؛ آنها تلاش خودشان را کردند - زبان دشمنان انقلاب را و دشمنان اسلام را دراز کردند، جرأت به آنها دادند؛ کاری کردند که دشمنان امام - آن کسانی که بغض امام را در دل داشتند - جرأت پیدا کنند بیایند توی دانشگاه، به عکس امام اهانت بکنند؛ کاری کردند که دشمن مایوس و نومید، جان بگیرد، تشویق بشود بیاید در مقابل چشم انبوه دانشجویانی که مطمئناً اینها علاقه مند به امامند، علاقه مند به

ص: 109



انقلابند، عاشق کار برای کشور و میهنشان و جمهوری اسلامی هستند، يك چنین اهانتی، يك چنین کار بزرگی انجام بدهند.

آن قانون شکنی شان، آن اغتشاش جوئی شان - تشویقشان به اغتشاش و کشاندن مردم به عرصه ی اغتشاشگری - این هم نتایجش. این خطاها اتفاق می افتد، عمل خلاف انجام میگیرد، کار غلط انجام میگیرد، بعد برای اینکه این کار غلط، غلط بودنش پنهان بشود، اطراف او فلسفه درست میشود! فلسفه مییافتند؛ استدلال برایش درست میکنند! از ابتلائات بزرگ انسانها این است؛ همه مان در معرض خطریم، باید مراقب باشیم. کار خطا را میکنیم، بعد برای اینکه در مقابل وجدانمان، در مقابل سؤال مردم، در مقابل چشم پرسشگران بتوانیم از کار خودمان دفاع کنیم، يك فلسفه ای برایش درست میکنیم؛ يك استدلالی برایش میترسیم!

خب، اینها ایجاد فتنه میکنند؛ یعنی فضا را فضای غبارآلود میکنند. شعار طرفداری از قانون میدهند، عمل صریحاً بر خلاف قانون انجام میدهند. شعار طرفداری از امام میدهند، بعد کاری میکنند که در عرصه ی طرفداران آنها، يك چنین گناه بزرگی انجام بگیرد؛ به امام اهانت بشود، به عکس امام اهانت بشود. این، کار کمی نیست؛ کار کوچکی نیست. دشمنان از این کار خیلی خوشحال شدند. فقط خوشحالی نیست، تحلیل هم میکنند. بر اساس آن تحلیل، تصمیم میگیرند؛ بر اساس آن تصمیم، عمل میکنند؛ تشویق میشوند علیه مصالح ملی، علیه ملت ایران. اینجا آن چیزی که مشکل را ایجاد میکند، همان فریب، همان غبارآلودگی فضا و همان چیزی است که در بیان امیرالمؤمنین (علیه الصّلاة و السّلام) هست: «و لکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان فهناك یستولی الشّیطان علی اولیائه»؛ يك کلمه ی حق را با يك کلمه ی باطل مخلوط میکنند، حق بر اولیاء حق مشتبه میشود. اینجاست

که روشنگری، شاخص معین کردن، مایز معین کردن، معنا پیدا میکند.

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که یک جهتگیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. چرا متنبه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلی ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط میروند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. وقتی می بینند در روز قدس که برای دفاع از فلسطین و علیه رژیم غاصب صهیونیست است، به نفع رژیم غاصب صهیونیست و علیه فلسطین شعار داده میشود، باید متنبه بشوند، باید خودشان را بکشند کنار، بگویند نه نه، ما با این جریان نیستیم.

وقتی می بینند سران ظلم و استکبار عالم از اینها حمایت میکنند، رؤسای آمریکا و فرانسه و انگلیس و اینهایی که مظهر ظلمند - هم در زمان کنونی، هم در دوره ی تاریخی صد سال و دویست ساله ی تا حالا - دارند از اینها حمایت میکنند، باید بفهمند یک جای کارشان عیب دارد؛ باید متنبه بشوند. وقتی می بینند همه ی آدمهای فاسد، سلطنت طلب، از اینها حمایت میکند، توده ای از اینها حمایت میکند، رقااص و مطرب فراری از کشور از اینها حمایت میکند، باید متنبه بشوند، باید چشمشان باز بشود، باید بفهمند؛ بفهمند که کارشان یک عیبی دارد؛ بلافاصله برگردند بگویند نه، ما نمیخواهیم حمایت شما را. چرا رودربایستی میکنند؟

آیا میشود با بهانه ی عقلانیت، این حقایق روشن را ندیده گرفت، که ما عقلانیت بخرج میدهیم! این عقلانیت است که دشمنان این ملت و دشمنان این کشور و دشمنان اسلام و دشمنان انقلاب، شما را از خود بدانند و برای شما کف و سوت بزنند، شما هم همین طور خوشتان بیاید، دل خوش

کنید؛ این عقلانیت است؟! این نقطه ی مقابل عقل است. عقل این است که بمجردی که دیدید برخلاف آن مبانی ای که شما ادعایش را میکنید، چیزی ظاهر شد، فوراً خودتان را بکشید کنار، بگوئید نه نه نه، ما نیستیم؛ بمجردی که دیدید به عکس امام اهانت شد، به جای اینکه اصل قضیه را انکار کنید، کار را محکوم کنید؛ بالاتر از محکوم کردن کار، حقیقت کار را بفهمید، عمق کار را بفهمید؛ بفهمید که دشمن چه جوری دارد برنامه ریزی میکند، چه میخواهد، دنبال چیست؛ این را باید این آقایان بفهمند. من تعجب میکنم! کسانی که اسم و رسم خودشان را از انقلاب دارند - بعضی از این آقایان يك سیلی برای انقلاب نخوردند در دوران اختناق و طاغوت - و به برکت انقلاب اسم و رسمی پیدا کردند و همه چیزشان از انقلاب است، می بینید که دشمنان انقلاب چطور بُراق شدند، آماده شدند، صف کشیدند، خوشحالند، میخندند؛ اینها را که می بینید؟ به خود بیائید، متوجه بشوید.

شما برادران سابق ما هستید. اینها کسانی هستند که بعضی از اینها، يك وقتی به خاطر طرفداری از امام مورد اهانت هم قرار میگرفتند. حالا ببیند که کسانی که به نام اینها شعار میدهند، عکس اینها را روی دستشان میگیرند، اسم اینها را با تجلیل می آورند، درست نقطه ی مقابل، علیه امام و علیه انقلاب و علیه اسلام شعار میدهند و روزه خوری علنی در روز قدس، در ماه رمضان، میکنند؛ اینها را می بینید، خب، بکشید کنار. انتخابات تمام شد. انتخاباتی بود، عمومی هم بود، درست هم بود، اشکالی هم نتوانستند بر انتخابات بگیرند و ثابت کنند؛ حالا هی ادعا کردند، فرصت هم داده شد؛ گفتیم بیائید، نشان بدهید، ثابت کنید؛ نتوانستند، نیامدند؛ تمام شد. پابندی به قانون اقتضاء میکند که انسان ولو این رئیس جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع

کند. خب، معلوم است هیچ کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. چرا اینجوری میشود؟ چرا؟ این، هوای نفس است.

اینها مال امروز هم نیست. کسانی که از اوائل انقلاب یادشان هست، میدانند؛ بعضی بودند از یاران امام، از نزدیکان امام در دهه ی اول انقلاب و در حال حیات امام، که کارشان به مقابله ی با امام کشید؛ کارشان به معارضة ی با امام کشید؛ ایستادند پای اینکه امام را به زانو در بیاورند و خطای حرکت امام (رضوان الله تعالی علیه) را - آن مرد بزرگ را، آن مرد الهی را - اثبات کنند؛ اما بعد زاویه پیدا کردند. خب، انقلاب اینها را مطرود کرد. کسانی که از نزدیکان امام بودند، از یاران امام بودند، کارشان کشید به یا پناه بردن به دشمن، یا مواجه شدن با انقلاب، یا ضربه زدن به انقلاب. اینها باید عبرت باشد برای همه ی ما؛ باید عبرت باشد؛ باید بفهمیم. (1)

هنوز خیلی جا وجود دارد برای تحلیل و تبیین و روشن کردن زوایا و ابعاد این فتنه ای که دشمن طراحی کرده بود. دشمن محاسبات خیلی دقیقی کرده بود؛ منتها خوب، محاسباتش غلط از آب درآمد؛ ملت ایران را نشناخته بود. دشمن در پشت صحنه، همه ی چیزها را مشاهده کرده بود. این کسانی که شما بهشان میگوئید سران فتنه، کسانی بودند که دشمن اینها را هل داد وسط صحنه. البته گناه کردند. نبایستی انسان بازیچه ی دشمن شود؛ باید فوراً قضیه را بفهمد. اگر اول غفلتی کرده است، وسط کار وقتی فهمید، بلافاصله

ص: 113

بایستی راه را عوض کند. خوب، نکردند. (1)

### 4.3 و 4.4. اغتشاشگران

اگر قرار باشد بعد از هر انتخاباتی آنهایی که رأی نیاوردند، اردوکشی خیابانی بکنند، طرفدارانشان را بکشند به خیابان؛ بعد آنهایی که رأی آورده اند هم، در جواب آنها، اردوکشی کنند، بکشند به خیابان، پس چرا انتخابات انجام گرفت؟ تقصیر مردم چیست؟ این مردمی که خیابان، محل کسب و کار آنهاست، محل رفت و آمد آنهاست، محل زندگی آنهاست، اینها چه گناهی کردند؟ که ما میخواهیم طرفدارهای خودمان را به رخ آنها بکشیم؛ آن طرف يك جور، این طرف يك جور. برای نفوذی تروریست - آن کسی که میخواهد ضربه ی تروریستی بزند - مسئله ی او مسئله ی سیاسی نیست؛ برای او چه چیزی بهتر از پنهان شدن در میان این مردم؛ مردمی که میخواهند راهپیمائی کنند یا تجمع کنند. اگر این تجمعات پوششی برای او درست کند، آنوقت مسئولیتش با کیست؟ الان همین چند نفری که در این قضایا کشته شدند؛ از مردم عادی، از بسیج، جواب اینها را کی بناست بدهد؟ واکنشهایی که به اینها نشان داده خواهد شد - تو خیابان از شلوغی استفاده کنند، بسیج را ترور کنند، عضو نیروی انتظامی را ترور کنند - که بالاخره واکنشی به وجود خواهد آورد، واکنش احساسی خواهد بود. (2)

### 4.5. نقش دشمن

من يك وقتی، چند سال قبل از این به عنوان هشدار، اینجا گفتم که

ص: 114

1- . بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی 89/10/19

2- . نماز جمعه تهران 88/3/29

رسانه ها و دستگاه های تبلیغاتی و اطلاعاتی وابسته ی به استکبار، میداندارترین عناصر دشمنان استقلال ملتها برای به آشوب کشیدن ملتها هستند؛ برای اینکه اینها را از مسیری که دارند حرکت میکنند، منصرف کنند. و چند تا کشور را مثال زدم. خوب، امروز نسبت به آن چند سال قبل که ما این حرف را زدیم، وسائل ارتباطاتی خیلی گسترده تر، وسیع تر، همگانی تر و متنوع تر شده است. دشمنان دارند کار میکنند، آن وقت میگویند ما هیچ کاری نمیکنیم! ما هیچ اقدامی نمیکنیم! دستورالعمل هایشان برای گروه های غافل و نادان اغتشاشگر توی رسانه های خودشان به طور علنی دارد پخش میشود: اینجوری با پلیس درگیر بشوید؛ اینجوری علیه بسیج حرف بزنید؛ اینجوری توی خیابان اغتشاش ایجاد کنید؛ اینجوری تخریب کنید؛ اینجوری آتش بزنید؛ اینها دخالت نیست؟ از این دخالت واضح تر؟ علنی تر؟ این را مردم ما به چشم دیدند. اینها برای ملت ما تجربه است. اشتباه است اگر کسی خیال کند که يك گروه معدود، آن هم در تهران، فرض بفرمائید به ظرف زباله ی شهرداری تعرض میکند - زورش به او میرسد - یا فرض کنید به اموال مردم - به موتورسیکلتشان، به ماشینشان، به بانکشان، به دکانشان - تعرض میکند، این مردمند؛ نه، مردم نیستند. بله، بلندگوی استکباری وقتی میخواهد از اینها حمایت کند، میگوید مردم. اینها مردمند؟! مردم آن میلیونهایی هستند که تا این اغتشاشگران را، این مفسدین را در صحنه می بینند، کنار میکشند و آنها را با نفرت نگاه میکنند؛ برهم زندگان امنیت عمومی را، آرامش اجتماعی را با انزجار نگاه میکنند. (1)

نقشه هائی از پیش طراحی شده بود. من کسی را متهم نمیکنم؛ اما هندسه ی کار دشمن را میشناسم، می بینم، آن را تشخیص میدهم؛ نمیتوانم آن را انکار

ص: 115

کنم. هندسه ی کار دشمن، يك هندسه ی مشخصی بود. نظیر این کار را در جاهای دیگر هم کردند. وقتی قدرتهای مستکبر بین المللی از يك نظامی ناراضی و ناخشنود باشند، یکی از راه هائی که یافتند و عمل کردند، این است که منتظر يك فرصت انتخابات بشوند، بعد در آن فرصت انتخابات، اگر کسانی که مورد رضای آنها نیستند، بر سر کار آمدند، و آنهائی که آنها میخواهند، بر سر کار نیامدند، آن وقت با يك حرکت نمایشی مردمی، اوضاع را برگردانند؛ با شعارهائی گروهی از مردم را توی صحنه بکشاند، با فشار در صحنه ی خیابانها، آن چیزی را که با قانون به دست آمده است، با خشونت دگرگون کنند. این يك نقشه ی شناخته شده است. اگر ملاحظه میکنید که حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمد، در ذهن مردم، در ذهن تحلیلگران مستقل و صادق و تیزبین، منتسب به عوامل خارجی و بیرونی میشوند، ناشی از این است. اگر کسی هیچ خبری هم از پشت پرده نداشته باشد، اطلاعاتی که افراد صاحب اطلاع به دست می آورند، اگر این اطلاع هم در دسترس نباشد، انسان شکل کار را که نگاه میکند، میفهمد که این کار، کار دشمنان ملت است؛ کار بیگانگان است. انتخاباتی انجام میگیرد، يك حرکت قانونی اتفاق می افتد، يك نتیجه ای هم با خود به دنبال می آورد؛ این نتیجه را به زور خشونت بخواهند عوض کنند. يك عده ای را بکشند توی صحنه؛ احیاناً اگر اقتضاء شد، خشونت هم بکنند، آتش سوزی هم راه بیندازند، بانک هم آتش بزنند، اتوبوس هم آتش بزنند، برای اینکه نتایج قانونی را برگردانند. خوب، این حرکتی است که هم خلاف شرع است، هم خلاف قانون است. پیداست این حرکت، حرکت هدایت شده ای از طرف بیگانگان است. يك چنین اتفاقی را میخواستند در کشور پیش بیاورند.

آزمون مهمی بود برای کشور. من به شما عرض بکنم، آزمون مهمی بود؛

هم عبرتهای زیادی داشت، هم درسهای زیادی داشت؛ و در این آزمون، ملت ایران پیروز شد. آنها میخواستند مردم را تقسیم کنند به یک گروه اقلیت، به یک گروه اکثریت؛ یک گروهی که برنده ی انتخابات است، یک گروه هم که در انتخابات به نتیجه ی مطلوب خود دست پیدا نکرده، اینها را در مقابل هم قرار بدهند. ملت را دوپارچه کنند؛ یک عده اغتشاشگر هم وارد میدان بشوند و با ایجاد اغتشاش، جنگ را در داخل کشور مغلوبه کنند، جنگ داخلی راه بیندازند؛ امیدشان این بود. اما ملت هوشیاری به خرج داد. شما دیدید در روز انتخابات، مردم به دو گروه سیزده چهارده میلیونی، و بیست و چهار پنج میلیونی تقسیم شدند؛ اما بعد از گذشت مدتی نه چندان بلند، همین دو گروه با هم یکی شدند و در مقابل شورشگران و اغتشاشگران و خرابکاران ایستادند. بیداری ملت را انسان اینجا میشود بفهمد. میخواستند بین مردم اغتشاش ایجاد کنند. بدخواهانی که سی سال است علیه این انقلاب و علیه این مردم هر کاری توانستند، کردند، اینها هم فرصت را مغتنم شمردند و با تبلیغات خودشان وارد میدان شدند. بیش از این، کاری نمیتوانستند بکنند. اگر آمریکائی ها و انگلیسی ها و صهیونیستها نمیتوانستند نیرو وارد خیابانهای تهران بکنند، یقین بدانید میکردند. اگر برایشان امکان داشت که با حضور وابستگان و مزدوران خودشان از خارج، عرصه را آنچنان که میخواهند، هدایت کنند، میکردند. منتها میدانستند که این کار به ضررشان تمام میشود. تنها کاری که میتوانستند بکنند، این بود که در صحنه ی تبلیغات، در صحنه ی سیاست جهانی، از آشوبگر، از اغتشاشگر حمایت کنند. رؤسای جمهور کشورهای مستکبر در این قضیه وارد میدان شدند؛ اغتشاشگران خیابانی و خرابکارانی را که با آتش زدن میخواهند موجودیت خودشان را نشان بدهند، ملت ایران نامیدند؛ شاید بتوانند اوضاع را آنچنان که طبق میل خودشان است، در افکار



عمومی دنیا و کشورمان تصویر و ترسیم کنند؛ اما شکست خوردند. (1)

#### 4.6. نیروهای امنیتی، انتظامی و بسیج

من از فعالیتهای پلیس امنیتی مان، پلیس انتظامی مان، دستگاه بسیجمان تشکر میکنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این يك بحث جداسست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمانها يك تخلفی انجام داده، يك جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده میگیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده میگیریم. (2)

#### 4.7. رسانه های داخلی

جنجال سازی تبلیغاتی و لفاظی هیچ کمکی به حل مشکلات نمیکند؛ همچنانی که شما دیدید. تو همین قضایای انتخابات، خوب، تبلیغات انتخاباتی مثلاً باید يك ماه یا بیست روز قبل از شروع انتخابات انجام بگیرد؛ اما از پیش از عید نوروز تبلیغات انتخاباتی شروع شد! همین تلویزیونی هم که مورد انتقاد بعضی از دوستان است، متأسفانه منعکس میکرد. بنده موافق هم نبودم. این را هم شما خیال نکنید که حالا بنده چون رئیس صدا و سیما را انتخاب میکنم، همه ی برنامه های صدا و سیما را می آورند، دانه دانه بنده نگاه کنم، امضاء کنم. نخیر، از خیلی از برنامه های صدا و سیما بنده راضی هم نیستم؛ از جمله، از همین من راضی نبودم که از سه ماه قبل از انتخابات - انتخابات بیست و دوم خرداد بود - از ماه اسفند، بلکه زودتر از اسفند، بعضی از

ص: 118

---

1- . بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 89/1/1

2- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

سفرهای تبلیغاتی و حرفه‌ای که زده شد و تظاهراتی که میشد و مجادلاتی که انجام میگرفت، از تلویزیون پخش شود، که متأسفانه تو تلویزیون پخش شد؛ به خاطر همین، که یعنی ما آزاداندیشیم! اینها توهم است؛ این جنجال آفرینی در داخل کشور است. جنجال فکری غیر از مباحثات صحیح است. بنده گفتم کرسی آزاد فکری را در دانشگاه‌ها به وجود بیاورید. خوب، شما جوانها چرا به وجود نیاوردید؟ شما کرسی آزاد فکری سیاسی را، کرسی آزاد فکری معرفتی را تو همین دانشگاه تهران، تو همین دانشگاه شریف، تو همین دانشگاه امیرکبیر به وجود بیاورید. چند نفر دانشجو بروند، آنجا حرفشان را بزنند، حرف همدیگر را نقد کنند، با همدیگر مجادله کنند. حق، آنجا خودش را نمایان خواهد کرد. حق اینجوری نمایان نمیشود که کسی يك انتقادی را پرتاب بکند. اینجوری که حق درست فهمیده نمیشود. ایجاد فضای آشفته‌ی ذهنی با لفاظی‌ها هیچ کمکی به پیشرفت کشور نمیکند. شما تجربه‌ی این پدر پیرتان را در این زمینه داشته باشید. آئی که کمک میکند به پیشرفت کشور، آزادی واقعی فکرهاست؛ یعنی آزادانه فکر کردن، آزادانه مطرح کردن، از هو و جنجال ترسیدن، به تشویق و تحریض این و آن هم نگاه نکردن. يك وقت شما يك حرفی میزنید، ناگهان می بینید همه‌ی ناظران سیاسی جهان که وجودشان انباشته‌ی از پلیدی و خباثت است، برای شما کف میزنند. به این تشویق نشوید. به قول رائج بین جوانها، جوگیر نشوید. بحث درست بکنید، بحث منطقی بکنید. سخنی را بشنوید، سخنی را بگوئید؛ بعد بنشینید فکر کنید. این همان دستور قرآن است. «فَبَشِّرْ عِبَادِ. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ». سخن را باید شنفت، بهترین را انتخاب کرد. و الا فضای جنجال درست کردن، همین میشود که دیدید. جنجال قبل از انتخابات، بعد از انتخابات، انعکاسش میشود این؛ بخصوص وقتی دست بیگانه هم دخالت

دارد. به چه دلیل، با چه توجیهی شما فکر میکنید دستگاه های تبلیغاتی دنیا حوادثی را که فکر میکنند به ضرر نظام جمهوری اسلامی است، لحظه به لحظه منتشر میکنند؟ با چه محاسبه ای این کار انجام میگردد؟ این را نباید فکر کرد؟! نباید رویش مطالعه کرد؟! اینهاست آن چیزهایی که باید به آنها توجه کرد.

صدا و سیما آیا وضعیت واقعی کشور را نشان میدهد؟ نه، ناقص نشان میدهد. خیلی پیشرفتهای برجسته و بزرگ هست که صدا و سیما نشان نمیدهد. دلیلش هم این است که شما مجموعه ی مرتبط با حوادث گوناگون، از خیلی از حقائق کشور و پیشرفتهای کشور مطلع نیستید؛ نقص صدا و سیمای ماست. و الا اگر صدا و سیما میتواند همان جور که تلویزیون فلان کشور غربی با يك سابقه و تجربه ی فراوان و با استفاده های هنری دروغهای خودش را راست جلوه میدهد، واقعیات موجود کشور را درست منعکس کند، شما بدانید امروز امید نسل جوان، دل بستگی نسل جوان به کشورش، به دینش، به نظام جمهوری اسلامی اش، بمراتب بیشتر از حالا بود. این ایراد ماست به صدا و سیما. اگر میتواند درست وضع کشور را منعکس کند، خیلی شعف و بهجت بینندگان بمراتب بیشتر از آنی میشد که امروز هست. خیلی از کارها دارد انجام میگردد که مایه ی خوشوقتی است، مایه ی خشنودی است؛ نه فقط در زمینه های علمی، در زمینه های اجتماعی، در زمینه های سیاسی؛ مایه ی سرافرازی است. این را خیلی ها - اغلب یعنی - خبر ندارند. بنده غالباً به مسئولین دولتی اعتراض این است که چرا نمیتوانید بیان کنید. بیان کردن هم يك هنری است؛ بیان هنری بخصوص، هنر بزرگی است؛ این را ندارند.

حالا یکی از ایرادهائی که ما معمولاً داریم به بعضی ها این است که آنچه

را که بیگانه بگوید، این را تلقی به قبول میکنند؛ آنچه را که خودی بگوید، تلقی با تردید میکنند! چرا؟ خوب، این تلقی، تلقی ناسالمی است؛ این تلقی درستی نیست، تلقی ناسالمی است. این را باید اصلاح کرد. البته شما جوانهای خوب ان شاء الله بیاید وارد عرصه های گوناگون بشوید، عرصه های تبلیغاتی کشور را بگیرید. مطبوعات ما هم همینجور است. بنده روزها معمولاً حدود شانزده هفده تا روزنامه را نگاه میکنم؛ نه اینکه حالا همه ی صفحات لائی و اینها را نگاه کنم؛ لکن تیتراها، اگر سرمقاله ی قابل توجهی داشته باشند، معمولاً نگاه میکنم. خیلی از روزنامه های ما متأسفانه در انعکاس حقائق ضعیفند و در اصلی فرعی کردن مسائل، غیرمنصفانه عمل میکنند. (1)

بعضی ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاه ها و مطبوعات و رسانه ها را کی معین میکنند و کجا معین میشود - نانشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیراصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. انسان می بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت میزنند، نسبت به اینها شایعه سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه ی قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام يك کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه پراکنی کند؛

ص: 121

## 5. راهکارها

### 5.1. پایبندی به قانون و پرهیز از قانون

ما واقعاً احتیاج داریم به اینکه قانون در تمام امور کشور، يك شاخص، يك محور، يك فصل الخطاب محسوب شود. اگر ما قانونمدار باشیم، واقعاً این، زندگی مردم را روان خواهد کرد؛ درست مثل چراغهای سبز و قرمز سر تقاطعها. ببینید رعایت نکردن این مسئله چقدر مشکل ایجاد میکند. خوب، شما با اتومبیلتان رسیدید سر چهارراه. فرض کنید يك دقیقه، دو دقیقه چراغ سبز بود و داشتند میرفتند؛ تا شما رسیدید، قرمز شد. سخت است دیگر؛ باید حالا مدتی اینجا بایستید. ورود شما در این منطقه ی ممنوعه، برای خاطر آسایش خودتان و دل خودتان، موجب میشود که چند ده برابر شما گاهی آدم و اتومبیل در دو طرف مسیر کارشان دچار اختلال بشود؛ آن کسی هم که به عنوان پلیس راهنمایی آن وسط ایستاده که باید کار را تنظیم کند، دچار مشکل بشود. خوب، قانون را رعایت کنید تا این همه مشکل به وجود نیاید. ببینید، این يك مثال واضحی است که به طور روزمره با آن مواجه ایم و لذا غالباً هم رعایت میکنند. همه ی جاها قانون همین است. اگر رعایت قانون شد، کارها روان میشود؛ اگر بی قانونی آمد وسط میدان - که هر کسی هم برای بی قانونی خودش بالاخره يك توجهی دارد؛ یکی میگوید آقا این قانون حق من را ضایع کرد، این قانون نمیدانم چنین بود، این قانون چنان بود؛ اما این توجهی ها قابل قبول نیست - کارها مختل میشود.

ص: 122

اگر بی قانونی رائج شد، کارها گره خواهد خورد؛ ترافیک سنگین خواهد شد، گره های ترافیکی به وجود می آید، کار مردم از بین می رود، مصالح مردم پامال می شود. همه بایستی به قانون احترام بگذارند. و من به شما عرض بکنم؛ این مورد هم مثل موارد دیگر از چیزهایی است که فرهنگ آن بایستی از نخبگان سرریز بشود به بدنه ی جامعه. اگر شما که جزو نخبگان هستید، قانون را رعایت نکردید، انتظار نداشته باشید که بدنه ی جامعه قانون را رعایت کند. ادعای نخبگی بکنیم - نخبگی سیاسی، نخبگی علمی - اما در همان مورد کار خودمان به قانون بی اعتنائی کنیم. در همین قضایای جاری هم بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون. (1)

پابندی به قانون اقتضاء میکند که انسان ولو این رئیس جمهوری را که انتخاب شده است قبول هم نداشته باشد، وقتی برای قانون احترام قائل بود، بایستی در مقابل قانون، خضوع کند. خوب، معلوم است هیچ کسی نمیتواند بگوید این کسی که انتخاب شده، صددرصد حُسن محض است، آن طرفی که انتخاب نشده است، صددرصد قبح محض است؛ نه، همه حُسنی دارند، قبحی دارند؛ این طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد؛ آن طرف هم حُسنی دارد، قبحی دارد. قانون، ملاک است، معیار است. (2)

یک نکته را هم به جوانان عزیز انقلابی، به فرزندان عزیز انقلابی خودم، به فرزندان بسیجی - از زن و مرد - عرض بکنم: جوانان از اطراف و اکناف کشور، از آنچه که تهتک بیگانگان از ایمان دینی به گوششان میخورد یا با چشمشان می بینند، عصبانی هستند؛ وقتی می بینند روز عاشورا چگونه یک عده ای حرمت عاشورا را هتک میکنند، حرمت امام حسین را هتک میکنند، حرمت عزاداران حسینی را هتک میکنند، دلهاشان به درد می آید، سینه هاشان

ص: 123

---

1- . بیانات در دیدار نمایندگان مجلس 88/4/3

2- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 88/9/22

پر میشود از خشم؛ البته خوب، طبیعی هم هست، حق هم دارند؛ ولی میخواهم عرض بکنم جوانهای عزیز مراقب باشند، مواظب باشند که هرگونه کار بی رویه ای، کمک به دشمن است. اینجا جوانها تلفن میکنند - میفهمم من، میخوانم، غالباً تلفنها و نامه ها را خلاصه میکنند، هر روز می آورند، من نگاه میکنم - مبینم طور جوانها گله مند، ناراحت و عصبانی؛ گاهی هم از بنده گله میکنند که چرا فلانی صبر میکند؟ چرا فلانی ملاحظه میکند؟ من عرض میکنم؛ در شرائطی که دشمن با همه ی وجود، با همه ی امکانات خود درصدد طراحی يك فتنه است و میخواهد يك بازی خطرناکی را شروع کند، باید مراقبت کرد او را در آن بازی کمک نکرد. خیلی باید با احتیاط و تدبیر و در وقت خودش با قاطعیت وارد شد. دستگاه های مسئولی وجود دارند، قانون وجود دارد؛ بر طبق قانون، بدون هیچگونه تخطی از قانون، بایستی مَر قانون به صورت قاطع انجام بگیرد؛ اما ورود افرادی که شأن قانونی و سمت قانونی و وظیفه ی قانونی و مسئولیت قانونی ندارند، قضایا را خراب میکند. خدای متعال به ما دستور داده است: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا إِعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ». بله، يك عده ای دشمنی میکنند، يك عده ای خباثت به خرج میدهند، يك عده ای از خباثت کنندگان پشتیبانی میکنند - اینها هست - اما باید مراقب بود. اگر بدون دقت، بدون حزم، انسان وارد برخی از قضایا بشود، بی گناهیانی که از آنها بیزار هم هستند، لگدمال میشوند؛ این نباید اتفاق بیفتد. من بر حذر میدارم جوانهای عزیز را، فرزندان عزیز انقلابی خودم را از اینکه يك حرکتی را خودسرانه انجام بدهند؛ نه، همه چیز بر روال قانون. (1)

ص: 124

نخبگان و خواص سیاسی بایستی مراقب کار خودشان، حرف زدن خودشان باشند؛ این خطاب به همه ی نخبگان است، خطاب به يك طرف خاصی، جناح خاصی نیست. همه باید مراقب باشند. همه بدانند این ملت، يك ملت یکپارچه است. احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کنند، آن یکی بیاید احساسات این طرف را علیه آن طرف تحریک کند، اینها راه به جایی نمیبرد. وقتی شما متحد بودید، وقتی شما همدل بودید، وقتی شما احساس و ابراز اعتماد به کشورتان و نظامتان کردید، آن وقت این وسوسه های خناسان بین المللی، این سیاستمداران ظالم، مداخله گر، دور از انسانیت، دیگر اثری نخواهد کرد.<sup>(1)</sup>

همه ی این بلوآهائی که شما مشاهده کردید در دوره ی بعد از انتخابات پیش آمد و پیش آوردند و آنها حمایت کردند، برای همین بود که شاید بتوانند پشتوانه ی مردمی انقلاب را ضربه بزنند و از انقلاب بگیرند. بنده عرض کردم نشانه ی اعتماد مردم به این نظام، حضور چهل میلیونی در انتخابات بود. حالا در رادیوهای بیگانه و متأسفانه بعضی هم در داخل همنوای با آنها، هی اصرار و تکرار که بله، اعتماد مردم از نظام سلب شده! این، جواب آن حرف است. آنجا ما گفتیم اینی که هشتاد و پنج درصد مردم می آیند رأی میدهند، چهل میلیون پای صندوقها می آیند، به هر کسی که رأی میدهند، خود آمدن پای صندوق، نشانه ی اعتماد مردم به نظام است - که حقیقت قضیه هم همین است - اینها برای اینکه این حرف را دروغ از آب در بیاورند، مکرر در مکرر تبلیغات کردند که اعتماد مردم از دست رفته؛ چه کار کنیم؟ حالا بعضی در لباس دلسوزی گفتند چه کار کنیم که اعتماد برگردد!

ص: 125



مردم به نظام اعتماد دارند، نظام هم به مردم اعتماد دارد. ان شاءالله خواهید دید در انتخابات آینده - که حالا دوسه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی خبران داخلی کردند، يك حضور مستحکم قوی ای در انتخابات خواهند داشت. (1)

### 5.3. کسب بصیرت

اگر من بخواهم يك توصیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کنید؛ بصیرت. بلاهائی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می بینید در جامعه ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کمأ هم بیشتر نباشد، کیفأ بیشتر از خطاهای عامه ی مردم است - بر اثر بی بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمیگوئیم همه اش.

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر». میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که توار دوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، توار دوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند. حالا شما باشید، چه کار میکنید؟

ص: 126

به شما میگویند: آقا! این طرفِ مقابل، باطل است. شما میگوئید: اِ، با این نماز، با این عبادت! بعضی شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أَمَّنْ هُوَ قَانَتْ آتَاءَ اللَّيْلِ» - آیه ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده ای - يك نفر کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من يك موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم.

این گذشت، جنگ نهران شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی يك مو از بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناك میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

بنده بارها این جبهه های سیاسی و صحنه های سیاسی را مثال میزنم به جبهه ی جنگ. اگر شما تو جبهه ی جنگ نظامی، هندسه ی زمین در اختیاران نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی

از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد، میدان را نشناسد، دشمن را گم بکند، يك وقت می بیند که دارد خمپاره اش را، توپخانه اش را آتش میکند به طرفی، که اتفاقاً این طرف، طرف دوست است، نه طرف دشمن. نمیداند دیگر. عرصه ی سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، يك وقت می بیند آتش توپخانه ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعد، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است. (1)

#### 5.4. روشنگری و بصیرت بخشی

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همین که حالا امروز به آن جنگ روانی میگویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه هاش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، می بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی يك جا پیدا کنید، وارد شدن سوءظن به ذهن آسان است،

ص: 128

پاك كردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه افكنی ميکردند، سوء ظن را وارد ميکردند؛ کار آسانی بود. اين کسی که از اين طرف، خودش را موظف دانسته بود که در مقابل اين جنگ روانی بايستند و مقاومت کند، جناب عمار ياسر بود، که در قضایای جنگ صفين دارد که با اسب از اين طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی ميرفت و همين طور اين گروه هائی را که - به تعبير امروز، گردانها يا تپه‌های جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام ميرسيد، در مقابل آنها می ايستاد و مبالغی برای آنها صحبت ميکرد؛ حقائقى را برای آنها روشن ميکرد و تأثیر ميگذاشت. يك جا ميديد اختلاف پيدا شده، يك عده ای دچار ترديد شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را بسرعت آنجا ميرساند و برايشان حرف ميزد، صحبت ميکرد، تبیین ميکرد؛ اين گره ها را باز ميکرد. (1)

## 5.5. تلاش برای حفظ آرامش در جامعه

ما در اين سی سال روزی نبود که تجربه ای نيندوزيم، مطلبی ياد نگیريم. در حوادث اين روزها خیلی چیزها ياد گرفتيم، خیلی چیزها فهميديم؛ برای ملت ما تجربه شد؛ همه فهميدند که در آن وقتی که ملت در عين استقرار و آرامش و ثبات يك حرکت بزرگ را انجام می دهد، نبايد غافل بماند از دشمنی دشمنانی که دارند برايش نقشه می کشند. همه گفتند يك انتخابات چهل ميليونی، يك عظمت بی نظير از اول انقلاب تا حالا، حضور مردم در صحنه بعد از سی سال، قدرت جذب مردم و به صحنه آوردن مردم برای نظام؛ اين يك عظمت بود؛ نبايد غفلت کنند؛ همه فهميدند که در چنین وضعیتی نبايد غفلت کنند که دشمن کمين گرفته است؛ مراقب است.

ص: 129

هر کسی امروز جامعه را به سمت اغتشاش و ناامنی سوق بدهد، از نظر عامه ی ملت ایران انسان منفوری است؛ هر که میخواهد باشد. هر هدفی را که این ملت بخواهد به آن برسد، در سایه ی آرامش و امنیت خواهد رسید. وقتی امنیت بود، تحصیل هم هست، علم هم هست، پیشرفت هم هست، صنعت هم هست، ثروت هم هست، آسایش گوناگون هم هست، عبادت هم هست؛ دنیا و آخرت در سایه ی امنیت وجود دارد. وقتی ناامنی ایجاد شد، همه ی اینها مخدوش میشود. به هم زدن امنیت يك ملت بزرگترین گناهی است که ممکن است کسی مرتکب بشود. این را البته آن کسی که مأمور است، مزدور است، او که حرف گوش نمیکند؛ خطاب ما به او نیست؛ خطاب ما به نخبگان است. آحاد ملت هم هوشیارند؛ نخبگان ما هوشیار باشند.

نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع گیری کردن، مراقب گفتن ها، مراقب نگفتن ها. يك چیزهائی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده ایم. يك چیزهائی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده ایم. نخبگان سر جلسه ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما يك سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت میکند، معیار و ملاک قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی بازی ها و سیاسی کاری های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است. «العقل ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»؛ عقل این است که انسان را به راه راست هدایت میکند. اشتباه میکنند آن کسانی که خیال میکنند

با سیاسی کاری، عقلانی عمل میکنند؛ نه، عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار میکند. شاخصش هم برای ما، بین خودمان و خدا، این است که نگاه کنیم ببینیم در بیان این حرف اخلاص داریم یا نه؟ به فکر خدائیم یا نه؟ من دارم برای خاطر خدا، رضای خدا حرف میزنم یا برای خاطر جلب توجه شما دارم حرف میزنم؟ برای خاطر خداست یا برای خاطر دل مستمع و غیر مستمع است؟ معیارش این است. به خودمان مراجعه کنیم؛ افضی القضاة نسبت به انسان، خود انسان است. خودمان را فریب ندهیم؛ بفهمیم چه کار میکنیم؛ بفهمیم چه میگوئیم؛ چه حرکتی میکنیم. (1)

در این قضایای اهانت به امام راحل (رضوان الله علیه)، مردم ما عصبانی شدند، خشمگین شدند؛ حق هم دارند. اعلام برائت کردند، جا هم داشت، خوب هم بود؛ لکن آرامش شان را حفظ کنند. از دانشجویها هم ما همین درخواست را داریم: آرامش را حفظ کنید. این کسانی که در مقابل شما قرار دارند، اینها کسانی نیستند که ریشه ای داشته باشند، بتوانند بمانند، بتوانند در مقابل عظمت این ملت و عظمت این انقلاب، مقاومت کنند؛ نه. با آرامش؛ همه کار با آرامش.

اگر يك وقتی لازم بشود، خود مسئولین، خود قانون و حافظان قانون، آنچه که وظیفه شان باشد، انجام میدهند. البته شناسائی کنند؛ خود دانشجویها موظفند در محیط دانشگاه، افرادی را که منشأ فسادند، اینها را بشناسند و دیگران را آگاه کنند. این خودش يك تبلیغ درست و صحیحی است. آگاه کنند؛ بدانند ارتباطات اینها را، جهتگیری اینها را؛ لکن همه کار با آرامش باید انجام بگیرد.

در سطح جامعه، تشنج، اغتشاش، درگیری مصلحت نیست؛ این چیزی

ص: 131

است که دشمن می‌خواهد. دشمن می‌خواهد جامعه آرام نباشد. امنیت، مهم است. دشمنان امنیت مردم دوست دارند که مردم در ناامنی زندگی کنند، ناراحت بشوند، کلافه بشوند، عصبانی بشوند؛ ما این را نمی‌خواهیم. ما می‌خواهیم مردم زندگی شان، زندگی آرامی باشد؛ دانشجو بتواند درس بخواند؛ طلبه بتواند درس بخواند؛ دانشمند بتواند تحقیق خودش را بکند؛ صنعتگر، کشاورز، بازرگان، بتواند همه کارشان را انجام بدهند. محیط دانشگاه هم باید محیط امنی باشد؛ جوانهای مردم توی این مجموعه ی دانشگاه جمعند، مردم می‌خواهند جوانهایشان در محیط امنی باشند. این کسانی که محیط دانشگاه را با این اغتشاشگری ناامن میکنند، با مردم مواجه اند، با مردم طرفند. البته دستگاه های قانونی هم وظایفی دارند؛ باید به این وظایف عمل کنند.

بدانید که این آیه ی مبارکه: «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»، امروز مصداق تام و تمامی در زمان شما دارد و این را شما خواهید دید. به فضل الهی خواهید دید که «وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ»، این بنای استوار که هندسه ی آن الهی است، بنای آن هم با دست يك مرد الهی است، بقاء آن هم با اراده ی این ملت عظیم و با ایمان این ملت عظیم است، استوار خواهد ماند و ان شاءالله این درخت روزبه روز ریشه دارتر خواهد شد و خواهید دید که این مخالفان، این کسانی که با این بنا، با این حق و حقیقت مخالفت میکنند، «فَيَذْهَبُ جُفَاءً»؛ اینها در مقابل چشم شما ان شاءالله نابود خواهند بود. (1)

## 5.6. حفظ درهم نیدگی ابعاد جمهوری اسلامی

جمهوری اسلامی - که از انقلاب اسلامی برخاسته است - يك واحدی

ص: 132

است که دارای دو بعد است: اسلامی بودن و مردمی بودن؛ هم اسلامی است، هم مردمی است. و مردمی است، چون اسلامی است؛ چون اسلام دین جامعه است. دین مسئولیت همگانی است؛ اسلام دین تک تک افراد و اشخاص به حیث خودشان فقط نیست؛ آن هم هست، اما افراد به حیث اجتماعشان هم مورد خطاب اسلامند. اسلام یک دین مردمی است؛ یک دین مسئولیت عمومی است؛ بنابراین مردمی بودن از خود اسلامی بودن برمی آید. اسلامی هم هست؛ چون خدای متعال منت گذاشته است: «بَلِ اللَّهِ يُمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ»؛ منت گذاشته بر ما، هدایت کرده ما را به این ایمان؛ پروردگار به مردم ما، به خود ما منت گذاشته، ما را به این دین هدایت کرده؛ لذا جمهور ما اسلام را میخواهند و این دین الهی را بحمدالله خدای متعال به ما داده است. بنابراین «جمهوری اسلامی» است؛ یک منظومه است، یک مجموعه است، یا بگوئیم واحد دارای ابعاد است که این ابعاد باید با همدیگر مورد ملاحظه قرار بگیرد و با هم باشد؛ این درهم تنیدگی باید حفظ بشود. هر کدام از این جهات تضعیف بشود، کل و مجموعه تضعیف شده است.

مسئله ی ولایت هم پایبندی به همین مجموعه است؛ چه ولایت معصومین (علیهم السلام)، چه ولایت فقیه که دنباله ی ولایت معصومین و ادامه ی او هست. مسئله ی پایبندی به این مجموعه و رعایت حفظ این مجموعه در کشور و در نظام است، که زاویه ای پیدا نکند، مشکلی برایش به وجود نیاید، در او تقیصی و تبعیضی حاصل نشود، با همین جامعیت حرکت کند و پیش برود. و این اسلام ناب هم که در فرمایش امام بود، ناظر به همین است؛ چون امام اسلام ناب فرمودند، در مقابل اسلام آمریکائی. اسلام آمریکائی فقط آن نیست که آمریکاییها پسند باشند؛ هر چیزی که خارج از این اسلام ناب است؛ اسلام سلطنتی هم همین جور است، اسلام التقاطی هم همین جور است، اسلام سرمایه داری هم همین جور است، اسلام سوسیالیستی هم همین جور



است، اسلامهائی که با شکلها و رنگهای مختلفی عرضه بشود و آن عناصر اصلی در او وجود نداشته باشد، همه اش مقابل اسلام ناب است؛ در واقع اسلام آمریکائی است.

انسان مشاهده میکند در این معارضه هائی که با نظام در طول این سی سال انجام گرفته، این اسلامهای گوناگون حضور داشته اند؛ هم اسلام التقاطی وجود داشته، هم اسلام سلطنتی وجود داشته، هم اسلام سوسیالیستی وجود داشته؛ انواع و اقسام این اسلامها در مواجهه ی با نظام جمهوری اسلامی وجود داشته اند. خوب، در این نگاه به اسلام و درک و فهم از اسلام، فرد و جامعه با هم ملاحظه میشوند، معنویت و عدالت با هم ملاحظه میشوند، شریعت و عقلانیت با یکدیگر ملاحظه میشوند، عاطفه و قاطعیت در کنار هم دیده میشوند؛ اینها همه باید باشد. قاطعیت در جای خود، عواطف در جای خود، شریعت در جای خود، عقلانیت - که آن هم خارج از شریعت البته نیست - در جای خود؛ همه در کنار هم بایستی مورد استفاده قرار بگیرند؛ انحراف از این منظومه ی مستحکم، موجب انحراف از نظام اسلامی خواهد بود.<sup>(1)</sup>

### 5.7. ایجاد فضای حسن ظن و برادری در جامعه

فضای جامعه را فضای برادری، مهربانی، حسن ظن قرار بدهیم. من هیچ موافق نیستم با اینکه فضای جامعه را فضای سوءظن و فضای بدگمانی قرار بدهیم. این عادات را از خودمان باید دور کنیم. اینکه متأسفانه باب شده که روزنامه و رسانه و دستگاه های گوناگون ارتباطی - که امروز روزبه روز هم بیشتر و گسترده تر و پیچیده تر میشود - روشی را در پیش گرفته اند برای متهم

ص: 134

کردن یکدیگر، این چیز خوبی نیست؛ این چیز خوبی نیست، دل ما را تارک می‌کند، فضای زندگی ما را ظلمانی می‌کند. هیچ منافات ندارد که گنهکار تاوان گناه خودش را ببیند، اما فضا، فضای اشاعه ی گناه نباشد؛ تهمت زدن، دیگران را متهم کردن به شایعات، به خیالات. همین جا من این را هم بگویم: اینکه در دادگاه ها - که در تلویزیون هم پخش میشد - از قول يك متهمی چیزی راجع به يك كس دیگری گفته میشود، من این را بگویم که این، شرعاً حجیت ندارد. بله، متهم هرچه درباره ی خود در دادگاه بگوید، این حجت است. اینکه بگویند در دادگاه درباره ی خودش اگر اعترافی کرد، حجت نیست، این حرف مهملی است، حرف بی ارزشی است؛ نه، هر اقراری، هر اعترافی، شرعاً، عرفاً و در نزد عقلا در يك دادگاه در مقابل دوربین، در مقابل بینندگان میلیونی که متهم علیه خود بکند، این اعتراف مسموع است، مقبول است، نافذ است؛ اما علیه دیگری بخواهد اعترافی کند، نه، مسموع نیست. فضا را نباید از تهمت و از گمان سوء پر کرد. قرآن کریم میفرماید: «لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنفُسِهِمْ خَيْرًا»؛ وقتی میشنوید که یکی را متهم میکنند، چرا به همدیگر حسن ظن ندارید؟ تکلیف دستگاه اجرائی و قضائی به جای خود محفوظ است. دستگاه های اجرائی باید مجرم را تعقیب کنند، دستگاه های قضائی باید مجرم را محکوم و مجازات کنند؛ با همان روشی که ثابت میشود و در قوانین اسلامی و قوانین عرفی ما هست و هیچ هم در این زمینه نباید کوتاه بیایند؛ اما مجازات مجرم که از طرق قانونی جرم او ثابت شده است، غیر از این است که به گمان، به خیال، به تهمت، یکی را متهم کنیم، بدنام کنیم، توی جامعه دهن به دهن بگردانیم. اینکه نمیشود. این فضا، فضای درستی نیست. یا دیگران - خارجی ها، بیگانه ها، تلویزیونهای مغرض - علیه کسی یا کسانی حرفی بزنند، ادعا کنند که اینها فلان جا خیانت کردند، فلان جا خطا کردند؛ ما هم عین همان را پخش کنیم. این، ظلم

است؛ این، مورد قبول نیست. رسانه های بیگانه کی دلشان برای ما سوخته است؟ کی خواسته اند حقائق در مورد ما روشن بشود، که در این مورد بیایند حقیقت را گفته باشند؟ میگویند، حرفهائی میزنند، ادعاهائی میکنند. نباید گفت اینها شفافیت است. این، شفافیت نیست؛ این، کدر کردن فضا است. شفافیت معنایش این است که مسئول در جمهوری اسلامی عملکرد خودش را به طور واضح در اختیار مردم قرار بدهد؛ این معنای شفافیت است، باید هم بکنند؛ اما اینکه ما بیائیم این و آن را بدون اینکه اثبات شده باشد، بگیریم زیر بار فشار تهمت و چیزهائی را به آنها نسبت بدهیم که ممکن است در واقع راست باشد، اما تا مادامی که ثابت نشده است، ما حق نداریم آن را بیان کنیم؛ این آن را متهم کند، آن این را متهم کند؛ از رسانه ی بیگانه - رسانه ی مغرض انگلیس - شاهد برایش بیاوریم، بعد هم يك نفر از آن طرف پیدا بشود و کل نظام را به اموری که شایسته ی نظام اسلامی نیست و نظام اسلامی شانس بسیار بالاتر است از این چیزهائی که بعضی به نظام اسلامی نسبت میدهند، متهم بکنند، این اشکال بر آنها بیشتر هم وارد است. تهمت زدن به يك شخص گناه است، تهمت زدن به يك نظام اسلامی، به يك مجموعه، گناه بسیار بزرگتری است. (1)

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه ی مردم - اینها را باید از آن عناصر معدود خود فروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه

ص: 136

اتفاق بیفتند. من می بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست.

حالا بعضی ها - چه مطبوعات، چه بعضی از عناصر گوناگون - توصیه پذیر نیستند؛ آنها از ما توصیه نمیخواهند؛ معلوم نیست سیاستهای بعضی از این دستگاه ها و مطبوعات و رسانه ها را کی معین میکنند و کجا معین میشود - نانشان در ایجاد اختلاف است - اما آن کسانی که مصالح کشور را میخواهند، مایلند حقائق را غالب کنند، من توصیه ام به آنها این است که از این اختلافات جزئی و غیراصولی صرف نظر کنند. شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. انسان می بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت میزنند، نسبت به اینها شایعه سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس جمهور باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام يك کاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند. (1)

## 5.8. فراموش نکردن اصول

اسلام؛ قانون اساسی؛ فرمایشات و وصیت نامه امام (ره)؛ سیاستهای کلی نظام

اصول انقلاب مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه ای

ص: 137

نیست که هر که از يك گوشه ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول میرویم، می بینیم بیگانه ی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیت نامه ی امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مضر نیست، که مفید و نافع است. این يك مطلب است که در میدان معارضات اینچینی، نظام با هیچ کس برخورد نمیکند. آنجائی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند - از این کارهای خلافی که انجام میگیرد؛ دروغ پراکنی و شایعه - نظام هیچگونه مسئله ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان میکنند؛ نظام برخورد نمیکند. (1)

آن کسی که برای انقلاب، برای امام، برای اسلام کار میکند، بمجردی که ببیند حرف او، حرکت او موجب شده است که يك جهتگیری ای علیه این اصول به وجود بیاید، فوراً متنبه میشود. چرا متنبه نمیشوند؟ وقتی شنفتند که از اصلی ترین شعار جمهوری اسلامی - «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» - اسلامش حذف میشود، باید به خود بیایند؛ باید بفهمند که دارند راه را غلط میروند، اشتباه میکنند؛ باید تبری کنند. (2)

### 5.9. برخورد صحیح با نظرات مخالف

بنده مخالفم که مردم کشورمان را، مردم عزیزمان را به دو بخش تقسیم

ص: 138

1- . خطبه های نماز جمعه ی تهران 88/6/20

2- . بیانات در دیدار با جمعی از طلاب و روحانیون 88/9/22

کنیم؛ يك عده ای را مقابل يك عده ی دیگر قرار بدهیم. قضیه اینجوری نیست. در خیلی از مسائل، مردم سلیقه هایشان، نگاه هایشان، نظرهایشان یکی نیست، اما این به معنای اصطکاک و تراحم و تعارض و دست به یقه شدن نیست. ما نباید مردمان را وادار کنیم که با هم دست به یقه بشوند. من به هر دو طرف نصیحت میکنم: احساسات جوانها را تحریک نکنند، مردم را مقابل هم قرار ندهند. ملت یکپارچه ای است، ایمان واحدی دارد، قلباً هم با نظام خود روابط حسنه ای دارد؛ نشانه ی این روابط حسنه، همین حضور در پای صندوقهاست. اگر امیدوار نبودند، اگر حسن ظن نداشتند، اگر اعتماد نداشتند، نمی آمدند پای صندوقها. پس این ملت با نظام خود هیچ مشکلی ندارد. نباید این ملت یکپارچه را دو شقه کرد، تقسیم کرد، يك گروه را بر علیه آن گروه دیگر، آن گروه را بر علیه این گروه دیگر تحریک کرد. (1)

همین آیاتی که الان خواندند: «وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» - برادر شدید با هم - وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا؛ اسلام شما را از آتش تفرقه نجات داد. فراموش کردید؟ هی این به آن ایراد بگیرد، آن به این ایراد بگیرد؛ فروع را اصل بکنیم، اصول را فراموش کنیم، هی اختلاف بین ما بیفتد. اینکه قرآن میگوید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا»، یعنی همه با هم اعتصام به حبل الله بکنید، خوب، این «همه» در سطح واحدی که نیستند؛ بعضی ایمانشان قویتر است، بعضی ایمانشان ضعیفتر است، بعضی عملشان بهتر است، بعضی عملشان متوسطتر است؛ در عین حال خدای متعال به همه خطاب میکند. میگوید اعتصام به حبل الله را جمیعاً بکنید، با هم بکنید. تو بگوئی من جداگانه اعتصام به حبل الله کردم و دیگری نه؛ او - دیگری - باز بگوید من جداگانه اعتصام به حبل

ص: 139

الله کردم، این طرف را نه؛ اینکه نمیشود. همدیگر را تحمل کنید. اصولی هست، محورهای هست؛ اصل این است که در این اصول همدل باشیم. ممکن است در صد تا از فروع، افراد با همدیگر اختلاف داشته باشند، باشد؛ این منافات ندارد با اجتماع، با جمیع شدن، مجتمع شدن؛ اینها باید ملاک باشد. در گفتارمان مراقب باشیم. رد دیگران، طرد دیگران، به طور مطلق در سر مسائل درجه ی دو، مصلحت نیست. امروز ملت ایران، يك ملت یکپارچه است؛ يك ملت متحد است؛ این اتحاد را باید قدر دانست. ایجاد اختلاف نباید کرد.

من می بینم تو همین قضایای سه چهار روز اخیر باز بعضی ها می خواهند اختلافها و شکافها را بیشتر کنند؛ نه، نباید اختلاف به وجود بیاید؛ همه با هم برادرند، همه با هم همکاری باید بکنند؛ همه باید برای ساختن کشور به یکدیگر کمک بکنند. به کسی نباید بیهوده تهمت زد؛ کسی را نباید به خاطر يك امر، از همه ی آن چیزهایی که صلاحیت محسوب میشود، انسان او را نفی بکند. با انصاف باید بود؛ با انصاف باید عمل کرد؛ با انصاف باید حرف زد. خدای متعال در مورد دشمنان میگوید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنَ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوْا اِعْدِلُوْا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى»؛ اگر با کسی دشمنید، این دشمنی موجب نشود که نسبت به او بی انصافی کنید، بی عدالتی کنید؛ حتی نسبت به دشمن؛ حالا آن که دشمن هم نیست. بی عدالتی ها را همه کنار بگذارند؛ بی انصافی ها را همه کنار بگذارند؛ همه در زیر پرچم نظام اسلامی و جمهوری اسلامی جمع بشوند؛ اصولی وجود دارد، به آن اصول همه پابندی خودشان را اعلام بکنند. در کنار هم باشند، اختلاف سلیقه هم باشد. چه اشکال دارد؟ همیشه اختلاف سلیقه بوده. در دورانهای مختلف هر جایی که این اختلاف سلیقه ها و اختلاف برداشتها با هوای نفس انسان مخلوط شد، کار خراب میشود.

هوای نفس را باید خیلی ملاحظه کرد. به خودمان در فریب خوردن از هوای نفس سوءظن داشته باشیم. نگاه کنیم ببینیم کجا نفس است و هوای نفسانی ماست؛ کجا نه، واقعاً احساس تکلیف است؛ و در احساس تکلیف هم دقت بکنیم که قدم از دایره ی تکلیف آنطرف تر نباید گذاشت؛ زیاده روی نباید کرد. آن وقت لطف خدا با ماست. همچنانی که تا امروز به فضل الهی، به حول و قوه ی الهی، لطف الهی با ملت ایران بوده است؛ بعد از این هم ان شاءالله خواهد بود. (1)

#### 5.10. اتحاد مردم و جریان های سیاسی در برابر مخالفان نظام و کشور

يك سطر از سطور كتاب قطور منقبت اميرالمؤمنين (عليه السلام) اين است كه اين بزرگوار در طول اين زندگي پرماجرایی خود به چیزهائی اهتمام داشتند، از جمله عدالت و وحدت. اینها برای ما درس است. وحدت امت اسلامی برای امیرالمؤمنین مهم بود. استقرار عدالت در میان امت اسلامی هم برای امیرالمؤمنین مهم بود. حق طلبی آن بزرگوار در هر دو جا خود را نشان میدهد؛ هم در آنجائی که در پی عدالت دشوارترین آزمونهاى زندگى خود را تحمل میکند؛ آن سختیها را، آن مجاهدتهای دشوار را، آن جنگهائی را که بر آن بزرگوار تحمیل شد - آن سه جنگ دوران کوتاه حکومت، که اینها را تحمل میکند؛ چون دنبال عدالت است. حق را در اینجا با قاطعیت تعقیب میکند - هم در آنجائی که امیرالمؤمنین به خاطر خدا، به خاطر مصالح اسلام، به خاطر وحدت مسلمانان، از حقی که برای خود او مسلم است، چشم پوشی میکند و در مقام معارضه برنمی آید؛ اسلام را، مسلمانان را، جامعه ی اسلامی را، وحدت اسلامی را پاس میدارد.

ص: 141



«فامسکت یدی حتّی رأیت راجعة النَّاسِ قد رجعت عن الاسلام یدعون الی محقّ دین محمّد (صلّی الله علیه و اله)»؛ یعنی آن وقتی که دیدم مسئله ی اسلام مطرح است، مصالح اسلامی، مصالح جامعه ی اسلامی مطرح است، در آنجا دیگر سکوت را جایز ندانستم، آدم وسط میدان برای ایجاد وحدت. مال دوران اول پس از رحلت پیغمبر و آن دوران محنت امیرالمؤمنین است؛ آنجا هم حق را با قاطعیت دنبال میکنند. این حق در اینجا وحدت است. اینها برای ما درس است.

جامعه ی اسلامی در تمام ادوار مختلف از ناحیه ی بی عدالتی ضربه خورده است؛ و از ناحیه پراکندگی و نفاق و جدائی افراد از یکدیگر و مقابل یکدیگر ایستادن، ضربه خورده است. از این چیزها دنیای اسلام ضربه خورده. هر چه شما به تاریخ اسلام مراجعه کنید - بخصوص در قرون اخیر - این معنا را روشنتر می بینید. دنیای اسلام نیازمند اتحاد است. امیرالمؤمنین مایه ی وحدت دنیای اسلام باید باشد. دشمنان اسلام میخواهند بین طوائف مسلمان به وسیله ی امیرالمؤمنین که خود وسیله ی وحدت و اتحاد است، اختلاف ایجاد کنند. اینها را باید دنیای اسلام بگوش باشد.

این مسئله را ملت ایران هم باید توجه داشته باشند. ما يك ملت متحدیم؛ اسلام ما را متحد کرد؛ انقلاب ما را بیدار کرد؛ دلهای ما را به هم نزدیک کرد؛ انگیزه های ما را در هم تنیده کرد؛ به هم پیوند زد؛ شدیم يك مشت محکم و مقتدر در مقابل دشمنان نظام اسلامی و دشمنان اسلام و مسلمین و دشمنان ایران. دشمنان منتظرند این اتحاد کلمه را به هم بزنند؛ بین مردم ایجاد نفاق کنند؛ ایجاد اختلاف کنند؛ برادران را در مقابل هم قرار بدهند؛ باید ملت ایران هوشیار باشد.

در همین قضایای انتخابات پرشور بیست و دوی خرداد که يك حرکت

عظیمی از ملت ایران بود، کار بزرگی انجام گرفت. این حضور چهل میلیونی تقریباً در پای صندوقهای رأی، یعنی نسبت هشتاد و پنج درصدی کسانی که میتوانند شرکت کنند، در دنیا جزو رقمهای بی نظیر است. این خیلی برای ملت ایران آبرو ایجاد کرد، خیلی اقتدار برای این ملت بزرگ آفرید؛ برای انقلاب آبرو شد؛ نشان داد که انقلاب بعد از گذشت سی سال، اینجور قدرت و توانائی به صحنه آوردن مردم را دارد. دشمنان دست به کار شدند، بین مردم اختلاف بیندازند، تا حدودی هم موفق شدند. لیکن ملت باید حرکت دشمن را خنثی کند.

سیاست نظام جمهوری اسلامی، سیاست روشنی است. رقابت در بین نامزدهای ریاست جمهوری به نگاه ما، به عقیده ی ما، يك رقابت درون خانوادگی است، گاهی به عصبانیت هم میکشد. دو برادر هم ممکن است داخل خانواده در مقابل هم قرار بگیرند؛ به دشمن چه ربطی دارد؛ به بیگانه چه ربطی دارد. بیگانگانی که در این قضیه در سطوح مختلف سیاسی و تبلیغاتی وارد این میدان شدند، نیتشان ایجاد شقاق و اختلاف بود؛ ایجاد شکاف بود.

مسئولین جمهوری اسلامی اگر صد تا هم با هم اختلاف داشته باشند، در ایستادگی در مقابل دشمن، در حفظ استقلال این کشور، همه با هم يك کلام و يك دست اند. این را دشمنان بدانند؛ خیال نکنند که میتوانند بین ملت انشقاق بیندازند.

من توصیه ام به همه ی ملت ایران این است:

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبادا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبادا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبادا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه ی جناحهاست.

مبادا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر يك خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف يك عده ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.

البته مسئولین هم، رئیس جمهور منتخب هم باید قدر این اقبال مردمی را بدانند. شکر این توجه مردم، عبارت است از خدمت کامل و جامع برای حل مشکلات مردم؛ تلاش برای پیشبرد کشور و تلاش برای حفظ اتحاد ملت بزرگ ایران. اینها حقایقی است که وجود دارد. شما ملت ایران در این برهه ی از زمان کار بزرگی را انجام دادید، حرکت بزرگی را انجام دادید و خدای متعال به حول و قوه ی خود به این حرکت برکت خواهد داد و پیش خواهد رفت.

شکر مسئولین، خدمت است؛ شکر مردم، حفظ وحدت است؛ حفظ وحدت، حفظ هوشیاری، حفظ برادری، نگاه مشفقانه ی به یکدیگر. دشمن میخواهد این نباشد و شما سعی کنید که این چه که دشمن را خشمگین میکند، آن را انجام بدهید و آنچه که قلب مقدس ولی عصر (ارواحنا فداه) را شاد خواهد کرد، او همین وحدت و مهربانی و همکاری و نشاط و حرکت انقلابی ملت ایران است. (1)

### **5.11. پرهیز از شایعه پراکنی علیه مسئولان و ایستادگی در برابر جنگ روانی**

شایعه سازی و شایعه پراکنی درست نیست. انسان می بیند صریحاً و علناً به مسئولین کشور - کسانی که بارهای کشور را بر دوش دارند - تهمت میزنند، نسبت به اینها شایعه سازی میکنند؛ فرق هم نمیکند، چه رئیس جمهور

ص: 144

باشد، چه رئیس مجلس باشد، چه رئیس مجمع تشخیص مصلحت باشد، چه رئیس قوه ی قضائیه باشد؛ اینها مسئولین کشورند. مسئولین کشور کسانی هستند که زمام يك كاری به اینها سپرده است؛ مردم باید به اینها اعتماد داشته باشند، حسن ظن داشته باشند. نباید شایعه پراکنی کرد؛ دشمن این را میخواهد. دشمن میخواهد شایعه پراکنی کند؛ میخواهد دلها را نسبت به یکدیگر، نسبت به مسئولین بدبین کند. (1)

## 6. مواضع نظام

### 6.1. انجام رسیدگی به اعتراضات تنها از طریق قانونی

در قضایای جاری بنده مُصر بودم و هستم و خواهم بود بر اجرای قانون؛ یعنی يك قدم از قانون فراتر نخواهیم رفت؛ قانون کشورمان، قانون جمهوری اسلامی. مطمئناً نه نظام، نه این مردم به هیچ قیمتی زیر بار زور نخواهند رفت. نقطه ی مقابل قانون گرائی و انقیاد در مقابل قانون، دیکتاتوری است. این هم دوستان حتماً میدانند و بدانند - اگر نمیدانند - که در زمینه ی روحی همه ی ما يك میل به دیکتاتوری وجود دارد؛ این را باید سرکوب کنید. همین طور که عرض کردیم، این فیلِ مستِ درون را با چکش قانون و دین و تعبد دائماً سر به راه نگه داریم. اگر خود ما علاج نکنیم، علاجه مشکل خواهد شد. اگر انقیاد به قانون نبود، روح دیکتاتوری یواش یواش بروز خواهد کرد. در جوامع، دیکتاتوری همین جور به وجود می آید. (2)

در همه ی قضایا - قضایای فردی، قضایای اجتماعی - اگر قانون ملاک عمل باشد، عدالت تأمین میشود. در همین قضایای اخیر هم ما عرض

ص: 145

1- . بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور 88/9/4

2- . بیانات در دیدار نمایندگان مجلس شورای اسلامی 88/4/4

کردیم... در همین جا هم برای حل و فصل قضایا، معیار قانونی وجود دارد. اگر قانون حاکم نشد، آن چیزی که از بی قانونی بر سر همه خواهد آمد، بسیار تلخ تر است از آنچه که اجرای قانون ممکن است در کام بعضی تلخی به وجود بیاورد؛ «و من ضاق علیه العدل فالجور علیه اضیق». عدل همان رعایت قانون است. اگر ما از رعایت قانون احساس ضیق کردیم، نخواستیم به قانون تن بدهیم، آنچه که بر سر ما از بی قانونی خواهد آمد، بمراتب از این تلخی تحمل قانون، سخت تر است. این را باید همه توجه کنند. (1)

## 6.2. برخورد با اخلاک‌گران و مجرمان

نظام اسلامی با اخلاک‌گران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه‌ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه‌ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد. (2)

## 6.3. برخورد با مجرمان پشت پرده حوادث

يك بخش مهمی توی بیانات چند نفر از دوستانمان بود که اشاره داشت به مجرمانی که پشت پرده‌ی حوادث اخیر حضور داشتند، و اینکه چرا اینها محاکمه نمیشوند، چرا مجازات نمیشوند، چرا با اینها برخورد نمیشود. من به شما عرض بکنم؛ در قضایائی به این اهمیت، با حدس و گمان و شایعه و این چیزها نمیشود حرکت کرد. ما این انقلاب و این نظام عظیم را محصول

ص: 146

1- . بیانات در دیدار مسئولان قوه قضائیه 88/4/7

2- . بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) 88/4/15

مجاهدت يك ملت بزرگ و فداکاری های عظیم جوانانی میدانیم که چه در دوره ی انقلاب، چه در دوره ی دفاع مقدس، چه بعد از آن تا امروز فداکاری کردند؛ مثل خود شماها، که در صحنه های مختلف حضور دارید و گاهی کارهای بزرگی انجام میگیرد. نمیتوانیم تداوم این نظام را و حرکت کلی این نظام را در سطحی که تصمیم گیری کلان رهبری در او لازم است، به حدس و گمان و این چیزها مبتنی کنیم.

این را شما بدانید، هیچگونه اغمازی از جرم و جنایت وجود نخواهد داشت؛ منتها ما - یا من یا شما، فرق نمیکند؛ چه شما که دانشجو هستید و زبانتان باز است و راحت حرف میزنید، چه من که يك مجموعه ای از تجربه و سالهای متمادی کارکرد در میدان را با خودم همراه دارم؛ در این جهت با هم فرقی نداریم - نمیتوانیم حکم کنیم که باید دستگاه قضا اینجور قضاوت کند؛ نه، دستگاه قضا باید نگاه کند، اگر دلائلی برای مجرمیت کسی، چه در زمینه ی سیاسی، چه در زمینه ی اقتصادی، چه در زمینه ی مفاسد گوناگون پیدا کرد، بر طبق او حکم کند. این شایعاتی که شما شنیده اید، بنده هم خیلی از این شایعات را میشنوم؛ ممکن است بسیاری از این شایعات مطابق واقع هم باشد و انسان شواهد و قرائنی هم برایش داشته باشد؛ اما قرینه و شاهد متفرق نمیتواند جرمی را علیه کسی اثبات کند؛ به این نکته توجه داشته باشید. لذا اینجور نیست که فرض کنیم يك مجرم قطعی پشت پرده ای وجود دارد که دستگاه بنا دارد از جرم او به يك دلیلی بگذرد.

نکته ی دیگری در کنار این هست: کارهایی که نظام در سطح کلان با جنبه ی شمولی که بعضی از مسائل دارد، انجام میدهد، بایستی با ملاحظه ی همه ی جوانب باشد؛ يك بعدی نمیشود به مسائل نگاه کرد. فکر میکنم اگر شما با این ملاحظات نگاه کنید، آنچه که تاکنون انجام گرفته و آنچه در آینده

انجام خواهد گرفت، هر ذهن بانصافی را قانع خواهد کرد. (1)

#### 6.4. حمایت از آسیب دیدگان جانی، مالی و آبرویی

از جمله ی کارهایی که باید انجام بگیرد، این است که در این حوادث اخیر عده ای آسیب دیدند - آسیبهای مالی، آسیبهای جانی، احیاناً آسیبهای آبرویی - مسئولین کشور باید به کمک آنها بشتابند. آسیب دیدگان باید مورد حمایت قرار بگیرند. آسیب زندگان باید شناسائی بشوند، مورد مؤاخذه قرار بگیرند؛ هر کی باشند. (2)

#### 6.5. محاسبه اقدامات و مواضع خصمانه بیگانگان در روابط آینده

سی سال تجربه ی ایستادگی نظام جمهوری اسلامی هنوز بیدارشان نکرده است. تودهنی هائی که این ملت به سران زورگو و متجاوز آنها زده اند، اینها را به خود نیاورده است، به هوش نیاورده است؛ هنوز در کشور ما و در ملت ما، اینها طمع دارند. اشتباه میکنند؛ اشتباه میکنند. چوب این اشتباه خودشان را هم خواهند خورد بلاشک.

ما این اظهارات خصمانه را، این رفتارهای خصمانه را از این دولتها محاسبه خواهیم کرد، اینها را در حسابشان خواهیم نوشت؛ این را بدانند. در آینده ی روابط و تعامل جمهوری اسلامی با این مداخله گرها، این رفتار تأثیر منفی خواهد داشت؛ بلاشک؛ این را بدانند، بفهمند. ملت ایران ملتی نیست که زور را تحمل نکند. ملت ایران، ملت مقتدری است. نظام جمهوری اسلامی، نظام ریشه دار و تثبیت شده است. (3)

ص: 148

---

1- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

2- . بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری 88/5/12

3- . بیانات در سالروز ولادت حضرت امیرالمومنین (ع) 88/4/15

## 6.6. برخورد با تخلفات و جنایات صورت گرفته در خلال حوادث

موضوع دیگری که در بیانات دوستان مطرح شد، تخلفات یا حتی جنایاتی است که در خلال این حوادث از سوی نیروهای ناشناس انجام گرفته. شما اشاره کردید به مسائل کوی دانشگاه یا از این قبیل مسائل - حالا کوی دانشگاه را چند نفر از دانشجویان عزیز تکرار کردند؛ شبیه کوی دانشگاه، مسائل دیگری هم در این مدت اتفاق افتاده - یا مثلاً قضیه ی کهریزك را گفتند. این قضایا واقعاً یکی از آن مشکلات و معضلات کار دستگاه های اجرائی است. اولاً این را به طور قاطع بدانید که با اینها برخورد خواهد شد. حالا نمیخواهیم جنجال بکنیم که دستور بدهیم، این دستور توی رسانه ها پخش بشود، باز يك پیوست زده بشود، باز يك پیرو زده بشود؛ من دوست ندارم کار تبلیغاتی انجام بگیرد؛ اما از اولین روزها دستور داده شده و کسانی دنبال هستند؛ منتها کارها باید درست با دقت و با مراقبت پیش برود.

در کوی دانشگاه، در آن شب معین، قطعاً تخلفات بزرگی انجام گرفته، کارهای بدی انجام گرفته. ما گفته ایم پرونده ی ویژه ای برای این کار تهیه شود و به طور دقیق دنبال بگردند و مجرمان را پیدا کنند و وقتی پیدا کردند، به وابستگی های سازمانی آنها هم هیچ نگاه نکنند و باید مجازات شوند؛ این را من به طور قاطع گفتم.

من از فعالیتهای پلیس امنیتی مان، پلیس انتظامی مان، دستگاه بسیجمان تشکر میکنم؛ اینها خیلی کارهای بزرگی کردند، کارهای خوبی کردند؛ لیکن این يك بحث جداست. اگر کسی در وابستگی به هر کدام از این سازمانها يك تخلفی انجام داده، يك جرمی انجام داده، او هم باید جداگانه بررسی شود. نه خدمت اینها را به حساب جرم آنها ندیده میگیریم، نه جرم آنها را به حساب خدمت اینها ندیده میگیریم؛ حتماً باید دنبال شود و دنبال خواهد



شد. همین طور قضیه ی کهریزك، که حالا آن اعلام شد، پخش شد. قضیه ی کوی دانشگاه هم دنبال میشود؛ حتی افرادی که کسانشان در این قضایا یا به قتل رسیدند - تعداد معدودی هستند - یا آسیب دیدند، آسیب مالی دیدند. بنا شده برای هر کدام اینها پرونده ی جداگانه ای تشکیل بدهند. دستور داده ایم، گفته ایم و این قضایا را دنبال خواهیم کرد. (1)

همه ی کسانی که در این قضایا يك آسیبی بر آنها وارد شده - به هر نوعی، از سوی هر کسی - بدانند که بنای نظام و تصمیم نظام بر مجامله کردن نیست. همان طور که ما با کسانی که با نظام صریحاً معارضة می کنند، بنای بر مجامله نداریم، معتقد به ایستادن در موضع قانون و موضع حق هستیم، عیناً همان طور، اگر چنانچه در مجموعه ی منتسب به نظام، تخلفی انجام بگیرد، کار بدی انجام بگیرد، خدای نکرده جنایتی انجام بگیرد، باز هم اعتقاد من همین است. ما در موضع قانون، در موضع حق باید بایستیم. خدای متعال کمک کند بتوانیم این چیزی را که می خواهیم، انجام بدهیم. مسؤولین دارند تلاش می کنند در این زمینه؛ إن شاءالله که همین خواهد شد. (2)

### 6.7. پایبندی به جذب حداکثری و دفع حداقلی

(اگر) کسی عقیده ای مخالف داشته باشد، کاری به کار نظام نداشته باشد، نظام با او کاری ندارد. بعضی رائج کرده اند: «دگراندیشان». نظام با دگراندیشان چگونه رفتار میکند؟ نظام با دگراندیشان کاری ندارد. این همه دگراندیش هست. دگراندیش سیاسی که بالاتر از دگراندیش دینی نیست. خوب، ما اقلیتهای دینی داریم که دگراندیشند، توی مجلس شورای اسلامی هم عضو

ص: 150

1- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

2- . بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ها، در پاسخ به سخنان دکتر روح الامینی 88/6/8

دارند، در مناصب مختلف هم حضور دارند. بنابراین بحث دگراندیشی نیست؛ بحث مخالفت است، بحث معارضه است، بحث ضربه زدن است، در مقابل نظام و در مقابل انقلاب شمشیر کشیدن است. آنی که نظام با او برخورد میکند، این است. اما اگر اختلاف، اختلاف در سلاطین است، در روشهاست، نه، این اختلافات مضر نیست؛ نافع هم هست.

اشکالی ندارد که مسئولان کشور، متولیان امور کشور منتقدینی داشته باشند که ضعفهای آنها را به خود آنها نشان بدهند. وقتی انسان در مقام رقابت قرار بگیرد، مقابل منتقد قرار بگیرد، بهتر کار میکند. اینجور نیست که وجود منتقدین و کسانی که این روش را قبول ندارند، آن روش را قبول دارند، برای نظام ضرری داشته باشد؛ منتها باید در چهارچوب نظام باشد؛ این اشکالی ندارد، این مخالفت هیچ مخالفت مضری نیست؛ نظام هم مطلقاً با یک چنین مخالفتی برخورد نمیکند. البته انتقاد باید در چهارچوب اصول باشد. اصول انقلاب هم مشخص است که چیست. اصول انقلاب امور سلیقه ای نیست که هر که از یک گوشه ای در بیاید، سنگ اصول را به سینه بزند؛ بعد که سراغ این اصول میرویم، می بینیم بیگانه ی از انقلاب است. اصول انقلاب، اسلام است؛ قانون اساسی است؛ رهنمودهای امام است؛ وصیت نامه ی امام است؛ سیاستهای کلی نظام است که در قانون اساسی معین شده است که این سیاستهای کلی بایست تدوین بشود. در این چهارچوب، اختلاف نظر، اختلاف ممشا، اختلاف سلیقه عیب نیست، که حسن است؛ مضر نیست، که مفید و نافع است. این یک مطلب است که در میدان معارضات اینچنینی، نظام با هیچ کس برخورد نمیکند. آنجائی که افراد در چهارچوب اصول رفتار کنند، دنبال خشونت نروند، درصدد بر هم زدن امنیت جامعه نباشند، آسایش جامعه را نخواهند به هم بزنند - از این کارهای خلافی که انجام میگیرد؛

دروغ پراکنی و شایعه - نظام هیچگونه مسئله ای ندارد. مخالفینی هستند، نظراتی دارند، نظرات خودشان را بیان میکنند؛ نظام برخورد نمیکند. بنای نظام در اینجا، جذب حداکثری و دفع حداقلی است. این، روش نظام است؛ این را همه توجه بکنند. آن کسانی هم که نظر مخالف دارند، نظرات مخالف با نظرات رسمی دارند، در این چهارچوب میتوانند خودشان را مقایسه کنند. اگر کسی با مبانی نظام معارضه کند، با امنیت مردم مخالفت کند، نظام مجبور است در مقابل او بایستد. (1)

من هیچ اعتقادی ندارم به دفع؛ من گفتم در نماز جمعه؛ اعتقاد من به جذب حداکثری و دفع حداقلی است؛ اما بعضی کأنه خودشان اصرار دارند بر اینکه از نظام فاصله بگیرند. يك اختلاف درون خانوادگی را، درون نظام را - که مبارزات انتخاباتی بود - يك عده ای تبدیل کردند به مبارزه ی با نظام - البته اینها اقلیتند، کوچکنند؛ در مقابل عظمت ملت ایران صفرند، لکن به نام اینها شعار میدهند، اینها هم دل خوش میکنند به این - این باید مایه ی عبرت باشد. (2)

## 7. پیامها، تجربه ها و درسها

### 7.1. قدرت جمهوری اسلامی در به صحنه آوردن مردم

اولین پیام این انتخابات این بود که جمهوری اسلامی با گذشت سی سال، قدرت به صحنه آوردن و بسیج ملی را در حدی دارد که نصابهای متعارف جهانی را رد کرده است و از همه ی اینها عبور کرده است. بعضی ها در طول این سالها انتظار داشتند که نظام اسلامی با گذشت زمان کهنه بشود، از چشم

ص: 152

---

1- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران 88/6/20

2- . بیانات در دیدار طلاب و روحانیون 88/9/22

مردم بیفتند و قدرت بسیج توده ای خود را از دست بدهد، این انتخابات نشان داد که نظام اسلامی هر روز که گذشته است، قدرت بسیج توده ای آن افزایش یافته؛ در جلب اعتماد آحاد ملت موفق تر شده است. این خیلی حقیقت مهمی است. بعضی از قضایای حاشیه ای، این متنهای مهم را از نظر دور نگه میدارد. متن حقیقت در این انتخابات این است که انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، آنچنان زنده و جذاب و رو به رشد است که با گذشت سه دهه، قدرت به صحنه آوردن مردم را در این حد دارد. يك نصاب هشتاد و پنج درصدی که يك نصاب بی نظیر یا لااقل کم نظیری است در همه ی سطح جهان.(1)

بزرگترین ثروت برای يك نظام همین است که مردم پشت سرش باشند. آمدند به اصطلاح خواستند این حرکت مردمی را خراب کنند؛ گفتند راهپیمائی حکومتی! بی عقلها نفهمیدند که با این حرف دارند حکومت را تعریف میکنند؛ دارند از حکومت تمجید میکنند. این چه حکومتی است که در ظرف دو روز - روز عاشورا یکشنبه آن خباثتها را راه انداختند، روز چهارشنبه این حرکت عظیم راه افتاد - میتواند يك چنین بسیج عظیم ملی را در سرتاسر کشور بکند؟ امروز کدام کشور دیگر، کدام حکومت دیگر چنین قدرتی دارد؟ قوی ترین حکومتهای دنیا و ثروتمندترینشان - که ولخرجی های زیادی هم برای جاسوس پروری و خرابکاری و تروریست پروری دارند - اگر همه ی تلاششان را هم بکنند، نمیتوانند ظرف دو روز، صد هزار نفر آدم را بیاورند توی خیابانهای شهرشان یا کشورشان. چند ده میلیون انسان در سرتاسر کشور بیایند! اگر به دستور حکومت آمده باشند، این خیلی حکومت مقتدری است؛ پس خیلی حکومت قوی ای است که اینجور امکان بسیج را دارد. اما حقیقت غیر از این است؛ حقیقت این است که در کشور ما حکومت

ص: 153

و مردمی وجود ندارد - همه یکی اند - مسئولین حکومت، از شخص حقیر این بنده گرفته تا دیگران، هر کدام قطره هائی هستیم در اقیانوس عظیم این ملت. (1)

## 7.2. اثبات جمهوریت نظام

با آن انتخابات پرشور و فراموش نشدنی، نشان داده شد که ملت ایران برای مدیریت کشور احساس مسئولیت میکند و با اراده ی خود، با اختیار خود، قدم به میدان میگذارد، برای اینکه مسئولین کشور را تعیین بکند؛ که این خیلی فرصت مهمی است برای نظام و برای انقلاب. در واقع ملت بزرگ ما، با حضور هشتاد و پنج درصدی در صحنه، بیعت دوباره ای با انقلاب کردند، بعد هم رئیس جمهوری را انتخاب کردند با قریب بیست و پنج میلیون رأی، که این هم يك نصاب جدیدی برای دولت و برای رؤسای جمهور ما بود. و اینها پیام داشت؛ هم آن حضور هشتاد و پنج درصدی - چهل میلیونی - پیامهائی در خود دارد، هم این انتخاب قریب بیست و پنج میلیونی. اینها پیام دارد و باید این پیامها را فهم کرد. و اگر دولتی و مسئولانی این پیامها را درست درك نکنند و نخبگان و زبندگان سیاسی جامعه با تأمل در این پیامها بنگرند، خیلی از گره هایشان حل خواهد شد؛ مشکلاتشان حل خواهد شد.

یکی از اساسی ترین حرفهائی که در این انتخابات ملت ما زد - و در واقع باید گفت انقلاب ما زد - این بود که جمهوریت خودش را با فریاد قوی اثبات کرد. در واقع این حضور هشتاد و پنج درصدی، پتك جمهوریت بود بر سر دشمنانی که دائم علیه انقلاب هی حرف زدند، علیه اسلام حرف زدند، در پایه های جمهوریت نظام به خیال خودشان خدشه کردند. آن حضور قوی،

ص: 154

نشان دهنده‌ی این معنا بود. بعد هم ملاحظه کردید که در اظهارات نامزدهای محترمی که وارد این میدان شدند، غالباً دم از پیروی خط امام و گرایش به ارزشها، دلبستگی به ارزشها در بیاناتشان بود؛ اگرچه حالا در بعضی از موارد حرفی زده میشد که منطبق با این کلی نبود، اما همه آنچه که میگفتند و آنچه که مطرح میکردند، میخواستند این را نشان بدهند که دلبستگی به راه امام، به خط امام، به انقلاب، به پایه های انقلاب وجود دارد. این خیلی حرف مهمی است. این نشان دهنده‌ی این است که همه احساس کردند که ملت ایران به این سمت گرایش دارد. این جهت کلی حرکت ملت ایران را نشان میداد؛ یعنی جهت اسلامیت، جهت هضم بودن و مطیع بودن در مقابل امر الهی ای که امام بزرگوار ما مظهرش بود. بنابراین، آن جمهوریت نظام و این اسلامیت نظام، با این انتخابات هر دوی اینها تثبیت شد؛ تأیید شد. اینها پیامهای مهمی است؛ اینها را باید درك کرد و باید این پیامها را فهم کرد. (1)

### 7.3. وجود اعتماد متقابل میان مردم و نظام اسلامی

پیام دیگر این انتخابات و این حضور عظیم مردمی، وجود اعتماد متقابل میان نظام اسلامی و مردم است. اینکه در این انتخابات، عرصه برای گفتگو کردن، برای ورود افراد با گرایشهای مختلف، برای به صحنه آوردن و روی دایره ریختن نظرات گوناگون، باز شد. این، نشانه‌ی اعتماد به نفس نظام است و نشانه‌ی این است که نظام اسلامی به مردم خود اعتماد دارد؛ به مردم اعتماد میکند. متقابلاً مردم هم به نظام اعتماد کردند، آمدند آراء خودشان را در صندوقها ریختند. اگر اعتماد به نظام نباشد، این توجه مردمی، این اقبال مردمی، وجود نخواهد داشت. این کسانی که دم از بی اعتمادی مردم

ص: 155

میزنند - اگر این سخن از روی غرض نباشد، از روی غفلت است - کدام اعتماد از این بالاتر که مردم می آیند در عرصه ی انتخابات وارد میشوند، به نظامشان، به دولتشان اعتماد میکنند، رأی خود را به آنها میسپارند و منتظر میمانند که نتیجه ی این رأی گیری را از آنها بشنوند؟ این اعتماد بالای مردم است. این اعتماد به توفیق الهی، به فضل الهی همچنان هست و ما انتظار داریم از مسئولان کشور، از دست اندرکاران بخشهای مختلف که با رفتار خود همچنان این اعتماد را افزایش بدهند. این سرمایه ی اصلی نظام اسلامی است. (1)

حواشی ایجاد شده به وسیله ی یک عده دشمن، یک عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در يك انتخابات پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گرد و غبارها، پیرایه ها، کارها و حرفهای دشمن شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ». (2)

همه ی این بلوهای که شما مشاهده کردید در دوره ی بعد از انتخابات پیش آمد و پیش آوردند و آنها حمایت کردند، برای همین بود که شاید بتوانند پشتوانه ی مردمی انقلاب را ضربه بزنند و از انقلاب بگیرند. بنده

ص: 156

---

1- . بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری 88/5/12

2- . بیانات در زادروز میلاد امیرالمومنین (ع) 88/4/15

عرض کردم نشانه‌ی اعتماد مردم به این نظام، حضور چهل میلیونی در انتخابات بود. حالا در رادیوهای بیگانه و متأسفانه بعضی هم در داخل هم‌نوی با آنها، هی اصرار و تکرار که بله، اعتماد مردم از نظام سلب شده! این، جواب آن حرف است. آنجا ما گفتیم اینی که هشتاد و پنج درصد مردم می‌آیند رأی میدهند، چهل میلیون پای صندوقها می‌آیند، به هر کسی که رأی میدهند، خود آمدن پای صندوق، نشانه‌ی اعتماد مردم به نظام است - که حقیقت قضیه هم همین است - اینها برای اینکه این حرف را دروغ از آب در بیاورند، مکرر در مکرر تبلیغات کردند که اعتماد مردم از دست رفته؛ چه کار کنیم؟ حالا بعضی در لباس دلسوزی گفتند چه کار کنیم که اعتماد برگردد! مردم به نظام اعتماد دارند، نظام هم به مردم اعتماد دارد. ان شاءالله خواهید دید در انتخابات آینده - که حالا دو سه سال دیگر است - همین مردم با وجود همین بازیگری‌ای که مخالفان و دشمنان و غافلان و بی‌خبران داخلی کردند، یک حضور مستحکم قوی‌ای در انتخابات خواهند داشت. (1)

#### 7.4. وجود نشاط و امید در مردم

پیام دیگر هم در این انتخابات بود و آن وجود نشاط و امید در مردم است. این البته در کشور ما و جامعه‌ی ما یک چیز طبیعی است؛ چون اکثریت کشور ما جوان هستند و جوان، مظهر نشاط است؛ مظهر امید است. با امید وارد میدان شدند - امید به آینده اگر نباشد، دل ناامید و افسرده وارد میدان انتخاب نمیشود - حضور مردم، حضور جوانها، نشانه‌ی امیدواری آنهاست. (2)

ص: 157

---

1- . بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران 88/6/20

2- . بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری 88/5/12



## 7.5. هوشیاری و بیداری ملت

فتنه‌ی سال گذشته جلوه‌ای از توطئه‌ی دشمنان بود؛ فتنه بود. فتنه یعنی کسانی شعارهای حق را با محتوای صددرصد باطل مطرح کنند، بیاورند برای فریب دادن مردم. اما ناکام شدند. هدف از ایجاد فتنه، گمراه کردن مردم است. شما ملاحظه کنید؛ مردم ما در مقابله‌ی با فتنه، خودشان به پا خاستند. نهم دی در سرتاسر کشور مشت محکمی به دهان فتنه‌گران زد. این کار را خود مردم کردند. این حرکت - همان طوری که گویندگان و بزرگان و همه بارها گفته‌اند - یک حرکت خودجوش بود؛ این خیلی معنا دارد؛ این نشانه‌ی این است که این مردم بیدارند، هشیارند. دشمنان ما باید این پیام را بگیرند. آن کسانی که خیال میکنند میتوانند میان نظام و میان مردم جدائی بیندازند، ببینند و بفهمند که این نظام، نظام خود مردم است، مال مردم است. امتیاز نظام ما به این است که متعلق به مردم است. آن کسانی که با همه‌ی وجود نظام جمهوری اسلامی را و اسلام را و این پرچم برافراشته را در این کشور نگه داشته‌اند، در درجه‌ی اول خود مردمند؛ دشمنان ما این را بفهمند. سردمداران دولتهای مستکبر - و در رأس آنها آمریکا - علیه ملت ما حرف میزنند، توطئه میکنند، گاهی شعار میدهند، گاهی اظهارات مزورانه میکنند، گاهی صریحاً دشمنی میکنند، گاهی در لفافه میبرند؛ اینها همه برای این است که تحلیل درستی از مسائل ایران و شناخت درستی از ملت ایران ندارند. ملت ما ملت بیداری است، ملت هشیاری است. (1)

## 7.6. امکان ضربه زدن دشمن حتی در بهترین شرایط

تجربه‌هایی این انتخابات داشت. یک تجربه برای ملت ما و مسئولان

ص: 158

---

1- . بیانات در دیدار هزاران نفر از مردم استان گیلان 8/10/89

ما بود که من اصرار دارم بر اینکه این تجربه را همه مان جدی بگیریم؛ هم مسئولان جدی بگیرند، هم آحاد مردم جدی بگیرند. و آن تجربه این است که باور کنیم که همیشه امکان ضربه زدن از سوی دشمنان انقلاب و دشمنان ایران اسلامی هست؛ حتی در بهترین شرائط. همیشه کمین دشمن را در نظر داشته باشیم. غفلت از اینکه ممکن است به حرکت عمومی ملت ایران ضربه ای وارد شود، چیز خطرناکی است. هشیار باشید. این همان توصیه ی امیر مؤمنان (سلام الله علیه) است که فرمود: «و من نام لم ینم عنه». در عرصه ی زندگی سیاسی دچار خواب آلودگی نشویم؛ در پشت سنگرها خوابمان نبرد. اگر تو خوابت برد، باید بدانی که دشمن ممکن است بیدار باشد. این تحلیل نیست که ما میگوئیم، اطلاع است. دشمنان نظام جمهوری اسلامی سعی کردند، تلاش کردند، شاید بتوانند در فضای آزادی ای که نظام اسلامی به مردم داده است، برای مردم دغدغه و دردسر درست کنند. سعی کردند، پول خرج کردند، رسانه های زیادی را به کار انداختند، عوامل بسیاری را بسیج کردند، شاید بتوانند از این وضعیتی که برای ملت ایران یک عید به حساب می آمد، یک جشن بزرگ ملی به حساب می آمد، وضعیتی علیه ملت ایران درست کنند؛ تلاش شد. این تجربه بایستی برای ما - همه ی ما، همه ی آحاد مردم - تجربه ی هشداردهنده ای باشد. اگر ما در صحنه ی زندگی سیاسی و اجتماعی به همدیگر بدبین باشیم، به چشم دشمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشمنان حقیقی ما پیش خواهد آمد. اگر فکر نکنیم، اگر بصیرت نداشته باشیم، اگر فراموش کنیم که دشمنانی در کمین انقلابند، ضربه خواهیم خورد؛ این برای ما تجربه شد.

ما از اول انقلاب در هیچ انتخاباتی حضور چهل میلیونی، هشتاد و پنج درصدی، نداشتیم. در این انتخابات، اولین بار چنین فرصت بزرگی پیش آمد؛

اما در همین فرصت بزرگ، در همین شادی بزرگ، دستهایی به کار افتادند برای اینکه ضربه ای به ملت ایران بزنند. باید بیدار بود. این بیداری فقط در زبان نیست؛ آحاد ملت، گرایشهای مختلف سیاسی، دلبستگیان به کشور، دلبستگیان به نظام اسلامی، همه، همه، بایستی به معنای واقعی کلمه بیدار باشند؛ فریب نخورند.

دستهایی از مدتها پیش در کار بودند، مقدماتی فراهم میکردند که بتوانند از مقطع انتخابات علیه ملت ایران استفاده ای بکنند. خوشبختانه ملت ایران هوشیار بود و هوشیار است. فضا را غبارآلود کردند، دهانها را قدری تلخ کردند؛ اما نتوانستند آن کاری را که میخواهند، انجام بدهند. این هوشیاری شما ملت بود. این تجربه ی ما بود که بدانیم دشمن ما کمین کرده است. (1)

### 7.7. وجود خطرهای بزرگ پس از پیروزیهای بزرگ

معمولاً بعد از پیروزی های بزرگ، خطرهای بزرگ وجود دارد. ببینید، خرمشهر وقتی آزاد شد، خوب، خیلی پیروزی بزرگی بود - آنهایی که درست یادشان هست، سال 61 - خیلی کار عظیمی بود؛ هم از لحاظ سیاسی مهم بود، هم از لحاظ نظامی بسیار پیچیده و مهم بود، هم از لحاظ اجتماعی و نگاه عمومی و دل مردم، چقدر مهم بود و تأثیر داشت. از همه جهت کار عظیمی بود. همه، از جاهای مختلف آمدند. من آن وقت رئیس جمهور بودم. آقایان رؤسای جمهور چندین کشور - پنج شش تا، هفت تا کشور - آمدند اینجا با ما ملاقات کردند و صریحاً به ما گفتند که الان دیگر وضع شما با گذشته فرق میکند؛ بعد از این فتح بزرگی که انجام گرفت. یعنی اینقدر ابعاد داخلی و خارجی این حادثه عظیم بود. امام واقعاً يك معلم بود. امام يك

ص: 160

معلم اخلاق بود. تا این حادثه ی عظیم، با این عظمت، با این حجم پیدا شد، از همان ساعت اول تو خیابان اثرش در روحیه ی مردم فهمیده شد، امام فوراً درد را احساس کرد، در مانش را بلافاصله داد: «خر مشهر را خدا آزاد کرد».

این معنایش این بود که فرماندهان مسلحی که این همه سختی کشیده بودند، این همه رنج برده بودند، آن خون دلها را خورده بودند، چقدر شهیدهای خوب و بزرگ ما در همین فتح بیت المقدس دادیم، بر اثر این همه مجاهدت، حالا این کار بزرگ انجام گرفته، اینها مغرور نشوند. سیاسیونی که در مساند قدرت نشسته اند، از این پیروزی بزرگی که در عرصه ی سیاسی برایشان پیدا شد، بر اثر این حادثه مغرور نشوند: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَى».

من و شما کاره ای نیستیم؛ دست قدرت الهی است. من و شما وسائلی هستیم که اگر عقل به خرج بدهیم، اختیار خودمان را به کار بیندازیم، وارد میدان بشویم، از ما برای حصول این هدف استفاده خواهد شد و افتخار و شرفش برای ما میماند. اما اگر ما هم نباشیم: «فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ».

بار خدا بر زمین نمیماند، پیش خواهد رفت؛ يك حرکت طبیعی، ناموس طبیعت است، ناموس تاریخ است. «سِنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ». با تعبیرات مختلف در جاهای مختلف قرآن آمده: «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا». این سنت الهی است. «وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلُوا الْأَذْبَارَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا سِنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ». این، يك جایش است. «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا»؛ یعنی اگر شما بیائید توی میدان، بر دشمنان پیروز خواهید شد؛ یعنی این سنت الهی است؛ حالا این پیروزی ممکن است يك روزه و يك ساله نباشد، اما در نهایت پیروزی است. این پیروزی قطعاً حاصل خواهد شد. شکست

و انهمام در جبهه ی حق معنی ندارد؛ مگر آن وقتی که اهل حق توی میدان نیایند؛ کار لازم را نکنند؛ این است دیگر. بنابراین، کار، کار خداست: «وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ». اینجا هم همین جور است. روزبه روز شما مسئولین، شما رئیس جمهور محترم، همه ی کسانی که دلبسته ی به این حرکت هستید، روزبه روز قدرشناسی تان از لطف الهی، از دست قدرتی که دلهای مردم را به این جهت هدایت میکند، باید بیشتر بشود. (1)

به نظر من، فتنه ی سال 88 هم همین بود؛ برای ما یک زنگ بود، یک زنگ بیدارباش بود. بعد از آنی که در یک انتخاباتی، چهل میلیون شرکت میکنند و همه ی ما تا آخر شب، خوشحال، خرسند که پای صندوقهای رأی مردم جمع شدند و تا آخر شب رأی دادند - و البته هنوز عدد گفته نشده بود، همه هم لذت میبردند - ناگهان از یک گوشه ای، فتنه ای شروع میشود؛ ما را بیدار میکند؛ میگوید: به خواب نروید، غفلت نکنید، خطرهایی در مقابل شما وجود دارد و آن خطرها اینهاست. به نظر من، همه ی حوادث را اینجوری باید نگاه کرد. (2)

### 7.8. تغییر اولویت دشمن به مواجهه نرم با جمهوری اسلامی

همه این را امروز فهمیده اند و دانسته اند که مواجهه ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی، دیگر از نوع مواجهه ی دهه ی اول انقلاب نیست. در آن مواجهه، زور آزمائی کردند؛ شکست خوردند. مواجهه ی سخت بود؛ ایجاد جنگ بود، کودتا بود. در اول انقلاب کودتا راه انداختند، شکست خوردند؛ شورشهای قومی راه انداختند، سرکوب شدند و شکست خوردند؛ جنگ

ص: 162

---

1- . بیانات در دیدار اعضای هیأت دولت 88/6/18

2- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 89/6/25

تحمیلی را به راه انداختند که هشت سال به طول انجامید، شکست خوردند؛ پس دنبال این راه ها نخواهند رفت، یعنی احتمالش ضعیف است. البته باید همیشه هشیاری نسبت به همه ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن میگویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله ی نفوذ، به وسیله ی دروغ، به وسیله ی شایعه پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم. (1)

اینی که حالا معمول شده که در بیانها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه، میگویند: جنگ نرم؛ راست است، این يك واقعیت است؛ یعنی الان جنگ است. البته این حرف را من امروز نمیزنم، من از بعد از جنگ - از سال 67 - همیشه این را گفته ام؛ بارها و بارها. علت این است که من صحنه را می بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را، می بینم صف آرائی ها را، می بینم دهانهای با حقد و غضب گشوده شده و دندانهای با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمانها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند را؛ اینها را انسان دارد می بیند، خب چه کار کند؟ این تمام نشده. چون تمام نشده، همه وظیفه داریم. (2)

امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمیگوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی

ص: 163

---

1- . بیانات در دیدار بسیجیان 88/9/4

2- . بیانات در دیدار شعرا 88/6/14

اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمیخواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه ها و ارکان اساسی يك نظام و يك کشور؛ دشمن به سراغ اینها می آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای يك نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهائی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشمن و ابعاد دشمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فائق بیاییم. البته ما مدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بدون شك؛ این را انسان دارد مشاهده میکند؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد. (1)

### 7.9. آشکار شدن عظمت نظام و انقلاب اسلامی برای دشمن

دشمنان ما هم از این انتخابات به نظر من يك تجربه ای اندوخته اند، و اگر نیندوختند، باید بیندوزند. و آن این است که: دشمن بداند با چه حقیقتی روبه رو است؛ در فهم نظام اسلامی و انقلاب اسلامی دچار اشتباه نشوند؛ خیال نکنند انقلاب اسلامی و نظام اسلامی را با این جور کارهای پیش پا افتاده میتوان به زانو در آورد. نظام اسلامی زنده است. خیال نکنند با يك تقلید مغلوط از حضور عظیم مردمی در انقلاب سال 1357، يك کاریکاتور از آن

ص: 164

انقلاب، میتوانند به عظمت انقلاب و نظام اسلامی ضربه بزنند. این تجربه برای دشمن باید پیش آمده باشد. اشتباه نکنند؛ نظام اسلامی با این حرفها شکست نخواهد خورد.

عظمت این انقلاب و عظمت این نظام و ریشه داری نظام جمهوری اسلامی در حوادث این یکی دو ماه اخیر، بیشتر برای دشمنان جمهوری اسلامی آشکار شد. این ملت، ملت باایمانی است؛ ملت هوشیاری است؛ ملت بااستعدادی است. با مسجد ضرار نمیشود این ملت را شکست داد. ما در تاریخ خودمان نمونه هائی را از این داریم: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ». با تقلید از رهبر عزیز و عظیم الشان انقلاب، امام بزرگوار ما، که از دل، از جان، با همه ی وجود غرق در قرآن بود، نمیشود این مردم را فریب داد. این مردم دلشان به ایمان روشن است؛ این مردم آگاهند؛ جوانهای ما آگاهند. این تجربه ای است برای دشمن. (1)

### 7.10. احتمال منتهی شدن لغزشهای کوچک به لغزشهای بزرگ و فاسد شدن انسان

نکته ای که فعالان سیاسی، مسئولان، صاحبان قدرت، صاحبان مسئولیتهای گوناگون و متنفذین بشدت بایستی مراقب آن باشند، مسئله ی انحراف و فسادپذیری شخصی است؛ همه مان باید مراقبت کنیم. انسانها در معرض فسادند، در معرض انحرافند. گاهی لغزشهای کوچک، انسان را به لغزشهای بزرگ و بزرگتر و گاهی به پرتاب شدن در اعماق دره هائی منتهی میکند؛

ص: 165



خیلی باید مراقب بود. قرآن هشدار داده است. در موارد متعدد، در قرآن این هشدار وجود دارد. يك جا میفرماید: «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةَ الَّذِينَ أَسَاؤُا السُّوْاِ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ»؛ عاقبت بعضی از کارها این است که انسان به آن خانه ی بدترین میرسد که تکذیب آیات الهی است. يك جا میفرماید: «فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ»؛ خلف وعده ی با خدا کردند، این موجب شد نفاق در دلهایشان به وجود بیاید. یعنی انسان گناهی انجام میدهد، این گناه انسان را به وادی نفاق میکشانند؛ که نفاق، کفر باطنی است. همین جا در قرآن، کافرین و منافقین در کنار هم هستند. در يك آیه ی دیگر میفرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا». اینی که می بینید يك عده ای در مقابل دشمن منهزم میشوند، طاقت نمی آورند، نمیتوانند ایستادگی کنند، به خاطر آن چیزی است که قبلاً از اینها سر زده است؛ باطن خودشان را با گناه و با خطا خراب کرده اند. لغزشها انسان را فاسد میکند. این فساد، به انحراف در عمل و گاهی به انحراف در عقیده منتهی میشود. این هم بمرور پیش می آید؛ دفعتاً پیش نمی آید که ما فکر کنیم يك نفری شب مؤمن میخوابد، صبح منافق از خواب بیدار میشود؛ نه، بتدریج و ذره ذره پیش می آید. این، علاجش هم مراقبت از خود است. مراقبت از خود هم یعنی همین تقوا. بنابراین علاجش تقواست. مراقب خودمان باشیم. نزدیکان افراد مراقبت کنند؛ زنها از شوهرهایشان، شوهرها از زنهایشان، دوستان نزدیک از همدیگر؛ «وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ». از یکدیگر مراقبت کنیم، برای اینکه دچار نشویم. مردم مسئولین را موعظه کنند، نصیحت کنند، خیرخواهی کنند، بنویسند برای آنها، بگویند برای آنها، پیغام بدهند تا مبادا دچار لغزش بشوند. خطرات لغزش مسئولین هم برای نظام، برای کشور و برای مردم بیشتر است. انسان گاهی در بعضی

از حرفها، در بعضی از اقدامها و تحرکات، این را احساس میکنند؛ نشانه های يك چنین انحرافی را انسان مشاهده میکند. به خدا باید پناه برد، از خدا باید کمک خواست. (1)

### 7.11. امکان متوجه نبودن کسی که در داخل، محور توطئه قرار گرفته است

توطئه توهم نیست؛ اینجور نیست که شما خیال کنید توطئه نسبت به این کشور، يك توهم است؛ نه، يك واقعیت است؛ از همه طرف دارد توطئه میشود. ممکن است آن کسی که در جهت آن توطئه ها در داخل کشور محور حرکت قرار میگیرد، خودش اصلاً نفهمد فهمیدن این هم ذکاوت میخواهد. بعضی ها این ذکاوت را ندارند. ما آدمها را تجربه کردیم؛ نمیفهمند دارند به ساز کی میرقصند. ولی، این واقعیت را عوض نمیکند که آنها بفهمند یا نفهمند؛ بدانند یا ندانند. (2)

به اعتقاد من، با تحلیل من، این مسئله از بعد از انتخابات یا از روزهای حول و حوش انتخابات شروع نشده؛ این از قبل شروع شده، این از قبل طراحی شده، برنامه ریزی شده. من متهم نمیکنم افرادی را که دست اندرکار بودند، که اینها دست نشانده ی بیگانه هایند یا انگلیسند یا آمریکایند - این را من ادعا نمیکنم، چون برای من این قضیه ثابت نیست؛ چیزی که ثابت نیست، نمیتوانم بگویم - اما آنی که میتوانم بگویم، این است که این جریان، چه پیشقراولانش دانسته باشند، چه ندانسته باشند، يك جریانی بود طراحی شده؛ تصادفی نبود. همه ی نشانه ها نشان میدهد که این جریان طراحی شده بود، حساب شده بود. البته آنهایی که طراحی کرده بودند، یقین نداشتند که خواهد گرفت. (3)

ص: 167

1- . بیانات در خطبه های نماز جمعه تهران 88/6/20

2- . بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی کشور 88/8/6

3- . بیانات در دیدار دانشجویان 88/6/4

## 7.12. نمایش تبدیل نظام به يك مجموعه ضد ضربه و مصون از توطئه دشمنان

من می بینم در همین حوادث سیاسی اخیر و در مجموع حوادث این سی سال، کشور بتدریج به مجموعه ی مصونیت دار، ضد ضربه، ضد بمب تبدیل شده؛ یعنی نظام جمهوری اسلامی. شوخی نیست. شما قدرت امنیتی و جاسوسی و تبلیغاتی این سرویسهای گوناگون امنیتی و تبلیغاتی دنیا را دست کم نگیرید. همه این را احساس میکنند - حالا شاید کسانی که کمتر توی مقوله های گوناگون تبحر داشتند، کمتر ببینند - هالیوود را شما دست کم نگیرید. قدرت اثرگذاری هنری - همین طور که یکی از خانمها هم گفتند - در غرب و چینش بسیار دقیق حروف تبلیغات در دنیای غرب را دست کم نگیرید. همه ی این نیروی عظیم، به اضافه ی ثروت بی پایان، به اضافه ی دستگاه های عظیم سیاسی و تبلیغاتی، افتادند به جان جمهوری اسلامی. امروز هیچ کشور دیگری در دنیا پیدا نمیکند که اینجور آماج حملات باشد. و جمهوری اسلامی دارد مقاومت میکند. این شوخی است؟ این موجود هفت جوش مستحکم مصونیت یافته دارد مقاومت میکند. این، کم چیزی نیست.

در عین حال این کشور، این نظام نه فقط سست نمیشود، ضعیف نمیشود؛ جامعه ی علمی اش، جامعه ی پیشرفته اش - که همین شما جوانها باشید - امروزش از ده سال قبش به صورت آشکاری جلوتر میرود. این معنایش چیست؟ این معنایش حقانیت است. این معنایش اصالت است. این معنایش ریشه دار بودن است. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ»؛ اعتقاد ما این است. ما با اعتقاد، با دل کار میکنیم. من کمبودها را نفی نمیکنم؛ بیشتر از خیلی از منتقدین، بنده کمبودها را میدانم؛ منتها راه رفع کمبودها،

این چیزهایی که تصور میشود، نیست که حالا بیا اعلام کن که مثلاً فلان جا فلان جور چه جوری است؛ نه، خیلی چیزها با اعلام درست نمیشود، با کار درست میشود. (1)

از روز اول، آمریکائی‌ها علیه جمهوری اسلامی توطئه کردند. خوب، این توطئه‌ها زائد است که بگوئیم بی اثر بود؛ واضح است که بی اثر بود؛ اگر این توطئه‌ها بی اثر نبود که حالا باید اثری، نشانی از جمهوری اسلامی باقی نباشد؛ می بینید که جمهوری اسلامی امروز ده‌ها برابر قوی‌تر از روز اول است؛ پس این توطئه‌ها بی اثر بود. امروز هم هی نقشه‌های جدیدی میزنند، باز هم توطئه میکنند؛ عبرت هم نمیگیرند. من تعجب میکنم! به گذشته فکر نمیکنند که خوب، این همه توطئه کردیم، این همه علیه جمهوری اسلامی پول خرج کردیم، این همه اینجا آنجا این را دیدیم، آن را دیدیم، در داخل مزدور پرورش دادیم، در بیرون این و آن را علیه جمهوری اسلامی بسیج کردیم؛ اثری نکرد. باز دوباره می نشینند چهل و پنج میلیون دلار بودجه تصویب میکنند، برای اینکه جمهوری اسلامی را شکست بدهند! بودجه تصویب میکنند که از طریق اینترنت، انقلاب ایران را از بین ببرند؛ جمهوری اسلامی را سرنگون کنند!

بینید چقدر این دشمن، دشمن در مانده ای است. خوب، شما چند ده «چهل و پنج میلیون دلار» را تا حالا مصرف کرده اید؟ چقدر شما برای شکست دادن جمهوری اسلامی کار دیپلماسی کردید، تحریم اقتصادی کردید، انواع و اقسام توطئه‌ها را کردید، جاسوس فرستادید، جاسوس تربیت کردید؛ چه فایده ای کردید که حالا باز میخواهید از این طریق وارد شوید و ملت ایران را به خیال خودتان از انقلاب جدا کنید؟ این را دشمن نمیفهمد.

ص: 169

این، همان سنت الهی است؛ این، همان زدن به چشم و گوش دشمن غافل از خدای متعال است که حقائق را نفهمد؛ غافل کردن دشمن است. «فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً»؛ پول را خرج میکنند، بعد هم برایشان حسرت میشود؛ چون بی فایده است. من نمیدانم چقدر نشستند طراحی کردند، کار کردند تا بتوانند در تهران به يك بهانه ای آشوب راه بیندازند؛ خدا میداند که از چه مدت قبل اینها نشستند طراحی کردند؛ خوب، چه شد؟ غیر از این شد که مردم از آنچه که بودند، بیدارتر شدند؟ اگر کسی خیال میکرد که لازم نیست دیگر بیاید توی میدان، از نظام جمهوری اسلامی دفاع کند، با این حوادث، همه احساس کردند که باید همیشه برای دفاع از جمهوری اسلامی حاضر باشند.

گاهی هم هست که این بازی هائی که دشمن درمی آورد، برای باج گرفتن از جمهوری اسلامی است. اول انقلاب هم همین جور بود؛ بعضی از این گربه رقصانی هائی که میکردند، برای این بود که نظام جمهوری اسلامی را وادار کنند که آنها را در قدرت سهیم کند، شریک کند، بدون استحقاق؛ بدون اینکه مردم این را خواسته باشند، پشتوانه ی مردمی ای وجود داشته باشد. گاهی اینجور است که دشمنان بین المللی ما این جنجالها را راه می اندازند، برای اینکه جمهوری اسلامی را وادار کنند به باج دهی؛ مثل خیلی از دولتهائی که بمجردی که يك خطری احساس میکنند، میروند در مقابل ارباب بزرگتر، حاضر میشوند باج بدهند؛ باج پولی بدهند، باج سیاسی بدهند. امام باج نداد - این را همه بدانند - ما هم به هیچ کس از طرف ملت ایران و از طرف خودمان باج نخواهیم داد. (1)

ص: 170

در امتحانهائی از قبیل همین حوادثی که حول و حوش انتخابات پیش آمد - بعد از انتخابات و قبل از انتخابات - دیدیم که در همین زمینه ها ضعفها و مشکلاتی داریم. این حوادث برای ما نعمت بزرگی است؛ از این جهت که ضعفهای خودمان را بشناسیم؛ مثل رزمایشهائی که نیروهای مسلح راه می اندازند. رزمایش اصلاً برای همین است که این یگان نظامی یا این سازمان نظامی، نقاط ضعفش را پیدا کند. هدفی را میدهند، فرمان صادر میشود که به سمت آن هدف حرکت بکنند؛ بعد چشمهای بصیر و بینائی - در همه ی رزمایشها اینجور است - می ایستند و از بالای صحنه، صحنه را نگاه میکنند. می بینند که بله، در فلان نقطه، ضعف وجود دارد یا بعضاً ناتوانیهای مزمن وجود دارد. این برای ما يك رزمایش شد. البته به اختیار خود ما پیش نیامد؛ بر ما تحمیل شد؛ اما خوب شد؛ ضعفهای خودمان را فهمیدیم. بنابراین این آرمانها، بالای سر ماست و باید به سمت این آرمانها حرکت کنیم؛ آن وقت این ضعفها برطرف خواهد شد. (1)

### 8. سرانجام

#### 8.1. حل شدن حوادث در هاضمه ی نظام

همه ملاحظه کردید، کشور در برهه ای از زمان در معرض يك آزمون سیاسی بسیار تعیین کننده ای قرار گرفت و همان طور که بعضی از دوستان اشاره کردند، هاضمه ی نظام و کشور توانست حوادث را در درون خودش هضم کند و فائق بیاید. من قبلاً هم گفتم، بروز چنین حوادثی برای ما هیچ

ص: 171

خلاف انتظار نیست. یعنی حالا اگر تعبیر دقیقتری بخواهم بکنم، «چندان» نگوئیم؛ «هیچ» خلاف انتظار نیست. یعنی تا حدود زیادی انتظار حوادثی از این قبیل هست، به دلایل گوناگون: رسالتی که برای نظام قائلیم، رسالتی که برای اسلام قائلیم، معنایی که برای جمهوری اسلامی در ذهنمان داریم، تعریفی که جمهوری اسلامی از خودش برای ما در طول این سی سال کرده، هوشمندی مردم مان و جوانان مان که به تجربه رسیده، وجود آزادی ناگزیر که به حکم اسلام باید این آزادی در کشور باشد و ما به آن اعتقاد داریم. (1)

جمهوری اسلامی قوی تر از این حرفهاست، عمیق تر از این حرفهاست، ریشه دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت تری هم مواجه شده، که بر همه ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدمهایی که یا ساده لوح - حالا هرچه و با هر انگیزه ای؛ قضاوت نکنیم - هستند، یا با نیت بد و خباثت آلود، یا با نیت نه آنچنان بد، اما همراه با ساده لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است. (2)

## 8.2. حماسه 9 دی

مطمئن باشید که روز نهم دی امسال هم در تاریخ ماند؛ این هم يك روز متمایزی شد. شاید به يك معنا بشود گفت که در شرایط کنونی - که شرایط غبار آلودگی فضا است - این حرکت مردم اهمیت مضاعفی داشت؛ کار بزرگی بود. هرچه انسان در اطراف این قضایا فکر میکند، دست خدای متعال را، دست قدرت را، روح ولایت را، روح حسین بن علی (علیه السلام) را

ص: 172

1- . بیانات در دیدار اساتید دانشگاه 88/6/8

2- . بیانات در جمع دانشجویان و دانش آموزان 88/8/12

می بیند. این کارها کارهائی نیست که با اراده ی امثال ما انجام بگیرد؛ این کار خداست، این دست قدرت الهی است؛ همان طور که امام در يك موقعیت حساسی - که من بارها این را نقل کرده ام - به بنده فرمودند: «من در تمام این مدت، دست قدرت الهی را در پشت این قضایا دیدم». درست دید آن مرد نافذ بابسیرت، آن مرد خدا.

روزهای سال، به طور طبیعی و به خودی خود همه مثل همنند؛ این انسانها هستند، این اراده ها و مجاهدتهاست که يك روزی را از میان روزهای دیگر بر میکشد و آن را مشخص میکند، متمایز میکند، متفاوت میکند و مثل يك پرچمی نگه میدارد تا راهنمای دیگران باشد. روز عاشورا - دهم محرم - فی نفسه با روزهای دیگر فرقی ندارد؛ این حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز جان میدهد، معنا میدهد، او را تا عرش بالا - میبرد؛ این مجاهدتهای یاران حسین بن علی (علیه السلام) است که به این روز، این خطورت و اهمیت را میبخشد. روز نوزدهم دی هم همین جور است، روز نهم دی امسال هم از همین قبیل است. نهم دی با دهم دی فرقی ندارد؛ این مردمند که ناگهان با يك حرکت - که آن حرکت برخاسته از همان عواملی است که نوزدهم دی قم را تشکیل داد؛ یعنی برخاسته ی از بصیرت است، از دشمن شناسی است، از وقت شناسی است، از حضور در عرصه ی مجاهدانه است - روز نهم دی را هم متمایز میکنند.

این ملت عظیم از قشرهای مختلف در سراسر کشور نگاه میکنند به صحنه، میشناسند صحنه را؛ خیلی چیز بزرگ و مهمی است. اینی که من عرض میکنم روز نه دی در تاریخ ماندگار است، به خاطر این است. مردم بیدارند؛ همین است که کشور شما را نگه داشته است عزیزان من! همین است که انقلابتان را حفظ کرده است؛ همین است که جرأت سران استکبار



را از آنها گرفته است که بخواهند به ملت ایران حمله کنند؛ میترسند. حالا در تبلیغات، زید و عمرو و بکر را میکشند جلو، بمباران تبلیغاتی میکنند؛ اما حقیقت قضیه چیز دیگری است. دشمن حقیقی آنها ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها ایمان و بصیرت ملت ایران است، دشمن حقیقی آنها همین غیرت دینی جوانهاست که میجوشد. يك وقتی هم دندان روی جگر میگذارند، صبر هم میکنند، باید هم بکنند؛ اما يك وقت هم آنجائی که وقت حضور در صحنه است، می آیند توی صحنه.

تحلیل حوادث جاری کشورمان تحلیلی نیست که از حوادث عالم جدا باشد. حوادث عالم، حوادث منطقه، اینها به هم متصل است. بخشی هم مربوط به کشور ماست، که البته آن بخش اصلی و اساسی است. علت هم این است که استکبار لنگی کار خود را از اینجا میبیند؛ و این نشان میدهد که يك ملت و يك مجموعه ی انسانی چه نقشی میتواند ایفاء کند. اینی که امام بزرگوار ما هی خطاب میکرد به امت اسلام، با توجه به این حقیقت است. يك ملت وقتی بیدار میشود، اینجور میتواند همه ی محاسبات استکبار را به هم بریزد. کارخانه ای که آنها درست کردند، خط تولیدی که برای به ثمر رساندن اهداف استکباری خودشان به وجود آوردند، این خط تولید را بیداری يك ملت اینجور کند یا متوقف میکند. اگر همه ی ملت های مسلمان بیایند توی میدان، چه میشود! اگر همه ی ملت های مسلمان همین بصیرت را، همین آمادگی را، همین حضور را پیدا کنند، چه اتفاقی در دنیا می افتد! از این میترسند. میخواهند صدای من و شما خاموش بشود و به گوش ملت های دیگر نرسد. میخواهند کاری کنند که ملت های دیگر نفهمند تأثیر بیداری و بصیرت يك ملت در حوادث عالم چقدر است. (1)

ص: 174

لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را شناختند؛ عاشورا را شناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تواین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه ها و انجام کار در لحظه ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

شورای شما بحمدالله این خصوصیت را داشته است. دلایل زیادی هم برای این هست؛ آخری اش همین نهم دی است؛ قبلش - ده سال قبل از این - 23 تیر است که اشاره فرمودند؛ آن روز هم نیاز لحظه ها بود؛ این يك کار متعارف و معمولی نبود. راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه ی عظمتی که دارد - که حالا- عرض خواهم کرد - يك کار متعارف است، يك کار روان شده است، شناخته شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه ی تیر در سال 78، يك کار متعارف نبود، يك کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرائط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون

آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبت‌های مختلف که قله هائی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود. (1)

بعد از اهانتی که در روز عاشورای سال 88 به وسیله ی يك عده تحريك شده نسبت به امام حسين انجام گرفت، دو روز فاصله نشد که مردم در روز 9 دی توی خیابانها آمدند و موضع صریح خودشان را علنی ابراز کردند. دستهای دشمن و تبلیغات دشمن نه فقط نتوانسته مردم را از احساسات دینی عقب بنشانند، بلکه روزه روز این احساسات تندتر و این معرفت عمیق تر شده است. (2)

قوی ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه ی کسانی که در عرصه ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدیدنظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با يك شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - يك فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران بود؛ این يك درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل

ص: 176

---

1- . بیانات در دیدار شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی 88/10/29

2- . بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 89/7/27

تازه ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این يك زمينه ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمينه، حرکت کنیم. (1)

### 8.3. حماسه 22 بهمن، اتمام حجت بر همه!

ملت عظیم الشان و شگفتی آفرین ایران

خسته مباد گامهای استوارتان، سربلند باد پرچم همت و آزادگی تان، درود خدا بر عزم راسخ و بصیرت بی همتایتان که همیشه در لحظه ی نیاز، صحنه رویارویی با بددلان و بدخواهان را عرصه ی پیروزی حق میسازد و نمایشگاهی از عزت و عظمت می آراید.

و سپاسی از ژرفای دل و جان، آفریننده ی هستی را که دست قدرت خود را در عزم و ایمان و بصیرت شما نمایان ساخت و در سی و یکمین سالروز تولد جمهوری اسلامی، نیرومندی و سرزندگی این نظام را که بر ایمان و اعتماد به نفس ملتی کهن تکیه زده است، بیش از همیشه به رُخ دشمنان کشید.

آیا سی و يك سال آزمون و خطای چند دولت متکبر و زورگو کافی نیست که آنان را از خواب غفلت بیدار کند و بیهودگی تلاش برای سیطره بر ایران اسلامی را به آنان تفهیم نماید؟

آیا حضور دهها میلیون انسان بصیر و پُر انگیزه در جشن سی و يك سالگی انقلاب کافی نیست که معاندان و فریب خوردگان داخلی را که گاه ریاکارانه دم از «مردم» میزنند، به خود آورد و راه و خواست مردم را که همان صراط مستقیم اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و راه امام بزرگوار است، به آنان نشان دهد؟ دوستان و دشمنان ملت ایران بدانند که این ملت، راه خود را شناخته و

ص: 177

تصمیم خود را گرفته است و برای رسیدن به قلّه ی پیشرفت و سعادت با تکیه به خدا و اعتماد به قدرتی که خداوند به او بخشیده است هر مانعی را از سر راه برخواهد داشت. کمک و توفیق الهی یار این ملت و دعای حضرت بقیه الله ارواحنا فداه پشتیبان آنان باد. (1)

در قضیه ی بیست و دوم بهمن امسال که این معجزه ی عظیم الهی خود را نشان داد، این حضور عظیم مردمی چشمها را خیره کرد، دشمنان و مخالفان - چه مخالفان معاند، چه مخالفان غافل - جور دیگری فکر کرده بودند، نقشه ی دیگری طراحی کرده بودند، خیالات دیگری در سر داشتند. از مدتها پیش تلاش کردند، کاری کنند که حادثه ی بیست و دوی بهمن را که یکی از مظاهر حضور مردمی این انقلاب است، خراب کنند؛ چه در تهران، چه در شهرهای دیگر کاری کنند که به درگیری بین مردم بینجامد؛ این را پیش بینی کرده بودند. در حرفهایشان گفتند که روز بیست و دوم بهمن جنگ داخلی در ایران شروع خواهد شد! ببینید چه کار کرده بودند که انتظار داشتند در ایران جنگ داخلی بشود. بعضی اینجور میگفتند، بعضی هم امیدوار بودند که بتوانند چهره ی مخالفی علیه نظام جمهوری اسلامی در بیست و دوم بهمن نشان بدهند؛ اینجور وانمود کنند که مردم از انقلاب بریده اند، از نظام جمهوری اسلامی بریده اند، در مقابل آن قرار گرفته اند؛ اینجوری فکر کرده بودند، اینجوری حساب کرده بودند. ملت ایران با آگاهی خود، با بصیرت خود، با همت خود، با دست قدرت الهی که دلهای آنها را بیدار کرد، به دهان همه ی این مخالفان مشت کوبیدند و حجت را بر همه تمام کردند. (2)

ص: 178

1- . پیام قدردانی از ملت ایران 88/11/22

2- . بیانات در جمع مردم آذربایجان 88/11/29

امروز حرکت انقلاب، هدفهای انقلاب، همان چیزهائی است که در روز اول ترسیم شد و امام بزرگوار و حکیم ما آنها را ترسیم کرد. این هدفها با فطرت مردم هماهنگ بود، لذا مردم آن را گرفتند؛ و الا دل میلیونها مردم را به يك سمتی متوجه کردن، کار عادی ای نیست. وقتی کسی با فطرت سخن میگوید، از خدا حرف میزند، فطرتها به او متوجه میشود؛ «لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ» .

دست قدرت خداست که دلها را به يك سمتی هدایت میکند؛ لذا نتیجه این میشود. در بیست و دوم بهمن، جمعیتی که در سی و یکمین سال ولادت انقلاب اسلامی در خیابانها حضور پیدا میکنند، از جمعیت سالهای قبل بیشتر است؛ نه فقط کم نشده است، کم رنگ نشده است، بلکه پُررنگ تر شده است، قوی تر شده است؛ برخلاف آن چیزی که در طبیعت عالم وجود دارد. شما يك سنگی را داخل آب بیندازید، يك موجی ایجاد میکند؛ اما هرچه میگذرد، لحظه لحظه این موج کوچکتر، کمتر و نامحسوس تر میشود، تا تمام میشود. گذشت زمان، امواج اجتماعی را خاموش میکند. این چه حقیقتی است که گذشت زمان آن را خاموش نمیکند، بلکه روزبه روز برجسته تر میکنند؟ مثل حادثه ی کربلا. آن روز در آن بیابان خالی و بدون حضور دوستان و پُر از دشمنان، حسین بن علی (علیه السلام) و یارانش به شهادت میرسند، خانواده اش اسیر میشوند و آنها را میبرند و تمام. امروز بعد از گذشت قرنها، همان حادثه ای که باید در ظرف ده روز، پانزده روز اثری از آن نمیماند و یادی از آن نمیشد، ببینید چقدر برجسته است؛ نه فقط در بین میلیونها شیعه در کشورهای مختلف، در بین مسلمانان، بلکه در بین غیر مسلمانان، نام حسین بن علی مثل خورشیدی میتابد؛ دلها را روشن میکند، راهنمائی میکند.

انقلاب اینجوری است. این انقلاب هرچه زمان گذشته است، حقائق بیشتری را روشن کرده است.

امروز هم همین جور است. جوانهای عزیزی که امام را ندیدند، دوران دفاع هشت ساله را ندیدند، «باکری» ها را ندیدند، شخصیت‌های فداکار آن روز را که شهید شدند، ندیدند، اما با همان قدرت، با همان استقامت و با همان بصیرتی در صحنه حاضر میشوند که آن روز جوان تبریزی در بیست و نهم بهمن وارد میدان شد و در طول دوران جنگ تحمیلی هشت ساله، در جبهه های مختلف از خود دلاوری و فداکاری نشان داد. امروز جوانهای ما همین جورند.

این معنایش چیست؟ چرا؟ قضیه چیست؟ قضیه را در حقانیت این سخن باید جستجو کرد: «سخن انقلاب، سخن حق». این، خاصیت حق است. «مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ»؛ این يك درخت پاکیزه و سالم و خوش نهادی است که در زمین سالم رشد میکند. «أَصْدَلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»؛ ریشه اش محکم است، شاخ و برگش هم رفته بالا. «تُؤْتِي أُكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؛ میوه ی او هم همیشگی است و در هر فصلی میوه ی خود را میدهد. یعنی يك بار مصرف نیست، مثل خیلی از این حرکاتی که در دنیا انجام میگیرد؛ به اسم انقلاب یا کودتا یا غیر ذلك حکومتها را تغییر میدهند، اما يك بار مصرفند؛ بعد در يك دوره ی کوتاهی، قضیه به شکل قبل از آن حرکت و نهضت یا گاهی بدتر برمیگردد. کلمه ی حق اینجور نیست؛ کلمه ی حق ماندگار است.

دشمن جور دیگری حرف میزند. بعضی ها هم با همان لغت دشمن حرف میزنند، با همان زبان دشمن حرف میزنند. آیا میفهمند یا نمیفهمند، آن با خداست؛ اما با زبان او حرف میزنند، سعی میکنند وانمود کنند که انقلاب

از راه خود منحرف شده است؛ نه، اگر منحرف شده بود، این همه دل با نام انقلاب و یاد انقلاب به حرکت در نمی آمد؛ این همه ایمان و انگیزه به یاد این انقلاب بسیج نمیشد. در دنیا هم همین جور است. این انقلاب، امروز در کشورهای اسلامی هم آثارش در دل‌های مردم محسوس است. به چند تا دولت معاند نگاه نکنید؛ ملت‌ها این انقلاب را گرامی میدارند، بزرگ میدارند، به آن احترام میکنند، حسرت آن را برای خودهاشان میخورند؛ این نشانه‌های حقانیت است، نشانه‌های بقاء است؛ «تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ» است.

من و شما همچنان که تا امروز به توفیق الهی وفادار مانده ایم، میتوانیم وفادار بمانیم. اگر چنانچه این وفاداری را حفظ کنیم، «فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا»؛ خدا اجر خواهد داد. این اجر، مخصوص دنیا نیست، مخصوص آخرت هم نیست؛ هم دنیا است، هم آخرت؛ در دنیا عزت است، اقتدار است، رسیدن به آرمان‌های والا است، در آخرت هم اجر الهی است، ثواب الهی است، که از همه چیز بالاتر است. اگر خدای نکرده سست عهدی کنیم، بدعهدی کنیم، در میانه‌ی راه هوی‌های نفس ما را به این طرف و آن طرف بکشاند، آن هم به ضرر خود ماست؛ انقلاب راه خودش را ادامه خواهد داد. آن کسانی که انقلاب را رها کردند، آن کسانی که طبق خواست دشمن در مقابل انقلاب ایستادند، ضرر کردند. خیال میکنند حالا بنشینند علیه انقلاب توطئه کنند، حرف بزنند، تحریک کنند، راه به جایی خواهند برد؛ نه، اشتباه است. (1)

### 8.5. اثبات ایستادگی ملت ایران

خب، البته گفتیم مردم ایستادند، آخرین نمونه اش هم همین فتنه‌ی سال 88 بود؛ مردم ایستادند. همان کسانی که به کسان دیگری غیر از منتخَب

ص: 181



رای داده بودند، همانها هم در مقابل آنها ایستادند. لذا دیدید در 9 دی، در 22 بهمن، همه شرکت کردند؛ همه آمدند. این نشان دهنده ی این است که فتنه گران و فتنه انگیزان يك اقلیت معدودند؛ منتها دروغ گفتند، خواستند مردم را دنبال خودشان بکشانند. اول کار موفق هم شدند؛ بعد که چهره شان آشکار شد، نقابشان در خلال حرفها و کارهای گوناگون افتاد، مردم از اینها رو برگرداندند. بنابراین، مردم ایستاده اند. خب، این يك نکته است در وضع کشور. (1)

## 8.6. تقویت بیشتر جمهوری اسلامی

هر اتفاقی که دشمنان برنامه ریزی کنند، افراد ساده دل و خام و غافل به هر نحوی با دشمنان همراهی کنند، با ایستادگی ملت ایران، نتیجه اش تقویت بیشتر جمهوری اسلامی است.

شما دیدید فتنه ای به وجود آمد، کارهائی شد، تلاشهائی شد، آمریکا از فتنه گران دفاع کرد، انگلیس دفاع کرد، قدرتهای غربی دفاع کردند، منافقین دفاع کردند، سلطنت طلبها دفاع کردند؛ نتیجه چه شد؟ نتیجه این شد که در مقابل همه ی این اتحاد و اتفاق نامیمون، مردم عزیز ما، ملت بزرگ ما در روز نهم دی، در روز بیست و دوی بهمن، آنچنان عظمتی از خودشان نشان دادند که دنیا را خیره کرد. ایران امروز، جوان امروز، تحصیله کرده ی امروز، ایرانیان امروز، آنچنان وضعیتی دارند که هر توطئه ای را دشمن علیه نظام جمهوری اسلامی زمینه چینی کند، به توفیق الهی توطئه را خنثی میکنند. منتها توجه داشته باشید؛ باید تقوا پیشه کنیم. آنچه ما را قوی میکند، تقواست؛ آنچه ما را آسیب ناپذیر میکند، تقواست؛ آنچه ما را به ادامه ی این راه تا رسیدن به

ص: 182

## 8.7. گشوده شدن فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران

قوی ترین و آخرین ضربه را ملت در روز نهم دی و بیست و دوی بهمن وارد کرد. کار ملت ایران در بیست و دوم بهمن، کار عظیمی بود؛ نه دی هم همین جور. یکپارچگی ملت آشکار شد. همه ی کسانی که در عرصه ی سیاسی به هر نامزدی رأی داده بودند، وقتی دیدند دشمن در صحنه است، وقتی فهمیدند اهداف پلید دشمن چیست، نسبت به آن کسانی که قبلاً به آنها خوشبین هم بودند، تجدیدنظر کردند؛ فهمیدند که راه انقلاب این است، صراط مستقیم این است. در بیست و دوی بهمن، ملت همه با یک شعار وارد میدان شدند. خیلی تلاش کردند، شاید بتوانند بین ملت دودستگی ایجاد کنند؛ اما نتوانستند. و ملت ایستاد؛ این پیروزی ملت بود. از بیست و دوم خرداد تا بیست و دوم بهمن - هشت ماه - یک فصل پرافتخار و پرعبرت برای ملت ایران بود؛ این یک درس شد. آگاهی جدیدی به وجود آمد. فصل تازه ای در بصیرت ملت ایران گشوده شد. این یک زمینه ی بسیار مهمی است. باید بر اساس این زمینه، حرکت کنیم. (2)

بدون تردید دشمن در جدا کردن مردم از نظام اسلامی شکست خورده است. سال گذشته در انتخابات، چهل میلیون مردم کشور پای صندوقهای رأی رفتند. در واقع یک رفاندوم چهل میلیونی به نفع نظام جمهوری اسلامی و به نفع انتخابات انجام گرفت؛ همین بود که دشمن را عصبانی کرد. خواستند با فتنه اثر آن را از بین ببرند، اما این را هم نتوانستند انجام دهند.

ص: 183

---

1- . خطبه های نماز جمعه تهران در حرم امام خمینی (ره) 89/3/14

2- . بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی 89/1/1

مردم در مقابل فتنه هم ایستادند. فتنه ی سال 88 کشور را واکسینه کرد؛ مردم را بر ضد میکروبیهای سیاسی و اجتماعی ای که میتواند اثر بگذارد، مجهز کرد؛ بصیرت مردم را بیشتر کرد.(1)

ص: 184

---

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 89/6/25

### 1. معنا و ابعاد بصیرت

جوانها باید فکر کنند، بیندیشند، بصیرت خودشان را افزایش بدهند. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشگاهی و حوزوی، باید به مسئله ی بصیرت اهمیت بدهند؛ بصیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرتها لازم است. وقتی بصیرت بود، آنوقت شما میدانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر میدارید. يك روز شما میخواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با يك دمپائی هم میشود رفت تو خیابان قدم زد؛ اما يك روز میخواهید بروید قله ی دماوند را فتح کنید، او دیگر تجهیزات خودش را میخواهد. بصیرت یعنی اینکه بدانید چه میخواهید، تا

## 2. سطوح بصیرت

بصیرت را در دو سطح میتوانیم تعریف کنیم. يك سطح، سطح اصولی و لایه ی زیرین بصیرت است. انسان در انتخاب جهان بینی و فهم اساسی مفاهیم توحیدی، با نگاه توحیدی به جهان طبیعت، يك بصیرتی پیدا میکند. فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی در این است: با نگاه توحیدی، این جهان يك مجموعه ی نظام مند است، يك مجموعه ی قانون مدار است، طبیعت هدفدار است؛ ما هم که جزئی از این طبیعت هستیم، وجودمان، پیدایشمان و زندگی مان هدفدار است؛ بی هدف به دنیا نیامدیم. این، لازمه ی نگاه توحیدی است. معنای اعتقاد به وجود خداوند عالم و قادر این است. وقتی فهمیدیم هدفدار هستیم، آنگاه در جستجوی آن هدف برمی آئیم. خود این جستجو، يك تلاش امیدوارانه است. تلاش میکنیم آن هدف را پیدا کنیم. بعد که هدف را یافتیم، فهمیدیم هدف چیست، تلاشی شروع میشود برای رسیدن به آن هدف. در این صورت همه ی زندگی میشود تلاش؛ آن هم تلاش جهتدار و هدفدار. از آن طرف این را هم میدانیم که با نگاه توحیدی، هر گونه تلاش و مجاهدتی در راه هدف، انسان را قطعاً به نتیجه میرساند. این نتایج مراتبی دارد؛ یقیناً به يك نتیجه ی مطلوب میرساند. با این نگاه، در زندگی انسان دیگر یأس، ناامیدی، سرخوردگی و افسردگی معنی ندارد. وقتی شما میدانید وجود شما، پیدایش شما، حیات شما، تنفس شما با يك هدفی تحقق پیدا کرده است، دنبال آن هدف میگردید و برای رسیدن به آن هدف، تکاپو و تلاش میکنید. از نظر خدای متعال که آفریننده ی هستی است، خود این تکاپو

ص: 186

هم اجر و پاداش دارد. به هر نقطه ای که رسیدید، در واقع به هدف رسیدید. این است که در دیدگاه توحیدی، خسارت و ضرر برای مؤمن اصلاً متصور نیست. فرمود: «ما لنا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيْنِ»؛ یکی از دو بهترین در انتظار ماست؛ یا در این راه کشته می‌شویم، که این بهترین است؛ یا دشمن را از سر راه بر می‌داریم و به مقصود می‌رسیم، که این هم بهترین است. پس در اینجا ضرری وجود ندارد.

درست نقطه ی مقابل، نگاه مادی است. نگاه مادی اولاً پیدایش انسان را، وجود انسان را در عالم بدون هدف میدانند؛ اصلاً نمیدانند برای چه به دنیا آمده است. البته در دنیا برای خودش هدفهائی تعریف میکند - به پول برسد، به عشق برسد، به مقام برسد، به لذتهای جسمی برسد، به لذتهای علمی برسد؛ از این هدفها میتواند برای خودش تعریف کند - اما اینها هیچکدام هدفهای طبیعی نیست، ملازم با وجود او نیست. وقتی اعتقاد به خدا نبود، اخلاقیات هم بی معنی میشود، عدالت هم بی معنی میشود؛ جز لذت و سود شخصی، هیچ چیز دیگری معنا پیدا نمیکند. اگر انسان در راه رسیدن به سود شخصی پایش به سنگ خورد و آسیب دید، ضرر کرده، خسارت کرده. اگر به سود نرسید، اگر نتوانست تلاش کند، نوبت به یأس و ناامیدی و خودکشی و به کارهای غیر معقول دست زدن میرسد. پس ببینید فرق بین نگاه توحیدی و نگاه مادی، معرفت الهی و معرفت مادی این است. این، اساسی ترین پایه های بصیرت است.

با این نگاه، وقتی انسان مبارزه میکند، این مبارزه يك تلاش مقدس است؛ اگر جنگ مسلحانه هم بکند، همین جور است. اصلاً مبارزه بر اساس بدبینی و بدخواهی نیست. مبارزه برای این است که انسانیت - نه فقط شخص خود او - به خیر و کمال و رفاه و تکامل مقامات رفیع نائل شود.

با این نگاه، زندگی چهره‌ی زیبایی دارد و حرکت در این میدان وسیع، يك کار شیرین است. خستگی انسان با یاد خدای متعال و با یاد هدف برطرف میشود. این، پایه‌ی اساسی معرفت است؛ پایه‌ی اساسی بصیرت است. این بصیرت خیلی چیز لازمی است؛ این را باید ما در خودمان تأمین کنیم. بصیرت در حقیقت زمینه‌ی همه‌ی تلاشها و مبارزات انسانی در جامعه است. این يك سطح بصیرت.

بجز این سطح وسیع بصیرت و لایه‌ی عمیق بصیرت، در حوادث گوناگون هم ممکن است بصیرت و بی بصیرتی عارض انسان شود. انسان باید بصیرت پیدا کند. این بصیرت به چه معناست؟ یعنی چه بصیرت پیدا کند؟ چه جوری میشود این بصیرت را پیدا کرد؟ این بصیرتی که در حوادث لازم است و در روایات و در کلمات امیرالمؤمنین هم روی آن تکیه و تأکید شده، به معنای این است که انسان در حوادثی که پیرامون او میگذرد و در حوادثی که پیش روی اوست و به او ارتباط پیدا میکند، تدبیر کند؛ سعی کند از حوادث به شکل عامیانه و سطحی عبور نکند؛ به تعبیر امیرالمؤمنین، اعتبار کند: «رحم الله امرء تفکر فاعتبر»؛ فکر کند و بر اساس این فکر، اعتبار کند. یعنی با تدبیر مسائل را بسنجد - «و اعتبار فأبصر» - با این سنجش، بصیرت پیدا کند. حوادث را درست نگاه کردن، درست سنجیدن، در آنها تدبیر کردن، در انسان بصیرت ایجاد میکند؛ یعنی بینائی ایجاد میکند و انسان چشمش به حقیقت باز میشود.

امیرالمؤمنین (علیه الصّلاه و السّلام) در جای دیگر میفرماید: «فإنّما البصیر من سمع فتفکر و نظر فأبصر» بصیر آن کسی است که بشنود، گوش خود را بر صداها نبندد؛ وقتی شنید، بیندیشد. هر شنیده‌ای را نمیشود به صرف شنیدن رد کرد یا قبول کرد؛ باید اندیشید. «البصیر من سمع فتفکر و

نظر فابصر». نَظَرَ یعنی نگاه کند، چشم خود را نبندد. ایراد کار بسیاری از کسانی که در لغزشگاه های بی بصیرتی لغزیدند و سرنگون شدند، این است که نگاه نکردند و چشم خودشان را بر يك حقایق واضح بستند. انسان باید نگاه کند؛ وقتی که نگاه کرد، آنگاه خواهد دید. ما خیلی اوقات اصلاً حاضر نیستیم يك چیزهایی را نگاه کنیم. انسان می بیند منحرفینی را که اصلاً حاضر نیستند نگاه کنند. آن دشمن عنود را کار نداریم - حالا این را بعداً عرض خواهیم کرد؛ «وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا» - بعضی ها هستند که انگیزه دارند و با عناد وارد میشوند؛ خوب، دشمن است دیگر؛ بحث بر سر او نیست؛ بحث بر سر من و شماست که توی عرصه هستیم. ما اگر بخواهیم بصیرت پیدا کنیم، باید چشم را باز کنیم؛ باید ببینیم. يك چیزهایی هست که قابل دیدن است. اگر ما از آنها سطحی عبور کنیم، آنها را نبینیم، طبعاً اشتباه میکنیم.

من يك مثال از تاریخ بزنم. در جنگ صفین لشکر معاویه نزدیک به شکست خوردن شد؛ چیزی نمانده بود که بکلی منهدم و منهزم شود. حيله ای که برای نجات خودشان اندیشیدند، این بود که قرآنها را بر روی نیزه ها کنند و بیاورند وسط میدان. ورقه های قرآن را سر نیزه کردند، آوردند وسط میدان، با این معنا که قرآن بین ما و شما حکم باشد. گفتند بیائید هرچه قرآن میگوید، بر طبق آن عمل کنیم. خوب، کار عوام پسند قشنگی بود. يك عده ای که بعدها خوارج شدند و روی امیرالمؤمنین شمشیر کشیدند، از میان لشکر امیرالمؤمنین نگاه کردند، گفتند این که حرف خوبی است؛ اینها که حرف بدی نمیزند؛ میگویند بیائیم قرآن را حکم کنیم. ببینید، اینجا فریب خوردن است؛ اینجا لغزیدن به خاطر این است که انسان زیر پایش را نگاه نمیکند. هیچ کس انسان را نمیبخشد اگر بلغزد، به خاطر اینکه زیر پایش



را نگاه نکرده، پوست خربزه را زیر پای خودش ندیده. آنها نگاه نکردند. آنها اگر میخواستند حقیقت را بفهمند، حقیقت جلوی چشمشان بود. این کسی که دارد دعوت میکند و میگوید بیائید به حکمیت قرآن تن بدهیم و رضایت بدهیم، کسی است که دارد با امام منتخبِ مفترض الطاعه میجنگد! او چگونه به قرآن معتقد است؟ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب غیر از اینکه از نظر ما از طرف پیغمبر منصوب و منصوب بود، اما آن کسانی هم که این را قبول نداشتند، این مسئله را قبول داشتند که آن روز بعد از خلیفه ی سوم، همه ی مردم با او بیعت کردند، خلافت او را قبول کردند؛ شد امام، شد حاکم مفترض الطاعه ی جامعه ی اسلامی. هر کس با او میجنگید، روی او شمشیر میکشید، وظیفه ی همه ی مسلمانها بود که با او مقابله کنند. خوب، اگر این کسی که قرآن را سر نیزه کرده، حقیقتاً به قرآن معتقد است، قرآن میگوید که تو چرا با علی میجنگی. اگر واقعاً به قرآن معتقد است، باید دستهایش را بالا ببرد، بگوید آقا من نمیجنگم؛ شمشیرش را بیندازد. این را باید میدیدند، باید میفهمیدند. این مطلب مشکلی بود؟ این معضلی بود که نشود فهمید؟ کوتاهی کردند. این میشود بی بصیرتی. اگر اندکی تدبیر و تأمل میکردند، این حقیقت را میفهمیدند؛ چون اینها خودشان در مدینه اصحاب امیرالمؤمنین بودند؛ دیده بودند که در قتل عثمان، عوامل و دستیاران خود معاویه مؤثر بودند؛ آنها کمک کردند به کشته شدن عثمان؛ در عین حال پیراهن عثمان را به عنوان خونخواهی بلند کردند. آنها خودشان این کار را کردند، مقصر خودشان بودند، اما دنبال مقصر میگشتند. ببینید، این بی بصیرتی ناشی از بی دقتی است؛ ناشی از نگاه نکردن است؛ ناشی از چشم بستن بر روی يك حقیقت واضح است.

در همین قضایای فتنه ی اخیر، يك عده ای اشتباه کردند؛ این بر اثر

بی بصیرتی بود. ادعای تقلب در يك انتخابات بزرگ و با عظمت میشود؛ خوب، این راهش واضح است. اگر چنانچه کسی معتقد به تقلب است، اولاً باید استدلال کند، دلیل بیاورد بر وجود تقلب؛ بعد هم اگر چنانچه دلیل آورد یا نیاورد، قانون راه را معین کرده است؛ میتواند شکایت کند. باید بازرسی شود، بازبینی شود؛ آدمهای بی طرفی بیایند نگاه کنند تا معلوم شود تقلب شده یا نشده؛ راهش این است دیگر. اگر چنانچه کسی زیر بار این راه نرفت و قبول نکرد - با اینکه ما کمکهای زیادی هم کردیم: مدت قانونی را بنده تمدید کردم؛ حتی گفتیم خود افراد بیایند جلوی دوربینهای تلویزیون شمارش کنند - دارد تمرد میکند... توجه فرمائید. مقصود این نیست که راجع به قضایای گذشته اظهار نظر کنیم؛ میخواهیم مثال بزنیم. پس بصیرت پیدا کردن، کار دشواری نیست. اگر شما نگاه کردید دیدید يك راه معقول قانونی ای وجود دارد و کسی از آن راه معقول قانونی سر میپیچد و کاری میکند که برای کشور مضر است، ضربه ی به منافع ملت است، خوب، با نگاه عادلانه، با نگاه متعارف، با نگاه غیر جانبدارانه، معلوم است که او محکوم است؛ این يك چیز روشنی است، يك قضاوت واضحی است. پس ببینید مطالبه ی بصیرت، مطالبه ی يك امر دشوار و ناممکن نیست. بصیرت پیدا کردن، کار سختی نیست. بصیرت پیدا کردن همین اندازه لازم دارد که انسان اسیر دامهای گوناگون، از دوستی ها، دشمنی ها، هوای نفس ها و پیشداوری های گوناگون نشود. انسان همین قدر نگاه کند و تدبیر کند، میتواند واقعیت را پیدا کند. مطالبه ی بصیرت، مطالبه ی همین تدبیر است؛ مطالبه ی همین نگاه کردن است؛ مطالبه ی چیز بیشتری نیست. و به این ترتیب میشود فهمید که بصیرت پیدا کردن، کار همه است؛ همه میتوانند بصیرت پیدا کنند. البته بعضی نه به خاطر عناد، نه به خاطر بدخواهی، که گاهی غفلت میکنند.

انسان با اینکه جان خودش را خیلی دوست دارد، اما گاهی ممکن است در حال رانندگی هم يك لحظه حواسش پرت شود، يك لحظه چرت بزند، يك ضایعه ای پیش بیاید. لغزشهایی که در این زمینه پیش می آید، اینها را نمیشود گناه دانست؛ اما اگر چنانچه تداوم پیدا کند، این دیگر بی بصیرتی است، این دیگر غیرقابل قبول است. (1)

### 3. اهمیت بصیرت

بصیرت، نورافکن است؛ بصیرت، قبله نما و قطب نماست. توی يك بیابان انسان اگر بدون قطب نما حرکت کند، ممکن است تصادفاً به يك جایی هم برسد، لیکن احتمالش ضعیف است؛ احتمال بیشتری وجود دارد که از سرگردانی و حیرت، دچار مشکلات و تعبهای زیادی شود. قطب نما لازم است؛ بخصوص وقتی دشمن جلوی انسان هست. اگر قطب نما نبود، يك وقت شما می بینید بی سازویرگ در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ آن وقت دیگر کاری از دست شما برنمی آید. پس بصیرت، قطب نما و نورافکن است. در يك فضای تاریک، بصیرت روشنگر است. بصیرت راه را به ما نشان میدهد.

هر جایی که ما توانستیم درست بفهمیم، درست تشخیص بدهیم - یعنی همان بصیرت - و به دنبال آن احساس تکلیف کردیم، احساس تعهد و مسئولیت کردیم و وارد میدان شدیم، غلبه با ما بوده است؛ «فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ». وقتی با ایمان و با بصیرت وارد میدان مواجه شدید، غلبه با شماست، شما برنده هستید؛ چرا؟ چون طرف مقابل شما ایمان ندارد، دین ندارد، انگیزه ی عمیق معنوی ندارد. آن کسانی که عوامل میدانی او هستند،

ص: 192

مزدورند، فریب خورده اند؛ خود نقشه دارها و صحنه گردانها هم که مردمان بی ایمانی هستند. وقتی با ایمان وارد میدان میشوید، شما برنده اید؛ این برای ملت ایران تجربه است. (1)

زندگی امیرالمؤمنین سر تا پا درس است. آن چیزی که در میان رفتارهای امیرالمؤمنین - که شامل همه ی خصلتهای نیک یك انسان و يك زمامدار است - انسان مشاهده میکند و برترین این خصوصیات برای امروز ماست، مسئله ی بصیرت بخشی و بصیرت دهی به کسانی است که نیاز به بصیرت دارند؛ یعنی روشن کردن فضا. در همه ی ادوار، این شجاعت بی پایان، این فداکاری عظیم، در خدمت آگاه کردن مردم، عمق دادن به اندیشه ی مردم و ایمان مردم به کار رفته است. در جنگ صفین وقتی طرف مقابل که احساس میکرد دارد شکست میخورد، برای اینکه جنگ را متوقف کند، قرآن را سر نیزه کرد، يك عده ای آمدند دور امیرالمؤمنین را گرفتند و فشار آوردند که باید تسلیم شوی و جنگ را تمام کنی؛ اینها قرآن را مطرح کردند. کار مزورانه ای بود، کار عجیبی بود. حضرت فرمود: شما اشتباه میکنید؛ شما اینها را نمیشناسید. این کسانی که امروز قرآن را به عنوان حکم مطرح میکنند، به قرآن اعتقاد ندارند. من اینها را میشناسم. «اَنّی عرفتهم اطفالا و رجالا»؛ من دوره ی کودکی اینها را دیدم، دوره ی بزرگی اینها را هم دیدم. «فکانوا شرّ اطفال و شرّ رجال»؛ بدترین ها بودند. اینها به قرآن اعتقادی ندارند. وقتی در تنگنا گیر میکنند، قرآن را مطرح میکنند. البته آنها گوش نکردند، اصرار ورزیدند و دنیای اسلام خسارتش را خورد. امیرالمؤمنین اهل بصیرت دادن است. (2)

ص: 193

- 
- 1- . بیانات در دیدار مردم قم در سالروز قیام 19 دی 89/10/19
  - 2- . بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) 89/4/5

اسلام به ما میگوید باید جامعه‌ی اسلامی با دستور اسلام اداره و هدایت شود و زندگی کند. اسلام میگوید با دشمنان متعرض بایستی با قدرت برخورد کرد؛ باید مرزبندی روشن و شفاف با آنها به وجود آورد. اسلام میگوید فریب دشمنها را نباید خورد. این، خط روشن امیرالمؤمنین است؛ امروز هم ما همین خط روشن را احتیاج داریم.

البته ملت ایران به برکت انقلاب، ملت هشیاری هستند. بسیاری از معضلات این کشور، با بصیرت مردم حل شده است. خیلی اوقات انسان مشاهده میکند که توده‌ی مردم حقایق را از بعضی از خواص و نخبگان بهتر می‌بینند و بهتر می‌فهمند؛ چون تعلقاتشان کمتر است. این از نعمتهای بزرگ است. برادران و خواهران عزیز من! شما بدانید، همه‌ی ملت ایران هم بدانند؛ ملت ایران در راه حرکت به سمت آرمانهای والای اسلامی، ثبات قدم خود را نشان داده است و این ثبات قدم را به توفیق الهی و به فضل الهی حفظ خواهد کرد. (1)

#### **4. ضرورت بصیرت**

##### **4.1. هوشیاری در برابر فریبکاری دشمن**

امروز ما به این بصیرت احتیاج داریم. امروز دشمنان دنیای اسلام، دشمنان وحدت اسلام، با ابزارهای دین وارد میشوند، با ابزارهای اخلاق وارد میشوند؛ باید هشیار بود. آنجائی که میخواهند افکار عمومی مردم غیرمسلمان را فریب بدهند، نام حقوق بشر را می‌آورند، نام دموکراسی را می‌آورند؛ آنجائی که میخواهند افکار عمومی دنیای اسلام را فریب بدهند، نام قرآن را می‌آورند، نام اسلام را می‌آورند؛ در حالی که نه به اسلام و قرآن اعتقادی دارند، نه به

ص: 194

حقوق بشر اعتقادی دارند. این را امت اسلامی باید بداند. ملت ایران در طول این سی سال، سی و یک سال اینها را آزموده است؛ امروز هم باید بدانیم، همه ی ما باید بدانیم. امیرالمؤمنین در آن لحظه ی فریب و فتنه، به دوستان خود نهیب میزند: «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ این راه حقی که در پیش گرفتید، این حرکت صادقانه ای که دارید انجام می دهید، این را از دست ندهید و رها نکنید؛ با حرفهای فتنه گران و فتنه انگیزان، در دل شما تزلزل به وجود نیاید؛ «امضوا علی حَقِّکم و صدقکم»؛ راهتان راه درستی است. خاصیت دوران فتنه - همان طور که بارها عرض کرده ایم - غبار آلودگی است، مه آلودگی است. نخبگان گاهی دچار خطا و اشتباه میشوند. اینجا شاخص لازم است. شاخص، همان حق و صدق و بیته ای است که در اختیار مردم قرار دارد. امیرالمؤمنین مردم را به آن ارجاع میداد. امروز ما هم محتاج همان هستیم. (1)

## 4.2. احتیاج هرگونه حرکت عمومی به بصیرت عمومی

یک مبارزه ی صحیح، منطقی و معقول و در عین حال قاطع، احتیاج دارد به چند چیز:

یکی انگیزه ی برخاسته از ایمان است. با دستور نمیشود ملتی را، جوانانی را وادار کرد به ایستادگی در یک میدان دشوار. باید انگیزه از دل بجوشد؛ آن هم انگیزه ی ناشی از ایمان. این در جوانهای ما امروز به حد کافی وجود دارد؛ من با اطلاع عرض میکنم، با آشنائی با نسل جوانمان و قشر جوانمان عرض میکنم: امروز جوانهای ما از آن روزی که در سال 57، رژیم پهلوی - رژیم دست نشانده ی آمریکا - به جوانان ما توهمین خیابانها حمله کرد و خون

ص: 195

---

1- . بیانات در دیدار مردم بوشهر در روز میلاد امام علی (ع) 89/4/5

آنها را ریخت، انگیزه شان بیشتر است و کمتر نیست.

از آن روزی هم که يك عده جوان رفتند سفارت آمریکا را که مرکز و پایگاه توطئه ی علیه انقلاب شده بود تسخیر کردند، امروز جوانان ما انگیزه شان کمتر نیست؛ اگر بیشتر نباشد. علت هم واضح است؛ چون سی سال تجربه، متراکم در تاریخ این ملت ثبت شده است. ذهن بیدار جوان، چشم باز جوان، ولو آن روزها را ندیده است؛ اما این تجربه ها را تحویل میگیرد. نسل به نسل تجربه های يك ملت غنی تر، عمیق تر و مفیدتر میشود. پس جوانان امروز ما از لحاظ انگیزه هیچی کسر ندارند. صرف نظر از يك عده انقلابی فرسوده ی پشیمان که به دلایل گوناگون، زندگی راحت را، سازش را ترجیح دادند، یا به ساز دشمن رقصیدن را عیب ندانستند، جوان کشور، توده ی ملت که اکثریت هم جوان هستند، این انگیزه ی عمیق را دارند. من به شما عرض کنم: اگر امروز حادثه ای مثل جنگ تحمیلی که در سال 59 پیش آمد، در کشور ما بروز کند، هجوم جوانان به جبهه و داوطلبی آنها برای مواجهه ی با دشمن آشکار و روبه رو، از سال 59 و 60 بمراتب بیشتر خواهد بود.

يك عنصر دیگری که لازم است، بصیرت است. اینی که ملاحظه میکنید بنده مکرر در دیدار جوانها، دانشجویان، قشرهای مختلف مردم، بر روی بصیرت تکیه میکنم، برای این است که در وضع بسیار مهم امروز دنیا و موقعیت استثنائی کشور عزیز ما - که امروز در دنیا موقعیت ممتازی است - هرگونه حرکت عمومی به يك بصیرت عمومی احتیاج دارد. البته من این را هم به شما بگویم: امروز بصیرت جوانهای ما هم از جوانان آن روزگار اول انقلاب و در اثنای انقلاب، یقیناً بیشتر است. خیلی چیزها را شما امروز میدانید، برای شما جزو واضحات است، که آن روزها باید برای جوانها، آنها

را شرح میدادیم، بیان میکردیم؛ اما امروز جوانهای ما اینها را میدانند؛ بصیرت بالاست. در عین حال من تأکید میکنم بر روی بصیرت. (1)

### 4.3. زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز

خدای متعال به پیغمبرش در آن دوران دشوار مکه میفرماید: ای پیغمبر! من با بصیرت حرکت میکنم؛ «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي» خود پیغمبر با بصیرت حرکت میکند، تابعان و پیروان و مدافعان فکر پیغمبر هم با بصیرت. این مال دوران مکه است؛ آن وقتی که هنوز حکومتی وجود نداشت، جامعه ای وجود نداشت، مدیریت دشواری وجود نداشت، بصیرت لازم بود؛ در دوران مدینه، به طریق اولی. اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که يك ملتی که بصیرت دارد، مجموعه ی جوانان يك کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت میکنند و قدم بر میدارند، همه ی تیغهای دشمن در مقابل آنها کند میشود. بصیرت این است. بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمیتواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم میگذارد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، يك وقت نگاه میکنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب نما همان بصیرت است. در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز، بدون بصیرت نمیشود حرکت کرد. (2)

ص: 197

---

1- . بیانات در دیدار دانش آموزان در آستانه 13 آبان 88/8/12

2- . بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر 88/7/15



#### 4.4. تشخیص دوست از دشمن

بلاهایی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می بینید در جامعه ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کمأ هم بیشتر نباشد، کیفأ بیشتر از خطاهای عامه ی مردم است - بر اثر بی بصیرتی است.

بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله ی امیرالمؤمنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا ولا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر».

میدانید، سختی پرچم امیرالمؤمنین از پرچم پیغمبر، از جهاتی بیشتر بود؛ چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمؤمنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند. دشمن همان حرفهائی را میزد که دوست میزند؛ همان نماز جماعت را که تو اردوگاه امیرالمؤمنین میخواندند، تو اردوگاه طرف مقابل هم - در جنگ جمل و صفین و نهروان - میخواندند.

حالا شما باشید، چه کار میکنید؟ به شما میگویند: آقا! این طرف مقابل، باطل است. شما میگوئید: ا، با این نماز، با این عبادت! بعضی شان مثل خوارج که خیلی هم عبادتشان آب و رنگ داشت؛ خیلی. امیرالمؤمنین از تاریکی شب استفاده کرد و از اردوگاه خوارج عبور کرد، دید یکی دارد با صدای خوشی میخواند: «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّیْلِ» آیه ی قرآن را نصفه شب دارد میخواند؛ با صدای خیلی گرم و تکان دهنده ای. يك نفر

کنار حضرت بود، گفت: یا امیرالمؤمنین! به به! خوش به حال این کسی که دارد این آیه را به این قشنگی میخواند. ای کاش من يك موئی در بدن او بودم؛ چون او به بهشت میرود؛ حتماً، یقیناً؛ من هم با برکت او به بهشت میروم. این گذشت، جنگ نهروان شروع شد. بعد که دشمنان کشته شدند و مغلوب شدند، امیرالمؤمنین آمد بالاسر کشته های دشمن، همین طور عبور میکرد و میگفت بعضی ها را که به رو افتاده بودند، بلندشان کنید؛ بلند میکردند، حضرت با اینها حرف میزد. آنها مرده بودند، اما میخواست اصحاب بشنوند. یکی را گفت بلند کنید، بلند کردند. به همان کسی که آن شب همراهش بود، حضرت فرمود: این شخص را میشناسی؟ گفت: نه. گفت: این همان کسی است که تو آرزو کردی يك مواز بدن او باشی، که آن شب داشت آن قرآن را با آن لحن سوزناك میخواند! اینجا در مقابل قرآن ناطق، امیرالمؤمنین (علیه افضل صلوات المصلین) میایستد، شمشیر میکشد! چون بصیرت نیست؛ بصیرت نیست، نمیتواند اوضاع را بفهمد.

بنده بارها این جبهه های سیاسی و صحنه های سیاسی را مثال میزنم به جبهه ی جنگ. اگر شما در جبهه ی جنگ نظامی، هندسه ی زمین در اختیارتان نباشد، احتمال خطاهای بزرگ هست. برای همین هم هست که شناسائی میروند. یکی از کارهای مهم در عمل نظامی، شناسائی است؛ شناسائی از نزدیک، که زمین را بروند ببینند: دشمن کجاست، چه جوری است، مواضعش چگونه است، عوارضش چگونه است، تا بفهمند چه کار باید بکنند. اگر کسی این شناسائی را نداشته باشد، میدان را نشانسد، دشمن را گم بکند، يك وقت می بیند که دارد خمپاره اش را، توپخانه اش را آتش میکند به طرفی، که

اتفاقاً این طرف، طرفِ دوست است، نه طرفِ دشمن. نمیداند دیگر. عرصه‌ی سیاسی عیناً همین جور است. اگر بصیرت نداشته باشید، دوست را شناسید، دشمن را شناسید، يك وقت می بینید آتش توپخانه‌ی تبلیغات شما و گفت و شنود شما و عمل شما به طرف قسمتی است که آنجا دوستان مجتمعد، نه دشمنان. آدم دشمن را بشناسد؛ در شناخت دشمن خطا نکنیم. لذا بصیرت لازم است، تبیین لازم است. (1)

#### 4.5. مشتبه شدن حق و باطل

هر چه میتوانید در افزایش بصیرت خود، در عمق بخشیدن به بصیرت خود، تلاش کنید و نگذارید، نگذارید دشمنان از بی بصیرتی ما استفاده کنند؛ دشمن به شکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمؤمنین در يك خطبه‌ای از جمله‌ی مهمترین مشکلات جامعه همین را می‌شمارد: «انما بدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احكام تبتدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمؤمنین می‌فرماید: اگر حق به طور واضح در مقابل مردم آشکار و ظاهر بشود، کسی نمیتواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «و لكن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان» آن کسانی که مردم را میخواهند گمراه بکنند، باطل را به صورت خالص نمی آورند؛ باطل و حق را آمیخته میکنند، ممزوج میکنند، آن وقت نتیجه این میشود که «فهنا لك یتتولى الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه میشود. این است که بصیرت میشود اولین وظیفه‌ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود. (2)

ص: 200

1- .بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر 88/5/5

2- .بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر 88/7/15

5.1. شناخت استکبار

اولین مسئله‌ی بصیرت این است که این استکبار چیست که باید با آن مبارزه کرد. استکبار یعنی قدرتی در دنیا یا قدرتهائی در دنیا؛ چون نگاه میکنند به خودشان، می‌بینند دارای امکانات پولی و تسلیحاتی و تبلیغاتی هستند؛ بنابراین باید به خودشان حق بدهند که در امور زندگی کشورها و ملتهای دیگر، دخالت‌های مالکانه بکنند؛ این معنای استکبار است. روح سلطه‌گری؛ این در کشور ما قبل از انقلاب به صورت واضحی بود. یعنی آمریکا مستکبرانه بر این کشور پهناور، بر این ملت بزرگ با این تاریخ غنی پنجه انداخته بود و در امور مهم و اساسی کشور ما دخالت میکرد. علت هم این بود که زمامداران کشور فاسد بودند، در ملت جایگاهی نداشتند، دنبال تکیه‌گاه میگشتند، به آمریکا تکیه میکردند. آمریکا هم که مفت به کسی چیزی نمیدهد؛ حمایت از آنها را در گرو دخالت کامل در امور کشور قرار داده بود. شاید برای شما تعجب آور باشد، اما بدانید شاه - محمدرضا - برای اینکه يك نخست وزیری را از کار برکنار کند و يك نخست وزیر دیگر را جای او بیاورد، مجبور شد برود آمریکا، دو هفته، سه هفته در آمریکا بماند، تا موافقت آنها را جلب کند که این زید را از کار برکنار کند، این عمرو را به جای او بگذارد! کار کشور ما به اینجا رسیده بود. در سالهای آخر حکومت پهلوی از این هم زشت تر بود. بحث رفتن به آمریکا دیگر نبود؛ همین جا سفیر آمریکا و سفیر انگلیس به کاخ شاه میرفتند، به او میگفتند شما در قضیه‌ی نفت اینجوری عمل کنید، در قضیه‌ی ارتباطات جهانی اینجوری عمل کنید، با ملت اینجوری عمل کنید، با مبارزین اینجوری عمل کنید؛ دستور میدادند. شاه هم قبول میکرد. خوب، وقتی که رئیس يك مملکت اینقدر ضعیف، اینقدر زبون، اینقدر در مقابل

بیگانگان تسلیم باشد، دیگران وضعیتشان معلوم است. این وضع کشور ما بود. استکبار معنایش این است.

آمریکا يك مستکبر به تمام معناست. مسئله ی ما هم فقط نیست، مسئله ی دنیاست؛ مسئله ی دنیای اسلام است. آمریکائی ها نسبت به همه جای دنیا این روح استکباری را دارند. در جنگ بین الملل دوم، بعد از آنی که ژاپن را شکست دادند، پایگاه در آنجا درست کردند، که هنوز پایگاه آمریکائی ها در ژاپن هست. ژاپنی ها با این همه پیشرفتهای علمی، هنوز نتوانستند پایگاه آمریکا را در ژاپن جمع کنند! آنجا پایگاه نظامی دارد؛ به مردم ظلم میکنند، اذیت هم میکنند، تو روزنامه ها هم آمد، خبرگزاری ها هم گفتند؛ تجاوز به نوامیس و کارهای خلاف دیگر؛ اما هنوز در آنجا هست. در کره ی جنوبی هم پایگاه های آمریکا هنوز هست. در عراق، نقشه ی آمریکا این است که پایگاه بسازد و پنجاه سال، صد سال در عراق مستقر بشود؛ و در افغانستان؛ چون افغانستان نقطه ای است که اگر آنجا پایگاه داشته باشند، میتوانند بر کشورهای آسیای جنوب غربی، بر روسیه، بر چین، بر هند، بر پاکستان و بر ایران تسلط داشته باشند. دارند این همه آنجا تلاش میکنند، برای اینکه آنجا پایگاه دائم درست کنند و بمانند. این معنای استکبار است.

ملت ایران با ساقط کردن رژیم دست نشانده ی آمریکا، آمریکا را از این کشور بیرون کرد. خوب، آمریکائی ها میتوانند بعد از انقلاب بلافاصله به خود بیایند، ببینند که این ملت، اینچنین نیرومند است. رژیمی را که شرق و غرب از او حمایت میکنند، میتواند از جا بگند؛ میتواند بساط پادشاهی را با سابقه ی 2500 ساله درهم بنوردد و جمع کند بیندازد دور. آنها میتوانند از ملت ایران عذرخواهی کنند؛ میتوانند ضربه هائی را که به ملت ما زدند، آن مقداری اش که قابل جبران است، جبران کنند. اگر این کار را میکردند، مسئله ی

آنها با ایران حل میشد. اگر چه جمهوری اسلامی همچنان به خاطر ظلمهائی که در دنیای اسلام میکنند، معترض باقی میماند، اما این تقار شدیدی که بین آنها و جمهوری اسلامی و ملت ایران بود، به این شکل باقی نمیماند. اما آنها این کار را نکردند. آنها نه عذرخواهی کردند، نه از سقوط رژیم سلطنتی عبرت گرفتند؛ بلکه از همان ماه های اول، شمشیر را از رو بستند و سفارت شد مرکز توطئه؛ لانه ی جاسوسی، مرکز ارتباطات مشکوک برای تحریک این و آن، برای اینکه شاید بتوانند جمهوری اسلامی را به زمین بزنند؛ شاید بتوانند جمهوری اسلامی را شکست بدهند. این اشتباه بزرگ را آمریکائی ها کردند. بعد هم هر چه توانستند و هر چه از دستشان برمی آمد، با جمهوری اسلامی و با ملت عزیز و کشور ما کردند، که يك نمونه اش حمله کردن به طبرستان است؛ يك نمونه اش قضیه ی سرنگون کردن هواپیمای مسافری ماست که نزدیک سیصد نفر را در خلیج فارس کشتند - هواپیمای مسافری را زدند و انداختند توی آب - يك نمونه اش حمله به سکوهای نفتی ماست - که در خلیج فارس به سکوی نفتی ما زمان ریگان حمله کردند - يك نمونه اش کمکهای همه جانبه به صدام بعثی خبیث است، برای اینکه شاید بتوانند او را در جنگ بر ما پیروز کنند و جمهوری اسلامی را ضربه بزنند. از این قبیل اگر بخواهیم برای جنایات آمریکا فهرست درست کنیم، يك کتاب میشود. یکی از وزرای دفاع آمریکا در برهه ای، حرف دل آمریکائی ها را زد؛ گفت: ما باید ریشه ی ملت ایران را بکنیم. ملا-حظه میکنید؛ ریشه ی ملت ایران، نه دولت ایران، نه جمهوری اسلامی. درست میفهمید؛ میفهمید که جمهوری اسلامی یعنی ملت؛ مسئولین جمهوری اسلامی یعنی همه ی ملت ایران؛ لذا میگفت باید ریشه ی ملت ایران را بزنیم. این روش آمریکائی ها بود. هر کار هم از دستشان برمی آمد، کردند.

امام بزرگوار ما، آن مرد استثنائی تاریخ که حقاً استثنائی بود، در مقابل همه ی اینها گفت: هرچه توطئه کنید، به ضرر خودتان هست و جمهوری اسلامی عقب نشینی نخواهد کرد؛ آمریکا هم هیچ غلطی نمیتواند بکند. این استکبار است. جمهوری اسلامی هیچ رودربایستی با هیچ دولتی ندارد؛ لیکن دولتی که دستش از منابع عظیم مالی و انسانی کشور قطع شده بود و هرچه توانست توطئه کرد، دولت آمریکا بود. سی سال دولت آمریکا علیه نظام جمهوری اسلامی و علیه ملت ایران توطئه کرده، ضربه زده، تدابیر گوناگون اندیشیده؛ هر کار توانسته کرده. اگر شما فکر کنید يك كاری بود که آمریکائی ها میتوانند بکنند و نکردند، بدانید که چنین چیزی نیست؛ هر کار ممکن بوده، کرده اند. خوب، شما می بینید که نتیجه ی این رویارویی، بالندگی هرچه بیشتر ملت ایران، پیشرفت هرچه بیشتر جمهوری اسلامی، قوت روزافزون این کشور و این نظام بوده. آنی که ضرر کرده است، آنهایند. گاهی هم حرفهای به ظاهر آشتی جوینان ای در این مدت زدند؛ اما هر وقت که لبخندی به روی مسئولین جمهوری اسلامی زدند، وقتی دقت کردیم، دیدیم خنجری در پشت سرشان مخفی کرده اند؛ از تهدید دست برنداشته اند؛ نیتشان عوض نشده است. خنده ی تاکتیکی، لبخند و روی خوش تاکتیکی، فقط بچه ها و کودکان را فریب میدهد. يك ملت بزرگ با این تجربه، و مسئولین برگزیده ی يك چنین ملتی، اگر فریب بخورند، خیلی باید ساده لوح باشند؛ یا باید ساده لوح باشند، یا باید غرق در هوی و هوس باشند؛ دنبال زندگی راحت و خوش و همراه با عافیت باشند؛ بخواهند با دشمن بسازند. و آلا اگر مسئولین کشور باهوش باشند، دقیق باشند، مجرب باشند، پخته باشند، دل در گرو منافع ملت با همه ی وجود داشته باشند، گول لبخند را نمیخورند.

همین رئیس جمهور جدید آمریکا، حرفهای قشنگی زد؛ به ما هم مکرراً

پیغام داد؛ شفاهی، کتبی، که بیائید صفحه را عوض کنیم، بیائید وضع تازه ای درست کنیم، بیائید در حل مشکلات عالم با همدیگر همکاری کنیم؛ تا این حد! ما هم گفتیم پیش داوری نکنیم؛ ما به عمل نگاه میکنیم. گفتند، میخواهیم تغییر ایجاد کنیم. گفتیم خوب، ببینیم تغییر را. از روز اول فروردین که من در مشهد سخنرانی کردم - گفتم اگر دستکش مخملی روی پنجه ی چدنی کشیده باشید و دستتان را دراز کنید، ما دستمان را دراز نمیکنیم؛ این هشدار را من آنجا دادم - الان هشت ماه میگذرد. در طول این هشت ماه، آنچه ما دیدیم، برخلاف آن چیزی بود که اینها به زبان، به ظاهر ابراز میکنند. صورت قضیه این است که بیائید مذاکره کنیم؛ اما در کنار مذاکره، تهدید؛ که اگر مذاکره به این نتیجه ی مطلوب نرسد، پس چنین و چنان! این شد مذاکره؟! این همان رابطه ی گرگ و میش است که امام گفت: رابطه ی گرگ و میش را ما نمیخواهیم. بیائید بنشینید با ما سر میز، مذاکره کنید بر سر فلان موضوع؛ مثلاً بر سر موضوع هسته ای، لیکن شرطش این است که این مذاکره، به فلان نتیجه ی معین برسد! مثلاً دست برداشتن کشور از فعالیت هسته ای، اگر به این نتیجه نرسد، پس چنین و چنان؛ تهدید.

من تعجب میکنم. چرا از وضع گذشته عبرت نمیگیرند؟ چرا حاضر نیستند ملت ما را بشناسند؟ مگر نمیدانند که این ملت، ملتی است که در روزی که دو ابرقدرت در این دنیا بودند که تقریباً در همه ی موضوعات با هم مخالف بودند، جز در دشمنی با جمهوری اسلامی - فقط در دشمنی با جمهوری اسلامی این دو ابرقدرت: ابرقدرت آمریکا و شوروی سابق، با هم متحد بودند - ایستاد و هر دو ابرقدرت را به زانو درآورد. چرا شما عبرت نمیگیرید؟ امروز شما قدرت آن روز را هم ندارید. جمهوری اسلامی امروز چندین برابر قدرتمندتر از آن روز است، باز با این زبانها حرف میزنید؟



استکبار یعنی این. از موضع تکبر حرف زدن با يك ملت، کار را با تهدید پیش بردن؛ اگر چنین نکنید، چنان خواهد شد. ملت ما هم میگوید که ما می ایستیم.

آنچه که جمهوری اسلامی میخواهد، بیش از حق معقول خودش نیست. جمهوری اسلامی دنبال استقلال خودش است، دنبال آزادی خودش است، دنبال منافع ملی خودش است، دنبال پیشرفت علم و فناوری در کشور است؛ اینها حقوق این ملت است. به این حقوق هر کسی تعرض نکند، ملت ایران با همه ی وجود در مقابل او قرار خواهد گرفت و او را به زانو در خواهد آورد.

آن روزی که آمریکا دست از استکبار بردارد، آن روزی که از دخالتهای بیجا در امور ملتها دست بردارد، يك دولتی مثل بقیه ی دولتهاست، برای ما هم دولتی مثل بقیه ی دولتها خواهد بود؛ اما تا روزی که آمریکائی ها هنوز به طمع برگشتن به ایران و تجدید روزگار گذشته و عوض کردن تاریخ و به عقب بردن زمان باشند و بخواهند بر کشور ما مسلط بشوند، با هیچ وسیله ای نخواهند توانست ملت ما را به عقب نشینی وادار کنند؛ این را بدانند. و به این غائله هائی هم که بعد از انتخابات پیش آمد، دل خوش نکنند؛ جمهوری اسلامی قوی تر از این حرفهاست، عمیق تر از این حرفهاست، ریشه دارتر از این حرفهاست. جمهوری اسلامی با حوادث بسیار سخت تری هم مواجه شده، که بر همه ی اینها فائق آمده؛ حالا چهار نفر آدمهائی که یا ساده لوح - حالا هر چه و با هر انگیزه ای؛ قضاوت نکنیم - هستند، یا با نیت بد و خباثت آلود، یا با نیت نه آنچنان بد، اما همراه با ساده لوحی و بد فهمیدن قضایا، با جمهوری اسلامی مواجه شده اند، اینها نمیتوانند برای آمریکا در کشور ما فرش قرمز پهن کنند؛ این را بدانند: ملت ایران ایستاده است. (1)

ص: 206

## 5.2. شناخت جمهوری اسلامی و سخن تازه ای که در عرصه سیاسی جهان مطرح کرد

جمهوری اسلامی يك سخن تازه را به عرصه ی سیاست جهان آورد. این سخن تازه امروز و هنوز بعد از گذشت سی سال، در فرهنگ سیاسی دنیا يك سخن جدید و تازه و جذاب است. لذا می بینید ملتها نسبت به جمهوری اسلامی احساس اهتمام میکنند، احساس علاقه میکنند. وقتی انتخابات شما با شرکت هشتاد و پنج درصد مردم اتفاق می افتد، مردم در بخشهای مختلف، در کشورهای مختلف، علاقه مندان جمهوری اسلامی خوشحال میشوند، شعار میدهند و این را منتقل میکنند؛ ما از راه های مختلف آن را میفهمیم. وقتی دشمن برای اینکه این انتخابات را، این حضور عظیم را، این پیروزی بزرگ سیاسی را خراب بکند، به شایعه افکنی، به تهمت زنی، به ایجاد اغتشاش در گوشه ای از کشور دست میزند، می بینیم نگران شدند؛ ملتها نگران میشوند؛ در لبنان، در پاکستان، در افغانستان، در مناطق گوناگون، هر جا شیعه هست، هر جا مسلمان مخلصی هست، می بینیم از وضع کشور نگران میشوند. این نشان دهنده ی حضور زنده ی تفکر جمهوری اسلامی در دنیای اسلام است.

جمهوری اسلامی دو جزء دارد: جمهوری است، یعنی مردمی است؛ اسلامی است، یعنی بر پایه ی ارزشهای الهی و شریعت الهی است.

مردمی است، یعنی مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت میکنند؛ مردم برکنار نیستند. مردمی است، یعنی مسئولان نظام از مردم و نزدیک به مردم باشند، خوی اشرافیگری، خوی جدائی از مردم، خوی بی اعتنائی و تحقیر مردم در آنها نباشد. ملت ما قرنهای متمادی خوی اشرافیگری را، استبداد و دیکتاتوری را در حاکمان نابحق این کشور تجربه کرده و دوران جمهوری

اسلامی دیگر نمیتواند اینجور باشد. دوران جمهوری اسلامی یعنی دوران حاکمیت آن کسانی که از مردمند، با مردمند، منتخب مردمند، در کنار مردمند، رفتارشان شبیه رفتار مردم است. این، معنای مردمی است. مردمی است، یعنی باید به عقاید مردم، به حیثیت مردم، به هویت مردم، به شخصیت مردم، به کرامت مردم اهمیت گذاشته بشود. اینها مردمی است.

اسلامی است، یعنی همه ی آنچه که گفتیم، پشتوانه ی معنوی پیدا میکند. حکومتهای دموکراسی سکولار، بیگانه ی از دین، جدای از دین، و در مواردی ضد دین، میروند کنار. اسلامی است، یعنی مردم در کار دنیایشان هم که کار میکنند، تلاش میکنند، در واقع دارند کار خدائی میکنند. آن کسانی که برای جامعه کار میکنند، آن کسانی که برای استحکام نظام کار میکنند، آن کسانی که برای پیشبرد کلمه ی این نظام و این کشور و اعلا ی کلمه ی این نظام کار میکنند، برای خدا دارند کار میکنند. خدائی است. این خیلی ارزش دارد، این يك نسخه ی جدید است؛ این نسخه ی جدیدی است که دنیا این را بعد از زمان پیامبران و بعد از صدر اسلام تا امروز، دیگر ندیده. این، چیز کمی نیست. این، دشمن دارد. دیکتاتورهای عالم هم دشمن این نظامند؛ سلطه گران و متجاوزان به حقوق ملتها هم دشمن این نظامند؛ باید منتظر دشمنی بود. منتها این ملت نشان داده است که این دشمنی ها در ایستادگی او اثری ندارد. سی سال است دشمنها، دشمنی میکنند و ملت ایران ایستادگی میکند و نتیجه ی این چالش، پیشرفت شگفت انگیز ملت ایران شده و این پیشرفت بعد از این هم ادامه خواهد داشت. (1)

### 5.3. غافل نشدن از تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف

یکی از خطوط کاری اصلی دشمن، همین مسئله ی تفرقه است. مسئله ی

ص: 208

اتحاد ملت و کاری که برای ایجاد تفرقه دارد انجام میگیرد، بسیار مسئله ی مهمی است. ما نشانه های وحدت عمومی مردم را داریم می بینیم. شما نماز جمعه ها را در ماه رمضان دیدید، روز قدس را دیدید، نمازهای عید فطر را دیدید؛ چه عظمتی! انسان وقتی نگاه میکند - نه فقط در تهران، در مشهد، در اصفهان، در کرمان، در تبریز، در مناطق مختلف - منظره، منظره های بی نظیری است؛ اصلاً شاید در طول تاریخ اسلام، هرگز نماز عید فطر با این عظمت، با این شکوه های عجیب - در نقاط مختلف یک کشور، نه فقط در یک شهر - دیده نشده! ما امروز اینها را داریم؛ اینها همه نشانه ی وحدت است؛ نشانه ی همدلی مردم است؛ نشانه ی این است که یک مرکز مشترکی وجود دارد که مردم علی رغم اختلافات جزئی و فرعی ای که با هم دارند، در گرایش و انتماء به این اصل، متفق اند؛ دلشان متوجه این مرکز است؛ که این مرکز هم دین است، اصول اسلامی است، ارزشهای والا است، دین خداست. این، خیلی چیز مهمی است.

خوب، همه باید در مقابل این وحدت سر فرود بیاورند، وقتی این وحدت را می بینند. می بینیم که متأسفانه بعکس، بعضی دم از تفرق میزنند، از روی جهالت، غفلت؛ واقعاً محمول بر غفلت است این چیزها، بیش از آنچه که بر چیزهای دیگری انسان بخواهد اینها را حمل کند. این، مسئله ی مهمی است. مسئله ی ایجاد وحدت؛ وحدت مذهبی، وحدت قومی، وحدت سلائق سیاسی، اینها مهم است؛ باید سعی کرد. یکی از خطوط دشمن، ایجاد تفرقه است؛ هر چه بتوانند، در هر جا بتوانند، در هر سطحی که بتوانند؛ در سطوح مختلف؛ از مسئولین، غیر مسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه های روحانی، بین خود گروه های دانشگاهی، بین خود جمعیها و جمعیتهای واحدهای دیگر اجتماعی، و بین اینها با یکدیگر ایجاد اختلاف کنند، و بین مذاهب.

نمونه های فراوانش را دارید مشاهده میکنید که در جامعه هست. این يك مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است. (1)

#### 5.4. خط نکردن در شناخت دوست از دشمن

امروز بیشتر از همه چیز برای ما هوشیاری لازم است، شناخت دوست و دشمن لازم است. مبدا دوست را با دشمن اشتباه کنید؛ مبدا دوست و دشمن را مخلوط کنید؛ مبدا رفتاری که با دشمن باید داشت، با دوست انجام بدهید. این، خطاب به همه ی جناحهاست.

نظام اسلامی با اخلا-لگران در امنیت مردم طبعاً برخورد میکند. این، وظیفه ی نظام است. نظام اسلامی اجازه نمیدهد که کسانی دستخوش فریب و توطئه ی دشمن بشوند، زندگی مردم را خراب کنند، آسایش مردم را به هم بزنند، جوانهای مردم را تهدید کنند. فرزندان این کشور عزیزند؛ همه عزیزند. نظام این اجازه را نخواهد داد؛ اما این را هم باید همه توجه داشته باشند:

مبدا دشمن را با دوست اشتباه نکنیم. دوست را به خاطر يك خطا به جای دشمن بگیریم و از آن طرف يك عده ای هم دشمن خونی و معاند را دوست فرض کنند، به حرف او گوش کنند، توجه بدهند.

این فتنه هائی که دشمن بر پا کرده بود، امید بسته بود که شاید بتواند از این آب گل آلود ماهی بگیرد. بحمدالله این فتنه ها تمام شد. هر فتنه ای در مقابل حق، در مقابل ملت هوشیار از بین خواهد رفت؛ گرد و غبار فرو خواهد نشست. همیشه همین جور است.

حواشی ایجاد شده به وسیله ی يك عده دشمن، يك عده غافل، از بین میروند، متن قضیه باقی میماند. متن قضیه این است که در يك انتخابات

ص: 210

پرشکوه، تقریباً چهل میلیون نفر از ملت ایران شرکت کرده اند. این، متن قضیه است؛ این، حقیقت قضیه است. چهل میلیون، بعد از گذشت سی سال از انقلاب، اعتماد خود را به نظام، امیدواری خود را به آینده با این حضورشان نشان دادند. این، میماند. متن قضیه این است که رئیس جمهوری با بیش از بیست و چهار میلیون رأی مردم انتخاب شده است؛ اینها متن قضیه است. حواشی، گرد و غبارها، پیرایه ها، کارها و حرفهای دشمن شادکن تمام خواهد شد؛ اما این حقیقت میماند. «فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ» (1).

## 5.5. لحظه شناسی

مشکل برخی از افراد و مجموعه ها این است: بی ایمان نیستند، بی شوق و بی محبت هم نیستند؛ اما لحظه شناس نیستند. لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را نشناختند؛ عاشورا را نشناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تواین در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه ها و انجام کار در لحظه ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه ی عظمتی که دارد - که حالا- عرض خواهم کرد - يك کار متعارف است، يك کار روان شده است،

ص: 211

شناخته شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه ی تیر در سال 78، يك کار متعارف نبود، يك کار متوقع نبود؛ اهمیت داشت که این مجموعه بداند و بفهمد که این کار در آن شرائط، لازم است و آن را انجام بدهد. کار نهم دی ماه امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد.

الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبتهای مختلف که قله هائی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود.

## 5.6. پرهیز از افراط و تفریط

يك نکته هم خطاب به جوانان پرشور و انقلابی حوزه است، که متن حوزه غالباً همین جوانهای پرشور و طلاب انقلابی هستند. عزیزان من! آینده مال شماهاست، امید آینده ی کشور شماها هستید؛ باید خیلی مراقبت کنید. درست است که جوان طلبه ی انقلابی اهل عمل است، اهل فعالیت است، اهل تسویف و امروز به فردا انداختن کار نیست، اما باید مراقب باشد؛ نبادا حرکت انقلابی جوری باشد که بتوانند تهمت افراطی گری به او بزنند. از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوانهای انقلابی بدانند؛ همان طور که کناره گیری و سکوت و بی تفاوتی ضربه میزند، زیاده روی هم ضربه میزند؛ مراقب باشید زیاده روی نشود. اگر آن چیزی که گزارش شده است که به

بعضی از مقدسات حوزه، به بعضی از بزرگان حوزه، به بعضی از مراجع يك وقتى مثلاً اهانتى شده باشد، درست باشد، بدانید این قطعاً انحراف است، این خطاست. اقتضای انقلابیگری، اینها نیست. انقلابی باید بصیر باشد، باید بینا باشد، باید پیچیدگی های شرائط زمانه را درك کند. مسئله اینجور ساده نیست که یکی را رد کنیم، یکی را اثبات کنیم، یکی را قبول کنیم؛ اینجوری نمیشود. باید دقیق باشید، باید شور انقلابی را حفظ کنید، باید با مشکلات هم بسازید، باید از طعن و دق دیگران هم روگردان نشوید، اما باید خامی هم نکنید؛ مراقب باشید. مأیوس نشوید، در صحنه بمانید؛ اما دقت کنید و مواظب باشید رفتار بعضی از کسانی که به نظر شما جای اعتراض دارد، شما را عصبانی نکند، شما را از کوره در نبرد. رفتار منطقی و عقلانی يك چیز لازمی است. البته این را هم به همه توصیه کنیم که نیروهای انقلابی را متهم به افراطی گری نکنند؛ بعضی هم اینجوری دوست میدارند. عنصر انقلابی، جوان انقلابی، طلبه ی انقلابی، فاضل انقلابی، مدرس انقلابی در هر سطحی از سطوح را متهم کنند به افراطی گری؛ نه، این هم انحرافی است که به دست دشمن انجام میگیرد؛ واضح است. پس نه از آن طرف، نه از این طرف. (1)

## 6. نتیجه فقدان بصیرت

### 6.1. وارد شدن بلاهایی بر ملت ع ها و خطا بر اثر بی بصیرتی

بلاهایی که بر ملتها وارد میشود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است. خطاهائی که بعضی از افراد میکنند - می بینید در جامعه ی خودمان هم گاهی بعضی از عامه ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهائی میکنند. نخبگان

ص: 213



که حالا انتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کم‌تر باشد، کیفاً بیشتر از خطاهای عامه‌ی مردم است - بر اثر بی‌بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمی‌گوئیم همه اش. (1)

## 6.2. احتمال قدم گذاشتن در راه بد ولو با نیت خوب

اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب، گاهی در راه بد قدم می‌گذارد. شما در جبهه‌ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه میکنید می‌بینید در محاصره‌ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط میشود. این قطب نما همان بصیرت است. (2)

## 6.3. صحبت به نفع دشمن در عین نداشتن نیت بد

نقش نخبگان و خواص هم این است که این بصیرت را نه فقط در خودشان، در دیگران به وجود بیاورند. آدم گاهی می‌بیند که متأسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی‌بصیرتی اند؛ نمی‌فهمند؛ اصلاً ملتفت نیستند. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می‌پرانند؛ به نفع جبهه‌ی ای که همش نابودی بنای جمهوری اسلامی است به نحوی. نخبه هم هستند، خواص هم هستند، آدمهای بدی هم نیستند، نیت بدی هم ندارند؛ اما این است دیگر. بی‌بصیرتی است دیگر. این بی‌بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمی‌خواهم - از بین ببرید. کسانی

ص: 214

---

1- .بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر 88/5/5

2- .بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر 88/7/15

هستند که میتوانند با استدلال، آدم راقانع کنند؛ ذهن انسان راقانع کنند. (1)

## 7. الزامات کسب بصیرت

### 7.1. حفظ هوشیاری بیش از پیش

بعضی از سردمداران دنیا - از آمریکائی گرفته تا بعضی از کشورهای اروپائی - همه ی مشکلاتشان تمام شده، مشکل ایران برای اینها باقی مانده است! در يك مسئله ی داخلی مردمی صددرصد مرتبط به ملت ایران، چانه تکان میدهند و اظهارنظرهای سخیف میکنند؛ غافل از اینکه هر جا آنها پا گذاشتند از مواضع سیاسی، از نظر ملت ایران آنجا نجس خواهد شد.

جانبداری های آنها درست بعکس نتیجه میدهد. مردم از خودشان میپرسند چه چیزی موجب شده است که این دشمنانی که سی سال است علیه انقلاب اسلامی دارند تلاش میکنند و از همه ی ابزارها و امکاناتشان علیه این کشور و علیه این ملت استفاده کردند، حالا شده اند دلسوز؟! مردم توطئه را میفهمند؛ مردم ما خباثت را درك میکنند. مشکل آنها هم همین است. اگر با يك ملت بیهوش بی حواسی مواجه بودند، مشکلی نداشتند؛ اما با يك ملت هوشیار مواجه اند، با يك ملت مجرب مواجه اند.

تجربه های سی ساله ی ما، ملت را آگاه کرده است. اینها میدانند. اینها همان دولتها و حکومتهایی هستند که هشت سال در دوران دفاع مقدس که علیه این ملت جنایت شد، شهرها بمباران شد، خانه ها ویران شد، بمبهای شیمیائی زدند، انسانهای بی گناه را کشتند، نه فقط دلشان برای ملت ایران نسوخت، بلکه به دشمن ملت ایران کمک هم کردند. مردم ما این را دیده اند. اینها که فراموش شدند نیست. حالا شده اند دلسوز! مردم رفتار اینها را با

ص: 215

ملتهای مظلومی که پنجه ی اینها در آنها جاگیر شده است، می بینند؛ مثل ملت افغانستان، مثل ملت عراق، مثل پاکستان، مثل ملت فلسطین. هر جا اینها پنجه شان جاگیر شد، ناخشان بند شد، هرچه توانستند، ضربه زدند. اینها به مردم رحم نمیکنند؛ مردم دوستی، دور از جناب آنهاست. حالا نسبت به ملت ایران، نسبت به کسی یا کسانی در داخل کشور، طرفدار شده اند!

خب معلوم است که این غرض و مرض آنها از این کارها چیست. این را مردم میفهمند. شما اگر متحد باشید، شما اگر با هم باشید، شما اگر این روحیه ی استحکامی را که انقلاب به ملت ما داد و در طول این سی سال ملت ما آن را حفظ کرده است، نگه دارید، «لَا يَصُدُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً»؛ هرگز دشمنی آنها به شما اثری نخواهد کرد، و آنها نخواهند توانست به ملت ایران آسیبی وارد کنند. (1)

نخبگان ما هوشیار باشند. نخبگان بدانند هر حرفی، هر اقدامی، هر تحلیلی که به آنها کمک بکند، این حرکت در مسیر خلاف ملت است. همه ی ما خیلی باید مراقب باشیم؛ خیلی باید مراقب باشیم: مراقب حرف زدن، مراقب موضع گیری کردن، مراقب گفتن ها، مراقب نگفتن ها. يك چیزهائی را باید گفت؛ اگر نگفتیم، به آن وظیفه عمل نکرده ایم. يك چیزهائی را باید بر زبان نیاورد، باید نگفت؛ اگر گفتیم، برخلاف وظیفه عمل کرده ایم. نخبگان سر جلسه ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما يك سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت می کند، معیار و ملاک قرار دهیم. (2)

ص: 216

---

1- . بیانات در دیدار قوه قضاییه 88/4/7

2- . بیانات در سالروز عید سعید مبعث 88/4/29

دانشگاه باید بهوش باشد. دانشجوی مؤمن و مسلمان و دانشجویی که به کشورش علاقه مند است و دانشجویی که به آینده ی کشور و آینده ی نسل خودش دلبسته است، باید هوشیار باشد. بدانید اینها دارند طراحی میکنند؛ البته شکست میخورند. من الان به شما عرض میکنم، اینها در نهایت شکست میخورند؛ اما درجه ی بیداری و هوشیاری من و شما میتواند در میزان خسارت و ضرری که وارد میکنند، تأثیر بگذارد. اگر هوشیار باشیم، نمیتوانند صدمه و ضرری بزنند. اگر غفلت کنیم، احساساتی بشویم، بی تدبیر عمل کنیم، یا خواب بمانیم و اینجور عوارض به سراغمان بیاید، ضرر و زیان و هزینه بالا خواهد بود؛ ولو در نهایت موفق نخواهند شد.

مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاه های ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما، حفظ حرکت علمی در دانشگاه هاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که دانشگاه ما يك مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان يك نقطه ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید. (1)

باید بصیر بود؛ باید آگاه بود؛ باید هوشیار بود. ملتها در مسیر خودشان، در موارد حساس باید بفهمند دشمن دارد چه کار میکند. وقتی می بینند از عهده ی يك ملت با برخورد نظامی برنمی آیند، با برخوردهای تهدیدآمیز و ارعاب آمیز برنمی آیند، آن وقت شروع میکنند از طرق دیگر اخلال کردن؛ این

ص: 217

را بفهمیم. ایجاد اختلاف، ایجاد دشمنی، بهانه جوئی.

امروز تبلیغات استکبار جهانی از جمله ی چیزهائی که بر آن تمرکز میکند، همین وجود اختلافات در داخل کشور است. يك عده ای پیش خدا باید جواب بدهند؛ پیش خدا جواب بدهند که کاری بکنند که دشمن از او برداشت تفرق بکند در داخل کشور و جری بشود. مسئله این است که دشمن را بشناسیم؛ ترفند دشمن را بفهمیم؛ بدانیم که چه داریم میگوئیم و دشمن چگونه ممکن است از هر کلمه ی ما استفاده بکند و جری بشود، تشویق بشود، روحیه پیدا کند و راه ها را برای دخالت خود، نفوذ خود، باز کند؛ اینها چیزهائی است که باید توجه داشت. (1)

## 7.2. شجاعت در فهم و ترسیدن از اهل فتنه

### 7.2.1. اختلال در فهم انسان در صورت وجود ترس

ما نه فقط در عمل احتیاج به شجاعت داریم، در فهم هم احتیاج به شجاعت داریم. در فهم فقیهانه، احتیاج به شجاعت هست؛ اگر شجاعت نبود، حتی در فهم هم خلل به وجود خواهد آمد. درك روشن از کُبریات و صُغریات؛ گاهی انسان کُبریات را درست میفهمد، در صُغریات اشتباه میکند. این درك صحیح از مبانی دین و از موضوعات دینی و از موضوعات خارجی منطبق با آن مفاهیم کلی و عمومی یعنی کُبریات و صُغریات احتیاج دارد به اینکه ما شجاعت داشته باشیم، ترس نداشته باشیم؛ وَاَلَا ترس از مالمان، ترس از جانمان، ترس از آبرویمان، انفعال در مقابل دشمن، ترس از جوّ، ترس از فضا؛ اگر این حرف را بزنی، علیه ما خواهند بود؛ اگر این حرف را بزنی، فلان لکه را به ما خواهند چسباند؛ این ترسها فهم انسان را هم مختل

ص: 218

میکنند. گاهی انسان به خاطر این ترسها، به خاطر این ملاحظات، صورت مسئله را درست نمیفهمد؛ نمیتواند مسئله را درست درک بکند و حل بکند؛ موجب اشتباه خواهد شد. لذا «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ» خیلی مهم است؛ در این آیه ی شریفه ی «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا» معلوم میشود شرط بلاغ و ابلاغ و تبلیغ، همین عدم خشیت است که: «وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ». میگوئی: آقا! اگر این کار را بکنم، ممکن است در دنیا سرم کلاه برود. خوب، «وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. (1)

## 7.2.2. ضرورت تقوا و نرسیدن از اهل فتنه

«وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»؛ محاسبه را به خدا واگذار کنید و بگذارید خدا برایتان محاسبه کند. اگر پروای قضاوتهای مردم، داوریهایی گوناگون مردم را به جای پروای از خدا گذاشتیم، مشکل درست خواهد شد؛ چون پروای از خدای متعال تقواست. اگر این را کنار گذاشتیم و ترس مردم جایگزین شد، آنوقت فرقانی هم که خدای متعال گفته، پیدا نخواهد شد؛ «إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا»؛ این فرقان ناشی از تقواست؛ روشن شدن حقیقت برای انسان، دستاورد تقواست. و به نظر من این مسئله خیلی مهم است؛ مسئله ی خشیت از مال و جان و حرف مردم و آبرو و زمزمه ها و حرفها و حدیثها و تهمتها و اینها، خیلی مهم است؛ اینقدر این مسئله مهم است که خدای متعال به پیغمبرش خطاب میکند و او را برحذر میدارد: «وَإِذْ نَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ»؛ ملاحظه ی حرف مردم،

ص: 219

ملاحظه ی این تهمت که خواهند زد، ملاحظه ی چیزی را که خواهند کرد، نباید کرد؛ «وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ» (1).

### 7.2.3. شجاعت امام خمینی (ره) و ملاحظه کار نبودن او

به نظر من یکی از چیزهایی که فتوحات گوناگون امام را ارزانی آن بزرگوار داشت، همین شجاعت او بود، که فتوحات علمی، فتوحات معنوی، فتوحات سیاسی، فتوحات اجتماعی، این مجذوب شدن دلها به آن بزرگوار را - که واقعاً چیز عجیبی بود - به وجود آورد. و شجاعت آن بزرگوار این بود که ملاحظه ی هیچ چیزی را نمیکرد. (2)

### 7.2.4. تلاش اهل فتنه و دشمن برای نشان دادن ترس خود در دل نخبگان

بالاخره اهل فتنه مایلند که خشیت خودشان را، خوف از خودشان را در دل نخبگان و خواص، به جای خشیت از خدا بنشانند؛ یعنی مایلند که از آنها ترسیده بشود؛ «الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّخِذُوا لَهُمْ إِيْمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». یعنی اینکه دائماً دارند به ما میگویند: آقا! «إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَاتَّخِذُوا لَهُمْ»، جوابش همین است: «وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ». نتیجه اش هم این است: «فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ». نتیجه ی این احساس، این درک، این حقیقت روحی و معنوی همین است که: «فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسَّ لَهُمْ سُوءٌ». بنابراین، بایستی این شجاعت را داشت. دشمن انواع و اقسام کار را میکند؛ انواع و اقسام فعالیت را میکند؛ عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه های دشمن،

ص: 220

---

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان 88/7/2

2- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان 88/7/2

خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می نشینند طراحی میکنند تا ذهن خواص را عوض کنند؛ برای اینکه بتوانند مردم را بکشاند؛ چون خواص تأثیر میگذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند. به نظر من یکی از وظائف اصلی امروز ما و شما، همین است: ما بصیرت خودمان را در مسائل گوناگون تقویت کنیم و بتوانیم ان شاءالله بصیرت مخاطبان و مستمعان خودمان را هم زیاد بکنیم.

و انقلاب اسلامی، خیلی ریشه دار است؛ خیلی قوی است؛ خیلی ارکان مستحکمی دارد؛ و خدای متعال هم پشتیبان ماست؛ همین طور که من بارها از قول امام (رضوان الله علیه) نقل کرده ام که فرمودند: من از اولی که وارد این قضیه شدیم، دیدم - یا احساس کردم - يك دست قدرتی دارد کارها را پیش میبرد. حقیقتاً همین جور است؛ و این را ایشان به من فرمودند. انسان این دست قدرت الهی را می بیند. البته این دست قدرت الهی، قوم و خویشی ای با ما ندارد - «من كان لله كان الله له»، «إِنْ تَنْصَرُوا لِلَّهِ يَنْصَرْكُمْ»، «وَلَيَنْصَرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصَرُهُ» - باید در خدمت این راه باشیم؛ خالصانه؛ آنچه که داریم، بیاوریم میدان و برای این راه تقدیم کنیم؛ تلاشمان و کارمان را برای این راه تقدیم کنیم. خدای متعال هم تفضل خواهد کرد؛ لطف خواهد کرد؛ امروز هم همین کار شده و خدای متعال تفضل کرده و سنگ دشمن به سوی خودش برگشته؛ تیرش کمانه کرده به طرف خودش؛ و نتوانستند از توطئه ای که کردند، طرفی ببندند.

قطعاً این بلوهای بعد از انتخابات، به نظر آدمهای خبره و آگاه، برنامه ریزی شده بود. یعنی انسان با هر کسی از انسانهای فهیم که با مسائل کشور و با مسائل جهانی آشنا هستند، در میان میگذارد، میفهمد. پریروز من به ایشان همین را عرض کردم؛ گفتم اینها برنامه ریزی شده بود. ایشان گفتند: قطعاً.



یعنی همه این را میفهمند که این کار برنامه ریزی شده بوده و این يك كار دفعی نبود که بخواهیم بگوئیم يك چیزی پیش آمده. مثلاً دفعتاً کسی بلند شد حرفی زد؛ نه، این کار برنامه ریزی شده بود؛ از يك مرکزی هدایت میشد. خوب، شکست خوردند دیگر؛ ان شاء الله این شکست شان ادامه هم پیدا خواهد کرد. منتها دائم دارند توطئه میکنند. (1)

### 7.2.5. کنار کشیدن به هنگام فتنه

این را هم عرض بکنیم؛ بعضی ها در فضای فتنه، این جمله ی «كن فى الفتنة كابن اللبون لا ظهر فيركب ولا ضرع فيحلب» را بد میفهمند و خیال میکنند معنایش این است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فيركب ولا ضرع فيحلب»؛ نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود. در جنگ صفین ما از آن طرف عمار را داریم که جناب عمار یاسر دائم - آثار صفین را نگاه کنید - مشغول سخنرانی است؛ این طرف لشکر، آن طرف لشکر، با گروه های مختلف؛ چون آنجا واقعاً فتنه بود دیگر؛ دو گروه مسلمان در مقابل هم قرار گرفتند؛ فتنه ی عظیمی بود؛ يك عده ای مشتبه بودند. عمار دائم مشغول روشنگری بود؛ این طرف میرفت، آن طرف میرفت، برای گروه های مختلف سخنرانی میکرد - که اینها ضبط شده و همه در تاریخ هست - از آن طرف هم آن عده ای که «نفر من اصحاب عبد الله بن مسعود...» هستند، در روایت دارد که آمدند خدمت حضرت و گفتند: «یا امیرالمؤمنین - یعنی قبول هم داشتند که امیرالمؤمنین است - انا قد شكنا

ص: 222

فی هذا القتال» ما شك کردیم. ما را به مرزها بفرست که در این قتال داخل نباشیم! خوب، این کنار کشیدن، خودش همان ضرعی است که یُحلب؛ همان ظهری است که یُرکب! گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشننگری کنند؛ همه بایستی بصیرت داشته باشند. امیدواریم ان شاءالله خدای متعال ما را و شما را به آنچه میگوئیم، به آنچه نیت داریم، عامل کند؛ موفق کند. (1)

### 7.3. توکل، اعتماد و حسن ظن به خدای متعال

بدانید پیروزی با شماسست، نصرت الهی با شماسست. همین ابرقدرتهای تهدیدکننده - حالا دنباله های داخلی شان که جای خود دارند - و مراکز قدرت استکباری و تهدیدها، چاره ای جز عقب نشینی در مقابل يك ملت مقتدر و باایمان ندارند. به خدای متعال اعتماد داشته باشید، حسن ظن داشته باشید. اینی که خدا با تأکید میفرماید: «وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»؛ بی شك، بدون تردید خدای متعال آن کسانی را که دین او را و اهداف او را یاری کنند، یاری خواهد کرد، این سخن راستی است، این وعده ی صادقی است. به این اعتماد کنید. با اقتدار، با عزم کافی، با تهذیب نفس، با خودسازی - هم خودسازی علمی و هم خودسازی اخلاقی - پیش بروید. (2)

### 7.4. تلاش برای افزایش آگاهی

بی بصیرتی را بخصوص شما جوانها با خواندن آثار خوب، با تأمل، با گفتگو با انسانهای مورد اعتماد و پخته، نه گفتگوی تقلیدی - که هر چه گفت، شما قبول کنید. نه، این را من نمیخواهم - از بین ببرید. کسانی هستند

ص: 223

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان - 88/7/2

2- . بیانات در دیدار دانش آموزان در آستانه 13 آبان 88/8/12

که میتوانند با استدلال، آدم را قانع کنند؛ ذهن انسان را قانع کنند. (1)

### 7.5. تلاش و مجاهدت

وظیفه خیلی سنگین است، خیلی بزرگ است. مهمترین وظیفه هم تبلیغ و تبیین است، «الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ»؛ این يك معیار است؛ حقیقتی را که درك میکنید، آن را تبیین کنید. کسی انتظار ندارد برخلاف آنچه که میفهمید حرف بزنید. نه، آنچه را که میفهمید، بگوئید. البته برای اینکه آنچه میفهمید درست و صواب باشد، باید تلاش و مجاهدت کنید؛ چون در حوادث فتنه گون، شناخت عرصه دشوار است، شناخت اطراف قصه دشوار است، شناخت مهاجم و مدافع دشوار است، شناخت ظالم و مظلوم دشوار است، شناخت دشمن و دوست دشوار است. (2)

### 7.6. شاخص قرار دادن عقل و خرد

نخبگان سر جلسه ی امتحانند؛ امتحان عظیمی است. در این امتحان، مردود شدن، رفوزه شدن، فقط این نیست که ما يك سال عقب بیفتیم؛ سقوط است. اگر بخواهیم به این معنا دچار نشویم، راهش این است که خرد را، که انسان را به عبودیت دعوت میکند، معیار و ملاك قرار بدهیم؛ شاخص قرار بدهیم.

عقل، این سیاسی بازی ها و سیاسی کاری های متعارف نیست؛ اینها خلاف عقل است. «العقل ما عبد به الرّحمن و اكتسب به الجنان»؛ عقل این است که

ص: 224

---

1- .بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر 88/5/21

2- .بیانات در دیدار جمعی از شعرا 88/6/14

انسان را به راه راست هدایت میکند. اشتباه میکنند آن کسانی که خیال میکنند با سیاسی کاری، عقلانی عمل میکنند؛ نه، عقل آن چیزی است که راه عبادت خدا را هموار میکند. شاخصش هم برای ما، بین خودمان و خدا، این است که نگاه کنیم بینیم در بیان این حرف اخلاص داریم یا نه؟ به فکر خدائیم یا نه؟ من دارم برای خاطر خدا، رضای خدا حرف میزنم یا برای خاطر جلب توجه شما دارم حرف میزنم؟ برای خاطر خداست یا برای خاطر دل مستمع و غیر مستمع است؟ معیارش این است. به خودمان مراجعه کنیم؛ اقصی القضاة نسبت به انسان، خود انسان است. خودمان را فریب ندهیم؛ بفهمیم چه کار میکنیم؛ بفهمیم چه میگوئیم؛ چه حرکتی میکنیم. (1)

## 7.7. لحظه شناسی

مشکل برخی از افراد و مجموعه ها این است: بی ایمان نیستند، بی شوق و بی محبت هم نیستند؛ اما لحظه شناس نیستند. لحظه را باید شناخت، نیاز را باید دانست. فرض بفرمائید کسانی در کوفه دلهاشان پر از ایمان به امام حسین بود، به اهل بیت محبت هم داشتند، اما چند ماه دیرتر وارد میدان شدند؛ همه شان هم به شهادت رسیدند، پیش خدا هم مأجورند؛ اما کاری که باید بکنند، آن کاری نبود که آنها کردند؛ لحظه را نشناختند؛ عاشورا را نشناختند؛ در زمان، آن کار را انجام ندادند. اگر کاری که تو این در مدتی بعد از عاشورا انجام دادند، در هنگام ورود جناب مسلم به کوفه انجام میدادند، اوضاع عوض میشد؛ ممکن بود حوادث، جور دیگری حرکت بکند. شناسائی لحظه ها و انجام کار در لحظه ی نیاز، خیلی چیز مهمی است.

آخری اش همین نهم دی است؛ قبلش - ده سال قبل از این - 23 تیر

ص: 225

است. آن روز هم نیاز لحظه ها بود؛ این يك کار متعارف و معمولی نبود. راهپیمائی مردم در بیست و دوی بهمن با همه ی عظمتی که دارد يك کار متعارف است، يك کار روان شده است، شناخته شده است، متوقع است که انجام بگیرد و انجام میگیرد؛ اما بیست و سه ی تیر در سال 78، يك کار متعارف نبود، يك کار متوقع نبود.

کار نهم دی ماه امسال هم همین جور بود. شناختن موقعیت، فهمیدن نیاز، حضور در لحظه ی مناسب و مورد نیاز؛ این اساس کار است که مؤمن باید این را هم با خود همراه داشته باشد تا بتواند وجودش مؤثر بشود؛ آن کاری را که باید انجام بدهد، بتواند انجام بدهد. خوب، الحمدلله شورای هماهنگی تبلیغات این خصوصیت را داشته است، نشان داده است؛ هم در دهه ی اول، در اوضاع و احوال گوناگون آن دهه - در دوران دفاع مقدس، قبل از دفاع مقدس، بعد از دوران دفاع مقدس - هم بعد از رحلت امام در مناسبتهای مختلف که قله هائی را در تاریخ ما به وجود آورد. یکی از این قله های فراموش نشدنی، همین نهم دی امسال بود. (1)

### **7.8. برنامه ریزی بلند مدت برای بصیرت یافتن**

جبهه ی دشمن برنامه ی بلندمدت دارد. آنها مأیوس نمیشوند که ببینند حالا امروز شکست خوردند، دست بردارند؛ نه، طراحی میکنند برای ده سال دیگر، بیست سال دیگر، چهل سال دیگر. باید آماده باشید.

ما باید برنامه ریزی بلندمدت داشته باشیم. البته این برنامه ی بلندمدت جای طرحش اینجا نیست - مراکز فکر، کانونهای فکر، مراکز سیاسی و فرهنگی دنبال این حرفها هستند و این کارها را باید بکنند و میکنند هم - آن

ص: 226

چیزی که من در مجموعه میتوانم عرض کنم، این است که يك زمينه ی اساسی برای برنامه ریزی های بلندمدت هست که این را من بارها تذکر دادم، اینجا هم لازم میدانم يك قدری درباره اش بیشتر صحبت کنم و آن، مسئله ی بصیرت یافتن است.

در باب بصیرت، بنده در سال اخیر و قبل از آن خیلی صحبت کردم؛ دیگران هم مسائل زیادی گفتند؛ دیدم بعضی از جوانها هم کارهای خوبی در این زمینه انجام دادند. من میخواهم روی مسئله ی بصیرت باز هم تأکید کنم. این تأکید من در واقع با این انگیزه است که شما که خودتان مخاطبید، خودتان میداندارید، کار بر دوش شماست، بروید سراغ کارها و برنامه ریزی هائی که با بصیرت یافتن ارتباط دارد؛ این نیاز مهم را تأمین کنید. (1)

### **8. معیار؛ توجه به خشمگینی و شغف دشمنان**

امروز در مقابل نظام جمهوری اسلامی که فعلاً قله ی اسلام طلبی در دنیای اسلام است، صفوفی قرار گرفته اند؛ استکبار جهانی در قلب آن صفوف است؛ صهیونیست در قلب آن صفوف است. اینها به طور صریح، دشمنان خونی اسلامند، پس دشمنان خونی جمهوری اسلامی اند. این شد يك معیار. اگر حرکتی کردیم، کاری کردیم که به نفع این دشمن انجام گرفت، باید بدانیم اگر غافلیم، هوشیار بشویم، بدانیم که داریم راه غلط میرویم. اگر حرکتی کردیم که دیدیم این دشمن

ص: 227

را خشمگین میکند، بدانیم که راهمان راه درست است. دشمن از پیشرفت ملت ایران خشمگین میشود، از موفقیت‌های شما خشمگین میشود، از استحکام نظام اسلامی خشمگین میشود. شما ببینید از کدامیک از کارهای ما دشمن خشمگین میشود؛ آن چیزی که دشمن را خشمگین میکند، این همان خط درست است. آن چیزی که دشمن را مشعوف میکند، ذوق زده میکند، سعی میکند بر روی او هی تکیه کند؛ در تبلیغات، در سیاست و رزی، این آن خط کج است؛ این همان زاویه داری است. این معیارها را در نظر داشته باشید. این معیارها حقایق را روشن خواهد کرد. در بسیاری از موارد آن جایی که اشتباهی پیش می‌آید، با این معیارها میشود آن اشتباه را برطرف کرد. (1)

## 9. وظیفه خواص؛ فهم و تبیین حقایق و ایجاد بصیرت در خود و دیگران

یکی از کارهای مهم نخبگان و خواص، تبیین است؛ حقائق را بدون تعصب روشن کنند؛ بدون حاکمیت تعلقات جناحی و گروهی و بر دل آن گوینده. اینها مضر است. جناح و اینها را باید کنار گذاشت، باید حقیقت را فهمید. در جنگ صفین یکی از کارهای مهم جناب عمار یاسر تبیین حقیقت بود. چون آن جناح مقابل که جناح معاویه بود، تبلیغات گوناگونی داشتند. همین‌ی که حالا امروز به آن جنگ روانی میگویند، این جزو اختراعات جدید نیست، شیوه هاش فرق کرده؛ این از اول بوده. خیلی هم ماهر بودند در این جنگ روانی؛ خیلی. آدم نگاه میکند کارهایشان را، می‌بیند که در جنگ روانی ماهر بودند. تخریب ذهن هم آسانتر از تعمیر ذهن است. وقتی به شما چیزی بگویند، سوءظنی يك جا پیدا کنید، وارد شدن سوء ظن به ذهن آسان است، پاک کردنش از ذهن سخت است. لذا آنها شبهه افکنی میکردند، سوء ظن را وارد میکردند؛ کار آسانی بود. این کسی که از این طرف، خودش را موظف

ص: 228

دانسته بود که در مقابل این جنگ روانی بایستد و مقاومت کند، جناب عمار یاسر بود، که در قضایای جنگ صفین دارد که با اسب از این طرف جبهه، به آن طرف جبهه و صفوف خودی میرفت و همین طور این گروه هائی را که - به تعبیر امروز، گردانها یا تیپهای جدا جدای از هم - بودند، به هر کدام میرسید، در مقابل آنها می ایستاد و مبالغی برای آنها صحبت میکرد؛ حقائق را برای آنها روشن میکرد و تأثیر میگذاشت. يك جا میدید اختلاف پیدا شده، يك عده ای دچار تردید شدند، بگو مگو توی آنها هست، خودش را بسرعت آنجا میرساند و برایشان حرف میزد، صحبت میکرد، تبیین میکرد؛ این گره ها را باز میکرد. (1)

ص: 229

---

1- . بیانات در جمع اعضای سپاه ولی امر 88/5/21





### 1. جنگ نرم؛ دارای خطری برابر با جنگ نظامی

ما باید جوانب این توطئه را بروشنی بشناسیم و بشناسانیم؛ وظیفه‌ی ما این است. امروز جنگ نظامی با ما خیلی محتمل نیست - نمیگوئیم بکلی منتفی است، اما خیلی محتمل نیست - لکن جنگی که وجود دارد، از جنگ نظامی اگر خطرش بیشتر نباشد، کمتر نیست؛ اگر احتیاط بیشتری نخواهد، کمتر نمیخواهد. در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می‌آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه‌ها و ارکان اساسی يك نظام و يك کشور؛ دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف

تبدیل کند؛ فرصتهای يك نظام را به تهدید تبدیل کند. (1)

## 2. منشأ جنگ نرم؛ شکست دشمن در مواجهه سخت با نظام و عمیق و پیچیده شدن ریشه های نظام اسلامی

این قدرت [ایران] با همه ی خواسته های استکباری و دستگاه های کمپانی ها و شبکه های عظیم اقتصادی مفسد فی الارض مخالف است؛ با نظام سلطه مخالف است، با سلطه گری مخالف است، با ظلم مخالف است؛ خوب، این خیلی برای دستگاه استکبار مهم است. دستگاه استکبار فقط ایالات متحده ی آمریکا نیست، یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپائی نیست؛ دستگاه استکبار يك شبکه ی عظیم تری است که شامل اینهاست؛ شبکه ی صهیونیستی هست، شبکه ی تجار اساسی بین المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست؛ اینها هستند که مسائل سیاسی دنیا را دارند طراحی میکنند؛ دولتها را اینها می آورند، اینها میبرند. این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت های اروپائی هستند، خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه ی خودمان هستند، با يك چنین قدرتِ روبه رشدِ روبه اعتلای در حال قدکشی بشدت مخالفند؛ بنابراین هر چه بتوانند، در مقابله ی او کار میکنند. (2)

معارضه ی با نظام، يك سابقه ی سی ساله در این انقلاب دارد؛ چیز جدیدی نیست. اشکال معارضه گوناگون بوده است، اما همیشه بوده است؛ شدتاً، ضعیفاً، متناسب با وضعیت ما در داخل بوده. هر جا احساس کردند و هر وقت احساس کردند میتوانند حضور قوی تری پیدا کنند، ضربه ای را

ص: 232

---

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 88/7/2

2- . بیانات در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی 88/6/4

که میتوانستند - به خیال خود - وارد کردند. و انقلاب هم در طول این سی سال در مقابل این ضربات ایستاده است؛ نه فقط ضعیف نشده، بلکه روز به روز بحمدالله کشور و نظام جمهوری اسلامی قوی تر هم شده. منتها يك نکته وجود دارد و او این است که هر چه ما در نظام جمهوری اسلامی، توانستیم ریشه ی خودمان را عمیق تر کنیم و بیشتر برویم و کارهایمان را پیچیده تر بکنیم، توطئه ی دشمن هم پیچیده تر شده است؛ این را باید توجه داشت. (1)

### 3. معنای جنگ نرم

همیشه هشیاری نسبت به همه ی جوانب باشد. اما این، اولویت استکبار در مواجهه ی با نظام اسلامی نیست. اولویت، آن چیزی است که امروز به آن میگویند جنگ نرم؛ یعنی جنگ به وسیله ی ابزارهای فرهنگی، به وسیله ی نفوذ، به وسیله ی دروغ، به وسیله ی شایعه پراکنی؛ با ابزارهای پیشرفته ای که امروز وجود دارد، ابزارهای ارتباطی ای که ده سال قبل و پانزده سال قبل و سی سال قبل نبود، امروز گسترش پیدا کرده. جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دلها و ذهنهای مردم. (2)

دشمن، «من نام لم ینم عنه»؛ بیدار است؛ خبرهایی که از مراکز حساس سیاسی و امنیتی دنیا به دست ما میرسد، نشان میدهد که دستگاه های عظیمی، گسترده ای، با بودجه های کلانی، به طور دائم متوجه به نظام جمهوری اسلامی هستند؛ با انگیزه هائی که دارند، که گفته شده است و معلوم است برای ما و شما. دارند کار میکنند؛ هر روز طرحی را به میدان می آورند و هر روز عرصه ی جدیدی را در مقابل جمهوری اسلامی می آریند... این

ص: 233

---

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 88/7/2

2- . بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور 88/9/4

کارهائی است که دارند میکنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارند میکنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. (1)

#### 4. هدف دشمن از جنگ نرم

در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می آید، مراکز مرزی ما را سعی میکند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته میشود در دنیا، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم کند؛ به سراغ ایمانها، معرفتها، عزمها، پایه ها و ارکان اساسی يك نظام و يك کشور؛ دشمن به سراغ اینها می آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف تبدیل کند؛ فرصتهای يك نظام را به تهدید تبدیل کند. (2)

#### 5. خطوط اصلی در جنگ نرم

##### 5.1. غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور

امروز کار عمده ی دشمن در جنگ نرم، غبارپراکنی در فضای سیاسی کشور است؛ این را توجه داشته باشید. امروز مهمترین کار دشمن این است. افرادی که در کار سیاسی و مسئله ی سیاسی واردند و مطلعند، میدانند امروز قدرت ابرقدرتها بیش از آنچه که در بمب هسته ای شان باشد، در ثروتهای انباشته ی در بانکهاشان باشد، در قدرت تبلیغاتی آنهاست، در صدای بلند آنهاست که به همه جا میرسد. شیوه های تبلیغاتی را هم خوب بلدند. در کار

ص: 234

---

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 88/7/2

2- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 88/7/2

تبلیغات انصافاً پیشرفت هم کرده اند. امروز غربی ها - چه در اروپا، چه در آمریکا - در کار تبلیغات، شیوه های مدرن و بسیار پیشرفته ای را یاد گرفته اند و بلد شده اند؛ ما در این جهت عقبیم. یکی از اساسی ترین کارهای آنها این است که تبلیغ کردن را بلدند. با این شیوه های تبلیغی، با جنجال، با فرستادن انبوه حرفهای خلاف واقع، سعی میکنند فضای جوامع را دگرگون کنند و تأثیر بگذارند؛ باید به این نکته توجه داشت، باید این را مراقب بود. امروز وظیفه ی جوانهای ما از این جهت سنگین است. نه فقط خودتان باید حقیقت را تشخیص دهید، بلکه باید فضا و محیط پیرامونی خودتان را هم با بصیرت کنید و برای آنها هم قضایا را روشن کنید.

یک نکته ی اساسی این است که باطل در مقابل انسان همیشه عریان ظاهر نمیشود تا انسان بشناسد که این باطل است؛ غالباً باطل با لباس حق یا با بخشی از حق وارد میدان میشود. امیرالمؤمنین فرمود: «انّما بدء وقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تتبدع یخالف فیها کتاب الله»، بعد تا میرسد به اینجا: «فلو انّ الباطل خلص من مزاج الحقّ لم یخف علی المرتدین و لو انّ الحقّ خلص من لبس الباطل انقطعت عنه السن المعاندین»؛ اگر باطل و حق صریح و بی شائبه وسط میدان بیایند، اختلافی باقی نمیماند؛ همه حق را دوست دارند، همه از باطل بدشان می آید؛ «و لیکن یؤخذ من هذا ضغث و من ذاك ضغث فیمزجان فحینئذ یشتبہ الحقّ علی اولیائه». بخشی از حق را با بخشی از باطل مخلوط میکنند، نمیگذارند صیرف باطل و صریح باطل باشد؛ لذا مخاطبان دچار اشتباه میشوند؛ این را باید خیلی مراقبت کرد. امروز در تبلیغات جهانی، همه ی تکیه بر روی این است که حقایق را در کشور شما، در جامعه ی شما، در نظام اسلامی شما دگرگون جلوه دهند؛ امکانات تبلیغاتی شان هم فراوان است، به طور دائم هم مشغولند. البته افرادی هم هستند که بعضی دانسته،

بعضی ندانسته، در داخل، همان حرفها را تکرار میکنند و همانها را بازتاب میدهند. (1)

## 5.2. اختلاف و تفرقه در جامعه

یکی از ابزارها در جنگ نرم این است که مردم را در يك جامعه نسبت به یکدیگر بدبین کنند، بددل کنند، اختلاف ایجاد کنند؛ يك بهانه ای پیدا کنند، با این بهانه بین مردم ایجاد اختلاف کنند؛ مثل همین قضایای بعد از انتخابات امسال که دیدید يك بهانه ای درست کردند، بین مردم ایجاد اختلافی کردند. خوشبختانه مردم ما با بصیرتند. اینجور کاری در کشورهای دیگر اوضاع کشور را بکلی عوض کرد؛ در جاهای دیگر، تردیدافکنی در دلهای مردم نسبت به یکدیگر؛ يك بهانه ای مثل بهانه ی انتخابات را پیش بکشند، ایجاد تردید کنند، دلها را نسبت به یکدیگر چرکین کنند، مردم را در مقابل هم قرار بدهند؛ بعد در میانه، عناصر دست آموز مغرض معاند را به کارهای خلاف وادار کنند و مسئولین کشور نتوانند تشخیص بدهند کی بود، چی بود، چه شد. این جزو طرحهای اساسی است. اینجور کاری را دنبال میکنند. (2)

یکی از چیزهایی که قطعاً منافی با پیشرفت است، اختلاف و تفرقه است؛ تفرقه ی میان آحاد ملت، تفرقه ی میان مسئولین، تفرقه ی میان بخشهای گوناگون نظام، تفرقه ی میان نظام و مردم. این انسجام و یکپارچگی ای که انقلاب به ما داد، باید مثل يك ناموس مقدسی حفظ شود، از آن پاسداری شود. یکی از مهمترین کارهایی که در جنگ نرم دشمن وجود دارد - همیشه وجود داشته، امروز هم وجود دارد - این است که در این اتحاد يك تزلزی

ص: 236

---

1- . بیانات در دیدار با دانشجویان و جوانان استان قم 89/8/4

2- . بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور 88/9/4

ایجاد کنند، شکاف ایجاد کنند. برای این کار تلاش میکنند: بین شیعه و سنی اختلافات مذهبی ایجاد کنند، بین فارس و عرب و ترک و کرد و دیگران اختلافات قومی ایجاد کنند، اختلافات منطقه ای ایجاد کنند، اختلافات سازمانی ایجاد کنند، اختلافات حزبی ایجاد کنند.

با همه ی اینها باید با توجه کامل مقابله کرد؛ یعنی همان چیزی که ما به آن میگوئیم بصیرت. بدانیم کجائیم. این سنگری را که امروز شما در آن حضور دارید، بشناسیم. فرق است بین آن سربازی که در يك سنگر حساسی قرار گرفته و میداند که سنگر او چقدر حساس است، اهمیت کار خود و جایگاه خود را میداند، و بین آن کسی که در همان سنگر است، اما نمیداند چقدر مهم است؛ خوابش میبرد، غفلت میکند، سنگر را رها میکند، در داخل سنگر با همسنگری اش دعوا میکند. بدانیم جایگاه ملت ایران چقدر حساس است. (1)

### 3.5. خدشه در نشانه های امید و اتقای یأس به جامعه

دشمنان ما؛ دشمنان انقلاب، دشمنان نظام جمهوری اسلامی، چند خط را دارند دنبال میکنند که این در تبلیغاتشان و در کاری که انجام میدهند، واضح هم هست؛ اینها چیزهای پوشیده و پنهانی نیست؛ باید در ذهن خودمان اینها را جمع بندی کنیم:

یکی این است که نشانه های امید را مخدوش کنند؛ مورد خدشه قرار بدهند، که از جمله همین انتخابات بود. حضور هشتاد و پنج درصدی مردم، يك چیز امید بخشی است، يك چیز مهمی است؛ همانطور که عرض کردیم، سی سال بعد از يك انقلاب، مردم کشور بیایند به نظام برآمده ی این انقلاب

ص: 237



يك چنین آراء وسیعی را تقدیم بکنند، این جز اعتماد به این نظام و دل بستن به این نظام، معنای دیگری ندارد؛ و این اتفاق افتاد. یا رئیس جمهوری را با این رأی بالا-انتخاب بکنند، این يك چیز بی سابقه است. این اتفاق افتاد؛ این کار در کشور شد. این خیلی نقطه ی قوت مهمی است. سعی شد این نقطه ی قوت را تبدیل کنند به نقطه ی ضعف؛ این مایه ی امید را تبدیل کنند به مایه ی تردید، مایه ی یأس. این کار خصمانه ای است. در کشور، مایه های امید فراوان است؛ زیرساختهای کشور، امروز زیرساختهای بسیار مستحکمی است؛ کارهای مهمی در طول این سالها انجام گرفته و امروز کشور آماده ی يك حرکت جهش وار به جلوست. پیشرفتهای علمی، امروز خیلی چشم نواز و چشم گیر است؛ به طوری که دیگران - دانشمندان کشورهای دیگر، آنهایی که انگیزه ی سیاسی ندارند - اعتراف میکنند؛ که يك نمونه اش را دیشب توی تلویزیون دیدید. در مورد همین سلولهای بنیادی، اعتراف کردند که باور نمیکردند در ایران این حد پیشرفت وجود داشته باشد. میگوید: من پارسال هم در این کنفرانس علمی شرکت کردم، امسال هم شرکت کردم؛ امسال تا پارسال تفاوت زیادی به وجود آمده، پیشرفت زیادی شده! این يك نمونه اش است؛ ده ها نمونه از این قبیل داریم که اینها پیشرفتهای علمی است؛ مایه های امید است. خود تجربه ی سی ساله - سی سال تجربه پشت سر ماست؛ در اختیار ماست - نسل جوان پر انرژی و تحصیلکرده ای در وسط میدان است؛ اینها همه مایه های امید و نقاط قوت است. نسل جوانی که هم تحصیلکرده است، هم اعتماد به نفس دارد، هم احساس میکند که میتواند کشور خودش را پیش ببرد. ما يك سند چشم انداز داریم که تا سال 1404، مشخص کرده که خط ما از لحاظ پیشرفتهای کشوری و مادی کجاست؛ خیلی چیز مهمی است. معلوم کردیم که به کجا باید برسیم و از چه طریقی باید حرکت

بکنیم. اینها عوامل امید است، اینها نقطه های قوت است. میخواهند اینها را به موجبات یأس تبدیل کنند؛ راجع به سند چشم انداز صحبت بشود، میگویند آقا به این سند توجهی نشده؛ راجع به پیشرفتهای علمی بحث بشود، میگویند اینها خیلی اهمیتی ندارد؛ راجع به انتخابات بحث بشود، این شبیه ها و خدشه ها را پیش می آورند؛ راجع به جوانها صحبت بشود، اشاره میکنند به تخلف چند تا جوان در يك طرفی! یعنی همه ی این نقاط مثبت، این قله های برجسته ای که همه اش امیدافزا هست، اینها را سعی میکنند در چشمها کمرنگ کنند. متقابلاً نقاط ضعف کوچکی که حتماً وجود دارد، بزرگ کنند یا نقاط ضعف را - نمیگوئیم هم کوچک، نقاط ضعفی وجود دارد - بزرگ نمائی کنند؛ چند برابر آنچه که هست، این نقاط ضعف را نشان بدهند؛ سیاه نمائی کنند؛ تلقی های بدبینانه ی نسبت به نظام را گسترش بدهند. می بینید دیگر؛ به زور میخواهند این یأس را به جامعه القاء کنند. وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویائی خواهد افتاد؛ افراد مبتکر، افراد نخبه، افراد جوان و پُر نشاط منزوی میشوند، کناره گیری میکنند، دست و دلشان به کار نمیروند، مشارکتها کم میشود، پویائی جامعه از دست میرود. این یکی از خطوط کاری دشمن است؛ مرتباً القای بن بست کردن. شما اگر ببینید این تبلیغات رادیوها را - حالا امروز رادیوها دیگر نیست. يك وقتی میگفتیم ده ها رادیو، امروز مسئله ی هزارهاست؛ رادیو هست، تلویزیون هست، این وسائل اینترنتی هست - به طور دائم از مراکز مشخصی، مرتباً القای بن بست، القای بحران، القای سیاه بودن وضعیت میشود؛ هر مقداری که بگیرد، هر مقداری که مستمع و شنونده پیدا بکند و باورپذیر باشد برای آنها؛ دارند در این زمینه کار میکنند. این یکی از خطوط کاری دشمن است. (1)

ص: 239

این خط دیگری است که به نظر ما دشمن بر روی او هم دارد سرمایه گذاری میکند - منصرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است. ما هرگز منکر نیستیم که در نارسائی های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ»؛ اینکه معلوم است؛ دشمن هم اگر ضربه ای به ما زد و این ضربه کاری شد، این هم «من نفسک» است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمانها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که میخواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القائی و تبلیغاتی دشمن است. حالا طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، میگویند: آقا شما همه اش به گردن دشمن می اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی بینیم دشمن را؟ چرا نمی بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا میکند از آنچه که اینجا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آنجا، رئیس يك کشور بزرگ از آدمها اسم می آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می آورد و تمجید میکند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم. چرا؟ چون يك کلمه ای گفته که آنها خوششان آمده. اینها را باید دید؛ اینها را باید متوجه شد و نبایستی از دشمنی دشمن غفلت

کرد. البته دشمنی او خلاف انتظار نیست، غفلت ما خلاف انتظار است. (1)

## 6. راههای مقابله با جنگ نرم دشمن

### 6.1. ایجاد بصیرت و تدبیر

دشمن يك جدولی این جوری درست کرده، برای اینکه يك حرفی از تویش در بیاورد؛ چند تا از این حروف را هم ما بگذاریم! این را باید مراقبت کرد؛ بحث سر این است؛ باید جدول دشمن را کامل نکنیم؛ پازل دشمن را کامل نکنیم؛ ببینیم دشمن چه کار دارد میکند و چه کار میخواهد بکند؛ اهداف و حضور واضح او را ببینیم.

... امروز مؤثرترین سلاح بین المللی علیه دشمنان و مخالفین، سلاح تبلیغات است؛ سلاح ارتباطات رسانه ای است. امروز این قوی ترین سلاح است و از بمب اتم هم بدتر و خطرناکتر است. این سلاح دشمن را شما در بلوهای بعد از انتخابات ندیدید؟ دشمن با همین سلاح، لحظه به لحظه، قضایای ما را دنبال میکرد و به کسانی که اهل شیطنت بودند، رهنمود میداد. «وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ لِيُجَادِلُوكُمْ»؛ دائم به اولیاء خودشان ایحاء میکردند. خوب، این حضور دشمن است دیگر؛ حضور دشمن را از این واضح تر و روشن تر میشود فرض کرد؟

باید بصیرت داشت. آنچه که انسان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسی و گروه های سیاسی انتظار دارد، این است که با این حوادث، با این خطوط دشمن، با بصیرت مواجه بشوند؛ با بصیرت. اگر بصیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهای ما ممکن است تغییر پیدا بکند؛

ص: 241

آنوقت وضعیت بهتر خواهد بود. بعضی از کارها از روی بی بصیرتی است. (1)

## 6.2. اتحاد مردم در مقابل مخالفان انقلاب و استقلال کشور

اصرار بنده بر این است که آحاد مردم، ملت ایران، جریانات مختلف سیاسی، همه در مقابل آن افراد معدودی که با اصل این انقلاب مخالفند، با اصل استقلال کشور مخالفند، هدفشان دودستی تقدیم کردن کشور به آمریکا و به استکبار است، با یکدیگر یکی باشند. دشمن از اینگونه عناصر در داخل ملتها دارد؛ در داخل ملت ما هم اینجور کسانی هستند، معدودی از این قبیل پیدا میشوند. متن ملت، آحاد مردم، این توده ی عظیم مردمی - از خواص تا عامه ی مردم - اینها را باید از آن عناصر معدود خودفروخته جدا کرد؛ نباید اشتباه اتفاق بیفتد. من می بینم در بعضی از اظهارات، در بعضی از حرفها، فضا آنچنان مغشوش میشود که افراد سردرگم میشوند؛ مردم نسبت به همدیگر، نسبت به نخبگانشان، نسبت به مسئولانشان بدبین میشوند؛ این درست نیست. (2)

## 7. دانشجویان؛ افسران جوان جبهه جنگ نرم

### 7.1. معنای افسری

ما با جنگ نرم، با مبارزه ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوانها هم همین را می گفتند؛ مکرر قبل از اینکه بنده بگویم، آنها هم می گفتند و همه این را میدانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتیم: در این جنگ نرم، شما جوانهای دانشجوی، افسران جوان این جبهه اید. نگفتیم

ص: 242

---

1- . بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری 88/7/2

2- . بیانات در دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور 88/9/4

سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچگونه از خودش تصمیم گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده میگوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه ها و یگانهای بزرگ، چون آنها طراحی های کلان را میکنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل میکند، هم صحنه را درست می بیند؛ با جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا اینها افسران جوانند؛ دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می بینند، در چهارچوب هم کار میکنند. (1)

## 7.2. الزامات افسری در جبهه جنگ نرم

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، اینها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛ اینها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاقهای فکرتان بنشینید، راهکارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله ی با يك حرکت همه جانبه ی متکی به زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته ی علمی رسانه ای. باید با این جریان شیطانی خطرناك مقابله شود.

... همین جا به شما بگویم، مواظب باشید توی این قضایای سیاسی کوچک و حقیر نبادا دانشگاه تحت تأثیر قرار بگیرد؛ نبادا کار علمی دانشگاه متزلزل شود؛ نبادا آزمایشگاه های ما، کلاسهای ما، مراکز تحقیقاتی ما دچار آسیب بشوند؛ حواستان باشد. یعنی یکی از مسائل مهم در پیش روی شما،

ص: 243

حفظ حرکت علمی در دانشگاه هاست. دشمنها خیلی دوست میدارند که دانشگاه ما يك مدتی لااقل دچار تعطیلی و تشنج و اختلالهای گوناگونی باشد؛ این برایشان يك نقطه ی مطلوب است؛ هم از لحاظ سیاسی برایشان مطلوب است، هم از لحاظ بلندمدت؛ چون علم شما از لحاظ بلندمدت به ضرر آنهاست؛ لذا مطلوب این است که دنبال علم نباشید.

حالا شما جوانانی که گفتیم افسران جوان مقابله ی با جنگ نرم هستید، از من نپرسید که نقش ما دانشجویان در تخریب مسجد ضرار کنونی چیست؛ خوب، خودتان بگردید نقش را پیدا کنید. یا مقابله ی با نفاق جدید، یا تعریف عدالت. من اینجا بیایم بنشینم يك بحث فلسفی بکنم، عدالت چند شعبه دارد، چه جوری است. (1)

### **8. نقش اساتید در فرماندهی جبهه جنگ نرم**

اگر در زمینه های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید؛ دشمن را درست شناسائی بکنید؛ هدفهای دشمن را کشف بکنید؛ احياناً به قرارگاه های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سر بکشید و بر اساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه های مختلف، فرماندهان بالا این نقشها را ایفا میکنند.

خوب، حالا استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته ی

ص: 244

حال و آینده‌ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوان‌هایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی‌کند. به اینها قدرت تحلیل بدهید. به اینها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلائی که ممکن است بر سر یک نسل در یک کشور بیاید، ناامیدی است، یأس است. اینکه می‌گویند: آقا! چه فایده دارد؟ فایده ای ندارد. این روحیه‌ی «فایده ای ندارد» - یأس از آینده - سم مهلك همه‌ی فعالیتهاست؛ چه فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی، چه حتی فعالیت‌های علمی، فعالیت‌های پژوهشی. این کسانی که کشفیات بزرگ را در زمینه‌های علوم تجربی و دانش‌های گوناگون انجام دادند، اینها اگر ناامید از نتیجه بودند، قطعاً به اینجا نمی‌رسیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می‌برد. جوان ما را ناامید کنند از کشورش، از انقلابش، از آینده‌اش، از دولتش، از دانشگاهش، از آینده‌ی علمی‌اش، از آینده‌ی شغلی‌اش. این خیلی مضر است. این کاری است که تو برنامه‌های دشمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

یکی دیگر از کارهایی که باید در زمینه‌ی مسائل گوناگون اجتماعی و سیاسی و علمی انجام بگیرد، میدان دادن به دانشجویست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیچ نباید بیمناک بود. این کرسی‌های آزاداندیشی که ما گفتیم، در دانشگاه‌ها باید تحقق پیدا کند و باید تشکیل بشود. اگر چنانچه بحث‌های مهم تخصصی در زمینه‌ی سیاسی، در زمینه‌های اجتماعی، در زمینه‌های گوناگون



حتی فکری و مذهبی، در محیطهای سالمی بین صاحبان توان و قدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این بحثها به محیطهای عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد آمد. وقتی که با عامه ی مردم، افراد مواجه میشوند، همه نمیتوانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه ی با عامه ی مردم، انسانها را دچار انحرافها و انحطاطها و لغزشهای زیادی میکند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می بینید در مواجهه ی با عامه ی مردم يك حرفی میزنند، يك چیزی میگویند، در اعماق دلشان ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضی ها جوگیر میشوند؛ این خیلی چیز بدی است. اگر در محیطهای خاص، محیطهای آزاداندیشی و آزادفکری، این مسائل مطرح بشود - مسائل تخصصی، مسائل فکری، مسائل چالش برانگیز - مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد. (1)

## 9. نقطه پایان؛ پیشرفت و رسیدن ما به اقتدار همه جانبه

پیشرفت در يك جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه ی ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است: پیشرفت در تولید ثروت ملی، پیشرفت در دانش و فناوری، پیشرفت در اقتدار ملی و عزت بین المللی، پیشرفت در اخلاق و در معنویت، پیشرفت در امنیت کشور - هم امنیت اجتماعی، هم امنیت اخلاقی برای مردم - پیشرفت در ارتقای بهره وری. ارتقای بهره وری معنایش این است که ما بتوانیم از آنچه که داریم، بهترین استفاده را بکنیم. از نفت موجود، از گاز موجود، از کارخانه ی موجود، از راه موجود و از آنچه که در اختیار

ص: 246

هست، بیشترین و بهترین استفاده را بکنیم. همچنین پیشرفت در قانون‌گرایی و انضباط اجتماعی؛ که اگر ملتی دچار بی‌قانونی بشود، قانون شکنی بر ذهن و عمل مردم حاکم بشود، هیچ پیشرفت معقول و درستی نصیب آن ملت و کشور نخواهد شد. پیشرفت در وحدت و انسجام ملی؛ چیزی که دشمنان از اول انقلاب سعی کرده‌اند آن را به هم بزنند؛ اما خوشبختانه ملت ما اتحاد و انسجام خود را با همه‌ی زمینه‌هایی که ممکن بود برای تفرقه‌مورد سوءاستفاده قرار بگیرد، حفظ کرده است؛ این را ما باید هرچه بیشتر کنیم و ارتقاء ببخشیم. پیشرفت در رفاه عمومی؛ همه‌ی طبقات بتوانند از رفاه برخوردار شوند. پیشرفت در رشد سیاسی؛ که درک سیاسی، رشد سیاسی، قدرت تحلیل سیاسی برای جمعیت عظیمی مانند جمعیت ملت ما، مثل یک حصار پولادین در مقابل بدخواهی‌های دشمنان است؛ لذا ما باید رشد سیاسی خود را بالا-ببریم. مردم ما از لحاظ رشد سیاسی، امروز هم از بسیاری از ملتها جلوترند؛ اما باز در این جهت هم باید پیشرفت کنیم. مسئولیت‌پذیری، عزم و اراده‌ی ملی؛ در همه‌ی این زمینه‌ها باید پیشرفت بشود. (1)

نکته‌ی اصلی که هم دانشجویها، هم دانشگاہیان عزیز، هم همه‌ی آحاد ملت، بخصوص نخبگان و هوشمندان باید به او توجه کنند، این است که نظام جمهوری اسلامی این «توانائی» و این «اقتدار ذاتی» را دارد؛ همچنانی که تا امروز در طول این سی سال توانسته ایستادگی کند. آنها همه‌ی همتشان این بود که جمهوری اسلامی را نابود کنند و از بین ببرند؛ اما نه فقط نابود نشد، بلکه روزه روز در بخشهای مختلف قوی‌تر شد. سیاستهای استکبار، سیاستهای آمریکا، سیاستهای شبکه‌ی صهیونیستی عالم که آماج اولش برای دشمنی، به دلائل روشن، جمهوری اسلامی است، نمیتوانند جمهوری اسلامی

ص: 247

را از پا در بیاورند. نه فقط نمیتوانند از پا در بیاورند، نمیتوانند کند کنند. ما میتوانیم با سرعت حرکت خودمان را پیش ببریم. البته منتظر توطئه ی دشمن هستیم. این توطئه ها ادامه پیدا خواهد کرد، تا يك مقطعی؛ آن مقطع عبارت است از اقتدار همه جانبه ی کشور که این، کار شما دانشجوها، کار شما نسل جوان است. آن وقتی که توانستید کشور را به اقتدار علمی و به اقتدار اقتصادی برسانید و آن وقتی که توانستید عزت علمی را برای کشور فراهم کنید، آن روز البته توطئه ها کم خواهد شد؛ مأیوس خواهند شد. تا وقتی به آن نقطه نرسیده ایم، منتظر توطئه ها باید بود و آماده ی مقابله ی با این توطئه ها باید بود. و ان شاءالله هر روزی که بگذرد، شما قوی تر خواهید بود، دشمن شما ضعیفتر خواهد شد و آن روزی که پیروزی نهائی نصیب ملت بشود، ان شاءالله روز دوری نخواهد بود. (1)

ص: 248

---

1- . بیانات در دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت 87/9/24

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

